

کتاب‌آبی

گزارش‌های محرمانه
وزارت امور خارجه انگلیس
درباره انقلاب مشروطه ایران

جلد سوم

از تاریخ ۱۱ مه ۱۹۰۹ تا ۳۰ نوامبر ۱۹۰۹

بکوشش احمد بشیری

کتاب آبی

گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس
در باره انقلاب مشروطه ایران

به کوشش و ویراستاری
احمد بشیری

www.adabestanekave.com

جلد سوم

۱۱ مه ۱۹۰۹ تا ۳۰ نوامبر ۱۹۰۹
۲۱ اردیبهشت ۱۲۸۸ تا ۸ آذر ۱۲۸۸
۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۷ تا ۱۶ ذی قعدة ۱۳۲۷

نشر نو
تهران، ۱۳۶۳

چاپ اول: ۱۳۶۳
تعداد ۱۰۰۰۰ نسخه
حق چاپ محفوظ است.

www.adabestanekave.com

چاپ و صحافی: چاپخانه فاروس ایران

درخواست از خوانندگان کتاب

در این کتاب گزارش رویدادهای گوناگون یکی از پرآشوب‌ترین و آموزنده‌ترین دوران‌های تاریخ میهن ما یعنی چگونگی پا گرفتن و پیروز شدن جنبش مشروطه‌خواهی در ایران را می‌خوانید.

چنانکه در پیش‌گفتار نیز یادآور شده‌ایم گردآورندگان مطالب کتاب، به‌دلایل و انگیزه‌های ویژه خودشان بسیاری از حوادث را چنان به‌کوتاهی و اختصار برگزار کرده‌اند که جز با موشکافی و کاوش بسیار نمی‌توان از آنها سر درآورد و بدتر از این، در بیشتر جاها از آفرینندگان و قهرمانان ماجراها به‌درستی نام نبرده و یا سربسته و رمزگونه از آنها یاد کرده‌اند که بهر روی خواننده را بیشتر گیج و درمانده و دریافت مطلب را برایش بسی دشوار می‌کند.

ما برآنیم که در پایان کار چاپ کتاب، پیرامون اینگونه مطالب و رخدادها بررسی تازه‌ئی کنیم و تا جائیکه بشود گوشه و کنار آنها را روشن گردانیده، نارسائی‌ها را از میان برداشته و مردان و زنان ناشناس مانده در کتاب را به‌خوانندگان بشناسانیم. برای کامیابی در کاری که قصد انجامش را داریم به‌کمک و یاری خوانندگان آگاه و بیداردل کتاب به‌فراوانی نیازمندیم و آنها می‌توانند با روشنگری‌ها و توضیحات تازه خودشان درباره مطالب کتاب و یا بدست دادن عکسها، نوشته‌ها و مدارک دیگری در این زمینه به پیشبرد کار ما یاری دهند.

مطالب، عکسها و مدارکی که خوانندگان برای ما بفرستند اگر بخواهند بنام‌خودشان در کتاب توضیحات چاپ خواهد شد و اگر مایل به‌پس گرفتن مدارک خود باشند ما، پس از رفع نیاز هر آنچه را که از آنها گرفته‌ایم بخودشان پس خواهیم داد.

باز هم یادآور می‌شویم که کار روشنگرانه‌ئی که در پیش داریم جز با کمک اندیشمندان و آگاهان این دیار بویژه آنان که خود در حوادث دوران مشروطه زیسته و یا در آنها از نزدیک یا دور دستی داشته‌اند انجام‌پذیر نخواهد بود. بزرگواری کنید و هرچه از حوادث و قهرمانان مشروطه می‌دانید در دسترس ما بگذارید باشد که این گوشه شگرف تاریخ ما با همت و همیاری خودتان روشن شود.

لطفاً چنانچه مایل به همکاری با ما بودید نامه‌ها و مطالب خودتان را به صندوق پستی شماره ۱۱۳۶۵-۳۱۴ تهران بنام احمد بشیری بفرستید و یا با تلفن شماره ۹۸۰۸۱۴ آنچه را می‌خواهید با ما در میان بگذارید.

با سپاس فراوان از توجهی که به درخواست ما و روشنتر گردانیدن تاریخ این مرز و بوم خواهید فرمود و در انتظار مهرورزی‌های شما.

احمد بشیری

www.adabestanekave.com

کوشش خود را در کار چاپ این دوره کتاب به
همه مردان و زنان آزاده و جانبازی که انقلاب مشروطه ایران
را پدید آوردند
همه روانهای پاکی که در راه بزرگداشت ایران کوشیدند و جان باختند
شادروانان حاجی علیقلی خان سردار اسعد و همکاران او که
پیشگامان ما در این راه بودند
نیاز می‌کنم.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱

تلگراف سر ادوارد گری (وزیر امور خارجه انگلیس) به سر بارکلی (وزیر مختار انگلیس مقیم طهران) مورخه یازدهم مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۱ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۰ ع ۲ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.
وزراء جدید ایران.

به من خبر رسیده است که ناصر الملك به عنبر مریض بودن پسرش از پاریس برای مراجعت به طهران امتناع نموده است.

نمره - ۲

از طرف سر بارکلی به سر ادوارد گری، مورخه ۱۱ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۱ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۰ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.
این تلگراف راجع است به تلگراف ششم مه من (در باب خیال سپهدار).
همکار روس من می نویسد که نفوذ کلام خود را حتی المقدور به سپهدار بکار برده است لیکن مثر ثمری نشده است و گمان می کند که بواسطه عدم رضایت از شاه احتمال دارد از محل اقامتش، قزوین، به طهران حرکت نماید.

من مستقیماً اطلاعی از عقیده سپهدار ندارم لیکن اگر اظهارات همکار روس من صحت داشته باشد يك اقدام از طرف سفارتین متحداً بهترین طریقی از برای حاصل نمودن صلح طرفین خواهد بود.

نمره - ۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۱ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.
عجالتاً ما باید منتظر حوادث بشویم و محتمل است که اگر بحران به صلح انجامد ناصرالملک مراجعت نماید و تا زمان مراجعت او سعدالدوله کفیل ریاست وزراء خواهد بود (این تلگراف راجع است به تلگراف دیروز من).

نمره - ۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۱ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.
همکار روس من به من اطلاع می‌دهد که دوهفته بتوسط یکی از نایبهای سفارت در قزوین با سپهدار مذاکره و به او گوشزد نموده است که شاه تمام خواهشهای ملتیان را قبول کرده است و همچنین اصرار نموده است که سپهدار جلوگیری از پیش آمدن رولوسیونها [= رولوسیونر]ها نکند.
در طهران تنفر از تعهدات شاه در تزیاید است و این بیشتر بواسطه عدم اعتماد عموم مردم از شاه است نه بواسطه بعضی از مواد فرمان که اسباب عیبجویی شده است و سوای تبریز و قزوین از سایر بلاد اطلاعی از قبول کردن شاه خواهشهای ملتیان را، نداریم.

نمره - ۵

تلگراف سر نیکلسن سفیر کبیر انگلیس در سن پترزبورغ به سر ادواردگری مورخه ۱۲ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۱ ع ۲ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

دولت روس کمک پولی را به دولت ایران مصمم شده است که قسط اول استقراض را پنجاه هزار لیره نماید. «مسیو چریکف» می‌گوید که مسیو سابلین پیشنهاد نموده است که صد هزار تومان این وجه را به حقوق عقب‌افتاده قشون ساخو طهران بدهد و صد هزار تومان دیگر را به قشونی که همراه عین‌الدوله بوده است بدهد و بعد از پرداخت پول

قشون ابوابجهمی عینالدوله را مرخص نماید و مبلغ پنجاه هزار تومان هم به وزارت خارجه بدهد.

نمره - ۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۳ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۳ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۲ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران. ممکن است در یکی دو روز دیگر قشون بحری را از بوشهر مراجعت داد بدون اینکه احتمال خطر برای اتباع خارجه داشته باشد بواسطه اینکه عجالتهاً اوضاع آنجا خوب است.

نمره - ۷

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۱۳ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۳ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۲ ع ۲ - ۱۳۲۷] وزارت خارجه لندن. حرکت ملتیان از رشت

دولت اعلیحضرتی تصویب می نماید پیشنهادی را که شما در این ماه تلگراف نموده بودید.

شما می توانید که با همکار روس خودتان متحداً با سپهدار مذاکره نمائید و بعلاوه به او گوشزد کنید که البته ملتیان باید از فرمان شاه راضی بشوند و به او اصرار نمایید که قبول بکند. به او بگویید که اگر شاه خواست برخلاف قول خودش عمل نماید و اصلاحاتی را که او قول داده است بموقع اجراء نگذارد نماینده دولتین به آن اعلیحضرت همراهی نخواهند نمود.

نمره - ۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۴ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۴ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

تبریز

راجع به تلگراف دهم مه من، تلگراف ذیل از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم تبریز به من مخابره شده است.

بموجب دستورالعمل کتبی، ما دیدنی از انجمن نمودیم. انجمن نماینده به شرق آنربایجان برای اطفاء حرارت آن نقاط فردا خواهند فرستاد. امروز تلگرافی به شاه نموده اند و اظهار تشکر از تعهدات شاه کرده اند. خیلی مایل به صلح تام هستند.

نمره - ۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۴ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۴ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.
شاه و ملتیان

تقریباً تمام متحصنین سفارت عثمانی از سفارت خارج شدند و امروز احتمال کلی دارد که صلاح بشود. شاه به نظر همراه می‌آید و تا به حال هم وزراء در امورات بد رفتار نکرده‌اند. کمیته‌ای که برای ترتیب قانون انتخابات بتازگی تشکیل شده است روی هم‌رفته بد نیست. مذاکرات دوستانه راجع به تعیین حاکم تبریز مابین اهالی و وزراء در جریان است. وزیر امور خارجه سپهدار را نسبتاً ملایم‌تر مشاهده می‌نماید. در خصوص استقراض روس مسیو سبلن [= سابلین] مطمئن است که این پول برای پرداخت و خلع سلاح نمودن قشون غیرلازم و همچنین برای پرداخت حقوق عقب‌افتاده سایر قشون بمصرف خواهد رسید و باین طریق تخفیف در اغتشاش حاصل خواهد شد و نه این است که در واقع همراهی با مستبدین بشود.

نمره - ۱۰

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۱۴ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری مسیو چریکف امروز به من اطلاع داد که ملتیان تبریز اسلحه خود را تسلیم می‌نمایند و همچنین رولوسیونر [= رولوسیونر] های روس را هم مجبور به خلع سلاح می‌نمایند و گفتند که بهبودی زیادی در اوضاع تبریز حاصل گردیده است.

نمره - ۱۱

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۱۴ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ هجری [۲۴ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۲ - ۱۳۲۷] از سن پترزبورغ.
مسیو چریکف اظهار داشت که به شما پیشنهاد بکنم که از طرف سفرای کبار روس و انگلیس دستورالعملی به ژنرال قنسولهای خودشان مقیم بغداد فرستاده بشود که بموجب آن دستورالعمل ژنرال قنسولهای مزبور مشغول مذاکره با علمای نجف شده که از طرف علما نصیحتی به اهالی ایران بشود باین مضمون که مردم ضدیتی با شاه نکنند و بطور دوستانه قولهایی را که راجع به برقراری مشروطه داده است بپذیرند و بعلاوه از طرف علماء کمکی هم در خصوص اصلاحاتی که شاه در خیال دارد بشود.

نمره - ۱۳

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی ۱۴ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ [۲۴ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۲ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

بوشهر

(راجع به تلگراف شما)

مراجعت قشون بحری را از بوشهر اجازه بدهید.

نمره - ۱۳

تلگراف سر ادواردگری به سر نیکلسن مورخه ۱۴ مه ۱۹۰۹ مطابق با ۱۳۲۷ [۲۴ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

آنقدری که من اطلاع حاصل کردم دولت روس بتوسط سفیر کبیر خودش در لندن گمان می کند حالا که شاه مشروطه را قبول نموده است استقراضی داده بشود که دولت ایران بتواند اصلاحات را مجری بدارد. من به او اطلاع دادم که اگر دولت روس گمان می کند که این استقراض لازم است ما ضدیتی نداریم لیکن تا مدتی که مجلس این قرض را قبول نکند ما قسمت خودمان را از این استقراض چهار صد هزار لیره نخواهیم پرداخت.

نمره - ۱۴

کاغذ سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۱۰ مه ۱۹۰۹ [۲۰ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۱۹ ع ۲ - ۱۳۲۷] از سن پترزبورغ (۱۵ مه به لندن رسیده است).
آقا

من مسیو چریکف را متذکر نمودم در هشتم این ماه که از قرار مذکور دولت روس خیال اعزام قشون برای محافظت راه رشت و طهران را دارد. من اظهار امیدواری نمودم که خوب است در هر صورت دولت روس بدو منتظر نتیجه در تجدید به اقدامات نظامی بشود بجهت اینکه از قرار اطلاع ما عجالتاً راه باز است و فرستادن قشون ممکن است که صورت دخالت را پیدا کند. مسیو چریکف گفت که او می خواهد يك قشونی در بادکوبه حاضر نگاه دارد و در رشت و مابین راه معلوم کند که اگر راه بسته بشود قشون به ایران وارد خواهد شد.

امروز صبح کاغذ خصوصی از جناب ایشان به من رسید که در آن کاغذ به من اطلاع دادند که دولت روس مصمم شده است که عدهای قزاق در بادکوبه حاضر نگاهدارد که در صورت لزوم استعدادی به گارد رشت داده و همچنین راه طهران و بحر خزر را نگاه دارند. نظر به اینکه مذاکرات نماینده ما با شاه جریان خوبی حاصل نموده است امیدواریم

که اعزام قزاقهای مزبور لازم نشود.

(امضاء نیکلسن)

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۵ مه ۱۹۰۹ [۲۵ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۴ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

رولوسیونرها در قزوین

(راجع به تلگراف ۱۴ مه من).

وزیر امور خارجه به من و همکار روس من اطلاع داد که او از خیالات سپهدار راضی نیست.

نمره - ۱۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۵ مه ۱۹۰۹ [۲۵ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۴ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

از طرف اهالی تبریز و قزوین و رشت و اصفهان استدعای عاجلانه به وزراء رسیده است که اقدامات برای رفتن قشون روس بنمایند.

سعدالدوله به من گفت که مداومت اقامت قشون روس اسباب جلوگیری از اصلاح طرفین خواهد شد بجهت اینکه مردم گمان می کنند که این قشون به اجاره شاه آمده اند و گمان می کرد که بردن قسمت زیادی از قشون (بقدر اینکه ششصد نفر در شهر و چهارصد نفر در راه بماند) اسباب این می شود که مردم باور خواهند کرد که اقدامات روس موقتی است و اسباب اصلاح خواهد شد. وزیر امور خارجه گمان می کرد که حالایک اندازه زود است که رفتن کلیه قشون روس خواهش بشود لیکن بعد از تعیین حاکمی برای تبریز دولت این خواهش را خواهد نمود.

اجلال الملك که یکی از ملتیان معروف آن شهر است به خواهش اهالی تبریز به نایب الحکومگی منصوب شده است.

نمره - ۱۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۶ مه ۱۹۰۹ [۲۶ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۵ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

گمرکات بوشهر

(راجع به تلگراف ۱۳ مه من)

ترتیب موقتی در خصوص عایدی گمرکات داده شده است که بموجب این ترتیب کلیه

عایدی گمرکات به بانک شاهنشاهی به حساب رئیس گمرکات تحویل داده خواهد شد و مصرف این پول باید به رضایت بانک باشد.^۱

در موقعی که حرکت قشون بحری را رسماً اطلاع دادم شفاهاً یادآوری به سعدالدوله نمودم که اگر طلب و اقساط ماهانه بانک را دولت ایران از مخارج فوری نپردازد نتیجه خوبی برای دولت ایران نخواهد بخشید.

نمره - ۱۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۷ مه ۱۹۰۹ [۲۷ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۶ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

تلگراف ذیل از ژنرال قنصل دولت اعلیحضرتی مقیم تبریز که تاریخ دیروز را دارد برای من رسیده است.

ملتیان اینجا به اصفهان و رشت تلگرافی مخبره نموده‌اند که متضمن نصایح دوستانه نسبت به مذاکرات خودشان با شاه بود. احتمال می‌برد که صمدخان به ساوجبلاغ برای کمک نمودن به حکومت آن محل بر ضد اکراد برود. حکومت ساوجبلاغ درخواست کمک از نایب‌الحکومه تبریز نموده است. برحسب اطلاعی که حاصل نموده [ام] حکومت تبریز از پایتخت درخواست نموده است که سیصدنفر قزاقی که همراه عین‌الدوله بود به تبریز مراجعت دهند برای محافظت تبریز و دولت قبول نموده است.

نمره - ۱۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۷ مه ۱۹۰۹ [۲۷ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۶ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

سپهدار و رولوسیونرها

رئیس ملتیان جواب داده است به مراسله‌ای که بتوسط نایب سفارت روس در قزوین به او رسیده بود. در آن جواب سپهدار اظهار می‌دارد که از قدرت او خارج است که خلع سلاح از شورشیان نماید.

مسیو سابلین گمان می‌کند که تقریباً در قزوین و اطراف ۴۰۰ نفر قفقازی است. او به سپهدار نصیحت کرده است که مراجعت به رشت نماید و بکلی از رولوسیونرها کناره‌جویی کند.

نمره - ۲۰

تلگراف سر ادواردگری به سر نیکلسن مورخه ۱۷ مه [۲۷ اردی بهشت؛ ۲۶ ع ۲] از وزارت خارجه لندن.

راجع به تلگراف ۱۴ این ماه شمادر خصوص مذاکرات با علمای نجف: خواهش می‌کنم که به کفیل وزارت خارجه اطلاع بدهید که من موافقت به پیشنهاد ایشان می‌کنم.

نمره - ۲۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۰ مه ۱۹۰۹ [۳۰ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

بوشهر

راجع به تلگراف ۱۳ مه [۲۳ اردی بهشت؛ ۲۲ ع ۲] من. قشون بحری عودت نمود. نمایندگان دول خارجه در بوشهر موافقتند براینکه اوضاع بوشهر مناسب این اقدام بود و دریابییگی اطمینان داده است به ژنرال قنسول اعلیحضرتی که او می‌تواند از عهده هر اتفاقی و بی‌نظمی برآید.

نمره - ۲۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۳ مه ۱۹۰۹ [۲ خرداد ۱۲۸۸؛ ۳ ج ۱ - ۱۳۲۷] از طهران.

شاه اظهار میل نموده است که عهوی خود ظل‌السلطان را بخواهد و به حکومت اصفهان منصوب نماید. وزیر امور خارجه در موقع پیشنهاد این مطلب از من سؤال نمود که آیا به مراجعت ایشان اعتراض دارید یا خیر. من در این خصوص با مسیو سابلین مذاکره نموده‌ام و به عقیده ما مراجعت ظل‌السلطان موجب اعتراض نخواهد بود در صورتی که به حکومت فارس منصوب گردد.

به علاءالدوله هم حکومت فارس پیشنهاد شده بود لیکن قبول نکرد و تعیین ظل‌السلطان بهترین وسیله است برای انتظام آن ایالت و برقراری امنیت طرق و شوارع.

نمره - ۲۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۳ مه ۱۹۰۹ [۲ خرداد ۱۲۸۸؛ ۳ ج ۱ - ۱۳۲۷] از طهران.

ویس قنسول اعلیحضرتی مقیم رشت راپورت می‌دهد که بهبودی در رفتار قفقازیهای

آنجا حاصل شده است و برطبق این مطلب هم به همکار روس من خبری از قزوین رسیده است.

از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان اطلاع حاصل می‌نمایم که با وجود بعضی اختلاف عقیده [ها] که هنوز هم مابین رؤسای بختیاری است از کاغذی که شاه به آنها نوشته بود خیلی راضی هستند و مصمم شده‌اند که عده زیادی از قشون خودشان را بزودی مرخص نمایند.

کمیته‌ای که برای وضع انتخابات تشکیل شده بود در کارهای خودشان خیلی پیشرفت کرده‌اند.

در خصوص استقراض از دولت روس مابین سفارت و دولت ایران مذاکرات در جریان است. این پول برای پرداخت حقوق قشونی و اجزاء وزارت خارجه تحصیل شده است. قسط اول این استقراض فقط پنجاه هزار لیره خواهد بود.

نمره - ۲۴

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۲۳ مه [۲ خرداد؛ ۳ ج ۱] از سن پترزبورغ

(علماء نجف)

راجع به تلگراف ۱۴ این ماه [۲۴ اردیبهشت؛ ۲۳ ع ۲ - ۱۳۲۷] من

(ذیلا ترجمه مکتوبی است که دولت روس پیشنهاد نموده بود.)

مملکت ایران چند سال است گرفتار کشمکش داخلی است و نظر به دوستی حقیقی به این مملکت دولتین روس و انگلیس تمام نفوذ خودشان را برای برطرف کردن بلیاتی که به آن مملکت دچار است بکار برده‌اند. اقدامات ایشان بی‌ثمر نمانده است. در همین ایام شاه به نصایح دولتین مصمم شده است برای برقرار نمودن مشروطه و عفو عمومی به مقصرین پلنتیکی برای امنیت مملکت.

برای سهولت موفق شدن شاه به برقراری آسایش دستورات عملی به نمایندگان قنسولخانه دولتین روس و انگلیس فرستاده شده است که بواسطه حس وطن پرستانه رؤسای روحانی ملت مسلمان که نفوذ آنها مابین هم‌مذهبان خودشان مؤثر است نمایندگان دولتین از مجتهدین کربلا و نجف خواهش نمایند که همراهی کاملی در این راه انسانیت بنمایند و به تمام فرق ایرانی نصیحت کنند که دست از این دعوای برادرکشانه بردارند و نصایح خیراندیش علمای اعلام اسباب آسایش آن مملکت که مدت‌ها دچار زحمت بوده بشود و همچنین باعث انتظام و آسایشی که اهالی ایران زیاده از حد طالب‌اند خواهد گردید.

نمره - ۲۵

کاغذ سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۴ مه ۱۹۰۹ [۲۴ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

آقا

من شما را از وقایعی که بعد از ملاقات ۲۲ ماه گذشته واقع گردیده بود بتوسط تلگراف اطلاع داده‌ام (مقصود ملاقاتی است که نمایندگان دولتین نصایح روس و انگلیس را به شاه پیشنهاد نموده‌اند) لیکن برای سهولت رجوع به سابقه به نظر اینطور بهتر می‌آید که آن واقعات را در این مراسله بطور اجمال درج نماید.

روز بعد از ملاقات، وزیر امور خارجه به حکم شاه ملاقاتی از نمایندگان دولتین در سفارت روس نمود. وزیر امور خارجه اظهار نمود که اعلیحضرت شاه هنوز بیم آن را دارد که اگر به پیشنهاد دولتین رفتار شود باعث اغتشاش خواهد بود.

ما ایشان را خاطر نشان نمودیم که بهترین راهی برای آسایش این است که نصایحی را که روز قبل به آن اعلیحضرت پیشنهاد شده است معمول و مجری دارند. بعد وزیر امور خارجه اظهار داشت که شاه بیش از صد هزار لیره که ما قول داده بودیم لازم خواهد داشت. ما به ایشان یادآوری نمودیم که دستورالعمل ما بیش از این مبلغ اجازه نمی‌دهد و بعلاوه اظهار نمودیم که در موقعی که مجلس مشغول کار و ادارات مالیه اصلاح شد نمایندگان دولتین سعی کامل خواهند نمود که استقراض مهمی که لزوم آن را ما خوب متوجه هستیم به دولت ایران داده بشود.

روز بعد مجلسی تشکیل شد که در آن مجلس شاه با وزراء و بعضی دیگر حضور داشتند. مقصود از تشکیل این مجلس مذاکره در خصوص پروگرام ما بود.

بعد از ظهر آن روز سعدالدوله به دیدن من آمد و اظهار نمود که به شاه اصرار زیادی نموده است برای قبول نصایح ما. با وجود حضور مستبدین که خیلی ضدیت نمودند لیکن عقیده او این بود که شاه بالأخره به عقیده سعدالدوله رفتار خواهد نمود.

در ۲۵ (۵ اردیبهشت؛ ۴ ع ۲) سعدالدوله مترجمین سفارتین را خواسته و اظهار میل نمود که توضیحاتی در خصوص عمل نمودن پروگرام ما به او داده شود. ما به ایشان جواب دادیم که پیش از اینکه در جزئیات این پروگرام مذاکره بشود می‌بایستی که شاه رسماً قبول نصایح ما را اظهار بدارد.

در این بین خبر ورود قشون روس به سرحد آذربایجان در طهران منتشر گردید. تقی‌زاده و انجمن تبریز این مطلب را برای افتتاح مذاکرات با شاه دستاویز نموده و نتیجه این شد که در ۲۵ ماه اذن متارکه جنگ برای مدت غیرمعینه داده شد و همچنین عفو عمومی و اذن آذوقه به شهر آوردن در ۲۶ ماه به تمام تبریز داده شد.

مجلس هیئت وزراء بعلاوه چند نفر از مستشاران مستبد غیررسمی شاه در ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ ماه منعقد گردید. در این مجالس سعدالدوله سعی هرچه تمام‌تر برضد آراء مستبدین نمود. در یکی از این مجالس پیشنهاد انتشار قانون انتخابات شده بود. این قانون در نواهر

گذشته نزدیک به انتشار بود. در آن موقع يك نمايش جعلی بر ضد ملتیان در باغ شاه به دست درباریان بعمل آمد. این نمايش را شاه سبب قرار داده و انتشار قانون را توقیف نمود. ولی حالا شاه می‌خواست همان قانون ناقص را منتشر نماید و بواسطه انتشار این قانون از اجراء نمودن پروگرام ما امتناع کند.

همکار روس من و من بتوسط سعدالدوله اعلیحضرت شاه را مطلع ساختیم که این اقدام بر ضد پروگرام ما خواهد بود و بهیچوجه بهبودی به اوضاع نخواهد بخشید و اصرار نمودیم که جواب قطعی به اظهارات ما بدهد.

در ۲۵ ماه سفارتین اطلاع حاصل نمودند که شاه صدراعظم و امیربهادر را معزول کرده و عموی خودش نایب‌السلطنه را به صدارت و وزارت جنگ منصوب نموده است.

نایب‌السلطنه یکی از مستبدین سخت نمرة اول است و اگر چه تازگی جزء وزراء نبوده است لیکن نفوذ تامی مثل امیر بهادر جنگ داشته است.

بعد از تبادل افکار با همکار روس خودم متفق شدیم که کتباً شاه را بتوسط سعدالدوله مطلع بسازیم که نایب‌السلطنه در کابینه بکلی پذیرفته نخواهد شد.

ما باز برای جواب اصرار نمودیم و به شاه یادآوری نمودیم که اگر تا دوم ماه جواب به ما نرسد درخواست ملاقات دیگر خواهیم نمود.

صبح زود روز بعد ما اطلاع حاصل نمودیم که سعدالدوله را معزول نموده‌اند. زیرا که معلوم بود این اقدام بواسطه ایستادگی است که سعدالدوله در این چند روزه برای قبولاندن نصایح ما به شاه کرده است و همچنین انتخاب نایب‌السلطنه و عزل سعدالدوله مثل این بود که در واقع اظهارات دولتین موقع مسخره واقع شده باشد. ما مصمم شدیم که پرتست سختی نموده و مترجمین سفارتین را به باغ شاه بفرستیم که اگر نایب‌السلطنه را فوراً معزول و سعدالدوله را منصوب نمایند ما به دولتین متبوعتین خودمان تلگراف خواهیم نمود که این اقدام شاه واضحاً نشان می‌دهد که آن اعلیحضرت رد کرده است نصایح ما را.

لغاً یادداشتی است که مسیو چرچیل در خصوص این ملاقات نوشته است. ملاحظه خواهید نمود که ما به شاه بخوبی تصریح نمودیم که دولتین نمی‌خواهند نصایح خودشان را جبراً به آن اعلیحضرت بقبولانند. شاه آزاد است از قبول یا رد نصایح ما لیکن وجود سعدالدوله برای هر کابینه‌ی فعالی لازم است و به‌این جهت اگر عزل او باقی بماند نشان می‌دهد که اعلیحضرت شاه رد نموده است يك قسمت عمده پروگرام ما را.

آنچه که در این ملاقات رخ داده است بطور وضوح معلوم می‌نماید که اثر کافی بخشیده است بجهت اینکه صبح بعد نایب‌السلطنه مسیو چرچیل را احضار نمود بعلاوه اینکه نایب‌السلطنه پرتست نمود از اینکه او را مستبد خوانده‌اند.

مسیو چرچیل را مطمئن نمود که نظر به ضدیت سفارتین او داخل کابینه نخواهد شد. در ۴ ماه، ما را مطلع ساختند که معاون وزارت امور خارجه عجالتاً کفیل امور آن وزارتخانه خواهد بود.

یکی دو ساعت بعد مراسله‌ای به سفارت رسید که در آن مراسله معاون وزارت خارجه

اطلاع می‌داد که شاه نصایح ما را قبول نهوده ولیکن لازم است توضیحاتی در بعضی از نکات از طرف نمایندگان دولتین به نمایندگانی که از طرف شاه انتخاب خواهند شد در يك مجلسی بدهند.

ما در جواب این مراسله درخواست موقع معینی برای این مجلس نمودیم.

در این بین با وجود اینکه شاه رسماً قبول نصایح ما را اعلان نموده بود امیر بهادر که از وزارت جنگ معزول شده بود باز در باغ شاه حاضر بوده و ریاست گارد شخص شاه را می‌کرد. نایب‌السلطنه هم که در خصوص او ما پرتست سخت نموده بودیم باز به ریاست هیئت وزراء و وزارت جنگ باقی بود.

امروز که روز عید شاه است، شاه اقدام صحیحی نموده و فرمانی صادر کرده بود که در آن فرمان قول برقراری مشروطیت را می‌داد.

فرمان مزبور تشریح می‌نماید که آسایش عموم در مشروطیت است و مشروطه بهترین طریقی برای آسایش مردم و اصلاحات ادارات دولتی خواهد بود و وقت را معین می‌نماید برای انتخابات بموجب قانون انتخابات جدید که بزودی منتشر خواهد گردید. تجربیات گذشته انسان را مشکوک می‌نماید از صمیمیت عقیده شاه، لیکن فرمان همینقدر خوب است که چیزی بر ضد پروگرام رفورمی که دولتین پیشنهاد نموده‌اند متضمن نیست.

(امضاء بازکلی)

ضمیمه نمره ۴۵

یادداشت مسیو چرچیل

در ساعت ۷ بعد از ظهر مسیو بارانوسکی و من شاه را ملاقات نمودیم و همکار روس من ناطق بود:

ما عذر می‌خواهیم از اینکه اعلیحضرت شما را به این وقت تنگ زحمت می‌دهیم. لیکن ما مأموریم که از طرف سفیر انگلیس و شارژ دافر روس به اعلیحضرت شما اطلاع بدهیم که اگر شما فوراً نایب‌السلطنه را معزول و سعدالدوله را به جای خودش نگمارید نمایندگان دولتین مجبور خواهند شد که فردا به دولت متبوعه خودشان تلگراف نمایند که اعلیحضرت شما اقدامی نموده‌اید که بطور وضوح نشان می‌دهد که اعلیحضرت شما هیچ قصد عمل نمودن به نصایح دوستانه دولتین ندارید.

اعلیحضرت شاه گفتند به چه دلیل همچو اقدامی خواهید نمود در صورتی که او قبول نموده است نصایح دوستانه دولتین را و بر طبق آن نصایح هم رفتار کرده است ولی چطور ممکن است که جبراً قبول نماید وزیر امور خارجه را که شخصاً طرف تنفر اوست.

به تمام این سؤالات مسیو بارانوسکی جواب داد که دستورالعملی که به ما داده شده است فقط تذکار مطالب فوق است و بهیچوجه ما مآذون نیستیم که بیش از این سؤال و جوابی نماییم. شاه خیلی ایستادگی نموده و اظهار داشت که نمایندگان دولتین نمی‌توانند تلگراف نمایند که شاه نصایح دولتین را رد نموده است در صورتی که اظهار رسمی او خلاف این مطلب را نشان می‌دهد.

من (چرچیل) گفتم که هجرای رسمی برای رسانیدن این مطلب به سفارتین بتوسط سعدالدوله وزیر امور خارجه است.

شاه گفت که ممکن است این مطالب را بتوسط شما که به مقام رسمی نزد من آمده‌اید به سفارتین پیغام داد که من نصایحی را که پیشنهاد شده است قبول کرده و بیشتری از مواد آن را بموقع اجراء گذارده‌ام. چنانچه مشیرالسلطنه و امیربهادر را معزول نهوده‌عفو عمومی عطا کرده و مشغول ترتیب قانون هستم لیکن در این پیشنهاد موادی ذکر نشده است که دلیل قبولاندن سعدالدوله بزور به وزارتى باشد. نایب‌السلطنه در کابینه نخواهد بود لیکن مصمم شده‌ام که سعدالدوله را هم داخل نمایم.

مسیو بارانوسکی گفت که در این صورت فردا نمایندگان دولتین تلگراف مذکور را به دولت متبوعه خودشان خواهند نمود.

شاه گفت که شما تکلیف مالایطاقی می‌نمایید و ظاهراً چنین معلوم می‌شود که من دیگر سمت شاهی ندارم و شما می‌بایستی که صرف نظر از او یا از من بنمایید.

من وقت را غنیمت شمردم گفتم که دولتین بهیچوجه مایل نیستند که امری را به اعلیحضرت شما جبراً بقبولانند و در واقع خیالشان خیلی برعکس این مطلب است. نصیحت دوستانه به آن اعلیحضرت شده است که در صورت قبول از طرف ما استقراضی داده خواهد شد، شما آزاد و مختارید که این نصایح را رد نمایید و بهرطور که مایل هستید رفتار کنید.

شاه جواب داد که او هیچوقت نصیحت دوستانه دولتین را رد نخواهد نمود و در واقع قبول هم نموده و بموقع اجراء هم خواهد گذاشت. و مطلبی که بر او شاق است وزارت سعدالدوله است و آنهم بواسطه این است که سعدالدوله شخصاً مغرض است و طرف اطمینان نیست.

مسیو بارانوسکی گفت که شما سهو نموده‌اید بجهت اینکه سعدالدوله فقط شخصی است که می‌تواند پروگرام رفورم ما را بطور مشروطه اجراء بدارد.

من گفتم که انتخاب مستبدی مثل نایب‌السلطنه و عزل شخصی مثل سعدالدوله وضوحاً نشان می‌دهد که آن اعلیحضرت بهیچوجه خیال اجراء نمودن نصایح ما را ندارید. اعلیحضرت شما تا به حال اظهار قبول نمودن را نکرده و هیچ يك از مواد پروگرام را کاملاً مجری نداشته‌اید.

بعد شاه گفت که چه اشخاص طرف اعتماد سفارتین هستند؟

به آن سؤال ما جواب داده‌ایم که بعد از اینکه اعلیحضرت شما رسماً به نمایندگان دولتین قبول نمودن نصایح را اعلام نمائید آنوقت داخل جزئیات خواهیم شد.

مسیو بارانوسکی گفت که سفارت روس کراراً به اعلیحضرت شما اظهار نموده است که بهیچوجه راضی به عزل سعدالدوله نیست، با وجود این مطلب شاه استکفاف ورزیده است. حالا شاه می‌باید که قبول بکند نصایح ما را و یا اینکه سفارتین فردا تلگراف خواهند نمود که شاه نصایح ما را رد نموده است.

شاه تا دقیقه آخر بر رأی خود ثابت بود. در ساعت هفت و چهل و پنج دقیقه ما از

حضور مرخص شدیم.

(امضا چرچیل منشی اول السنة اوریا ننتال) طهران

۳۰ آوریل ۱۹۰۹ [۱۰ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲۴ ع ۲ - ۱۳۲۷]

نمره - ۲۶

کاغذ سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۱۵ مه [۲۵ اردی بهشت؛ ۲۴ ع ۲] از سن پترزبورغ.
در ملاقاتی که من دیروز از مسیو چریکف نمودم او به من اظهار نمود بهوجب خبری که برای او از تبریز رسیده است اوضاع آنجا خوب است. انجمن مشغول خلع سلاح نمودن مردم و همچنین مجبور نمودن رولوسیونرهای روسی به تسلیم اسلحه خودشان هستند.
مسیو چریکف عنوان نمود که خوب است دولت ایران بدون تعویق حکومتی برای آنجا معین نماید به دلیل اینکه عجالاً در آنجا هیچکس نیست که مأمورین خارجه بتوانند با او طرف سؤال و جواب بشوند.
من به مسیو چریکف اظهار نمودم که تعلیمات به سر بارکلی فرستاده شده است که همراهی با مسیو سابلین نموده از دولت ایران تقاضای تعیین حاکمی برای تبریز بنمایند لیکن البته لازم است که آن حاکم شخصی باشد که از طرف ملتیان پذیرفته بشود. مسیو چریکف موافقت نمود.

(امضاء نیکلسن)

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۷

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۲۴ مه [۳ خرداد؛ ۴ ج ۱] از وزارت خارجه لندن.

مراجعت ظل السلطان

ملاحظه نمایید تلگراف ۲۳ این ماه خودتان را.
اگر به مسیو سابلین هم همینطور اجازه داده شده است شما می توانید که موافق پیشنهادی که کرده بودید جواب بدهید.

نمره - ۲۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۵ مه ۱۹۰۹ [۴ خرداد ۱۲۸۸؛ ۵ ج ۱] از قلهک.

استقراض [= اقراض] روس به دولت ایران

راجع به تلگراف ۲۳ این ماه من

مثل استقراض سال ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ رهن این صد هزار لیره تمام گمرکات بنادر ایران غیر از بنادر خلیج فارس است و تا اینکه حساب صحیحی از مخارج هر قسطی داده نشود قسط بعد پرداخته نخواهد شد.

یک کمیته‌ای که مستشار مالیه هم سمت عضویت دارد مشغول ترتیب صورت مخارج ضروری هستند. از قراری که فهمیده می‌شود تمام این صد هزار لیره خرج خواهد شد. مخصوصاً در کنترات این استقراض که هنوز هم در تحت نظر دولت ایران است شرط شده است برای هر مخارجی بدو امضاء سفارت روس می‌باید تحصیل بشود. سفارت مایل است که قسمت عمده این پول برای پرداخت حقوق و مرخص نمودن قشون صرف شود لیکن کمیته بعضی مخارج فوری دیگر را پیشنهاد می‌نماید.

نمره - ۲۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۹ مه [۸ خرداد؛ ۹ ج ۱] از طهران. از قراری که وزیر امور خارجه به من اطلاع داده است حکومت تبریز به علاعالدوله داده شده است. کاندیدای ملتیان مخبر السلطنه است و مخبر السلطنه پیش از این اغتشاشات حاکم آنجا بود.

www.adabestanekave.com

نمره - ۳۰

تلگراف سر ادواردگری به سر لوتار [= لوتر] سفیر کبیر انگلیس در اسلامبول مورخه ۲۹ مه ۱۹۰۹ [۸ خرداد ۱۲۸۸؛ ۹ ج ۱ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن. شما می‌توانید که بهمراهی همکار روس خودتان دستورالعمل متحدالمالی در خصوص مذاکره با مجتهدین به ژنرال قنولگری بغداد بفرستید. (ملاحظه نمایید تلگراف ۲۳ این ماه از سن پترزبورغ [را])

نمره - ۳۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳۱ مه [۱۰ خرداد؛ ۱۱ ج ۱] از قلهک. در تلگراف ۲۹ این ماه تعیین علاعالدوله به حکومت تبریز راپورت داده شد. ملتیان طهران از این مطلب متفرند به دلیل اینکه او را مستبد فرض می‌نمایند. ژنرال قنول اعلیحضرتی باز هم مایل به این انتخاب است و خاطر نشان می‌نماید که حاکم تبریز می‌باید شخص با نفوذ با استخوانی باشد و می‌گوید که هیچ دلیلی نیست که این تعیین اسباب تفرع عموم اهالی تبریز بشود هرچند که یک عده اشخاص خودسر هستند

که مایل به يك حاکم مقتدری نیستند.

نمره - ۳۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳۱ ماه مه ۱۹۰۹ [۱۰ خرداد؛ ۱۱ ج ۱] از قلهاک.
 تلگراف ذیل که تاریخ ۳۰ ماه مه را دارد از ژنرال قنصول اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من مخابره گردیده است.
 چهار روز قبل نزاعی مابین دو دسته از فداییها در محله حکمآباد زوی داد. این نزاع باعث اغتشاش گردید.
 يك دسته از این فداییها به ژنرال قنصولگری روس فرار نمودند. دسته دیگر را هم بعد قشون روس توقیف نمودند.
 در حینی که قشون روس مشغول این اقدام بودند يك سنگری که در جلو آنها بود خراب و منهدم نمودند.
 نتیجه این اقدامات این شد که ستارخان و باقرخان به ژنرال قنصولگری عثمانی رفته متحصن شدند.

نمره - ۳۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳۱ مه ۱۹۰۹ [۱۰ خرداد؛ ۱۲۸۸؛ ۱۱ ج ۱-۱۳۲۷] از قلهاک.

ناصرالملک

تلگرافی از شاه به ناصرالملک مخابره شده است که به او ریاست وزراء و وزارت مالیه را پیشنهاد نموده‌اند و از او خواهش کرده‌اند که مراجعت به ایران نماید.

نمره - ۳۴

تلگراف سر لوتار [= سر لوتر] به سر ادواردگری مورخه ۳۱ مه ۱۹۰۹ [۱۰ خرداد؛ ۱۱ ج ۱] از اسلامبول
 راجع است به تلگراف ۱۲ مه [۲۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۱ ع ۲ - ۱۳۲۷] من
 مجتهدین

راجع به تلگراف ۲۹ این ماه شما افتخار دارم از اینکه راپورت بدهم من و همکار روس من در خصوص مضمون دستورالعمل متحدالمال متفق شده و به بغداد فرستادیم.

نمره - ۳۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخهٔ اول ژون ۱۹۰۹ [۱۱ خرداد ۱۲۸۸؛
۱۲ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهاک.

استقراض [= اقراض] روس به دولت ایران

مسیو سابلین نسخه‌ای از معاهده راجع به استقراض به دولت روسیه تقدیم نموده است.
بعد از تلگراف ۲۵ مه من قدری تغییر و تبدیل که تفاوتی برای دولت ایران ندارد
در آن داده شده است.

مثلاً شرطی که این استقراض صد هزار لیره باید به اقساط داده بشود در این ترتیب
اخیر نسخ شده است. من گمان می‌کنم که باستثنای این ماده احتیاط لازمه شده است که
این پول به مصرف غیر لازم نرسد و بعلاوه وزرای متصدی مجبور خواهند بود که بعد حساب
کاملی از مخارج را به مجلس ارائه بدهند.

نمره - ۳۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخهٔ ۲ ژون ۱۹۰۹ [۱۲ خرداد؛ ۱۳ ج ۱]
از قلهاک

ناصرالملک

ثانیاً ناصرالملک از پیشنهادی که شاه به او نموده بود و در تلگراف ۳۱ ذکر شد امتناع
نموده و متعذر به ناخوشی پسرش شده است.

نمره - ۳۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخهٔ ۲ ژون ۱۹۰۹ [۱۲ خرداد؛ ۱۳ ج ۱]
از قلهاک

تبریز

تلگراف ذیل از قنسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من رسیده است.
امشب کاغذی از همکار عثمانی من برای من رسید و در آن کاغذ به من اطلاع می‌داد
که حمایت دولت عثمانی به شخص و اموال ستارخان و باقرخان و بعضی اشخاص مهم تبریز
که اسامی آنها فرستاده خواهد شد عطا شده است.

نمره - ۳۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری ۲ ژون ۱۹۰۹ [۱۲ خرداد؛ ۱۳ ج ۱] از قلهاک
تبریز

تلگراف ذیل مورخه اول ژون از طرف ژنرال قنصول اعلیحضرتی مقیم تبریز مخابره
گردیده است:

از طرف بعضی اشخاص اقداماتی شده است که بازارها را ببندند ولی تاکنون بی نتیجه
مانده است. آنچه من اطلاع حاصل نموده‌ام اشخاصی که با ستارخان و باقرخان همراهی
دارند فقط اشخاصی هستند که منافع خودشان را در مداومت اغتشاش می‌دانند و دور آنها
جمع شده‌اند.

این اشخاص کوشش می‌نمایند که عموم مردم را بواسطه تهدید با خود همراه نمایند.
لیکن میل اکثریت مردم به صلح و خاموشی است.

از چندین نفر اشخاص محترم اینجا به من گفته شده است که در این چند وقت اخیر
در تلگرافاتی که از طرف رؤسای ملتیان تبریز به طهران مخابره شده است اسامی آن
اشخاص را هم در جزو امضاءکنندگان بدون اجازه آنها قلمداد نموده‌اند.

نمره - ۳۹

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۵ ژون ۱۹۰۹ [۱۵ خرداد؛ ۱۶ ج ۱]
از پترزبورغ.

اوضاع تبریز

بموجب خبری که قنصول روس تلگراف نموده است نزاعی مابین دو دسته از ملتیان واقع
شده است. از قرار معلوم يك شخصی موسوم به یوسف رئیس دسته بوده است که ابتداء
آن دسته شروع به نزاع نموده‌اند و از قراری که می‌گویند این شخص مذکور مدتی در
آن محله که این واقعه رخ نموده است مردم را تهدید می‌نموده. دسته‌ای که بطرف آنها حمله
شده بود فرار نموده بطرف خانه نایب‌الحکومه رفتند. نایب‌الحکومه قادر به حمایت و پناه
دادن نبود. پس از آن به قنصولخانه روس متحصن شدند.

مأمورین روس به نایب‌الحکومه اطلاع دادند که هر وقت اشخاصی را که در توقیف ما
هستند احضار نماید بجهت نایب‌الحکومه خواهیم فرستاد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۴۰

کاغذ سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۱ مه ۱۹۰۹ [۲۱ اردیبهشت ۱۲۸۸؛
۲۰ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.
آقا

در بقیه راپورت اتفاقاتی که بعد از پیشنهاد نصاب دولتین به شاه (ملاحظه نمایید مرسله

۵ ماه مه را) رخ داده است من افتخار دارم از اینکه راپورت بدهم دستخطی را که در روز عید مولود شاه (۵ مه) صادر شده بود که آن دستخط مبنی به برقراری مشروطه محدود بود. هر چند که در تبریز خوب پذیرفتند ولی در سایر نقاط از قبیل اصفهان اثری نبخشید بلکه ملتیان آن نقاط اعلان نمودند که به هیچ چیز جز به برقراری مشروطه قدیم راضی نخواهند شد. و مخصوصاً در قزوین بکلی بی اثر و بی نتیجه مانده است بواسطه اینکه همان ایام رولوسیونرها قزوین را تصرف نموده‌اند. بعضی از اشخاص که تازگی از قزوین آمده‌اند به این سفارت خبر داده‌اند که محققاً پس از آنکه استعداد رولوسیونرهای قزوین کامل شد رو به طهران حرکت خواهند نمود. استعداد هم اتصالاً به آنها ملحق می‌شود. پیشقراول آنها تا به «کوند» که منزل اول از قزوین به طهران است رسیده است.

استعداد آنها - در پایتخت بطور اغراق شایع است و این مطلب اسباب توهم باغ‌شاه شده است.

یقیناً بواسطه این مطلب و همچنین ترس از اقدامات بختیاریه‌های متوقف در اصفهان بود که من و همکار روس من شاه را در مذاکرات خودمان همراه دیدیم.

اشخاصی که کاملاً با اطلاع هستند می‌گویند که عدّه زیادی از قفقازیها تا نزدیکی طهران هم آمده‌اند. معلوم است که این حکایت خالی از صحت است.

لیکن من مطلع هستم که خیال این اشخاصی که از رشت به قزوین آمده‌اند تغییرناپذیر است و به نظر من خیلی ممکن می‌آید که به طهران هم بیایند ولو اینکه شاه تمام نصایح ما را بموقع اجراء بگذارد.

ملاقاتی که بنا بود مابین نمایندگان دولتین و نماینده شاه برای توضیحات پروگرام اصلاحات ما واقع شود در هفتم این ماه در این سفارت منعقد گردید. نمایندگان شاه اشخاص ذیل بودند:

کفیل وزارت امور خارجه مؤتمن‌الملک، مستشارالدوله، علاءالملک، حشمت‌الدوله.

از تعیین این اشخاص به سمت نمایندگی شاه، امید است که نتایج سودمندی حاصل شود.

ما در شروع به مذاکرات لایحه را قرائت نمودیم خطاب به مشارالسلطنه کفیل وزارت امور خارجه به این مضمون که اگر سعیدالدوله را فوراً به وزارت امور خارجه و ناصرالملک را به ریاست وزراء و وزارت مالیه برقرار نمایید به دولتین محقق و معلوم خواهد شد که شاه بکلی نصایح ما را رد کرده است.

بعد شروع به مواد پروگرام نمودیم.

اگر چه تذکار جوابهای زیادی که ما به سؤالات آنها دادیم اسباب تصدیع است لیکن دو مطلبی که باعث زحمت زیاد شد راجع به عفو عمومی و قول دادن استقراض بود. در مطلب اول ما دچار اشکالات فوق‌العاده شدیم برای اینکه به نمایندگان شاه بفهمانیم که اشخاصی که بر ضد قوانین معموله از قبیل دزدی و قتل رفتار نموده‌اند البته از عفو عمومی مستثنی خواهند بود. بالاخره موفق شدیم به فهمانیدن این مطلب که مخصوصاً این مطلب عنوان شده است برای اینکه شاه مجبور نیست اشخاصی را که به دستگیری مشروطه مرتکب

جنبه و جنایتی شده‌اند معفو بدارد. در خصوص استقراض نمایندگان شاه از این جمله «اگر لازم بدانند» سوء ظن حاصل نمودند و دو سه مرتبه سؤال نمودند که مقصود دولتین از ذکر این جمله چیست. ما اطمینان دادیم که به دولتین متبوعتین خودمان لزوم استقراض را تأکید نموده‌ایم آنها اظهار دلتگی نمودند که باین ترتیب تا چندین ماه دیگر پولی از این صد هزار لیره عاید دولت نخواهد شد بواسطه اینکه هر قدر که دولت سعی نماید نظر به اشکال مسافرت در ایران مدتی طول خواهد کشید تا اینکه مجلس منعقد گردد. همچنین نمایندگان شاه از لغت گرانتی (ضمانت) که در موضوع استقراض آتیه ذکر شده بود اظهار شکایت نموده و خواهش کردند که در عوض لغت گرانتی لغت کنديسين (شروط) استعمال شود.

نمایندگان شاه گفتند که مجلس از دادن گرانتی زیاده از حد متغیر خواهد شد. ما به ایشان خاطر نشان نمودیم که در این مواقع معمول است که گرانتی داده بشود لکن تغییر لغت فرقی به موضوع اصلی نمی‌کند بعلاوه مجلس مختار است بعد از اینکه اطلاع کامل از گرانتی‌های لازمه حاصل نمود استقراضی را که دولتین پیشنهاد خواهند نمود رد یا قبول نماید.

بیش از اتمام این مجلس من و همکار روس خودم دو صورت از اسامی اشخاصی که به عقیده ما طرف اطمینان بودند برای انتخاب به وزارت و به عضویت کمیسیون قانون انتخابات به نمایندگان شاه دادیم و به ایشان گفتیم که غیر از ناصرالملک و سعدالدوله این اشخاصی که از آنها صورت داده شده است فقط بطور غیررسمی پیشنهاد شده‌اند. نمایندگان جد و جهد زیادی نمودند که ما را راضی نمایند از برداشتن اسم سعدالدوله ولی کوشش آنها بی‌حاصل ماند.

بعد از ختم مذاکرات ما از نمایندگان شاه سؤال نمودیم که آیا ممکن است که آنها از طرف ما به خدمت شاه پیغامی ببرند؟ بعد از اظهار قبول به آنها گفتیم که به شاه اصرار نمایند که در این موقع تنگ و خطرناک خوب است که از طرف شاه فوراً اعلان بشود که آن اعلیحضرت نصایح دولتین را قبول نموده بعضی از مواد آن را بموقع اجرا گذارده‌است و اقدامات لازمه برای اجرا نمودن مواد دیگر بعمل خواهد آمد.

روز بعد (۸ مه) برای دفعه آخر شاه سعی نمود که سعدالدوله را به جای خود برقرار نماید و بتوسط رسولی پیغام فرستاد و به همکار روس من ابلاغ نمود که سفیر انگلیس از بعای سعدالدوله به وزارت صرف نظر نموده است و به خود من (سفیر انگلیس) اطلاع داد که مسئله سعدالدوله چونکه مسئله خصوصی است مابین شاه و نماینده سفارت روس بتوسط مترجم آن سفارت حل خواهد شد. و بالاخره این خدعه اخیر هم بی‌نتیجه ماند.

بعد از ظهر آن روز کفیل وزارت خارجه را ملاقات نموده به او گفتم که من و مسیو سابلین در شرف فرستادن مراسله متحدالمالی هستیم که بموجب آن مراسله ساعتی را معین خواهیم نمود که اگر قبل از آن ساعت بعضی از مواد پروگرام ما اجراء نشود به دولتین متبوعتین خودمان راپورت خواهیم داد که شاه نصایح دولتین را قطعاً رد نموده است.

این صحبت ما که یقیناً به شاه مذاکره شده بود اسباب سرعت اقدام به کار شد به دلیل اینکه صبح روز بعد (۹ ماه مه) سعدالدوله را در دربار احضار نمودند و شاه از او خواهش نمود که کابینه‌ای تشکیل داده و اختیارات تازه هم به او داده شد. عصر آن روز به دیدن سعدالدوله رفتیم. فرمانی را که در خصوص برقراری دولت مشروطه نوشته بود و می‌خواست از نظر شاه بگذراند برای من خواند. این فرمان که منضم به فرمان دیگری برای عفو عمومی بود بیش از آنچه از طرف ما پیشنهاد شده بود در آن ذکر شده به دلیل آنکه این فرمان مبنی بر برقراری مشروطه قدیم است در صورتی که نمایندگان دولتین مخصوصاً همیشه امتناع از تعیین مشروطه معینی می‌نمودند و فقط قانع به دادن يك مشروطه بودند.

این دو فرمان همان شب به امضای شاه رسید و دیروز منتشر گردید. ترجمه هر دو فرمان [را] بانضمام ترجمه کاغذ سعدالدوله که در موقع فرستادن این دو فرمان به سفارتین ارسال داشته بود لغاً ارسال داشت. کابینه‌ای که به‌وجب نصایح ما تشکیل شده از اینقرار است: رئیس الوزراء و وزیر مالیه ناصرالملک (تا مدت ورود ناصرالملک امیرنظام کفیل وزارت مالیه خواهد بود).

وزیر امور خارجه	سعدالدوله
وزیر داخله	فرمانفرما
وزیر جنگ	مستوفی الممالک
وزیر عدلیه	مشیرالدوله
وزیر علوم	مؤتمن الملک
وزیر فوآئد عامه	مهندس الممالک
وزیر پست و تلگراف	مخبرالدوله

تا ورود ناصرالملک سعدالدوله کفیل ریاست وزراء خواهد بود.

(امضاء ژرژ بارکلی)

ضمیمه ۱ در نمره ۴۰

ترجمه کاغذ سعدالدوله به سر ادواردگری مورخه ۲ ماه مه ۱۹۰۹ [۱۲ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۱۱ ع ۲-۱۳۲۷] از طهران.

جنابا

به‌وجب فرمان اعلیحضرت همایون شاه مشروطه ایران دوباره برقرار شده است و مجلس هم باز خواهد شد - در حین اظهار این مطلب که این اعطای شاهنشاهی در انتها در حاسرت و احترام از طرف ملت و دولت پذیرفته شده است.

من افتخار دارم سوادى از فرمان مذکور به انضمام سوادى از دستخط راجع به دادن عفو عمومى برای جناب شما فرستاده و باین طریق آنجناب را دعوت به شرکت در این جشن ملی می‌نمایم.

امیدوارم که جناب شما دولت متبوعه خود را از این مطلب هر چه زودتر ممکن بشود مطلع خواهید ساخت.

سعدالدوله

ضمیمه ۳ در نمره ۴۰

ترجمه دستخط همایونی مورخه ۹ ماه مه ۱۹۰۹ [۱۹ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۸ ع ۲-۱۳۲۷].

از آن روزی که به خواست خدا ما ولیعهد ایران شدیم همیشه گمان می‌کردیم که خرابی‌هایی که در این مملکت شش هزار ساله که وطن عزیز ما است وجود دارد بدون اتفاق ملت با دولت ممکن نیست که رفع بشود و ما همیشه در این خیال بودیم تا اینکه ملت ایران ما را به این مقصود کمک نموده و استدعای مشروطیت از پدر شاهنشاه مرحوم ما نمود. تلگرافات و کاغذهایی که من به مرحوم پدر معظم خود فرستاده‌ام هنوز هم موجود است و همراهی ما را با ملت ثابت می‌نماید.

بعد از اعطای مشروطیت وقتی که ما به طهران آمدیم زحمت زیادی کشیدیم تا اینکه پدر مرحوم ما آن را امضاء نمود.

وقتی که ما به تخت نشستیم سعی کاملی برای برقراری مشروطیت و عظمت مجلس شورای ملی نمودیم لیکن تحریکات مفسدین همانطوری که بر همه معلوم است به اندازه‌ای اثر بد به خیال ما بخشید و به اندازه‌ای ما را مأیوس نمود که تصور نمودیم که این حرکات ناگوار مجلس اسباب رفع اشکالات ایران نخواهد بود.

باین جهت ما مصمم شدیم که موافق قانون معموله تمام ممالک مجلس را منفصل نماییم لیکن در ۱۹ شهر شوال، وقتی که ما می‌خواستیم مجلس را دومرتبه باز نماییم اوضاع طوری بود که هر شخص عاقلی گمان می‌نمود که نتیجه این اقدام جز خونریزی چیز دیگر نخواهد شد. ما مدتی مشغول رفع این هوانع بودیم. حالا که وقت مناسب و اشکالات رفع شده است ما خوشحالیم که بموجب این دستخط حکم به افتتاح مجلس موافق همان مشروطه سابق بدون هیچ تغییری بنماییم.

همچنین ما حکم می‌نماییم که عده‌ای از ملتیان عالم که طرف اعتماد دولت و ملت باشند داخل در شورای مملکتی شده و هر چه زودتر ممکن شود ترتیب قانون انتخابات را بدهند. وقتی که قانون انتخابات حاضر شد انتخابات شروع شده و همینکه دو ثلث و کلاء حاضر شدند مجلس شورای ملی در بهارستان افتتاح خواهد یافت.

در باغ شاه مورخه ۹ ماه مه ۱۹۰۹

(محمد علی شاه قاجار)

ضمیمه ۳ در نمره ۴۰

دستخط همایونی که در ۹ ماه مه صادر شده است.
 حالا که ما مصمم شدیم دوبرتبه مجلس را باز نماییم به عموم حکام ولایات امر می‌نماییم
 که تمام اشخاصی که متهم تقصیر پلنیکمی شده‌اند در هر نقطه ایران باشند بدون استثناء
 معفوند و هیچکس حق مزاحمت به آنها ندارد.
 همچنین ما حکم می‌نماییم که تمام اشخاصی که نفی بلد شده‌اند آزادند که مراجعت
 نموده به هر کجا که بخواهند بروند.
 بعلاوه ما حکم می‌نماییم که این دستخط در داخله و خارجه اعلان شود.
 طهران مورخه ۹ ماه مه ۱۹۰۹ [۱۹ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۸ ع ۲ - ۱۳۲۷] (به خط
 خود شاه) صحیح است.

نمره - ۴۱

مراسله سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۰ ماه مه ۱۹۰۹ [۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۸؛
 ۲۹ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران
 آقا

من افتخار دارم لفاً اجمال وقایعی که در این چهار هفته اخیر روی داده است بطور
 معمول برای شما بفرستم.

امضاء بارکلی

ضمیمه در نمره ۴۱

طهران

از ۲۴ الی ۲۷ ماه آوریل ۱۹۰۹ [۴ تا ۷ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۳ تا ۶ ع ۲ - ۱۳۲۷]
 مجلس مشاوره برای مذاکرات در پیشنهاد های روس و انگلیس که در ۲۲ آوریل شده بود
 در باغ شاه منعقد گردید. سعدالدوله در این مجالس جداً رأی می‌داد به قبول کلیه
 پروگرام و به این جهت اسباب ضدیت اعضاء و عدم رضایت شاه حاصل گردید و نتیجه این
 شد که در ۲۹ ماه شاه سعدالدوله و کلیه کابینه‌ای را که مشیرالسلطنه و امیر بهادر در آن
 عضویت داشتند معزول و عموی خود نایب‌السلطنه را صدراعظم و وزیر جنگ نمود.
 در ۳۰ ماه آوریل [۱۰ اردیبهشت؛ ۹ ع ۲] سفارتین انگلیس و روس پرتست بر ضد
 این تعیین نموده و مترجمین سفارتین از شاه ملاقات کرده و جداً طلب بقای سعدالدوله
 را نمودند.

در اول ماه مه [۱۱ اردیبهشت؛ ۱۰ ع ۲] شاه‌منشی مخصوص خود حشمت‌الدوله را نزد
 سفیر اعلیحضرتی فرستاد. حشمت‌الدوله اظهار نمود که شاه پروگرام روس و انگلیس را
 اساساً قبول نموده است. در همین ملاقات طرح جواب رسمی که باید از طرف دولت ایران
 داده شود نوشته شد. در ۴ ماه مه کفیل وزارت امور خارجه مراسله ذیل را به این سفارت

فرستاد:

من از طرف اعلیحضرت شاه ماذونم که به دو نماینده محترم دولتین معظمتین معلوم دارم که اعلیحضرت همایونی قبول می کنند نصایح دوستانه ای را که به ایشان در ملاقات ۲۲ آوریل [۲ اردی بهشت ۱ ع ۲] داده شده است.»

بعد از آنکه شاه حکم کرد که فرمان راجع به برقراری مشروطیت را در روز عید تولد خود ۵ ماه مه [۱۵ اردی بهشت؛ ۱۴ ع ۲] چاپ و منتشر نمایند، دسته مستبدین درباری سعی نمودند که مثل ترتیب همیشه یک نمایشی بر ضد این اعلان بدهند به اینجهت سفارتین انگلیس و روس یک مراسله سخت متحدالمآلی فرستاده و در آن مراسله اظهار نمودند که شاه شخصاً مسؤول یک همچو اقدامی خواهد بود. نتیجه این مراسله این شد که نمایش مذکور بعمل نیامد.

در ۱۱ ماه مه [۲۱ اردی بهشت؛ ۲۰ ع ۲] هیئت سفراء خدمت شاه پذیرفته شدند. در این ملاقات شاه خیلی با سلامت مزاج بنظر می آمد و زمردهای پر قیمت خود را در روی لباس سفیدی که پوشیده بود زده بود و خیلی قشنگ بنظر می آمد و مخصوصاً یک نیمتاج الماس بسیار اعلی را هم به کلاه خود زده بود. بعد سان قشون اردو داده شد لیکن عدّه کمی از سفراء تا آن وقت ماندند.

سیلاخوربهایی که امیر بهادر جمع نموده است و تا به حال باعث خسارت زیادی شده اند آنها هم حضور داشتند اما رئیس آنها نبود.

خبر گرفتن رولوسیونرهای رشت و قزوین که در شب گذشته اتفاق افتاده بود چند ساعت پیش از این ملاقات به شاه رسیده بود. در همان روز پنجم اعلان شاه راجع به برقراری مشروطیت منتشر گردید لیکن فقط چند نمره از آن فرمان به دست مردم رسید و عموم مردم مطلع نشدند.

در ۶ ماه مه [۱۶ اردی بهشت؛ ۱۵ ع ۲] صدنفر ایرانی قزاق در تحت فرمانده روسی به کرج رفتند.

کفیل وزارت امور خارجه از طرف شاه نزد سفیر اعلیحضرتی آمده و اظهار نمود که نایب السلطنه دیگر صدراعظم نیست.

در ۷ ماه مه نمایندگان شاه که عده شان شش نفر بود به سفارت اعلیحضرتی برای مذاکره با نمایندگان دولتین در جزئیات پروگرام انگلیس و روس آمدند.

روز بعد، ۸ ماه مه، شاه در خصوص عدم ابقای سعدالدوله به سفارتین پیغام فرستاد لیکن در ۹ ماه [۱۹ اردی بهشت؛ ۱۸ ع ۲] بعد از اینکه مشاهده نمود که دیگر مقاومت ممکن نمی شود و همچنین نظر به اضطراب فوق العاده ای که از حضور قفقازیهای قزوین حاصل کرده بود کابینه ذیل را تشکیل داد:

وزیر امور خارجه و کفیل ریاست وزراء: سعدالدوله	
وزیر مالیه و رئیس الوزراء (بعد از مراجعت از اروپا): ناصرالملک	
وزیر جنگ	فرمانفرما
وزیر داخله	مستوفی الممالک

مؤتمن الملك
مشیر الدوله
مخبر الدوله
مهندس الممالك

وزیر علوم
وزیر عدلیه
وزیر پست و تلگراف
وزیر فوائد عامه

در دهم ماه مه [۲۰ اردی بهشت؛ ۱۹ ع ۲] اعلانی به اسم شاه چاپ و زیاد منتشر نمودند. این اعلان مشعر بود به برقراری مشروطه سابق و اظهار می نمود که قانون انتخابات را فوراً يك کمیته ترتیب خواهد داد و مجلس شورای ملی هم بعد از اینکه دو ثلث و کلاء انتخاب شده و در مرکز حاضر شدند افتتاح خواهد یافت. در همان موقع اعلان دیگری را هم منتشر نمودند که به موجب آن اعلان عفو عمومی داده شد.

در یازدهم و ۱۲ ماه مه [۲۱ و ۲۲ اردی بهشت؛ ۲۰ و ۲۱ ع ۲] شورای مملکتی برای مذاکرات در قانون انتخابات منعقد گردید. بیست نفر از اعضاء را انتخاب نمودند که تشکیل کمیته ای برای ترتیب قانون انتخابات بدهند. در ۱۳ و ۱۴ ماه مه [۲۳ و ۲۴ اردی بهشت؛ ۲۲ و ۲۳ ع ۲] متحصنین که تقریباً ۴ ماه بود در سفارت عثمانی بودند شروع به خارج شدن نمودند و تا ۱۵ ماه مه تقریباً تمام خارج شدند.

در ۱۴ ماه مه کابینه جدید اعلانی منتشر نمود که اشخاصی که بی احترامی به ملتیان یا نمایشی برضد مشروطه بدهند سخت مجازات خواهند شد. در ۱۷ ماه مه [۲۷ اردی بهشت؛ ۲۶ ع ۲] يك اعلانی دیگر منتشر نمودند و نظم شهر را به عهده بریگاد قزاق واگذار کردند. در همان روز شاه از باغ شاه به سلطنت آباد حرکت نمود. نظم تا به حال در طهران برقرار بوده است.

www.adabestanekave.com

تبریز

موجبات ورود قشون را راپورت دادیم. بمجرد اینکه قشون روس نزدیک شهر رسید اردوی دولتی که شهر را محاصره داشتند متفرق شده و روز ۳۰ ماه آوریل [۱۰ اردی بهشت؛ ۹ ع ۲] اولین دسته قشون روس مرکب از یکصد و هشتاد نفر بدون هیچ حادثه به شهر قدم گذاشتند و دنباله قشون نیز همان روز وارد گشتند. ۳ ماه مه [۱۳ اردی بهشت؛ ۱۲ ع ۲] قشون روس در تبریز بود که ژنرال «اسنارسکی» به مسیو «راتیسلا» [راتیسلا] اظهار داشت که چهار هزار قشون در فرمان من می باشند. در اول ماه مه پستخانه تعطیل شده شروع به کار نمود و در چهارم مه [۱۴ اردی بهشت؛ ۱۳ ع ۲] خبر رسید که رحیم خان از اطراف تبریز با چپاول زیاد کناره گرفت و اعلان مورخه ۱۰ ماه مه در خصوص استقرار مشروطیت از طرف شاه منتشر و بخوبی از طرف ملت پذیرفته شد.

اگر چه ملتیان می خواستند شاه برای نگهداری قول خود ضامنی داده و اهالی را مطمئن نماید. ولی ژنرال قسولهای روس و انگلیس به اهالی نوید دادند تا موجبات اصلاح ذاتالبین ملت و دولت را فراهم آرند. بنابراین ملتیان قول دادند برای اسکات عموم به سامان

غرب و نقاط دیگر آذربایجان نماینده فرستاده و اسباب دلگرمی ملتیان را فراهم نمایند و چند روز دیگر به رشت و اصفهان تلگراف کردند تا اهالی راه مسالمت پیش گرفته مخاصمت را ترك و با شاه از در آشتی درآیند. شب ۱۰ ماه مه در نزدیکی قسولخانه روس تیری چند به قراولهای روس انداخته شد و يك نفر قراول در بازوی خود زخم بدی برداشت. ملتیان مبلغ سه هزار تومان غرامت کشیدند و در ۱۲ ماه مه عین الدوله با يك عده قزاق ایرانی به طهران مراجعت نمود ولی به قزاقها حکم شد به تبریز مراجعت کرده و انتظام شهر را به عهده گیرند. اجلال الملك که یکی از رؤسای آزادیخواهان محسوب می شد و سه روز پیش بواسطه تعیین او بسمت نایب الحکومگی اسباب رضایت اهالی فراهم آمده بود این دستور را داد.

رشت

در این ماه شهر سکونت تام داشت و بهیچ وجه آثار اغتشاش مشهود نمی شد. مگر اینکه يك نفر ملای منفور ملت مقتول و گویا این اقدام از طرف ملتیان باشد.

قزوین

شب ۴ ماه مه دسته سواری از ملتیان که عده آنها ۴۵ الی ۲۰۰ نفر بود از رشت به قزوین وارد شدند. ترکیدن چند بمب و خالی شدن چند تیر هوائی کافی بود که قسمت بزرگ قشون ساخلوی قزوین تسلیم شوند. ولی مختصر جنگی نزدیک دارالحکومه سر گرفته و عصر روز ۵ ماه مه [۱۵ اردی بهشت؛ ۱۴ ع ۲] شهر تماماً به تصرف ملتیان درآمد و انتظام برقرار گردید و از قرار معلوم حاکم قبل از اینکه دارالحکومه بتصرف ملتیان درآید فرار نموده بود. قسمت دیگر قشون شاه سوارهای شاهسون و در تحت ریاست سردار مظفر بودند که پیش از جنگ به زنجان مراجعت کرده و مسافرین عرض راه را تماماً لخت می کردند و تفنگهای خود را در بین راه انداخته بودند که ملتیان تصرف کردند.

قاسم آقا که یکی از سرتیپهای قزاق و سابقاً در بریگاد قزاقخانه بود [و] در ۲۳ ماه ژون، هنگام بمباردمان مجلس بملاحظه پیشدستی در نزد دولتیان نام و نشانی پیدا کرده بود بتوسط ملتیان تیرباران شد. در ۱۱ ماه مه [۲۱ اردی بهشت؛ ۲۰ ع ۲] سپهدار از رشت وارد گشت و در همان روز نیز استعداد رشت رسید و از قرار معلوم قشون ملتیان در قزوین هزار نفر بودند. هر چند مخابره تلگرافی قزوین و رشت چند روزه مقطوع می باشد ولی مسافرین و مال التجاره رشت و طهران بدون مانع سالمأ عبور نموده و پست و کاروان مرتبأ وارد می شوند.

مشهد

حادثه این ماه ورود قشون روس است. در ۲۶ آوریل [۶ اردی بهشت؛ ۵ ع ۲] ۴ صاحب منصب و ۷۵ نفر قزاق و دو عراده توپ شنیدر با يك عراده توپ ماکسیم و ۳۵ نفر سرباز وارد شدند. هنگام ورود قشون عده ای سرباز ایرانی صف کشیده و استقبال نمودند.

نیرالدوله، حاکم رسمی، در نیشابور رحل اقامت گسترده و از ترس قدم به مشهد نمی‌گذارد. نیرالدوله معزول و رکن‌الدوله را دوباره به سمت حکومت برقرار نمودند. ولی هنوز از تهران حرکت نکرده است. دسته‌ای از رولوسیونرها که در اواسط ماه آوریل از استراباد حرکت نموده بودند در نزدیکی میاندشت سیم تلگراف را قطع نموده و یک نفر تلگرافچی ایرانی را نیز کشتند و باز دومرتبه سیم را در نزدیکی سبزوار قطع نموده پس از چپاول سه رأس اسب از جاده عمومی خارج شده بطرف قوچان رفته‌اند.

تربت حیدری

سالارخان مشغول حکومت تربت است. هزار تومان مالیات و مقداری اسلحه از اشخاص متفرقه جمع‌آوری کرده. در چهارم آوریل [۱۵ فروردین؛ ۱۳ ع ۱] سالارمعززحاکم سابق در (سابوخ) از یاور اسدالله شکست خورده و فرار نمود.

سیستان

از قرار معلوم انجمن ایالتی مشهد به علمای بزرگ سیستان دستورالعمل داده که ممانعت از پرداخت مالیات نمایند. ملا مهدی و نایب‌الحکومه هر دو جواب مساعد داده و اظهار همراهی نموده‌اند که بقدر قوه ممانعت از تحصیل مالیات خواهند نمود. به کارگزاری سیستان اخطار شده که من بعد دستورالعمل خود را از کارگزاری مشهد که از طرف ملت انتخاب شده تحصیل نماید.

یزد

اوضاع حالیه اطراف و طرق و شوارع ابداً آثار بهبودی نشان نمی‌دهد. دستجات دزدها مشغول چپاول و اهالی در معرض تظاول‌اند. از قرار انتشارات مخصوصاً یکدسته در رفسنجان ۱۶ پارچه ده را بعلاوه عده‌ای از کاروان غارت کرده‌اند. این دسته در نزدیکی خوش‌کوه به یک دسته کاروان بزرگی حمله برده که در آن هنگام دو نفر از اجزاء تلگرافخانه کمپانی انگلیس در کاروانسرا بودند و سالم‌اً به رفسنجان برگشته‌اند. از قرار معلوم دزدها ۴۰۰ شتر بسرقت برده‌اند.

کرمانشاهان

از قرار راپورت، در اواخر ماه آوریل ایل سنجابی و گوران مشغول جنگ بودند که خبر ورود قشون روس و استعداد بحری انگلیس به بوشهر تولید هیجان بزرگی نمود که کاپیتن «هونر» و همقطار روس او متفقاً توضیح اسباب ورود قشون را نمودند. خبر استقرار مشروطیت که در ۴ ماه مه [۱۴ اردیبهشت؛ ۱۳ ع ۲] انتشار یافت حکم‌شدیک‌شب شهر را آئین بسته و بازارها را چراغان نمایند. ولی مردم از شدت ذوق و اصرار تا سه شب چراغان نمودند.

همدان

در ۱۵ ماه مه [۲۵ اردیبهشت؛ ۲۴ ع ۲] از همدان راپورت تلگرافی رسید که سپهدار دستورالعمل به آزادیخواهان همدان فرستاده تا آنها هم مثل سایر نقاط از شاه خواهش نمایند. بنابراین و نظر به اعزام عده سواری اهالی بیرقهای ملی را در بالای خانه‌های خود نصب و اظهار شادمانی نمودند.

شیراز

در اوایل ماه آوریل، انجمن ایالتی دو اقدام مهم نمود: نصرالدوله را با ۲۰۰ نفر پیاده و یک عراده توپ برای اسکات و جلوگیری از چپاول انبار غله‌ها به نیریز فرستاد و به‌وجب حکم علیحده مشارالیه را به ریاست ایل خمسه گماشت. اقدام ثانوی بملاحظه قحطی و کمیابی آذوقه بود که بی‌اندازه باعث تولید اشکال می‌شد. بنابراین، بموجب رأی کمیته ۱۶ نفری، رأی داده شد کسانی که گندم انبار کرده‌اند مجبورند از قرار منی یک قران به خبازها بفروشند.

www.adabestanekave.com

بندر لنگه

وقتی که اخبار انقراض حکومت مأمورین شاه از بوشهر به لنگه رسید، در ۲۵ ماه مارس [۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۱ - ۱۳۲۷] اهالی لنگه اعم از شیعه و سنی مصمم شدند که همچو اقدامی نیز در لنگه کرده باشند. این بود که عموماً بنزد شیخ شبر که یکی از بزرگان وملاهای بانفوذ آنجا است رفته و به دستیاری او نزد نایب‌الحکومه رفته و تسلیم آن را درخواست نمودند. نایب‌الحکومه بواسطه نداشتن استعداد مجبور از تسلیم بود ولی دومرتبه از طرف ملتیان به نایب‌الحکومگی برقرار گردید.

رئیس گمرک که یک نفر ارمنی بود به آن نیز اخطار شد تا تسلیم شود ولیکن مشارالیه از بیم جان به قنصلخانه روس پناهنده و متحصن گردید تا در پنجم ماه آوریل بتوسط نایب‌الحکومه از طرف ملت تحصیل امنیت نمود و از قنصلخانه خارج و در تحت نظارت ملت به سر کار خود رفت.

شیعه و سنی از ترس اینکه مبادا اموال خود را در معرض تاراج دزدان داخلی گذارند در بیرون شهر سنگربندی کرده راه لار و بندر عباس را مسدود نمودند. اهالی بندر لنگه از مشاهده اوضاع کنونی که به دستیاری ملتیان تظاهر می‌نماید اظهار ناامنی و ناراحتی می‌نمایند ولی از ترس اینکه مبادا اظهار تنفر باعث شود در معرض تاخت و تاز اشرار لار و ایلات دیگر واقع بشوند مجبوراً ایام خود را در سکونت می‌گذرانند. و بهمین ملاحظه خیلی مایلند که کشتیهای جنگی انگلیس بنادر را اشغال نمایند.

محمره

در ۲۷ ماه مارس سردار ارفع با کارگزار به گمرکخانه آمده و به مفتش کل گمرکات اخطار نمودند برای اینکه مبادا از طرف ملت اقدامی در خصوص جمع‌آوری گمرکات بشود

لازم است که مأمورین قبلا عایدات گمرک را در خود گمرکخانه ضبط نمایند. مفتش کل این مسئله را قبول نموده و اظهار داشت بنابراین باید همیشه کشتی «مظفری» را در محرمه نگاهدارند.

ضمیمه اتفاقات

فارس

اخبار تازه این است که نصرالدوله باتفاق علیقلی خان لار را تصرف کردند و سید جعفر را محبوس و از قرار معلوم سید ابوالحسن را نیز دستگیر نموده‌اند.

صد نفر لاری در بندر عباس به قنصلخانه انگلیس پناهنده شده و درخواست می‌نمایند که قنصلگری اقدامات لازمه نموده و نگذارد نصرالدوله لار را تصرف نماید ولی همان روز ۱۳ مه متحصنین از قنصلخانه خارج شدند و به آنها قول داده شد که مطالب را به طهران تلگراف نمایند.

بمجرد اینکه خبر فتح نصرالدوله به شیراز رسید حاجی علی آقا که یکی از علمای بزرگ شیراز است به قنصلخانه انگلیس پناهنده شد. از قراری که مشاراله اظهار می‌دارد سید ابوالحسن کشته شده و این اتفاق بعد از اعلان عفو عمومی است و احتمال دارد سایرین نیز مثل سید ابوالحسن کشته گردند.

در ۱۵ ماه مه [۲۵ اردیبهشت؛ ۲۴ ع ۲] ۸ نفر از رؤسای ملتیان به قنصلخانه متحصن شدند و جمعیت زیاد هم دور قنصلخانه را احاطه کرده‌اند و بازارها عموماً بسته است حاکم و قوام این مسئله را تکذیب کرده و اظهار می‌دارند که سید ابوالحسن سلامت است و بعد از دادن اطمینان متحصنین و حاجی علی آقا همان شب از قنصلخانه خارج شدند و جمعیت نیز متفرق گردیدند و تا ۱۷ ماه مه بازارها بسته بود. «مسترییل» گمان می‌کند که ورود نصرالدوله به شیراز باعث هیجان بزرگی خواهد شد. دستورالعمل لازمه به مسترییل داده شده تا لزوم اتفاق تمام دستجات را برای اصلاح و جلوگیری از اغتشاش به اذهان عموم القاء نماید.

نمره - ۴۳

کاغذ سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۰ ماه مه [۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۲

۱۳۲۷] از طهران

پس از مراسله آخری من در خصوص اوضاع تبریز، احوال آن شهر بکلی تغییر پذیرفته است. جنگ موقوف و شهر در تصرف قشون روس موقتاً مشغول اسکات سایر نقاطند و مقدمات اصلاح را فراهم می‌آورند. حوادثی که باعث ورود قشون بود اگر بخواهم اجمالاً راپورت بدهم شاید خوشایند نباشد ولی ورود قشون روس علاوه از اینکه موجب تأمین اتباع خارجه گردید که مقصد عمده بود اتفاقاً اهالی تبریز را از بلای تسلیم به قشون شاه نجات داد و همچنین اسباب موفقیت نمایندگان دولتین را فراهم آورد چرا که اقدامات

نمایندگان در خصوص استقرار مشروطیت بی نتیجه نماند. البته فراهوش نمی شود که در کاغذ آخری خود نوشته بودم آذوقه شهر بکلی تمام شده و بهمین ملاحظه نمایندگان دول خارجه از شاه درخواست نمودند که برای اتباع خارجه حمل آذوقه شود. تعجب آنکه شاه در جواب اظهار داشته است اتباع خارجه در عوض آنکه تقاضای حمل آذوقه می نمایند خوب است از شهر خارج بشوند. حقیقتاً این جواب مضحکی است چونکه همه می دانند ملتیان ابداً راضی نخواهند شد که اتباع خارجه از شهر بیرون بروند چرا که اتباع خارجه در پیشگاه ملت بمنزله وثیقه ای است که اهالی را نوید سلامتی می بخشد. در ۱۹ این ماه مسئله امنیت اتباع خارجه اهمیت پیدا کرده است. از قرار خبری که ژنرال قنسولگریها برای سفارتین فرستاده اند نقشه حمله به قنسولگریها و منازل اتباع خارجه کشیده شده و باین وسیله اهالی امیدوارند که قشون روس داخل شده و جلوگیری از تعدیات قشون شاه نمایند. همچنین گمان می شد خطر بزرگی اتباع خارجه را استقبال نماید و اهالی قحط دیده به خانه های اتباع خارجه که بسبباً دارای آذوقه بوده حمله برده و تاراج نمایند. من و همکار روس من، اگر چه هر روزه منتظر دستورالعمل بودیم تا شاه را نصیحت نمائیم بلکه بواسطه آن دستورگشایی برای نقاط محصوره تحصیل بشود، با وجود این نظر به پیشامدهای خطرناک انتظار را مهلك دیده اضطراراً درخواست ملاقات نمودیم.

در ۲۰ این ماه [۳۰ اردی بهشت؛ ۲۹ ع ۲] برای محافظت هموطنان خودمان در تبریز و حمل آذوقه به آن شهر قحط خورده با شاه ملاقات نمودیم. چنانچه در تلگراف مورخه ۲۰ آوریل راپورت داده شد در این ملاقات موفقیت حاصل نمودیم و شاه قول داد تا مدت ۶ روز جنگ را متروک نمایند تا آذوقه کافی به شهر وارد شود و قرار شد به سردارها حکم متارکه بدهند.

بد نیست در اینجا یادآوری نمایم که در روز پیش سفیر کبیر انگلیس در سن پترزبورغ از وزیر خارجه روس استفسار نموده بود که آیا ممکن است دولت روسیه يك عدد قلیلی قزاق به تبریز بفرستد تا قسولها یا اتباع خارجه را که مایلند از شهر خارج بشوند آنها را به سر حد برسانند.

در ۲۰ ماه سر نیکلسن به دولت اعلیحضرتی انگلیس راپورت داد که دولت روسیه مصمم شده برای حمایت قسولگریها و اتباع خارجه به تبریز استعداد اعزام دارد، بلکه راه حمل آذوقه را آسان کرده و اگر اتباع خارجه بخواهند از شهر خارج بشوند آنها را به سر حد برسانند.

دولت اعلیحضرتی تمجیدات شایان و اظهار رضایت از اقدامات دولت روسیه می نماید که می خواهد سلامتی اتباع خارجه را به عهده گیرد. متارکه شاه اگر چه اعزام قشون را خالی از اهمیت می نمود ولی نظر به اتفاقاتی که اساس آنها ابداً معلوم نشد سردارهای شاهی در خصوص متارکه حکمی نداشتند و سهلتی نیز برای حمل آذوقه تحصیل نشد.

دو ژنرال قنسولها بعد از آنکه از متارکه جنگ اطلاع یافتند به ملتیان اصرار نمودند تا دعوا را موقوف بدارند. نظر به این که سردارهای شاهی به اخطار متارکه اعتنا نکردند قهرآ موقع نمایندگان دول خارجه را در نظر عموم ملت متزلزل ساخت و اوضاع مدهش

و هولناکتر از سابق پیش آمد.

بنابراین در ۲۳ ماه دولت روسیه حکم نمود که قشون بطرف تبریز حرکت نماید و به قشون تعلیمات لازمه داده شد که از هر نوع دخالت و زد و خورد مابین دو دسته احتراز نمایند و همچنین به مشاغل اداری نپردازند و قرار داده شد که بعد از خاموشی ناپیره جنگ قشون مراجعت نمایند.

نظر به خطراتی که اتباع خارجه را تهدید می کرد و ممکن بود که در آتیه تولید اشکالات بشود، پس از آنکه اهالی از ورود قشون اطلاع پیدا نمودند مسیو راتیسلو [راتیسلا] و مسیو میلر مصلحت چنان دیدند تا مطلب را مستقلاً به ملت اظهار دارند و این مسئله را پیشنهاد کردند. این بود که بعد از تصویب و تحصیل اجازه به ملتیان اطلاع دادند که ورود قشون نه برای محافظت منافع شاهی است بلکه برای محافظت تبریز و باز نمودن راه جلفا و حراست اتباع خارجه و داخله از قشون شاه به شهر می آیند و اقامت قشون تا مدتی خواهد بود که صلح مابین شاه و ملت انجام گیرد و با قطع نظر از ملیت کسانی که در این حوادث شرکت نموده اند اذیتی نخواهند دید و قشون شاه را هم نخواهند گذاشت که به شهر وارد بشوند.

هر چند که مختصر هیجانی برای ورود قشون روس ظاهر شد ولیکن انجمن و تقی زاده موقع را غنیمت شمرده در شب ۲۴ [۲ خرداد؛ ۳ ج ۱] با شاه مشغول مذاکره شدند. به شاه اصرار کردند تا با رعایای شاه پرست خود صلح نماید و راضی نشود که ایرانیان در نظر اتباع خارجه خوار و نقاط ایران به تصرف اغیار درآید. این اقدام موفقیت حاصل نمود و در ۲۵، شاه برای مدت غیرمعین اعلان متارکه داد و حکم کرد که ممانعت از حمل آذوقه ننمایند. نظر به وعده سابق شاه که بر خلاف آن جنگ را شروع کردند نقطه نظر حراست منافع اتباع خارجه تصویب نمی کرد که نمایندگان دول خارجه ورود قشون را خالی از اهمیت دیده و نگذارند که قشون روس به ایران وارد بشود. به این دلیل من و همکار روس من عقیده ژنرال قنسولها را تصدیق نمودیم و اعزام قشون را مانع نشدیم و در ۲۶ ماه [۵ خرداد ۱۲۸۸؛ ۶ ج ۱ - ۱۳۲۷] مسیو راتیسلو و مسیو میلر کاغذی به انجمن نوشته و اطمینان کامل در خصوص موقتی بودن اقدامات روس داده و علت اقدامات را نیز توضیح نمودند.

این اقدام در تبریز اثر خوبی بخشید که در ۲۹ این ماه ستارخان به ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی آمده و اظهار تشکر نمود چونکه این اقدامات در آتیه امیدبخش بود. در ۳ ماه آوریل قشون در تحت فرمان ژنرال اسنارسکی وارد شدند. عده قشون تقریباً ۴ هزار نفر می باشد. ۲۵۰ نفر از آنها را در یکی دو روز پیش برای حفظ اتباع خارجه بدون هیچ حادثه به شهر وارد نمودند.

ژرژ [جرج] بارکلی

نمره - ۴۳

کاغذ سر بارکلی به سرادواری مورخه ۲۰ ماه مه [۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۲۶ - ۱۳۲۷] از طهران

همینطوری که در مراسله ۱۶ ماه آوریل اطلاع داده شد خوانین بختیاری در اصفهان قرار گذاشتند که قشون خود را در ۲۱ ماه گذشته [۱ اردیبهشت؛ ۳۰ ع ۱] رو به طهران حرکت دهند. سردار اسعد در آن روز به اصفهان وارد نشده بود. نظر به نفاق و مخالفت‌های داخلی خوانین و عدم موفقیت در تحصیل جمع‌آوری وجوهات، حرکت قشون به تعویق افتاد. سردار اسعد در ششم این ماه وارد اصفهان شد و در ۱۱ در تحت ریاست خوانین سه‌هزار نفر بختیاری در بیرون اصفهان اردو زدند و تاکنون در بیرون شهر متوقفند. صمصام‌السلطنه توضیح داد که این اقدام برای جلوگیری از اغتشاش شهر است. دوام قشون شاه در خالدآباد که مردم عده آنها را بطور اغراق می‌گویند و بنا به شهرتی بالغ بر ۸ هزار نفرند وعده‌های شاهانه را نقض و تکذیب می‌نماید. هرچند که انجمن تبریز به اصفهان تلگراف نموده تا مواعیدشاه را بپذیرند، لیکن هنوز معلوم نیست که خوانین راضی به این وعده‌ها شده باشند.

از وزیر خارجه اطلاع تحصیل نمودم که قشون دولتی خالدآباد از بی‌پولی و بی‌آنوفگی در این چندروزه [شاید] به کاشان مراجعت بنمایند. بواسطه وجود بختیاری در اصفهان اغتشاش و دزدی وسعتی خارج از اندازه پیدا کرده و اوضاع شهر و اطراف و راهها بسیار خراب است. وجود ایل کوهکلوویه [= کهگیلویه] در راه اصفهان و شیراز و ناامنی ولایات تجارت را بکلی معدوم نموده است.

بارکلی

www.adabestanekave.com

نمره - ۴۴

کاغذ سر بارکلی به سر ادواری مورخه ۲۰ ماه مه [۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

افتخار دارم از اینکه در ضمیمه مراسله ۲۲ ماه گذشته راپورت بدهم از اینکه اوضاع بوشهر از ماه گذشته کمی تغییر نموده و بواسطه استعداد بحری کشتی «فاکس» نظم بطور خوبی برقرار شده است. در دهم این ماه دریابییگی حاکم جدید وارد و بطور شایسته پنیرفته گردید.

موقتاً قرار خوبی برای نگاهداری وجوهات گمرکی گذاشته شد. در موقعی که رسماً خروج استعداد بحری را به دولت ایران اعلام خواهم نمود شفاهاً نیز اظهار خواهم کرد که اگر طلب بانگ شاهنشاهی و اقساط آن خرج اول محسوب نشود برای دولت ایران عاقبت وخیمی پیدا خواهد کرد. در همین چند روزه استعداد بحری خارج خواهد شد

و در پیابگی مسئولیت تمام برای استقرار امنیت و آسایش اتباع خارجه به عهده گرفته است.

بارکلی

نمره - ۴۵

کاغذ سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۰ ماه مه ۱۹۰۹ [۳۰ اردی بهشت ۱۲۸۸: ۲۹ ع ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

از اوضاع حالیه طهران می توان تصدیق کرد و امیدوار شد که در بین شاه و ملت استحکام مشروطیت اساس صلح را تشکیل خواهد داد. شاه ظاهراً برای رفع غائله اختیارات تامه به وزراء داده است. البته خوب است که شاه در این مقصد طریق مسالمت را مداومت نماید.

نظر به نصیحت سعدالدوله، در ۱۸ این ماه از پایتخت خارج شد و در سلطنت آباد به عمارت تابستانی خود رفت.

تا به حال وزراء خوب از عهده اوضاع برآمده اند و بطور خیرخواهی تقاضاهای ملت را گوش می نمایند.

در ابتدا يك اندازه مشکل بود که تقاضاهای دیگر ملتیان معلوم بشود چونکه راه مذاکره مابین مراکز ملتیان مسدود بود ولیکن کمیته ای که از رؤساء در طهران تشکیل شده و وزراء هم آن کمیته را برسمیت شناخته اند امید است که این کمیته پس از چندی از طرف عموم ملت مطالب خود را به وزراء القاء نمایند. تا کنون صورتی از تقاضاهای ملتیان به شاه پیشنهاد شده و آن تقاضاها به تصویب سپهبدار و اهالی تبریز هم رسیده است و آن صورت از این قرار است.

اولاً بیرون نمودن هفسدین مخصوصاً امیربهادر جنگ و مفاخرالملك. امیر بهادر هنوز پیش شاه است هر چند که ما اصرار به خارج نمودن آن [او] نمودیم ولی سعدالدوله به ما گفت لازم است بیش از این فشار نیآورده و بیطرفانه منتظر حوادث باشیم به دلیل اینکه خارج شدن این اشخاص داخل پروگرام رفورم ما نیست و همچنین نفوذ ایشان به اندازه ای کاسته است. مفاخرالملك نایب الحکومه طهران [بود] و تصور می کنند که او باعث قتل چند نفر از بستیهای شاهزاده عبدالعظیم شده است. من و همکار روس من اصرار زیاد به عزل آن [او] نمودیم و معزول شد لیکن هنوز در دربار است.

دوم، از ارادل طهران خلع سلاح نمایند. فرمائی صادر شده است تا حمل اسلحه را بدون اجازه منع نمایند. و اشخاصی را که تیر هوائی می اندازند مجازات کنند و آن فرمان نظم شهر را به عهده بریگاد قزاق واگذار کرده و باین سبب امید است که اجراء نمایند.

سوم، شاه قول صریح بدهد که مشروطه اولی دو مرتبه داده شود به انضمام ۱۷۰ ماده قانون که در ۱۹۰۷ به عنوان متمم منضم شده است.

فرمان ۹ این ماه این مسئله را درست توضیح نمی‌داد، لذا شاه اظهار نمود که به آن فرمان تغییر بدهند که معنای کلیه مشروطه اولیه را دارا باشد لیکن ملتیان فرمان علیحده را در این خصوص تقاضا می‌نمایند و یک همچو فرمانی از طرف سعدالدوله به شاه پیشنهاد شده است.

چهارم، دیگر قشون به پایتخت وارد نکنند.

استقراضی که عنقریب روسها خواهند داد باید برای خلع سلاح قشون صرف بشود و بعد از پرداخت حقوق قشون غیرلازم را مرخص نمایند.

پنجم، تلگرافات سانسور نداشته باشند.

در ابتدا ملتیان پایتخت نمی‌توانستند تلگرافات خود را مطمئناً به نقاط دیگر مخابره نمایند حالا در این خصوص اطمینان تحصیل کرده‌اند و می‌توانند با نقاط دیگر مخابره نمایند.

ششم، شاه سعی نماید که قشون روس شمال ایران را تخلیه کند.

بواسطه ورود قشون بی‌شبهه تنفر زیادی در بین ملتیان تولید شده و همیشه در نظر دارند که آمدن قشون روس اسباب خوشوقتی شاه شده است. گویا فراهوش نموده‌اند که قشون روس در تبریز به فریاد آنها رسید.

همین‌طور که ۱۵ این ماه تلگراف نموده‌ام سعدالدوله گمان می‌نماید که اگر یک عده زیادی از قشون خارج بشوند اسباب رضایت خاطر اهالی خواهد شد.

من مسئله را به همکار روس خود اظهار نمودم، جواب داد که سعدالدوله در این خصوص با من مذاکره ننموده است.

هفتم، از استقرار مشروطیت علماء کربلا و نجف را مستحضر سازند. از قراری که من اطلاع دارم شاه مستقیماً اطلاع داده است.

هشتم، آزاد نمودن اشخاصی که در تفلیس گرفتار و محبوسند.

این مطلب را من به همکار روس خود اظهار داشتم و او عدم اطلاع خود را از این قضیه اظهار نمود و تلگرافی در این خصوص به فرمانفرمای قفقاز مخابره نموده است.

نهم، به متحصنین اطمینان امنیت بدهند که مشغول ترتیب قانون انتخابات باشند. این ماده بعد از عفو عمومی لغو شد.

دهم، بعد از انجام این مطالب در طهران و ولایات چراغانی نمایند.

تمام این مطالب باستثنای حضور امیر بهادر در دربار از حوزه نصایح ما خارج است. من و همکار روس من به این مطالب همراهی نکردیم. جوابی که وزراء داده‌اند به اصرار ما نبوده است و فقط بواسطه میل وزراء است که اصلاحی در امورات بشود. من و همکار روس من بعد از انتشار فرمان، دهم این ماه از طرف شاه در ولایات تعلیمات لازمه به قنصلخانه‌های خود داده‌ایم که به ملتیان اصرار نمایند بعد از آنکه شاه تقاضاها را قبول نمود نبایست مخالفت ورزند بلکه لازم است اسباب صلح دولت و ملت را فراهم نمایند. علاوه به ملتیان طهران نیز همین اصرار را کرده‌ایم و همین‌طور به سعدالدوله گفتیم بهتر آنست دولت کمیته ملتیان را که در طهران از رؤساء تشکیل شده رسماً شناخته و بتوسط

ایشان با سایر نقاط مشغول مذاکره بشود. همکار روس من مخصوصاً نفوذ خود را به سپهدار بکار برده ولی بدبختانه سپهدار در دست ۴۰۰ نفر قفقازی که همراه دارد گرفتار است. خیلی اسباب خوشوقتی است که تقاضاهای سابق از طرف ملتیان قزوین نیز تصدیق و امضا شد. از قرار معلوم ملتیان قزوین آنقدر لجوج نیستند که در بدو نظر متصور بود. گویا سپهدار تلگرافاً [= تلگرافی] تقاضا نموده که سریعاً این مقاصد را انجام بدهند لیکن معلوم است اشخاص کاری در میان آنها موجود است بنابراین گمان می‌شود اگر بنای زدوخورد باشد آثار غریبی از خود در قشون شاه یادگار خواهند گذاشت. قزاق که قشون مرتب است عده صحیحی ندارند و تا وقتی که ملتیان قزوین راضی نشوند اوضاع اصلاح نخواهد شد.

بار کلی

نمره - ۴۶

مراسله سر نیکلسن سفیر کبیر انگلیس مقیم پترزبورگ به سر ادوارد گری. مورخه ۲۵ مه ۱۹۰۹ [۴ خرداد ۱۲۸۸؛ ۵ ج ۱ - ۱۳۲۲] از پترزبورگ. دیروز به مسیو چریکف یادآوری نمودم نظر به سکونت اوضاع بوشهر استعداد بحری که چندی قبل برای حمایت اتباع خارجه وارد شده بود مراجعت نمودند. من اظهار داشتم ظاهراً اوضاع تبریز هم بهبودی حاصل نموده است و گمان می‌کنم دولت روسیه نیز عن قریب صلاح بداند که قشون خود را بالمره خارج و یا عده زیاد قشون را مراجعت دهد. مسیو چریکف اظهار داشت که ما منتظر تعیین حکومت می‌باشیم و خیلی مایلیم قشون را خارج نماییم چونکه توقف آنها در تبریز خسارت فوق‌العاده به خزانه دولتی وارد می‌آورد مسیو چریکف گفت بعد از آنکه مدت شش هفته بود که از جائی آثار اغتشاش بروز نمی‌نمود و اوضاع سکوت داشت دولت روسیه تلگرافی از ارومیه دریافت کرده مشعر بر اینکه در ارومیه هرج و مرج غریبی تولید شده است. دسته‌ای که بر ضد ملتیان بودند قیام و حاکم را که از طرف ملتیان تعیین شده بود اخراج و حاکم هم فرار نموده است و بعد از فرار اظهار نمود که دو مرتبه به رجم مفسدین مراجعت خواهم کرد. مستحفظین قسولگری روس مرکب از شش نفر سرباز هستند و باین دلیل دولت روسیه چنان صلاح می‌داند که یک دسته چهل نفری از تبریز به ارومیه اعزام دارد. البته در هنگام حرکت باید از دریاچه ارومیه عبور کنند چون کشتی قابل برای حمل اسبها نیست ناچار سرباز پیاده فرستاده خواهد شد.

نیکلسن

نمره - ۴۷

تلگراف سر بار کلی به سرادوار دگری مورخه ۶ ژون ۱۹۰۹ [۱۶ خرداد ۱۲۸۸؛ ۱۷ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

تبریز

تلگراف ذیل را از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم تبریز دریافت نمودم.

حوادث عمده که باعث تحصن مردم شد از این قرار است:

در ۲۰ ماه مه [۳۰ اردیبهشت؛ ۲۹ ع ۲] رئیس کمپانی راه شوشه به همکار روس من اصرار عاجلانه نمود که ستارخان مقدار ۲۲،۰۰۰ روبل خسارت به اموال کمپانی وارد آورده و لازم است که ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی ادعای این خسارت را نزد نایب الحکومه بفرستد.

مسیو میلر به من اظهار داشت که وجه خسارت را پیشنهاد نموده است. در ۲۶ ماه مه [۵ خرداد؛ ۶ ج ۱] در محله حکم آباد نزاعی مابین ستارخان و نایب حسین و نایب یوسف که این هر دو از اشرار شهرند واقع شد. یوسف با چند نفر از همراهانش چند تیری به خانه حسین انداختند ولی بدون هیچ حادثه تا بالاخره حسین به خانه نایب الحکومه ملتجی شد و بعد به عنوان تحصن به ژنرال قنسولگری روس پناهنده گردید.

همکار روس من از نایب الحکومه خواهش نمود تا به این قضیه رسیدگی نماید. نایب الحکومه رسیدگی کرد ولیکن اقدام منتج ننمود. بنابراین یک دسته از قشون روس در ۲۹ ماه مه به محل نزاع رفته یوسف و برادرش را با ۴ نفر از همراهانش که برخلاف حکم حاکم مسلح بودند دستگیر و بعد دو نفر از آنها را مرخص کردند.

نمره - ۴۸

تلگراف سر بار کلی به سر ادوار دگری مورخه ۸ ژون ۱۹۰۹ [۱۸ خرداد ۱۲۸۸؛ ۱۹ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

مشهد

تلگراف ذیل از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم مشهد به من مخابره شده است.

۴ روز قبل، بعد از آنکه سوء قصدی نسبت به کارگزار شد یکی از رؤسای خدام حرم را در خانه خود کشتند. در نزدیکی دو ژنرال قنسولگری تیر زیادی انداختند و یکی دو تیر هم به عمارت خورد. امروز در انجمن یک نفر کشته گردید.

هر چند اوضاع بسیار خطرناک و مهم است ولیکن برای اروپائیها جای ترس و نگرانی نیست.

نمره - ۴۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۸ ژون ۱۹۰۹ [۱۸ خرداد ۱۲۸۸؛ ۱۹ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

قزوین

سپهدار به حکومت هازندران و گیلان تعیین شد و قول داد که بمحض تعیین حکومت قزوین به رشت حرکت نماید.

اوضاع قزوین بهتر شده است و بموجب راپورتی که از نایب سفارت روس رسیده است عده زیادی از رولوسیونرها به رشت مراجعت خواهند نمود.

نمره - ۵۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۱ ژون ۱۹۰۹ [۲۱ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۲ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

اوضاع ارومیه

تلگراف ذیل مورخه ۹ ژون [۱۹ خرداد؛ ۲۰ ج ۱] از ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز مخابره شده است:

از ارومیه هیئتی به تبریز آمده اند تا اینکه موانع آسایش خود را به دولت ایران پیشنهاد نمایند. از قراری که می گویند اوضاع ارومیه بواسطه اکراد خیلی خراب است و اهالی مایلند که محتشم السلطنه بهمراهی قشون کافی دوباره به حکومت آن سامان منصوب گردد. ولیکن گمان می کنم محتشم السلطنه این مسئله را قبول ننماید.

من با این هیئت مذاکره نموده ام و به آنها گفتم لازم است اندازه ای صبر نمایید. بنا به مذاکرات، اهالی می خواهند عموماً به ویس قنسولگری روسیه پناهنده شوند.

همکار روس من اظهار داشت که این هیئت تقاضا نموده اند که ۳۰۰ نفر قشون به ارومیه اعزام شود ولیکن همکار روس من معذرت خواسته است.

نمره - ۵۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۱ ژون ۱۹۰۹ [۲۱ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۲ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

مشهد

راجع به تلگراف مورخه ۱۸ ماه مه [۲۸ اردیبهشت؛ ۲۷ ع ۲] من این تلگراف از ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی در مشهد مخابره شده است.

من و همکار روس من اطمینان داریم که شهر در حالت بحران، و اوضاع دوباره خراب و پریشان است.

ممکن است هر دقیقه صدمات زیاد اتباع خارجه را احاطه نماید و در این موقع محال

است که حاکم به مشهد قدم بگذارد و مردم در خیالند که معاون حکومت را اعدام نمایند و ابداً آثار بهبودی در اوضاع مشاهده نمی‌شود. بعد از ملاحظات دقیق نظر به حفظ انتظام شهر و حراست اتباع خارجه من پیشنهاد همکار روس خود را در خصوص تکثیر قشون تصدیق نمودم.

حاکم جدید رکن‌الدوله در ۵ ژون از طهران حرکت نموده و ما هر چه ممکن بود مردم را وادار کردیم که با ورود او ضدیت ننمایند.

نمره - ۵۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ ژون [۲۲ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۳ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

پیشنهاد در خصوص تخفیف قشون تبریز.

این تلگراف از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مخابره شده است. از ژنرال قنسول روس اطلاع حاصل نمودم که دیروز با ژنرال اسنارسکی در خصوص تخفیف قشون صحبت نموده است. ژنرال قنسول می‌گفت که ژنرال اسنارسکی با من هم عقیده است و بنا است بدو توپهای صحرائی و هوتدز را به روسیه مراجعت دهند. چون اردوگاه موقتی قشون در تابستان دارای حفظ‌الصحه نبود اعلیحضرت شاه، باغ خود را موسوم به باغ شمال اردوگاه معین نمود و بهمین زودی به آنجا حرکت خواهند کرد.

نمره - ۵۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۴ ژون ۱۹۰۹ [۲۴ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۵ ج ۱ - ۱۳۲۷] از طهران.

تلگراف ذیل از بوشهر مخابره شده است:

در این چند هفته اخیر از مجلس تجارتنی بوشهر خواهش نموده‌اند که به شما پیشنهاد نمایم که اقدامی در خصوص امنیت راهها بنمایید.

در ۱۲ ژون کفیل ژنرال قنسولگری روس که در ششم ژون با یک نفر قزاق از شیراز حرکت کرده بود به من تلگرافی نموده مشعر بر اینکه در عرض راه چند تیری به همراهان او شلیک شده و یک اسب قزاق هم گلوله خورده. خود کفیل از خطر سلامت جسته، اگرچه اسبش زخم‌دار شده است.

نمره - ۵۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۴ ژون ۱۹۰۹ [۲۴ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۵ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

نظر به ناامنی راههای جنوب راجع به حادثه‌ای که در تلگراف امروزی خود راپورت دادم گمان نمی‌کنم در اوضاع آثار بهبودی ظاهر شود مگر اینکه شاه ظل‌السلطان را به حکومت آن سامان برقرار نماید و یا اینکه یک دسته مستحفظ برای امنیت راهها تشکیل داده و حقوق آنها را مرتباً برسانند و امنیت را به عهده آنان محول دارند. لیکن در این مسئله همانطوری که مجلس تجارتنی بوشهر پیشنهاد نموده اقدام خواهم کرد. در خصوص مراجعت ظل‌السلطان من مذاکره ننمودم لیکن از قرار معلوم در مقابل دعوت دولتی سکوت اختیار کرده و جوابی نداده است.

نمره - ۵۵

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۱۴ ژون ۱۹۰۹ [۲۴ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۵ ج ۱ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

تبریز و مشهد

مسیو ایزولسکی اظهار نمود که دولت روسیه مصمم شده است فوراً عده‌ای از قشون تبریز را مراجعت داده و بقیه را نیز متدرجاً برگرداند تا بکلی نقاط تبریز را تخلیه نمایند. دولت روسیه یک دسته قزاق به مشهد و عده دیگر به اردبیل خواهد فرستاد تا از چپاول شاهسون که باعث تحصن مردم به قنصلخانه روس شده است جلوگیری نمایند.

نمره - ۵۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۷ ژون ۱۹۰۹ [۲۷ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۸ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف ذیل از ژنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم اصفهان مخابره شده است: امروز سردار اسعد به دیدن من آمد و اطلاع داد که مصمم شده است با بعضی خوانین دیگر بطرف طهران عزیمت نماید. سردار اسعد استعداد خود را اظهار ننمود ولی از قرار راپورتهای خارج معلوم می‌شود که استعداد سردار اسعد عبارت از ۱۰۰۰ نفر مسلح و یک عراده توپ صحرائی است. مشارالیه اظهار نمود مادام که قشون شاه به او حمله نکنند او جنگ نخواهد کرد. نقشه او هنوز معلوم نیست ولی احتمال دارد که از راه نیزاز قم عازم بشود. حرکت سردار اسعد برای این است که وزراء را وادار نماید تا مشروطه را بطور صحیح اجراء نمایند.

نمره - ۵۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۹ ژون ۱۹۰۹ [۲۹ خرداد ۱۲۸۸؛ ۳۰ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

چنانکه در تلگراف ژون خود راپورت دادم به دربار دولتی خبر رسیده است که ۱۰۰۰ نفر بختیاری از اصفهان حرکت نمودند. از این خبر دربار و وزراء و کابینه بی‌اندازه مضطربند. گمان می‌شود که بختیارها بطرف کاشان خواهند آمد ولیکن در آن نقطه عده‌ای از قشون دولتی موجود است. رئیس قشون امیر مفخم در طهران است و می‌ترسد که دولت پول ندهد و استعداد کاشان به قشون سردار اسعد ملحق شوند.

نمره - ۵۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۹ ژون ۱۹۰۹ [۲۹ خرداد ۱۲۸۸؛ ۳۰ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

مشهد

تلگراف ذیل به تاریخ ۱۸ ژون از ژنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم مشهد مخابره شده است: در ۱۶ ماه رکن‌الدوله حاکم جدید وارد شد. شهر و تلگرافخانه هنوز در دست ملتیان است و عجالاً حکومت بی‌اقتدار می‌باشد.

نمره - ۵۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۹ ژون ۱۹۰۹ [۲۹ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

امروز وزیر امور خارجه به دیدن من آمد و از جریان اوضاع حاضر بطوریکه من در ۱۷ و ۱۹ این ماه راپورت دادم صحبت نمود. جناب وزیر اظهار داشت که سردار اسعد با ملتیان قزوین مشغول مذاکره است و حالا هم با يك استعداد زیادی اسماً برای مجبور نمودن حکومت و انجام مشروطه می‌آید هر چند که دولت بدون قوت دقیقه‌ای شروع به اجراء پروگرام دولتین نموده است.

سعدالدوله اظهار نمود که مقصود از این ملاقات این است که به شما از قول شاه اطلاع بدهم که صبر دولت تمام شده و مصمم شده است که امیر مفخم را اعزام دارد تا اتباع خود را جمع‌آوری نموده و از پیش آمدن سردار اسعد جلوگیری نماید من اظهار نمودم که این اقدام باعث جنگ داخلی خواهد شد و من این اقدام را تصویب نمی‌نمایم و نصیحت می‌کنم که در مقابل اقدام مصلحانه بشود.

سعدالدوله جواب داد که اقدامات صلح‌آمیز بی‌نتیجه خواهد بود و دولت یکی دو روزه منتظر خواهد شد شاید که شما بتوانید راهی پیدا نمایید تا از سردار اسعد جلوگیری شود. من جواب دادم که کاری از من ساخته نیست و نمی‌توانم اقدامی نمایم مگر اینکه از

وزارت خارجه لندن دستورالعمل برسد. من پیشنهاد می‌نمایم که دستورالعمل به ژنرال قسولهای روس و انگلیس مقیم اصفهان داده شود که نزد سردار اسعدرفته و اطلاع دهند که دولتین نصیحت می‌نمایند که شما به اصفهان برگشته و دست از این اقدامات بردارید. من غیررسمانه به سعدالدوله نصیحت نمودم که بدون فوت دقیقه‌ای قانون انتخابات را منتشر نمایند. سعدالدوله اظهار داشت که تمام ولایات این قانون انتخابات را تنقید می‌نمایند. من گفتم محال است که به تمام مردم حالی کرد که این قانون را اشخاص کافی و باعلم مرتب نموده‌اند و بعلاوه در پروگرام دولتین ذکر نشده که باید قانون را به ولایات پیشنهاد کرده و از آنها کسب تکلیف نمود. سعدالدوله اطمینان داد که در ۲۱ این ماه قانون انتخابات را منتشر خواهد نمود.

نمره - ۶۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۰ ژون ۱۹۰۹ [۳۰ خرداد ۱۲۸۸؛ ۱ ج ۲ - ۱۳۲۲] از قلهک.

قشون روس در تبریز

تلگراف ذیل مورخه ۲۰ ژون از ژنرال قسول اعلیحضرتی مقیم تبریز به من رسیده است. دو دسته سرباز و یک باطری هوتنز دیروز به روسیه مراجعت نمودند و امروز هم قشون همانطور که در تلگراف ۱۲ ژون اطلاع داده بودم محل اقامت خود را تغییر دادند.

نمره - ۶۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۱ ژون ۱۹۰۹ [۳۱ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲ ج ۲ - ۱۳۲۲] از قلهک.

ظل السلطان

از قراری که وزیر امور خارجه اطلاع داد در شرف مراجعت است. چندی قبل از طرف دولت ایران ظل السلطان به حکومت فارس نامزد شده بود و می‌خواستند که به ایران برگردد. در این روزها ظل السلطان بموجب تلگراف پس از اظهار تشکرات دعوت را قبول نموده است.

www.adabestanekave.com

نمره - ۶۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۱ ژون ۱۹۰۹ [۳۱ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲ ج ۲ - ۱۳۲۲] از قلهک.

مستر گراهم به من اطلاع داد که بختیاربها از راه نيزار بدون اینکه به کاشان بگذرند پیش می‌آیند.

بنابراین بختیارها با قشون دولتی ساخو کاشان خیال جنگ ندارند.

نمره - ۶۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۳ ژون ۱۹۰۹ [۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ ج ۴ - ۱۳۲۷] از قلهک.

مسیو سابلین اظهار داشت که ۷۰ نفر قفقازی در میان رولوسیونرهای قزوین که عده آنها بالغ بر ۱۷۰ نفر است می‌باشند و از رشت هم استعداد خواسته‌اند.

نمره - ۶۴

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۲۳ ژون ۱۹۰۹ [۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ ج ۴ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

هر اقدامی که در شکل دخالت به امور داخلی ایران باشد ممنوع است. لکن باید اقدام مجدانه کرد و نگذاشت که سردار اسعد به طهران برسد. خوب است که شما توضیحاتی در خصوص پروگرام رفورم دولتی به ایشان بدهید.

نمره - ۶۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۴ ژون ۱۹۰۹ [۳ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ ج ۵ - ۱۳۲۷] از طهران.

شاه دیروز قانون انتخابات را امضاء نمود.

نمره - ۶۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۵ ژون ۱۹۰۹ [۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ ج ۶ - ۱۳۲۷] از قلهک.

پیش‌آمدن بختیارها

در طهران هر دو طرف در اضطرابند. ملتیان می‌ترسند که مورد حمله آخری مستبدین واقع بشوند و مستبدین واهمه ورود رولوسیونرهای قزوین و بختیارها را دارند. سردار اسعد امروز صبح زود وارد قم شد و امشب هم ژنرال قنصول روس وارد خواهد شد. بختیارهایی که به قم وارد شده‌اند تقریباً ۵۰۰ نفر می‌باشند و تلگرافی به سپهدار نموده‌اند که سردار اسعد با ۱۰۰۰ نفر بختیاری می‌آیند و تماماً در تحت فرمان سپهدار خواهند شد. این مخابره را در طهران فهمیده‌اند. این تلگراف بی‌اندازه باعث تشویش و اضطراب دولتیان شده است. لیکن من گمان می‌کنم که عده قشون بختیاری را خیلی اغراق گفته‌اند. ژنرال

قنسول اصفهان به من اطلاع داده که دسته‌ای دیگر از بختیاری مسلح مرکب از ۱۰۰۰ نفر در اصفهان منتظر نتیجه ملاقات ژنرال قنسول با سردار اسعد می‌باشند هر چند که آن دسته نیز حاضر حرکت شده‌اند.

www.adabestanekave.com

نمره - ۶۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۷ ژون ۱۹۰۹ [۶ تیر ۱۲۸۸: ۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

دیروز ژنرال قنسول اعلیحضرتی ملاقات مفصل از سردار اسعد نمود. در آن ملاقات اظهار داشته که حرکت ایشان به قم از طرف سفارتین خیلی به نظر بی‌موقع می‌آید و بعلاوه اسباب تولید اشکالات در جریان اوضاع حاضره می‌نماید. مشروطه برقرار و اقدامات تأسیس مجلس بطوریکه دولتین سفارش نموده‌اند در شرف انجام است. ژنرال قنسول به سردار اسعد واضح نمود که پروگرام دولتین بهیچوجه در ضد استقلال ایران نیست. سردار اسعد جواب داد که سفارتین گول خورده‌اند و بهیچوجه شاه جداً خیال استقرار مشروطیت را ندارد. باز اظهار داشت که از قم حرکت نخواهد کرد تا اینکه مجلس منعقد بشود. و گفت مقصود عمده من تأسیس صلح است و بهمین ملاحظه از حرکت استعداد اصفهان جلوگیری نمودم.

عجالتاً مشغول ترتیب تقاضائی هستم که از طرف تبریز و رشت و مشهد و نقاط دیگر هم تصویب شده است و امیدوارم که شما هم به این تقاضاها مساعدت نمایید.

نمره - ۶۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۸ ژون ۱۹۰۹ [۷ تیر ۱۲۸۸: ۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

کفیل ژنرال قنسولگری اصفهان اطلاع می‌دهد که صلح مابین بختیارها انجام گرفت. در ۲۹ این ماه سردار محتشم و صدصام السلطنه به اردوی اصفهان ملحق خواهند شد. گمان می‌شود که سردار محتشم بعد از این به سردار اسعد ملحق گردد.

نمره - ۶۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۸ ژون ۱۹۰۹ [۷ تیر ۱۲۸۸: ۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف ذیل از مستر راتسلو [= راتیسلا] مخابره شده است:
به ژنرال فرمانده قشون روس دستورالعمل رسیده است که از حرکت بطرف روسیه عجالتاً صرف نظر نمایند.

نمره - ۷۰

تلگراف سر بار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۹ ژون ۱۹۰۹ [۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۰ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.

من از سفارت روس اطلاع حاصل نمودم که ۹۰۰ نفر از مجاهدین قزوین بیش از چهل میل از پایتخت دور نیستند. وزراء در اضطراب و منتظر مساعدت استقراض هستند که آنها را از این بلیه نجات دهد. شرایط پروگرام ما این است که بعد از انتشار قانون انتخاب و يك پروگرام صحیحی برای مخارج آنوقت مساعدت استقراضی داده بشود. مسیو سابلین و من گمان می‌کنیم که باید این پیشامدها را به جریان طبیعی محول نماییم و اگر شاه خواست که اقدامی نماید البته مانع نخواهیم شد و اگر از طرف شاه کمکی از ما درخواست شود جواب این خواهد بود که اگر پارسال گوش به نصایح ما می‌داد البته اوضاع اینطور نمی‌شد و این بحرانیهای مدهش پیش نمی‌آمد.

در قم و کاشان اقدامات لازمه برای جلوگیری ملتیان بعمل آمده است. سردار اسعد به مسیو گراهم گفته است که در خود طهران مابین ملتیان ترتیبی داده شده است که بمجرد ورود قشون بختیاری آزادیخواهان طهران شهر را تصرف نمایند.

نمره - ۷۱

تلگراف مسیو اوبرون به سر ادوارد گری مورخه ۲۹ ژون ۱۹۰۹ [۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۰ ج ۲ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

کفیل وزارت امور خارجه به من اطلاع داد که شارژ دافر روسیه مقیم طهران تلگرافی به این مضمون مخابره نموده است: نظر به عزیمت بختیاری و فداییها به سمت طهران آیا صلاح نیست که در صورت لزوم دولت روسیه تهیه‌ای برای اعزام قشون به پایتخت بنماید؟ مسیو سزانوف اظهار نمود اگر چه دولت امپراطوری خیلی متأسف از لزوم چنین اقدامی خواهد بود چونکه هیچوقت مایل به دخالت امور داخلی ایران نبوده، لیکن مجبور است که اتباع و نمایندگان خارجه را محافظت نماید. اگر حرکت رولوسیونرها بطرف طهران صورت خارجی پیدا نماید قزاقهای ایرانی که عجالتاً مستحفظ اتباع خارجه هستند البته نمی‌توانند از عهدت مهوریت خود برآیند و اگر قشون دولت امپراطوری تأخیر در عزیمت نماید قطعاً تولید اشکالات شده و باعث بدبختی خواهد بود.

مسیو سزانوف باز اظهار نمود که دولت امپراطوری نظر به لزوم اقداماتی که باید حفظ جان و مال اتباع خارجه را بنماید کشتیها را برای حمل قشون به بنادر ایران در بادکوبه حاضر خواهد نمود.

نمره - ۷۲

تلگراف مسیو اوبرون به سر ادواردگری مورخه ۳۰ ژون ۱۹۰۹ [۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۱ ج ۲ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

راجع به تلگراف بیروز من

کفیل وزارت خارجه اطلاع داد که دیروز نتیجه مشاوره خصوصی دولتی این بوده است که دولت مصمم شده تهیه اعزام قشون روس را به قزوین بنمایند. مقصود از فرستادن قشون این است [که] راه رشت و طهران را تصرف نموده بدون اینکه داخل پایتخت بشوند؛ و دولت روسیه ابداً میل ندارد که قشون پایتخت را اشغال نمایند. کفیل وزارت خارجه تلگرافی را که شارژ دافر روسیه نموده بود به من نشان داد. اوضاع را خیلی پریشان و مدهش تصور می کرد. در آن تلگراف اشعار داشت که مسیو سابلین اظهار کرده است که بریگاد قزاق بی استعداد است و احتمال دارد که شاه به یکی از سفارتخانه‌ها پناهنده بشود. مسیو سابلین اصرار دارد که قشون قزوین را اشغال نماید. سؤال نمودم که در صورت عزیمت بختیاری به طهران واقعاً چه خطری متصور است. کفیل وزارت خارجه جواب داد که احتمال قوی دارد بانک و اتباع خارجه را غارت نمایند.

قوه‌ای که به قزوین فرستاده خواهد شد عبارت از ۱۰،۵۰۰ نفر است. مسیو سائوف اظهار داشت در صورتی که بختیارها از طهران صرف نظر نمایند دیگر قشون فرستاده نخواهد شد و گفت در هر صورت دولت روسیه حاضر است که ضمانت کافی برای اخراج قشون خود نماید.

نمره - ۷۳

تلگراف مسیو اوبرون به سر ادواردگری مورخه ۳۰ ژون ۱۹۰۹ [۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۱ ج ۲ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

از راپورت این مطلب افتخار دارم که کفیل وزارت خارجه به من اطلاع داد که دولت روسیه مصمم شده است که در قشون تبریز تخفیف بدهد. جناب ایشان گفتند که اوضاع تبریز عجالاً طوری است که بیش از این تخفیف قشون را اجازه نمی دهد. دولت روسیه منتظر ورود حاکم جدید و استقرار اقتدار اوست. در هر صورت قشون را خارج خواهیم کرد و لیکن عجالاً از ترس آنکه مبادا دوباره تولید اغتشاش باعث شود که قشون مجدداً عودت داده شود مجبوراً باید استعداد در تبریز توقف نماید. ممکن است اشخاصی مثل ستارخان و باقرخان دومرتبه مصدر امور بشوند و این ترتیب را دولت روسیه هیچوقت اجازه نخواهد داد.

نمره - ۷۴

تلگراف سر ادواردگری به مسیو اوبرون مورخه ۳۰ ژون ۱۹۰۹ [۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۱ ج ۲ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

امروز با سفیرکبیر روسیه صحبت نموده و به جناب ایشان گفتم یقین دارم هر قدر دخالت خارجه در امور ایران کمتر بشود جریان طبیعی بهتر خواهد بود اگرچه از اشکالات حالیه طهران بخوبی اطلاع دارم و اگر دولت روسیه طهران را تصرف نماید شبهه ندارم که نظم را برقرار خواهد کرد ولی بالمآل نتیجه این خواهد شد که ایرانیان تصور خواهند کرد که شاه به پشتگرمی روسها متصدی این امور شده است و تمام مملکت یکمرتبه از قبضه حکومت شاه خارج خواهند شد. عقیده من این است که بریگارد قزاق قوه کافی دارند و می توانند از این پیشامدها جلوگیری نمایند. من به کنت بنکاندوف [بنکندورف] گفتم بخوبی می دانم که دولت روسیه از این حوادث ایران چه اندازه خود را متضرر می بیند و بواسطه همسایگی دچار مشکلات خفیه است.

نمره - ۷۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه اول ژویه ۱۹۰۹ [۱۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۲ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

در اصفهان سعی کامل دارند که برای سردار اسعد استعداد کافی تهیه نمایند. برای ملتیان قزوین از رشت استعداد فرستاده شده است و باید امروز به قزوین وارد بشود. از طهران بتوسط تلفون خبر رسید که امروز بازارها را بسته اند.

نمره - ۷۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه اول ژویه ۱۹۰۹ [۱۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۲ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

از مشروطه طلبان قزوین تلگرافی برای سفارتخانه های خارجه مخابره شده است مشعر بر اینکه ترتیب بعضی مسائل مهمه با وزراء آنان را به طهران می کشانند. عموماً باشاه اظهار همراهی نموده و مطلقاً خونریزی را تکذیب می نمایند.

نمره - ۷۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲ ژویه ۱۹۰۹ [۱۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۳ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

پیش آمدن بختیاریها

سردار اسعد از قم حرکت نمود و با ۱۲۰۰ نفر بختیاری بظرف شمال رهسپار گردید.

نمره - ۷۸

تلگراف مسیو اوبرون به سرادواردگری مورخه ۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۳ ح ۲ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

اوضاع تهران

دیروز عصری با وزیر امور خارجه ملاقات نمودم. جناب وزیر اطمینان داد که دولت روسیه همان رویه عدم دخالت را خواهد داشت و بهیچوجه خیال ندارد که به شاه کمک نظامی نماید بلکه مقصود دولت روس آن است که راه انزلی و طهران را در دست داشته جان و مال اتباع خارجه را محافظت نماید. جناب وزیر اظهار نمودند اگر بنا شد به طهران قشون فرستاده شود باید عده کافی باشد و بدو هم قزوین را اشغال نمایند و لیکن هنوز اعزام قشون به قزوین و طهران معلوم نیست. مسیو ایزولسکی اظهار نمود که مسؤلیت سلامتی اتباع خارجه مقیم طهران به عهده دولت روس است. این مطلب باعث تسوید اشکالات بسیاری برای روسیه شده است.

نمره - ۷۹

تلگراف مسیو اوبرون به سرادواردگری مورخه ۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۳ ح ۲ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

مجملی از اعلان رسمی [را] که امروز در روزنامهها درج شده فیلا می نگارد: نظر به اوضاع هولناک ایران به فرمانفرمای قفقاز حکم شده که دسته‌ای از قشون و کشتی برای حمل آنها در بادکوبه حاضر نماید. این تهیه برای این است که در صورت پیش آمدن فدایی و بختیاری اگر هرج و مرج شد اتباع خارجه را محافظت نمایند و راه انزلی و طهران را در دست داشته باشند.

نمره - ۸۰

تلگراف سرادواردگری به سر بارکلی مورخه ۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۳ ح ۲ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

پیش آمدن به طهران

تلگراف اول ماه ژوئیه شماره به کنت بنکاندورف [بنکندورف] نشان دادم و در همان وقت پیشنهاد نمودم در صورتی که دولت روسیه مایل باشد شما با همکار روس خودتان با ما جاهدین و اشخاصی که روبرو طهران عزیزت نموده‌اند ملاقات کرده و به آنها اخطار نمایید که چیزی که می‌تواند از دخالت دولتین جلوگیری نماید فقط عبارت از استقرار امنیت است. لازم است وقتی را تعیین کرد و مشاوره نمود که مشروطیت جدید در چه شکل اداره خواهد شد. اگر مشروطه طلبان میل دارند از شاه ضمانتی برای انجام مشروطیت تحصیل نماییم و در این صورت بایستی قبلاً صورت ضمانت را پیشنهاد نمایند.

نمره - ۸۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۴ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

دیشب بنا به خواهش شاه با همکار روس خود به قصر سلطنتی رفتیم. شاه اظهار داشت هر چند که ملت ایران دچار بی‌علمی هستند ولی من همیشه مایل بوده‌ام که در مملکت اساس مشروطیت پایدار باشد. نصایحی را که دولتین پیشنهاد نموده‌اند ملاحظه کرده و بهمین جهت مشروطه سابق را برقرار نمودم.

کلیه پروگرام روس و انگلیس را قبول کرده و سعدالدوله را برای انجام آن به خدمت گمارده‌ام. لیکن اشخاصی هستند که سعدالدوله را مستبد قلم می‌دهند و می‌گویند این مشروطه غیر از تقلب چیزی نیست. از ولایات استعداد خواسته شده بود و آنها نیز در شرف حرکت بودند در صورتی که سفراء به من مکرر گفته‌اند اگر پروگرام ما را به موقع اجراء بگذارید تمام اشکالات رفع خواهد شد. من هفت هزار نفر از قشون کسر نموده‌ام و حالا باید با پنجهزار نفر جنگ نمایم. مقصود از احضار سفراء این است که در خصوص اوضاع مشورتی بعمل آید. من در جواب یادآوری نمودم که نصایح دولتین چند ماه است داده شده ولی بدبختانه در وقتی اعلیحضرت شاه مصمم شده‌اند آنها را به موقع اجراء بگذارند که متأسفانه رشته اوضاع بکلی از قبضه اقتدار خارج شده است.

هر چند که در آن موقع به نظر ما بهترین راهی برای موفقیت شاه اجراء نمودن پروگرام بود لیکن اوضاع حالا طوری شده است که ما نمی‌توانیم بگوییم موفق خواهید شد.

من به اعلیحضرت شاه یادآوری نمودم که ما به‌او همراهی خواهیم کرد در صورتیکه شاه مشروطه باشند و همراهی ما این بود که بدو با سپهدار و سردار اسعد ملاقات نموده و آنها را وادار کردیم که از طهران صرف نظر نمایند اگر چه بدبختانه آنها قبول نکردند. عجب‌تر آنکه سردار اسعد تقاضاهای خود را نیز اظهار ننمود. در این موقع سعدالدوله گفت تقاضاهای سردار اسعد اولاً تخلیه تبریز و ثانیاً اخراج بعضی از وزراء است. شاه گفت مقصد اصلی فداییان چیز دیگر است و این تقاضاها را وسیله نموده‌اند.

من و شارژ دافر روس به شاه اطلاع دادیم که هر چند ما نمی‌توانیم عجالاً نصیحتی کرده باشیم ولی اطمینان می‌دهیم اگر موقعی پیش آمد نفوذ خود را برای اصلاح طرفین مبنول خواهیم داشت. شاه اسمی از تبریز نبرد و دیگر داخل مذاکره نشد و با یک حال‌وقاری از اطاق خارج گشت. این ملاقات بی‌اندازه رقت و افسرده‌خاطری را جلب می‌کرد.

نمره - ۸۲

تلگراف مسیو اوپرون به سر ادواردگری مورخه ۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۴ ج ۲ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

فرستادن قشون روس به ایران

هیئت وزراء مصمم شده‌اند که فوراً یک فوج سرباز با توپخانه و یک فوج قزاق به انزلی

بفرستند. به قشون دستورالعمل داده شده است که در قزوین منتظر باشند و در صورتی که سفارت روس حکم نمود برای حفظ اتباع خارجه به طهران عزیمت بنمایند. احکام سخت به رئیس قشون شده است که بهیچوجه در کشمکش داخلی دخالت ننمایند و هم خود را برای محافظت جان و مال اتباع خارجه مبذول دارند.

نمره - ۸۳

تلگراف مسیو اوبرون به سر ادواردگری مورخه ۴ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۳ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۵ ج ۲ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

وزیر امور خارجه به من اطلاع داد که به شارژ دافر روسیه مقیم تهران حکم شد تا مأموری از طرف سفارتین برای مذاکره با رؤسای آزادی طلبان که رو به طهران عزیمت کرده اند اعزام شود. جناب وزیر گمان می نمود که قشون روس تا ۴ روز دیگر برای حرکت حاضر خواهند بود و تا ۴ روز مقصود اصلی رؤسای ملتیان آشکار خواهد شد. تا وقتی که نمایندگان دولتین در مذاکرات خود تحصیل موفقیت ننمایند نمی توانیم حرکت قشون را تصویب نماییم.

www.adabestane-kave.com

نمره - ۸۴

تلگراف سر بار کلی به سر ادواردگری مورخه ۴ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۳ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۵ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف ۲ این ماه آن جناب دیروز عصر به من رسید و مضمون آن را به مسیو سابلین ارائه دادم. نماینده ای از طرف سفارتین نزد سردار اسعد و سپهدار برای مذاکراتی که در تلگراف اشعار شده بود فرستاده شد.

نمره - ۸۵

[۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف سر بار کلی به سر ادواردگری مورخه ۴ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۳ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۵ ج ۲ - ۱۳۲۷] راجع به تلگراف امروز من

امروز از ماژور استوکس (که با ترجمان اول سفارت روس برای مذاکرات نزد سپهدار فرستاده شد) راپورت رسید که در شاه آباد مابین ملتیان و قشون شاه جنگ شده. قزاقها سابقاً از کرج به این نقطه آمده بودند برای اینکه اگر قشون ملتیان خواستند از اطراف به طهران حمله ور شوند بتوانند جلوگیری نمایند. در این جنگ ملتیان شکست خورده و ۱۲ نفر از آنها کشته شده است. در نزدیکی شاه آباد اشتباهاً چند تیری به ماژور استوکس و مسیو بارانوسکی انداخته شده ولی آنها سلامت به کرج رسیده اند.

نمره - ۸۶

کاغذ سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۳ مه ۱۹۰۹ [۲ خرداد ۱۲۸۸؛ ۳ ج ۱ - ۱۳۲۷] از طهران.

در مراسله ۸ این ماه راپورت دادم که ملتیان اصرار دارند که باید شاه فرمان دومی که بمنزله شارح فرمان اول باشد صادر نمایند یعنی در آن فرمان توضیح بدهند که قانون اساسی با مواد متمم آن کمافی السابق معمول و مجری خواهد شد. من افتخار دارم تا ترجمه فرمانی را که در ۲۰ این ماه در این خصوص صادر شده است برای شما ارسال دارم. این فرمان ترضیه خاطر ملتیان را تحصیل نموده است.

بارکلی

ضمیمه نمره ۸۶

فرمان همایونی مورخه ۲۰ ماه مه ۱۹۰۹ [۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۲۹ ۲۹ - ۱۳۲۷] هر چند که رفاهیت و خوشوقتی رعایای ما که اولادهای معنوی ما هستند در پیشگاه ملوکانه ما منظور و اتحاد ملت و دولت مقصود عمده ذات همایونی ما بوده است، چون توضیح در هر امر باعث رفع اشتباه و حصول اطمینان است، پس برای اینکه مقصود خودمان را ظاهر ساخته و نیات مقدسمان را ثابت نماییم و برای اینکه اذهان عمومی را مطمئن و اسباب دلگرمی رعایا را فراهم نماییم، و همچنین توضیحی به فرمان سابق داده باشیم ما می نویسیم که مشروطه ایران بر وفق همان ۱۵۸ مواد قانونی برقرار است و این مواد مایه آسایش و ترقی ملت ایران خواهد شد.

محمد علی شاه قاجار مورخه ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۲۷

نمره - ۸۷

کاغذ سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۴ مه ۱۹۰۹ [۳ خرداد ۱۲۸۸؛ ۴ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

افتخار دارم که لفاً سوادى از مراسله ژنرال قنصول اعلیحضرتی در تبریز راجع به حوادث اخیره محاصره شهر برای شما تقدیم نمایم. موقع را غنیمت شمرده و می خواهم تشکرات صمیمانه خود را از ژنرال قنصول اظهار نمایم چون از وقتی که به سر مأموریت خود آمده کارها را خوب اداره می نماید.

ضمیمه نمره ۸۷

کاغذ ژنرال قنصول راتیسلو [راتیسلا] به سر بارکلی.

آقا

من افتخار دارم که مطالب ذیل را که در این اواخر محاصره رخ نهوده به نظر آنجناب برسانم. هرچند که زحمت همه روزه رو به زیادتی است و گندم ارك نزدیک به تمام شدن است لیکن تا اواخر ماه مارس ملتیان خودشان را بهیچوجه هولناك نمی‌پنداشتند. در اواخر ماه مارس ملتیان مصمم شدند که یکدفعه به مرکز دولتیان که در بارنج بود حمله نمایند.

این حمله در ۲۴ ماه مارس [۴ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۱ - ۱۳۲۷] بدون خسارت عمده اتفاق افتاد. یک دسته ۲۰ نفری از اشخاص کاری و در میان آنها چند نفر از قفقازیهای مسیحی یکی از مراکز دولتیان را متصرف شدند در صورتی که ۸ نفر از آنها مقتول و مجروح گشت. باقرخان که در همان طرف بود به این دسته کمک نکرد و با همراهان خود در پشت سنگرها بیکار نشسته بود. دسته‌ای هم از اهل شهر مسلح تا آخر نقطه که در دست ملتیان بود. رفته چند نفر از آنها بواسطه توپخانه دولتیان کشته شدند و بعد از آن جرئت نکردند که به دولتیان حمله نمایند.

در ۲۸ و ۲۹ این ماه [۸ و ۹ فروردین؛ ۷ و ۶ ع ۱] هم چند مرتبه از طرف ملتیان حمله شد لیکن بعد معلوم گردید که نمی‌توانند در حمله به قشون دولتی که عده‌شان خیلی زیادتر از ملتیان است فائق بیایند. توپخانه دولتیان که در بارنج بود تا این تاریخ فقط به سنگرهای ملتیان نزدیک خیابان شلیک می‌نمود لیکن در ۴ ماه [۱۵ فروردین؛ ۱۳ ع ۱] شروع به بمبارده شهر کرد و نتیجه این شد که چند نفر از اشخاص بی‌طرف کشته شد. قدری هم خسارت به عمارت‌های شهر وارد آمد. در ۸ ماه آوریل [۱۹ فروردین؛ ۱۷ ع ۱] قسولهای خارجه به سفارت‌های خود تلگراف نموده و تقاضای حمل آرد برای اتباع خود کردند. کسی امید نداشت که شاه این اقدام را اجازه دهد چنانچه در واقع این تلگراف هم اثری نبخشید. در این موقع خیلی از خارجه‌ها [=خارجی‌ها] در زحمت بودند و مخصوصاً اشکال زیاد آنها عبارت از تغذیه مستخدمین خود بود چون در ایران رابطه نوکر و آقا طوری است که این اقدام را لازم دارد. در این ایام تقریباً سه ربع دکانهای نانوائی بسته و گوشت هم خیلی بد و با اشکال زیاد تحصیل می‌شود. تلگرافی که شاه در جواب ثقة الاسلام مخابره کرده‌اند باندازه‌ای امیدبخش است. ثقة الاسلام (یکی از مجتهدین با نفوذ تبریز است) تلگرافی به شاه مخابره و درخواست اعطای مشروطیت نموده بود و شاه نیز جواب مساعد داده است لذا بتصویب انجمن ولی غیررسمانه در ۱۰ آوریل [۲۱ فروردین؛ ۱۹ ع ۱] به اردوی دولتی رفت و با سرکردگان ملاقات نمود. لیکن این ملاقات اثری نبخشید و اسباب یأس مردم زیادتر شد. نرخ ارزاق قدری تخفیف یافته چون اشخاصی که گندم انبار کرده بودند گمان اصلاح نمودند و گندهای خود را فروختند. در ۱۵ ماه [۲۶ فروردین؛ ۲۴ ع ۱] دسته‌ای از اکراد اردوی صمدخان بطرف پل آجی یورش بردند و اتباع ستارخان با حمله آنها را شکست داده و دو نفر را کشتند. در همان موقع توپخانه بارنج شهر را بمبارده نمود و چند عدد گلوله به انجمن که نزدیک محله اروپائیه است خورد. روز بعد با یکی از اعضاء

عمده انجمن ملاقات نمودم و به من اطلاع داد که امید مقاومت به آخر رسید و فقط مایه نجات تبریز بسته به دخالت روس و انگلیس است. هر چند که در تمام مسائل خیلی بی ملاحظه صحبت می نمود ولیکن در خصوص گندم اظهار قطعی نکرد که چقدر گندم موجود است. به من اطمینان داد که تا سه هفته دیگر گندم خواهد بود. من سؤال کردم در صورتیکه ممکن است اتباع خارجه که مایلند از شهر خارج بشوند. جواب داد که این مسئله ابداً امکان پذیر نیست. روز بعد کاغذی از طرف انجمن به من و همکار روسم رسید و در آن کاغذ نایابی گندم را توضیح داده و از ما خواهش نموده بودند که برای تسهیل آذوقه اتباع خارجه و اهل شهر چاره ای نماییم. در همین روز برای مذاکره این مطلب از ما به انجمن دعوت کردند. در آن مجلس تمام اعضاء انجمن و اجلال الملک که از طرف اعضاء صحبت می نمود حاضر بودند و اظهار داشت که مقصود از دعوت ژنرال قسولها این است که اوضاع ناگوار را خاطر نشان نموده و خواهش کنیم تا در صورت امکان خطری را که در سر راه عموم سد بسته و متصل افق ما را تهدید می کند رفع نماییم. گندم تقریباً تمام شده و غالب مردم از زور گرسنگی نزدیک به هلاکت رسیده و اشکال زیادی در محافظت شهر و نگاهداشتن اهالی تولید می شود. هر دقیقه ممکن است که اهالی ستمدیده به خانه هایی که احتمال داشتن گندم در حق آنها می رود هجوم نمایند. در این موقع یک نفر ملائی که عضو انجمن بود گفت مردم فرق مابین اشخاص نمی گذارند و در این صورت معلوم است که ضرر این اغتشاش به چه قسم اشخاص وارد خواهد آمد. از طرز حرف زدن همچو معلوم می شد که مقصود او اتباع خارجه است لیکن عموم اعضاء غیر از یک نفر این مطلب را تکذیب کردند. ما جواب دادیم که ما همیشه بیشتر از اشخاص دیگر مایل بوده ایم که این موضوع ناگوار خاتمه پذیرد لیکن ما درست نمی دانیم که چه باید کرد. اگر از طرف ملتیان پیشنهادی بشود شاید ممکن باشد ما آن پیشنهاد را به موقع اجراء بگذاریم. اجلال الملک جواب داد مقصود اینها این است که جنگ را متارکه و راه باسمنج را باز نموده تا به شهر حمل آذوقه نمایند و در این بین با آزادی طلبان سایر ولایات بتوسط نمایندگان مخصوص تحصیل رأی نموده و با شاه مذاکره کرده و از در صلح درآییم. پس از قدری مذاکره نتیجه این شد که صد و پنجاه خروار گندم همه روزه برای شهر لازم است و اگر این مقدار تحصیل بشود فقط برای اهالی صرف خواهد شد و از این گندم به قشون ملتی داده نمی شود چون گندم کافی در دست ستارخان و باقرخان موجود است.

از ما خواهش کردند تا این پیشنهاد را به سفارتین روس و انگلیس فرستاده و از آنها درخواست نماییم که به شاه در قبول کردن این مسئله اصرار نمایند و اظهار دارند که ملت آذربایجان نه بر ضد شاه بلکه برای تحصیل مشروطیت و آزادی جنگ می نمایند. ما قبول کردیم که این پیشنهادها را بتوسط سفارتین به شاه برسانیم. به آنها خاطر نشان نمودیم در صورتیکه حال شهر بر همه معلوم است احتمال داده نمی شود که شاه این خواهش را قبول نماید. پس اگر ممکن است پیشنهاد دیگری نمایند (مقصود ما تسلیم شهر بود). آنها جواب دادند که غیر از این مسئله چیز دیگری نیست. روز بعد نان خیلی کمیاب بود و در واقع غیر از اشخاص با نفوذ و کسانی که طرف توجه بودند کسی نمی توانست تحصیل

نان نماید. روز بعد هیچ از دکانهای نافوایی باز نبود و عده زیادی زن از نقاط مختلفه شهر جمع شده بودند لیکن جبراً آنها را متفرق ساختند.

در ۱۹ ماه [۳۰ فروردین؛ ۲۸ ع ۱] عده زیادی زن در صاحب‌الامر جمع شده بودند. لیکن بتوسط نطق و هوعظه یک نفر ملائی که مخصوصاً به آنجا فرستاده شده بود آنها را متفرق کردند.

در همان روز من خبردار شدم که نقشه هجوم به قنسولگری و خانه‌های اتباع خارجه کشیده شده است. پس از آنکه تلگراف ۱۹ آوریل شما رسید به انجمن اطلاع دادم که فردا پیشنهادهای شما را نزد شاه خواهند برد. این خبر تا اندازه‌ای اسباب تسکین اهالی شد. همان روز به اتباع انگلیس اطلاع دادم که خطر بزرگی سریعاً اتباع خارجه را تهدید می‌نماید و خیلی ممکن است که در همین روزها واقع بشود. نظر به امنیت قنسولخانه هر کس مایل است به قنسولخانه آمده و از حوادث آسوده بماند ولی هیچکدام از آنها قبول نکردند. لیکن در همان روز تلگرافی به وزیر امور خارجه اعلیحضرتی نمودند مشعر بر اینکه اتباع خارجه خطر بزرگ در پیش دارند و قنسولخانه مستحفظ کافی ندارد. اتباع روس در نهایت اضطراب در قنسولخانه و اطراف آن جای گرفتند.

تمام جواهرات بانک روسی را هم به قنسولخانه نقل کردند. اگر اوضاع قدری تخفیف پیدا نکرده بود احتمال قوی داشت که خانه‌های اتباع خارجه و ایرانیهای متمول را غارت نمایند. در شب ۱۹ و ۲۰ آوریل [۳۰ و ۳۱ فروردین؛ ۲۸ و ۲۹ ع ۱] نقشه کشیده شد که به اردوی صمدخان که در اطراف قراملک [= قره‌ملک؟] بود حمله نمایند لیکن بواسطه اختلاف ملت تا ۲۰ ماه اقدامی ظاهر نشد. چون دولتیان اطلاع کامل از خط حرکت ملتیان داشتند و خود را حاضر جنگ می‌نمودند لذا امید موفقیت برده نمی‌شد. دو دسته از ملتیان در تحت ریاست مستر پاسکوویل [= باسکرویل] معلم مدرسه امریکایی و مستر هوار مخبر روزنامه «دیلی نیوز» در نهایت انتظام به اردوی صمد خان حمله بردند و حرکات جسورانه نمودند ولیکن بملاحظه نامساعدتی تابینها این دو نفر وقتی که نزدیک اردو رسیدند عده کافی نداشتند. با وجود این جنگ سر گرفت و مستر پاسکوویل [= باسکرویل] کشته گردید و مستر هوار سالمأ مراجعت نمود.

روز تا شب لاینقطع دعوا بود ولی در اواسط روز معلوم شد که ملتیان در این حمله موفقیت تحصیل نکردند و ۲۰ نفر از ملتیان کشته و مجروح شد. در چهارم بعد از ظهر تلگراف جناب شما مشعر به اعلان متارکه ۶ روزه شاه رسید و فوراً قضیه را به انجمن اطلاع دادیم و از آنها خواهش کردیم که جنگ را موقوف نمایند تا نماینده نزد عین‌الدوله فرستاده و حمل آذوقه نماییم و خوب است آنها هم یک نفر نماینده برای مذاکره صلح اعزام دارند. از طرف ما ویس قسول ایستو و از طرف روس تاجر باشی نظربیک‌اوف به باسمنج رفتند و یک کاغذی از طرف قنسولگریها و یکی هم از طرف انجمن نزد عین‌الدوله بردند و از او خواهش کردند که به نمایندگان مساعدت کرده و به شهر حمل آذوقه نمایند.

به فاصله سه روز از طرف نمایندگان کاغذی رسید مشعر بر اینکه عین الدوله اعلان متارکه و حمل آذوقه را رسماً تکذیب نمود. لیکن بنابر اصرار ما راضی شده است که راه باسمنج را باز نماید. بعلاوه راپورت دادند هر چند که خط تلگراف مابین طهران و باسمنج کار می کرده لیکن از صبح ۲۱ ماه [یکم اردی بهشت؛ ۳۰ ع ۱] خط بریده شده است. در ظهر ۲۲ ماه اجلال الملك به ما اطلاع داد که صمدخان خطیب را تصرف نموده و از ما کسب تکلیف کرد. ما جواب دادیم در صورتیکه دولتیان ملاحظه متارکه را نکردند البته ملتیان بایستی از خود دفاع نمایند. در آخر آن روز، پس از قدری جنگ قشون صمدخان خطیب را تخلیه نمودند. در عصر آن روز خبر رسید که یک شخصی برای فقرای تبریز به اجازه عین الدوله ۲۵ خروار گندم از باسمنج بار کرده بود ولی از طرف سرکردگان دولت جلوگیری کرده و نگذاشتند که بارها به شهر برسد و اظهار کرده بودند که هنوز از شاه دستورالعملی در خصوص حمل آذوقه نرسیده است، در صورتی هم که برسد اطاعت نخواهد شد. البته نمی توان طعمه‌ای را که چندی است در سر تحصیل آن زحمت می کشند از دست بدهند. این قضیه را نمایندگان تصدیق نمودند و اطلاع دادند که مابین عین الدوله و سایر سرکردگان در این خصوص نزاع افتاده است و عین الدوله اخطار کرده که اگر اوامر مرا مخالفت نمایند مجبوراً به طهران خواهم برگشت. این مطلب را عین الدوله در کاغذ خود اطلاع داده بود.

در ۲۳ ماه [۳ اردی بهشت؛ ۲ ع ۲] از طرف دولت روس به همکار روسم اطلاع داده شد که عده‌ای قشون روس بطرف تبریز فرستاده شد و ما این مطلب را به انجمن اطلاع دادیم. عجباً ما گمان می کنیم که راه نجات تبریز منحصر به ورود قشون روس است. اهالی شهر خیلی در تنگی بودند و فقراء خسته و در کوچه‌ها افتاده و اغلب آنها جز علف خوراکی نداشتند. در ۲۴ ماه انجمن مستقیماً با شاه شروع به مذاکره نمود و بعد از اینکه حرکت قشون روس از سرحد معلوم شد در ۲۵ ماه از طرف اعلیحضرت شاه تلگراف سختی به عین الدوله و سایر سرکردگان دولتی برای متارکه جنگ و حمل آذوقه به شهر مخابره شد. پس از آنکه تلگراف شاه به تبریز رسید هیئتی از انجمن نزد ما آمدند و سؤال نمودند که ممکن می شود قشون روس چند روزی تأخیر نمایند بلکه مذاکرات با شاه ثمره‌ای ببخشد ولی از وضع مذاکره معلوم بود که از روی حقیقت نمی توانند لزوم ورود قشون روس را تکذیب نمایند بلکه در صورت ظاهر حسب الوظیفه چیزی می گفتند.

ما جواب دادیم که مطلب ایشان را راپورت خواهیم داد لیکن در این موقع شیرازه کار از دست ما خارج شده است.

چند روز تا مدتی که آذوقه زیاد نرسیده بود اوضاع آذوقه خیلی بد بود و نان بهیچوجه پخت نمی شد لیکن احکامات شاه بزودی به موقع اجراء گذارده شد و اوضاع شروع به بهبودی نمود.

راتیسلا [راتیسلا]

نمره - ۸۸

کاغذ سر بارکلی به سر انواردگری مورخه ۱۹ ژون ۱۹۰۹ [۲۹ خرداد ۱۲۸۸؛
 ۳۰ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.
 آقا

در این چند هفته اخیره اتفاق مخصوصی نیفتاده است. پروگرام ما در خصوص استقرار مشروطیت در کمال خوبی اجراء می‌شود و امید که در این چند روز آینده قانون انتخابات که اغلب ملتیان را خوشوقت خواهد کرد منتشر و وقت انتخاب را نیز معین نماید. در بین وزراء نفاق شدیدی تولید شده که برخی سلب اطمینان از سعدالدوله کرده و بعضی دیگر ملاحظه و رقابت با سعدالدوله و فرمانفرما وزیر داخله دارند. در مواقعی که این کابینه از طرف سفارتین پیشنهاد شد آشکار بود که مابین بعضی از اعضاء ضدیت خواهد شد. در هنگام تشکیل ممکن بود که وزراء متحد پیدا بشود ولیکن عنصر اقتدار و جسارت در دست سعدالدوله بود و به همین ملاحظه است که اغلب مواد پروگرام ما را بموقع اجراء گذاشتند و امید است که بزودی مجلس منعقد شود.

خیلی مایه تأسف است که در این موقع ناصرالملک ممکن نیست در ایران حضور بهم‌رساند. اگر برای مشارالیه ممکن می‌شد که رئیس‌الوزرائی را قبول نماید البته وجود او اطمینان ملتیان را در حق وزراء کسب می‌نمود. با وجود اینکه ترقی کامل برای برقراری اساس مشروطیت حاصل است باز ملتیان نمی‌توانند اطمینان خود را نسبت به وزرائی که سعدالدوله رئیس‌الوزراء آنها است اظهار نمایند. دو فقره اقدام باعث تنقید اعمال سعدالدوله شده است. یکی آنکه نظم شهر را به عهده لیاخف واگذار نموده و دومی آنکه علاءالدوله را به سمت حکومت تبریز تعیین کرده است. ولیکن اقدام اولی باعث انتظام شهر شد و من هم این مسئله را تصدیق می‌کنم اما در مسئله دوم بموجب راپورت ژنرال قنصل عموم اهالی غیر از یک عده بلواطلب متفقاً اظهار امتنان از حکومت علاءالدوله می‌نمایند.

تا به امروز اجرای پروگرام دولتین رویهم‌رفته نتیجه بهبودی کامل در اوضاع تحصیل نموده است. هر چند مستبدینی که در اطراف شاه بودند و همیشه اسباب اضطراب اهالی را فراهم می‌نمودند متفرق شده‌اند. امیر بهادر جنگ بیکی از رؤسای ملتیان گفته که محض کسب ترضیه خاطر اعلیحضرت همایونی مراتب مشروطیت را قبول و جداً مشروطه طلب شده‌ام.

صمصام‌السلطنه عده‌ای از سوارهای خود را که سابقاً مرخص کرده بود دوباره احضار نموده است ولیکن این فقره بملاحظه وجود عده‌ای از سواران دولتی است در کاشان که بجهت بی‌پولی نمی‌توانند آنها را مرخص نمایند. عده‌ای از رولوسیونرهای قزوین رو به شمال برگشتند. با وجود اینکه سپهدار به حکومت گیلان و مازندران منصوب گشته و حاکم جدید قزوین هم وارد قزوین شده است هنوز مشارالیه در قزوین و اطراف آنجا با عده‌ای از همراهان خود مسلح می‌باشند. این قشون تا یک اندازه پایتخت را تهدید می‌نماید. با وجود این سلب اطمینان که در هر اقدام سعدالدوله از ملتیان ظاهر می‌شود و هیچ‌کس

نمی‌تواند مقاصد شاه را بخوبی درک کند خیلی مشکل است که از آنها خلع سلاح کرد. تمام ولایات که در تصرف ملتیان است (جز بندر عباس و بندر بوشهر که بواسطه وجود دریابییگی دارای انتظام و امنیت صحیح است) نمی‌توانند اسباب آسایش عمومی را فراهم نمایند.

رشت هنوز در تصرف کمیته ملی است و قزوین هم چنانچه ذکر شد در دست سپهدار است. نظر به راپورتی که از مشهد و کرمان و یزد رسیده هرج و مرج غربی در آن صفحات حکمفرما است. شیراز در کمال بی‌نظمی در تحت حکومت آصف‌الدوله ناقابل است و باین جهت شیراز محل نزاع دستجات مختلف الاحوال است. اوضاع طرق و شوارع جنوب بدتر از این دیگر متصور نیست، هر چند که راه بختیاری مستثنی است و به همین دلیل تجار هم این راه را ترجیح می‌دهند. و این مسئله اسباب خسارت کلی بوشهر شده و عایدات گمرکی تقریباً از بین رفته است. شمال تبریز در تصرف قشون روس است هر چند که می‌خواهند در همین زودبها قسمت بزرگ قشون را برگردانند. در نقاط دیگر آذربایجان اوضاع خیلی بد است.

در نزدیکی اردبیل شاهسونها دهات را می‌چاپند و مستحفظین قنصلگری روس را هم زیاد نمودند و در شمال غربی به‌وجب راپورتهایی که به من رسیده است اوضاع ناگوار جریان دارد.

البته نمی‌توان متوقع شد که اغتشاش ایران بمجرد استقرار مشروطیت برطرف و انتظام عمومی برقرار باشد بلکه مقصود عمده ما عبارت از محافظت مشروطیت بود که آنهم حاصل گشت. حالا باید منتظر شد که دولت مشروطه جدید این اغتشاش‌کاریها را که بواسطه بی‌انتظامی و رشوه‌گیری وجود یافته و در اعماق مملکت ریشه دوانیده است می‌تواند رفع کرده و انتظام و آسایش عمومی را برقرار نماید یا نه؟ اگر دولت جدید در امور مملکتی مطلقاً حسن کفایت بخرج داده و مالیه مملکت را خصوصاً منظم نماید گمان می‌کنم باید دولتین بتوسط يك استقرار کافی سهولتی در اجراء مقاصد دولت جدید که در نظر دارد بدهند آتوقت صاحب پولی خواهند بود که دولت حالیه ندارد و برای هر دولتی که بخواهد این غائله را جداً برطرف نماید این پول لازم است. کابینه‌های جدید نظر به بی‌پولی و بی‌استعدادی دولت راهی را که برای انتظام نقاط در نظر گرفته‌اند این است که اگر بتوانند بتوسط وعد و وعید اشخاص بانفوذ را سر کار آورده و اغتشاش نقاط را باندازه‌ای برطرف سازند. صد هزار لیره را که دولت روس در خیال کارسازی است برای پرداخت حقوق قشون که باید کسر شود صرف خواهد شد با بعضی از مصارف دیگر.

بار کلی

نمره - ۸۹

کاغذ سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۷ ژون ۱۹۰۹ [۲۷ خرداد ۱۲۸۸؛
۲۸ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

کمیته ۲۰ نفری که برای ترتیب قانون انتخابات تشکیل شده بود قانون مزبور را در
۱۰ این ماه تمام کرده و در ۱۳ پیشنهاد شاه نمود. لیکن هنوز از طرف شاه امضاء نشده
است. اشخاصی که اساساً مسؤل این اقدام هستند عبارت از مشیرالدوله و مؤتمن‌الملک و
صنیع‌الدوله و فرمانفرما و حسینقلی‌خان نواب و مستشارالدوله است. قانون جدید عدّه و کلاء
را به ۱۲۰ نفر رسانید در صورتی که قانون ۸ ماه سپتامبر سال ۱۹۰۶ [۱۶ آذر ۱۲۸۵؛
۲ شوال ۱۳۲۴] عدّه و کلاء را ۱۵۶ نفر معین کرده بود. (عدّه و کلاء مطابق قانون اساسی
۱۹۲۲ الی ۲۰۰ نفر است.) ترتیب انتخابات که در سال ۱۹۰۶ مستقیماً و طبقاتی بود حالا
غیرمستقیم و خارج از طبقاتی است. هر نقطه سه مقابل حق انتخاب خود با انتخاب بدوی
تعیین کرده و از میان آنها يك نفر را انتخاب می‌نمایند.

مملکت را به ایالات و ولایات و ولایات را به نقاط تقسیم نمودمانند که
در موقع انتخاب نقاط و ولایات و کلاهی خود را پس از انتخاب به ایالت فرستاده و در آنجا
با انتخاب جدید منتخب و به پایتخت خواهند فرستاد. اگر چه قانون انتخابات تعیین نکرده
است که وکیل باید از اهل محل باشد ولی لازم است که در موقع انتخاب در آن نقطه
حاضر باشد و بعد از فوت و یا استعفای وکیل مجلس عوض آنرا انتخاب می‌نماید. و با این
ترتیب ممکن است متدرجاً تمام و کلاء از طهران و تبریز انتخاب شوند. انتخابات ۱۰ روز
بعد از آنکه شاه قانون را امضا نمود در طهران شروع می‌شود. و در ولایات بفاصله ۵ روز
بعد از وصول نظامنامه خواهد شد.

شرایط وکیل موافق ترتیبات معموله است که راجع است به سن و اطلاعات و ذکوریت
اگر چه شرط شده که وکلاء دارای علاقه مالی بوده باشند ولیکن مشروط به علاقه ملکی
نیست.

پس از حضور يك ثلث از وکلاء مجلس برسمیت منعقد خواهد شد و مدت تشکیل رسمی
مجلس دو سال است و بعد از آن دومرتبه انتخاب می‌شوند. مسئله موجب وکلاء منوط
به رأی مجلس است. مخارج عرض راه و کلاء را از ولایات تا طهران می‌دهند. قوانینی
که برای ترتیب انتخابات تعیین شده ناظر آن کمیته و اعضاء انجمن مشروطه ۷ اکتوبر
۱۹۰۷ [۱۴ مهر ۱۲۸۶؛ ۲۸ شعبان ۱۳۲۵] است (آرتیکل ۹۰ و ۹۳). این کمیته پس از
امتحان منتخبین تعرفه رأی را خواهد داد. ماده دیگر از این قانون انتخابات برای پیچ
ایل معروف (بختیاری و شاهسون آذربایجان و قشقائی فارس و ایل خمه فارس و ترکمن)
حق انتخاب می‌دهد که هر کدام از اینها يك نفر وکیل انتخاب می‌نمایند و همچنین برای
هر کدام از ملل متنوعه (ارمنی و کلدانی آذربایجان و یهود و زردشتی) يك نفر وکیل
معین شده است. در ۱۵ این ماه شاه اعتراضات ذیل را به قانون انتخابات نمود:

۱) انتخاب ایالات باعث تولید اغتشاش می‌شود چون ایالات منشعب به طایفه و اوبه و

عشیره و غیره می‌باشند که متصل در میان هر جمعی نقاضتهای دائمی حکمفرما است و این مسئله سبب زیادتی اشکال خواهد شد.

(۲) وکیل بعد از انقضاء مدت انتخاب چرا باید دوباره انتخاب بشود.

ولی بعد حالی کردند که این مسئله غیرممکن است چون هیچوقت نمی‌شود اهالی را از انتخاب ثانوی وکیل جلوگیری کرد و اگر این مسئله را صورت قانونی بدهند برخلاف روح مشروطیت خواهد شد. لیکن امروز اعلیحضرت شاه اظهار نموده که آن اعتراضات خود را پس خواهیم گرفت و قانون را بهمین ترتیب که مرتب شده امضاء خواهیم کرد.

وزراء مایلند که مجلس سنا را نیز بترتیبی که مشروطه ۳۰ دسامبر سال ۱۹۰۶ [۸ دی ۱۲۸۵؛ ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴] (آرتیکل ۴۳ الی ۴۸) معین نموده مقارن افتتاح مجلس تشکیل بدهند لیکن در این اقدام دولت بسیاری از مردم ضدیت دارند و راه دفاع آنها عبارت از همان ماده ۴۴ مشروطه ۱۹۰۶ است. ماده فوق از اینقرار است: «ترتیب مجلس سنا را باید مجلس شورای ملی تصویب نماید.»^۱ لیکن این ماده مربوط به تشکیلات اساس سنا نیست بلکه آن ماده قوانین داخلی سنا را به عهده مجلس شورا محول می‌نماید. وزراء مایلند که سنا را موافق ماده ۴۵ مشروطه ۱۹۰۶ تشکیل بدهند. به این معنی که سی نفر عضو آن را مردم انتخاب نمایند که ۱۵ نفر از طهران و ۱۵ نفر از ولایات باشد و سی نفر دیگر آن را شاه انتخاب کند و باز ۱۵ نفر از طهران و ۱۵ نفر دیگر از سایر ولایات.

بارکلی

نمره - ۹۰

کاغذ سر بارکلی به سر ادواری مورخه ۱۸ ژون ۱۹۰۹ [۲۸ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۹ چ ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

افتخار دارم که ذیلاً برحسب معمول راپورت ماهانه خود را راجع به حوادث تقدیم نمایم.

بارکلی

ضمیمه در نمره ۹۰

مختصری از حوادث ۴ هفته گذشته ایران

طهران

اتفاق عمده ۴ هفته اخیر عبارت از اتمام قانون انتخابات است. در ۱۰ این ماه انتظام شهر و شمیرانات به عهده لیاخف واگذار شده و نتیجه این است که نظم خوب برقرار گردیده است. سیلاخوریها که در تحت فرمان امیر بهادر جنگ در اردنوی سلطنت آباد هستند اسباب

(۱) این ماده در اصل قانون اساسی مشروطیت چنین است: «نظامنامه‌های مجلس سنا باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد.» - ۴.

زحمت قلعهک و سایر نقاط را فراهم می‌آورند. عین‌الدوله با عده‌ای قشون از تبریز مراجعت و در ۹ ماه ژون [۱۹ خرداد؛ ۲۰ ج ۱] وارد شد و روز بعد از ورود به حضور شاه رفت. احتمال دارد که عین‌الدوله عجلتاً در امورات دولتی مداخله نکند.

چرچیل

تبریز

در ۱۹ ماه مه [۲۹ اردیبهشت؛ ۲۸ ع ۲] ژنرال قنصول اعلیحضرتی مقیم تبریز راپورت داد که مجاهدین قفقازی از شهر خارج و یا اینکه پنهان شده‌اند. از عموم مردم خلع سلاح شد اگر چه باز بیشتر اسلحه‌های خود را مخفی کرده‌اند ولی این ایام اشخاص مسلح در کوچه‌ها دیده نمی‌شود. قشون روس در شهر خیلی خوب رفتار می‌نماید.

۴ روز قبل مستر راتیسلو [راتیسلا] راپورت داد که استعداد پلیس در شهر زیاد شد و این اقدام برای این بوده که اسباب رضایت خاطر ستارخان و باقرخان را فراهم نمایند باین ترتیب که به هر کدام از آنها ۵۰ نفر پلیس سپرده شد و آنها نیز در عوض هر کدام ۲۰۰ نفر از اتباع خود را داخل نظمی نمودند اگر چه آنها ابداً راضی به اطاعت نایب‌الحکومه نبودند.

از ابتداء معلوم بود که ستارخان و باقرخان خیال مزاحمت را دارند و بهمین دلیل ژنرال قنصول اعلیحضرتی وجود یک نفر حاکم مقتدر را لازم دیده و جزو راپورت خود می‌نمود. علاءالدوله که به فعالیت و نفوذ معروف است به حکومت تبریز منصوب شد و پیش از اینکه به تبریز رهسپار شود عازم طهران خواهد شد. در خصوص اغتشاش اهالی ارومیه و سلماس از قرار معلوم سعیدالممالک که از طرف ملتیان به حکومت سلماس منصوب بود در ۱۳ ماه آوریل [۲۴ فروردین؛ ۲۲ ع ۱] وارد گردید و حکومت آن نقطه را در دست خود گرفت. تقریباً ۵ هفته حکمرانی کرد و در مدت حکومت خود اوضاع آن صفحات را منظم کرده بود لیکن بواسطهٔ وجوهات زیادی که از متمولین آنجا گرفت اهالی اظهار شکایت کردند و در اوایل ماه مه بتوسط مجاهدین محلی و جماعتی از اکراد رولوسیون برپا شد و سعیدالممالک مجبور گردید که فوراً به سلماس برود. در ۷ ماه ژون [۱۷ خرداد؛ ۱۸ ج ۱] مسیو راتیسلو [راتیسلا] راپورت داد که برای محافظت ویس قنصول ۴۰ نفر سرباز به ارومیه خواهند رفت. به آنها دستورالعمل داده شده که از روسها و در صورت لزوم از اتباع خارجه محافظت نمایند و بهیچوجه به امورات محلی دخالت نکنند.

رشت

سپهدار که از چندی قبل در قزوین رئیس قشون ملتیان بود به حکومت گیلان و مازندران منصوب گردید و از قرار معلوم به همین زودیها از قزوین به رشت حرکت خواهد نمود. قشون ملی قزوین در تحت سلاحند و محتمل است که تا مدت انعقاد مجلس مسلح بمانند.

استرآباد

از قرار معلوم ترکمنها را بعد از انجام خدمتگزاری شاه مرخص کرده‌اند لیکن بعضی آنها بواسطه نرسیدن حقوق شکایت نموده و مشغول چپاول شده‌اند و عده را غارت کرده و یکی را نیز آتش زده‌اند. ده دیگری موسوم به کلانتر محله مقاومت نموده و بعد از چندین ساعت جنگ ترکمنها را عقب نشانیده‌اند. استقرار مشروطیت اعلان شد و بطور خوشحالی از طرف اهالی پذیرفته شد. نفاق زیادی هنوز در بین مشروطیین و مستبدین باقی است.

مشهد

در هفته اول ماه ژون رکن الدوله به سمت حکومت از طهران به مشهد حرکت نمود. در ۱۳ ماه مه [۲۳ اردیبهشت؛ ۲۲ ع ۲۴] شاه تلگرافاً (= تلگرافی) اطلاع داد که مشروطه سابق برقرار است. اهالی در کوچه‌ها جمع شده و اظهار شادمانی می‌نمودند ولی بدون اینکه از شاه اظهار تشکر نمایند چون همه می‌دانستند دولتین به شاه زور آورده‌اند. و این اقدام بوسیله آنها شده است.

دسته زیادی زوار غریب که در ۱۲ ماه مه به مشهد وارد شدند راپورت دادند که در نزدیکی میامی که در چهل میل شرقی شاهرود واقع است دچار حمله ترکمنها گردیده‌اند و تقریباً ۴۰ نفر از آنها مقتول و ۴۰۰ لیره هم از اموال آنها به یغما برده‌اند. این خبر را گاریچیها که در راه طهران و مشهد کار می‌کنند تصدیق نمودند و اطلاع دادند که در ۸ ماه مه دسته‌ای از تراکهه که عده آنها بالغ به ۳۰۰ نفر بود میامی را محاصره نموده و هر قدر که شتر و گوسفند ممکن بود به غارت بردند. در اواخر ماه مه غلامعلی که یکی از دزدان معروف است در نیشابور با دویست نفر مشغول بزدی بود. تلگرافی از قسول اعلیحضرتی رسید که در ۴ ماه ژون [۱۴ خرداد؛ ۱۵ ج ۱] سوء قصدی نسبت به کارگزار شد و یکی از متولین را نیز در خانه خود کشتند، در ۷ ماه ژون یک نفر در انجمن ایالتی کشته شد. و همچنین بیگلربیگی را مقتول نمودند و در نزدیکی قنسولخانه‌ها تیراندازی زیادی کردند و چند تیر هم به قنسولخانه خورد. در ۹ ماه ژون به منزل رئیس پلیس که در نزدیکی قنسولخانه اعلیحضرتی واقع است حمله کردند و تقریباً ۴۰ تیر شلیک نمودند لیکن کسی کشته نشد.

تربت حیدریه

۱۶ ماه مه [۲۶ اردیبهشت؛ ۲۵ ع ۲۶] سوادى از فرمان شاه راجع به استقرار مشروطیت دم دروازه چسبانیدند لیکن ابدأ تأثیری در میان مردم نبخشید. در ۱۷ ماه مه محمدخان دولت‌آبادی بادو نفر از خویشان خود به قنسولخانه پناهنده گردید. سالارخان و اسدالله با یک عده بلوچ قلعه او را تصرف نمودند و از قراری که مذکور شد در آن نقطه گنجی پیدا نموده‌اند و در سر آن مشغول نزاعند.

سیستان

اهالی سیستان عموماً بموجب دستورالعمل انجمن مشهد به مأمورین شاه دربرجندمالیات نمی‌دهند. از قرار معلوم حسام‌الدوله سعی بوده است که اقتدار شاه را در آن نقاط محفوظ بدارد ولی به مقصود خود نائل نگشته است.

اصفهان

مابین خوانین بختیاری تا اواخر ماه مه نفاق مداومت داشت و هر چند که مصمم بودند نظر به تعهدات شاه قشون خود را مرخص نمایند و در واقع هم عده‌ای را مرخص کرده بودند ولی راپورت دروغی رسید که قشون دولتی کاشان مأمورند که بطرف اصفهان حرکت نمایند. این راپورت سبب شد که ۲۰۰ نفر مرخص شده را دومرتبه احضار نمودند. احتمال دارد که خوانین باستثنای سردار اسعد که تا ورود حاکم در اصفهان توقف خواهد نمود عموماً به ولایت خود مراجعت نمایند. تا یک اندازه تجارتخانه‌های انگلیس بواسطه ناامنی راه اهواز که ثمره نزاع مابین دستجات سردار محتشم و صمصام‌السلطنه است نگرانی دارند. صمصام‌السلطنه عدم مسئولیت خود را از هر حادثه اظهار می‌نماید و می‌گوید هر اتفاقی که حادث بشود باید محرك آن را ایل کوهکلویه [= کهگیلویه] دانست.

ژنرال قنصول اعلیحضرتی از طرف وزیر مختار انگلیس به خوانین یادآوری نموده است که دستجات بختیاری مسئول خسارات وارده به تجارتخانه انگلیس خواهند بود.

یزد

خبر استقرار مشروطیت که از طرف شاه اعلان شد مردم ابداً اعتنائی نکردند و بخوشی نپذیرفتند. عقیده مردم این است که این اقدام شاه محض پیدا کردن فرصت است. یک عده از اهالی برآنند که شاه می‌خواهد بوسیله این اقدام مردم را وادار به پرداخت مالیات نموده که پس از آن دوباره اساس مشروطیت را برطرف سازد. کاروانی که از یزد بطرف مشهد می‌رفت در اواخر ماه آوریل سلامت وارد تربت شدند. جز از راه مشهد تمام معابر بواسطه دستجات دزد مسدود است و تغییر رئیس سواران قره‌سوران نیز بی‌اثر ماند.

در مدت این چند هفته اخیر دو اتفاق بدی نسبت به پارسیها روی داده: اول اینکه یک نفر زردشتی شراب فروش را مشتری بی‌جهت با تیر زد. بعد از چند روز فوت شد و قاتل در یکی از امامزاده‌ها متحصن گشت و پس از چند روز فرار نمود. دوم آنکه یک نفر جوانی که نزدیکی یزد با زور می‌خواست از یک پارسی پول بگیرد. پیرمرد پارسی دیگر که سابقاً از او هم پول گرفته بود خواسته است جلوگیری نماید زخم‌دانش کرده. زخم پیرمرد خیلی سخت است. مأمورین محلی نمی‌توانند اساس نظم را برقرار نمایند. وزیر مختار اعلیحضرتی در آن خصوص به سعدالدوله پروتست سختی نمود و در جواب سعدالدوله اظهار داشت که شاهزاده هؤیدالسلطنه به حکومت آن نقطه منصوب و با استعداد کامل برای حفظ امنیت و انتظام حرکت خواهد کرد.

کرمان

صاحب اختیار از حکومت معزول و نظام‌السلطنه منصوب گردید ولیکن هنوز از طهران حرکت ننموده و بواسطه بی‌حکومتی اوضاع کرمان بی‌اندازه خراب است. در اوائل ماه مه نایب حاجی ابراهیم به قنصلخانه پناهنده گردید ولی پس از آنکه اختیار شهر به عهده او واگذار شد از قنصلخانه خارج شد. در ۱۱ ماه ژون قنصل اعلیحضرتی تلگرافاً [= تلگرافی] اظهار داشت که اوضاع شهر و اطراف بی‌اندازه خراب است و بزرگان شهر در تدارک مقدمات تحصن قنصلخانه هستند بدلیل اینکه ابداً به شکایات آنها از طهران جواب داده نمی‌شود. در جواب یادداشت این مسئله سعدالدوله قول داد که نظام‌السلطنه را هرچه زودتر حرکت خواهم داد.

کرمانشاهان

ظهیرالدوله به حکومت منصوب گردید. انجمن محلی که در مشروطه سابق انتخاب شده بودند دوبرتبه مشغول کار شده‌اند لیکن در عوض اداره نمودن شهر مشغول مذاکرات و عملیات سیاسی می‌باشند.

همدان

در سکوت و خاموشی می‌گذرانند. استعداد ملی که بنا بود از قزوین اعزام شود هنوز نرسیده است. راه کرمانشاهان و همدان که چندی بواسطه اغتشاش دزدها مسدود بود دوبرتبه باز شده است.

شیراز

صولت‌الدوله باز در اوضاع شیراز دخالت عمده دارد. برحسب دعوت مشارالیه قنصل اعلیحضرتی در ۲ ماه مه به اردوی او که بفاصله چند میل شهر واقع است رفته و در چندین مسئله مذاکره نموده است لیکن در خیالات شخصی خود بکلی ساکت بوده فقط اظهار داشت که خیلی مایلم تادر سیاسیات شیراز دخالت ننمایم و از قوامیها بی‌اندازه دل‌آزرده و اظهار رنجش می‌نمود و می‌گفت که اصلاً آنها جنساً بی‌حقوق هستند. همچنین اظهار می‌نمود که قوامیها نمی‌توانند دیگر بعد از این در ایل عرب نافذ باشند. از مالاها بدگوئی می‌کرد و انجمن محلی شیراز را مسخره می‌نمود که بی‌قانونند. در خصوص شخص خود و ایل صحبت می‌کرد که می‌تواند تا مدت یک ماه راه بوشهر را منظم نماید ولیکن این اقدام وجوهات لازم دارد و او نمی‌تواند مطمئن باشد که مجلس یا شاه این مصارف را خواهند کارسازی کرد و بهمین ملاحظه اظهار می‌کرد که اگر بتواند هرچه زودتر از شیراز حرکت خواهد کرد و جز اینکه ایل خود را ساکت نگه دارد ابداً به پلتیک دخالت نخواهد کرد. از مذاکرات او همچو مستفاد می‌شد مسئله‌ای که مستر بیل سابقاً اشاره کرده بود که منصورالسلطنه در خفا مشغول است که ریاست ایل عرب را از قوامیها بگیرد صحت دارد.

در ۱۰ ماه مه صولت‌الدوله از اطراف شهر شیراز خارج شد و بطرف بیلاق خود رفت. در موقع حرکت صولت‌الدوله حکومت احترامات فوق‌العاده را منظور داشته و تا ۵ میل خارج شهر مشایعت کرد. حکومت سعی کاملی داشت که او را با قوام صلح بدهد و قوام هم در یکی از باغات شهر منتظر بود که از طرف حاکم خبر داده شود تا به ملاقات صولت‌الدوله برود، لیکن صولت‌الدوله دیدن او را قبول ننمود.

اعلان استقرار مشروطیت هیچ اثری در مردم نکرد. حتی مشروطه‌طلبها نیز ابداً اطمینان به این اعلان ننموده و منتظر جزئیات قانون مشروطیت هستند. بطریق معمول اهل شیراز مشغول پلتیک داخلی خود می‌باشند. حقیقت کلام این است که هیچکس از قول و امضای شاه اطمینان ندارد. مردم خیالات خود را از اقدام صولت‌الدوله بطرف اوضاع لار معطوف داشته‌اند و از آنجا هم اخبار متضاد متصل واصل می‌گردد. نصرالدوله قطع نظر از اینکه فتح کرده یا شکست خورده موقع مهم و خطرناکی دارد چون بنا به اصرار ملتیان حکومت مشارالیه را احضار کرده ولی مشارالیه امکان مراجعت ندارد بجهت اینکه همراهان نصرالدوله نه چنان با سید عبدالحسین بد هستند که این حکم را قبول نمایند و بعلاوه از طرف سید عبدالحسین چندین ماه است که به اهالی متصلاً اخطار می‌شود که نصرالدوله و برادرش کافر و واجب‌القتل هستند. در ۱۵ ماه مه [۲۵ اردی‌بهشت؛ ۲۴ ع ۲] حاجی علی آقا که یکی از ملاحی خیلی مشروطه‌طلب است بدون هیچ مقدمه با پسر خود به قنصلخانه پناهنده شد و اظهار می‌نمود که تلگرافی از بندرعباس برای او رسیده است که نصرالدوله لار را تصرف نموده و سید را کشته و بعد اهالی را غارت کرد، چون این اقدام بعد از عفو عمومی روی داده ممکن است که این اتفاق برای او هم رخ بدهد. همچنین اظهار می‌کرد که هیچ اطمینانی از آصف‌الدوله نخواهد پذیرفت چون آصف‌الدوله مکرر به انجمن اظهار نموده است که نصرالدوله به لار نخواهد رفت. باوجود این خلاف این مسئله را اجراء نموده است و جز اینکه از طرف سفارت به مشارالیه اطمینان داده شود از تسولگری خارج نخواهد شد. بعلاوه اظهار می‌نمود که ممکن است عده‌ای از ملتیان نیز مثل او به قنصلخانه متحصن شوند. ۸ نفر از اشخاص معروف دیگر نیز به قنصلخانه پناهنده شدند و عده زیادی از مردم هم در بیرون قنصلخانه جمع و از قوام شکایت می‌نمایند.

بالاخره مستر بیل پس از آنکه با حاکم و قوام ملاقات نمود و اطمینان کتبی گرفت تمام متحصنین را غیر از حاجی علی آقا از قنصلخانه خارج [کرد] و جمعیت نیز متفرق شدند، ولی بازارها چند روز است بسته و در مساجد برای سید ختم گذاشته‌اند. غوغای قدری خاموشی پذیرفته و مابین آصف‌الدوله و قوام در خصوص اعزام نصرالدوله نزاع است.

آصف‌الدوله اظهار می‌نماید که نصرالدوله را دن نفرستاده‌ام ولی قوام می‌گوید که بموجب حکم کتبی تو بوده است که نصرالدوله به لار رفت. قوامیها بیشتر به عطا‌الدوله حمله می‌آورند که محرک فتنه و غوغای هفته گذشته او بوده است.

در ۲۱ ماه [۳۱ اردی‌بهشت؛ ۳۰ ع ۲] در کوچه به یکی از ملاحی معروف حمله بردند و کتک زیادی زدند بطوری که جانس در خطر بود. روز بعد نیز در همان محل ملای دیگری دچار حمله گردید. عطا‌الدوله به همین دلیل کدخدای محل را یچوب بست.

اهالی آن محله شروع به اغتشاش نموده و با محله قوام همدست شده‌اند. عطاءالدوله از قوام خواهش نمود که اهالی محله خود را ساکت‌نماید و مشارالیه جواب‌داده‌است که این اقدام در صورتی می‌تواند انجام پذیرد که عطاءالدوله را معزول نمایند.

از تلگراف مورخه ۳ ماه مه چنان معلوم می‌شود که نصرالدوله تلگرافاً [= تلگرافی] به شاه شکایت نموده است که حاکم از روی تحریک بعضی از اعضاء انجمن مشارالیه را از لار احضار نموده در صورتی که کلیه این اقدامات پس از زحمات دوساله به حکم خود شاه بوده است. بنابراین استدعا کرده است تا جواب این تلگراف را بتوسط برادرش قوام مخابره نمایند.

طرق و شوارع فارس در نهایت ناامنی و پست‌زنی زیاده از حد معمول شده است. در نزدیکی کنار تخت [کنار تخته؟] مابین مردم نزاع سختی سر گرفته که در آن نزاع تلگرانخانه «هند و اروپا» را محاصره و اسباب خسارت را فراهم آورده‌اند. حاکم یک‌عده سربازی برای محافظت اداره تلگرافخانه فرستاده است. از قرار معلوم در وقتی که کفیل ژنرال قنصلگری روس مقیم بوشهر به شیراز می‌آمده است دچار چند تیر شلیک می‌شود. اسب سواری او با یک اسب دیگر تیرخورده و کشته شدند. تجار معتبر ایرانی شیراز تلگرافاً [تلگرافی] از بی‌نظمی ولایت و بی‌لیاقتی حاکم به وزیر داخله شکایت نموده‌اند. برای استقرار آسایش عموم بهترین وسیله عبارت از تعیین حکومت مقتدر تواند بود.

حاکم رسماً به قنصلخانه اعلیحضرتی اعلان نموده است که صولت‌الدوله انتظام و امنیت نصف راه فیروزآباد و بوشهر را به عهده خود گرفت. به این زودی نمی‌شود تصدیق کرد که این تعهد موجب آن تواند شد که دوباره تجارت به مرتبه اولیه خود برگشته و انتظام برقرار شود.

خوب است که برای نمونه انتظام این صفحات قضیه‌ای را که چندی قبل واقع شده من‌باب مثل ذکر نمایم.

چندی قبل حکومت می‌خواست مکتوبی به رئیس ایل قشقائی بفرستد، نظریه ناامنی راه قاصد پیدا نمی‌کرد. در ۱۱ ماه مه [۲۱ اردیبهشت؛ ۲۰ ع ۲] صد نفر از سربازهای فوج ۴ محل [چهارم‌حال؟] بواسطه نرسیدن حقوق به قنصلخانه پناهنده شدند. مسترییل در این خصوص با حاکم مذاکره غیر رسمی نمود و حاکم نیز قول داد که حقوق آنها را بپردازد ولی تا آخر ماه مه سربازها در قنصلخانه متحصن بودند.

بنادر فارس

بوشهر

در ۲۷ ماه آوریل [۷ اردیبهشت؛ ۶ ع ۲] صد نفر سرباز بواسطه نرسیدن حقوق به قنصلخانه انگلیس پناهنده شدند. در ۶ ماه مه [۱۶ اردیبهشت؛ ۱۵ ع ۲] بعد از رسیدن مقداری از حقوق، سربازها راضی شدند که از قنصلخانه خارج بشوند و اطمینان کتبی به ژنرال قنصل اعلیحضرتی داده شد که سربازها را به ملاحظه این اقدام مجازات نمایند.

اوضاع گمرک بوشهر به حال طبیعی برگشته است.

چندی بود که عایدات گمرک بواسطه ناامنی راهها خیلی نقصان پذیرفته بود. پس از وضع مخارج گمرک و مقدار پولی که برای حفظ انتظام به حاکم می‌دادند مبلغ ۱۲۰،۰۰۰ تومان باقی می‌ماند و آنرا هم در حساب پول استقراض که به دولت ایران داده با تنزیل به بانک شاهنشاهی می‌دادند.

در ۱۹ و ۲۰ ماه مه [۲۹ و ۳۰ اردیبهشت؛ ۲۸ و ۲۹ ع ۲] استعداد بحری انگلیس از شهر خارج شد و بعد از ورود دریاییگی نظم بخوبی برقرار گشت جز اینکه سید مرتضی که بواسطه حرکات خود موجبات عدم آسایش و آسودگی عموم را فراهم می‌نمود یک‌دسته تنگستانی را وارد شهر کرد لیکن دریاییگی با اقدامات مجدانه آنها را از شهر خارج واز قرار راپورت ۹ ماه ژون [۱۸ خرداد؛ ۱۹ ج ۱] خود سید مرتضی را نیز حبس کرده است.

بندر عباس

در تمام مدت ماه آوریل سید عبدالحسین لاری متصل به ملتیان بندرعباس سفارش می‌داد که گمرک را توقیف نمایند. در جواب اهالی که این اقدام امکان‌پذیر نیست با اعزام قشون و اجرای حکم خود مردم را تهدید می‌کرد و این حرکات باعث اضطراب اهالی می‌شد و هر چند که در ماه مه نصرالدوله لار را تصرف نموده واز قرار راپورت خود سید را نیز حبس کرده بود باز در ۲۹ ماه مه ژنرال قنصول اعلیحضرتی راپورت داد که اهالی بندرعباس به احتمال آمدن سید مضطرب و پریشانند و پیشنهاد کرده بود که از دولت ایران درخواست شود که در دفع سید اقدامی نمایند.

در جواب مذاکرات من با سعدالدوله مشارالیه اظهار داشت که عجلتاً برای دولت هیچ قسم امکان ندارد.

بملاحظه تهدیدات یک نفر، میر برکت‌خان، با عده زیادی از بلوچ نسبت به اهالی میناب، هندیهای تبعه انگلیس مقیم میناب در ۱۲ ماه آوریل با تمام اثاثیه خود به بندرعباس آمدند.

لنگه

احکام مکرره سید عبدالحسین لاری که برای توقیف گمرک و عزل رئیس خطاب به ملتیان صادر می‌شد بکلی بی‌اثر ماند. اعلانی که با مهر سید در تمام بازارها چسبانیده بودند راجع به اینکه هرکس گمرک بدهد ملتیان می‌توانند او را جریمه نمایند از طرف حکومت پاره شد.

ماژور استوکس آتاشه میلپتر سفارت انگلیس

آقا

افتخار دارم که سواد قرارنامه استقراضی را که در تلگراف اول ماه ژون راپورت داده بودم تقدیم نمایم.

همکار روس من قرارنامه مذکور را به دولت متبوعه خود فرستاده است که تصویب نمایند. مسیو سابلین اطلاع داد که از دولت متبوعه او جواب رسیده است. در آن جواب دستور العمل می دهند نمایندۀ بانک که در آرٹیکل اول مذکور است باید آن را سفارت روس و رئیس بانک تعیین نمایند و آن نماینده بدون اجازه مسیو سابلین نمی تواند به دولت ایران پولی کارسازی نماید و با شرایط فوق قرارنامه قبول شد.

در خصوص مصارف، دستورالعمل برای مسیو سابلین رسیده است که محل مصرف عمده عبارت از پرداخت حقوق عقب افتاده قشون و مخصوصاً بریگارد قزاق و حقوق عقب افتاده سفرای خارجه ایران است.

بارکلی

ضمیمه در نمره ۹۱

صورت قرارنامه استقراض

مابین دولت امپراطوری ایران به نمایندگی جناب وزیر امور خارجه و کفیل ریاست وزراء و بانک استقراضی ایران به نمایندگی «مسیو اکزامپنلاروف»، نظر به اجراء داشتن اعلیحضرت شاه مواد اول تا پنجم نصابی دوستانه ای را که از طرف دولتین روس و انگلیس به ایشان پیشنهاد شده بود، در خصوص استقرار اساس مشروطیت در ایران و بسط آسایش و امنیت در مملکت بطوری که در ماده ششم این پروگرام مقرر است فقرات ذیل قرار داده شد. ماده اول: به امر دولت امپراطوری ایران دولت امپراطوری روس مبلغ دو میلیون و پانصد هزار فرانک که به بانک استقراضی ایران در طهران تأدیه شده به تصرف دولت ایران واگذار می کند به ملاحظه شرایط ذیل:

شرط اول: مبلغ مزبور فوق مقرر است که برای انجام مصارف فوری لازم در اجرای اصلاحات از روی پروگرامی که مابین سفارت روس و دولت ایران مقرر خواهد شد خرج بشود.

شرط دوم: هر حواله باید بر حسب حکم وزیر مسؤل آن وزارتخانه بوده و به امضای وزیر مالیه رسیده باشد به این عبارت «ملاحظه شد، پرداخته شد».

شرط سوم: مابین دولت ایران و سفارت روس یک نفر تحویلدار معین می شود که مأموریت آن عبارت از پرداخت مخارجی خواهد بود که باید این پول به آن مصرف برسد.

شرط چهارم: هیئت وزراء باید محل مصارف این پول را به مجلس نشان بدهند.

ماده دوم: این مساعده به همان ضمانت قروض گذشته سال ۱۹۰۲ [۱۲۸۰ ش ۱۳۱۹ هـ] بین دولت ایران و بانک استقراضی خواهد بود.

ماده سوم: مبلغ تنزیل در صدی شش مقرر است که در هر شش ماه پرداخته شود.

ماده چهارم: این قرارداد نسختین به زبان فارسی و فرانسه به یک مضمون نوشته شده است.

طهران

www.adabestanekave.com

نمره - ۹۲

صورت یادداشتی که در پنجم ماه ژوئیه سال ۱۹۰۹ [۱۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] کنت بنکاندورف [بنکندورف]، سفیر کبیر دولت روسیه مقیم لندن به وزارت امور خارجه انگلیس فرستاده است:

با وجود اقداماتی که دولت شاه بروفق نصاب روس و انگلیس برای برقراری حکومت ملی و انجام اصلاحات لازمه کرده است باز هم حرکات رولوسیونرها در مرکز ایران خاموش نشده است.

اقداماتی که سفارتین روس و انگلیس برای جلوگیری از پیش آمدن بختیاریها در تحت فرمان سردار اسعد (یکی از خوانین ایل بختیاری) و رولوسیونرهای قزوین و رشت و اشخاص بی سروپای هرزه گرد قفقازی در تحت فرمان سپهدار حاکم گیلان نموده بودند تاکنون بی اثر مانده است.

قشون مخالفین شاه متدرجاً به طهران نزدیک می شوند و در پایتخت هم عناصر قوی با آنها همراه هستند و از حالا آثار هیجان در آنها مشهود است.

پس از ملاحظات دقیقه اوضاع مشروحه فوق، دولت امپراطوری مصمم شده است که پلتيك روسیه را در ایران به همان اساس عدم دخالت در امورات داخلی مملکت و نزاع مابین شاه و ملت با قطع نظر از نتایج آن امتداد و پایدار نماید. لیکن باید يك مسئله را دائماً منظور نظر خود نموده و فراموش نکنیم که ورود بختیاریها و رولوسیونرها به طهران ممکن است که باعث مخاطرات عظیمه برای سفارتخانهها و تجارتخانهها و اتباع خارجه بشود. بعلاوه، بهوجب اطلاعاتی که داریم برای راه انزلی و طهران ما مخاطرات زیادتر خواهد بود چون قشون منظم ایران عبارت از بریگاد قزاق است که عده شان خیلی کم و بالطبع از برقراری نظم عاجز خواهند بود. نظر به ملاحظه این پیشامدها طبعاً مجبوریم که برای حفظ اتباع خود و خارجه اقدامات لازم را نموده و راه انزلی و طهران را هر طور که باشد امن نگاهداریم.

نظر به این مقصود مصمم هستیم فوراً يك دسته مرکب از يك فوج قزاق و يك باتالیون پیاده و يك باطری توپخانه از بادکوبه به انزلی عزیزت دهیم. قشون مذکور از قزوین جلوتر نخواهند رفت و حافظ نظم راه خواهند بود مگر به اتفاق، حوادثی پیش رفتن را تقاضا نماید و سفارت امپراطوری طهران حکم کند. البته این هم در وقت ظهور خطر بزرگی خواهد شد.

به رئیس قشون دستورالعمل لازم داده شده است که مقصود ما فقط حفظ سفارتخانه و اتباع روس و خارجه است و نباید در امور داخلی مملکت و پلتيکی ایران دخالت نمایند.

قشون روس تا مدتی در ایران توقف خواهد کرد که مال و جان اتباع خارجه و سفرای دول کسب امنیت نمایند.

مورخه چهارم ژوئیه ۱۹۰۹. سفارت روسیه در لندن

نمره - ۹۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری، مورخه ۵ ژوئیه ۱۹۰۹. [۱۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

مستر چرچیل و ماژور استوکس از پیش سردار اسعد و سپهدار مراجعت کردند. از قرار معلوم مذاکرات متحدالمال سفارتین به هیچ کدام از رؤسای ملتیان اثری نبخشیده است. سپهدار تقاضای چندی پیشنهاد کرده و قول داده است تا فردا ظهر منتظر جواب بشود. به عقیده ماژور استوکس، شکست دیروزی بهیچوجه ملتیان قزوین را مأیوس نکرده است.

نمره - ۹۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

ذیلا مجملی از مراسله ملتیان طهران است که به سفارت فرستاده‌اند: «مشروطه‌طلبهای ایران با وجود اینکه حرکت قشون ملی رو به طهران فقط برای این است که از شاه درخواست اجرای قول خود را نمایند تأسف دارند که در بعضی نقاط این اقدام را برای اذیت اتباع خارجه تعبیر می‌نمایند. این خیال بکلی بی‌اصل است و اتباع خارجه در خطر ملتیان نیستند و جان و مالشان همیشه در امان است و در موقع لزوم خود ملتیان منافع آنان را حفظ خواهند کرد.»

نمره - ۹۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

مسیو سابلین به ژنرال قنسول روس مقیم تبریز دستورالعمل فرستاده است که باتفاق ژنرال قنسول عثمانی ترتیب حرکت ستارخان و باقرخان را فراهم نمایند. امنیت آنها تا باطوم به عهده ژنرال روسی است و در صورتیکه بعد از مراجعت قشون روس از تبریز دوبرتبه ستارخان و باقرخان بخواهند به تبریز مراجعت نمایند تا جلفا آنها را سلامت خواهند رسانید.

ژنرال قنسول عثمانی در مسئله ضمانت اموال آنها ترتیب خاصی با دولت ایران خواهد داد.

نمره - ۹۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

تقاضاهای سپهدار به قرار ذیل است:

(۱) اجازه داده شود که او و سردار اسعد هر کدام با صد و پنجاه نفر برای مذاکره مطالب ذیل به طهران آیند.

(۲) دول همجوار قشون خود را از خاک ایران خارج نمایند.

(۳) تا مدتی که مجلس منعقد نشده انجمنهای ولایات وزراء را معین نمایند.

(۴) اشخاصی [را] که مردم از آنها اطمینان ندارند و وجود آنان را خائن می‌پندارند نفی بلد نمایند.

(۵) اشخاصی که سابقاً در قشون نبودند و بتازگی مسلح شده‌اند آنها را خلع سلاح نمایند.

(۶) قشون در تحت حکم وزیر جنگ گذاشته شود.

(۷) حکام محل بتصویب انجمنهای محلی انتخاب شوند.

(۸) وزیر پست و تلگراف معزول بشود.

من و همکار روس من به سپهدار اطلاع دادیم که تقاضای او را پیشنهاد به دولت متبوعه خود نمودیم. چون ماده ۴ و ۷ این پیشنهاد در تحت پروگرام دولتین است اگر ایشان راضی بشوند ما آنها را به شاه پیشنهاد خواهیم کرد و الا پیشنهاد ما بکلی بی‌ثمر است.

نمره - ۹۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر بارکلی مورخه ۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

متحدالمآل بنکاندورف [بنکندورف] در خصوص اقدامات دولت روسیه که در نظر دارد برای من رسیده است.

من جواب دادم اگر اوضاع اینطور خطرناک باشد که اعزام قشون را لازم بداند البته نظر به مواد متحدالمآل که اقدامات قشون را واضح و محدود نموده است من خرسند خواهم شد و نیز اظهار داشتم که تجربیات به ما معلوم نموده است که هر نوع دخالتی ممکن است اشکال و زحمتی تولید نماید و بهمین ملاحظه حس می‌نمایم که لازم است پیشامد این قسم مخاطرات را خاطر نشان نمایم. بعلاوه گفتم در روابط حسنه که بین ما و دولت روسیه موجود است در این اقدام لشکرکشی بهیچوجه لطمه‌بردار نخواهد شد و هر اتفاقی که رخ بدهد آرزوی صمیمانه من این است که حفظ روابط دوستانه خود را با مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] نموده باشم.

نمره - ۹۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.

اعزام قشون روس

مسیو سابلین به من اطلاع داد که دستورالعمل دارد تا دولت ایران و دسته ملتیان را از فرستادن قشون روس مطلع سازد و مأمور است توضیحاً بیان نماید که مقصود اصلی فقط حفظ جان و مال اروپاییها است ولی اگر برای منافع اتباع خارجه در طهران مخاطراتی عارض نشود از قزوین حرکت نخواهند کرد.

نمره - ۹۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.

قنصل روس و انگلیس از شیراز برحسب راپورت اوضاع آن صفحه را خرابتر نشان می‌دهند و من با مستر بیل در خصوص اقدامات لازمه مشغول مذاکره هستیم. به نظر من بر حسب تلگرافات قنصلها هر دقیقه احتمال دارد که آتش فتنه در شهر شیراز بالا بگیرد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۰۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۷ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۶ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.

رئیس ملتیان [در] جواب متحدالمآلی که برای من و همکار روسم فرستاده است معلوم می‌دارد که سفارتین نمی‌توانند آنها را از حرکت رو به پایتخت منصرف بدارند. در آن جواب اسمی از اظهار مساعدت ما در خصوص عزل وزیر پست و تلگراف و اخراج خائنین نیاورده بودند. آنها اظهار می‌نمایند این شکل مشروطه ابداً ثمری نخواهد بخشید که مستبدین و خائنین مصادر امور واقع بشوند. بعلاوه تأخیر زیاد در نشر قانون انتخابات می‌نمایند و اقداماتی که تاکنون نموده‌اند تماماً بر خلاف حقوق مسلمه و قانون اساسی ایران بوده است. به همین ملاحظه مشروطه طلبها بر حسب اقتضای موقع لازم می‌دانند که برای اضمحلال خائنین اقدامات کافی خود را نموده باشند. ملت ایران پس از تحصیل اطمینان به معاهده دولتین با همدیگر که آزادی ایران را باید محترم شمارند گمان می‌کنند که در درخواست حقوق ملی خود آزاد می‌باشند.

دیروز قانون انتخابات منتشر گردید. من به سعدالدوله اصرار نمودم که سواد این

قانون را برای سپهدار و سردار اسعد بفرستد.

نمره - ۱۰۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۷ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۶ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

همکار روس من اطلاع داد که می‌خواهد به دولت متبوعه خود تلگراف نماید هر چند که قانون انتخابات را منتشر نمودند ولی نظر به اقتضای وقت اگر از طرف دولت روسیه به شاه درباب پول مساعدت نمایند در نظر عموم طور دیگر ملحوظ افتاده بعلاوه خیلی مشکل است که در این موقع اطمینان کرد که این‌وجه به مصارف اصلیه منظور و مخصوصاً برای پرداخت حقوق قشون شاه صرف بشود.

نمره - ۱۰۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۷ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۶ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

ذیلاً تلگرافی است که در ۵ ماه ژوئیه از بوشهر رسیده است. مراسله‌ای از انجمن محلی به امضای ۵ نفر از علمای بزرگ و ۵ نفر از تجار معتبر برای من رسیده است و مفاد آن مراسله این است: نظر به حوادثی که در نقاط دیگر اتفاق افتاده لازم است انجمن بعد از این ادارات دولتی و گمرکات را در تحت نظارت مستقیم خود نگاهداری نماید. پس عایدی گمرک باید به اطلاع یک عده از اعضای انجمن به اسم ملت به بانک شاهنشاهی سپرده شود. انجمن ادعای دولت انگلیس را در خصوص مقداری از عایدات گمرکی تصدیق نموده و ضمناً اظهار می‌دارد که بعد از ارائه اسناد راجعه به این مسئله ترتیبی برای پرداخت اصل و فرع که از گمرکات بوشهر و بندرعباس باید داده شود با ژنرال قنصل قرارناد خواهد شد. در آن مراسله از بندر لنگه اسمی نبرده ولی گمان می‌کنم که آنجا هم داخل بوده باشد.

بعلاوه در آن مراسله مذکور بود که احترامات لازمه از قنصلخانه و مأمورین انگلیس نموده جان و مال اتباع کاهلا محفوظ خواهد بود. در آخر آن مراسله همراهی انگلیس را در حفظ حقوق ملت ایران عموماً و در این مسئله خصوصاً تقاضا می‌نماید.

نمره - ۱۰۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف ذیل از ژنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم بوشهر مخابره شده است. مراسله‌ای که

در تلگراف قبل خود بیان نمودم از قرار معلوم نتیجه دستورالعمل انجمن تبریز و علمای نجف بوده و سید اسدالله نجفی که با حاکم به بوشهر آمد حامل این دستور بوده است. امروز دریابییگی در خصوص این مسئله با من ملاقات کرد و گفت مقصود عمده رؤسای ملت این است که عایدات گمرکی به طهران فرستاده نشود. دریابییگی خواهش می کرد که عقیده خود را در خصوص مراسله انجمن به او اظهار دارم ولی جواب دادم که رسماً نمی توانم به این مراسله جواب بدهم تا زمانی که از سفارت متبوعه خود دستورالعمل داده شود. به عقیده من این اقدام انجمن تا یک اندازه تندروی و غیرلازم بوده، علاوه باعث نتایجی خواهد شد که جلوگیری از آن مقصود عمده ما هست.

من به دریابییگی خاطر نشان نمودم که در نقاط بنادر فارس هیچ فرقه ارتجاعی که درباره آنها احتمال مخالفت داده شود به نظر نمی آید پس اگر مشروطه طلبها صبر کرده و منتظر اقدامات طهران شوند چیزی را گم نخواهند کرد.

نظر به مطالب فوق شخصاً انجمن را نصیحت می نمایم که از اقدامات و پیشنهادهای خود صرف نظر نمایند.

پیغام شفاهی به انجمن فرستادم که پس از رسیدن دستورالعمل جواب رسمی داده خواهد شد.

نمره - ۱۰۴

تلگراف سر بار کلی به سر ادواردگری مورخه ۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.

به سفارتخانه های خارجه از طرف سپهدار تلگرافی که متضمن مذاکرات ما با ایشان و تقاضاهای او از شاه و جوابهای ما راجع به آن تقاضاها است مخابره شده. سپهدار در آن تلگراف اظهار می نماید که اگر دربار بنا به نصایح نمایندگان تقاضاهای ملت را در استقرار مشروطیت قبول کرده و در اجرای آن اقدامات لازمه نمایند. اتباع من نسبت به شاه خادم حقیقی بوده ولی اگر بواسطه تعویق انجام مسائل مذکوره مجبور باشند که خود اقدامات مجدانه نمایند البته این اقدام در نزد تمام عالم پسندیده و حرکت عادلانه محسوب خواهد شد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۰۵

تلگراف سر بار کلی به سر ادواردگری مورخه ۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.

مسیو سابلین به من اطلاع داد که قشون اعزام شده به انزلی مرکب از ۵۰۰ نفر قزاق و یک باطری ۴ توپی و یک باتالیون پیاده است. احکام صاحب منصبان فرمانده قشون را برای من قرائت نمود مخصوصاً آن احکام مقصود از فرستادن آنها را به ایران بخوبی

معلوم می‌دارد. دیروز صبح قسمتی از این قشون وارد انزلی شدند.

نمره - ۱۰۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۰ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۱ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.
سردار اسعد و سپهدار به وزیر امور خارجه که برخلاف حکم طبیب مشغول کار است تلگراف نموده‌اند.
سعدالدوله جواب داده است که حاضرم با نمایندۀ آنها در مسئله مشروعی که اسباب صلح خواهد بود مذاکره نمایم.
در ضمن همین جواب خاطر نشان نموده است بعضی از تقاضاها که برخلاف قوانین مشروطیت است از طرف شاه پذیرفته نخواهد شد.

نمره - ۱۰۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۲ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.
ذیلا تلگرافی است که به تاریخ دیروز از کفیل ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز مخابره شده است.
من از يك مخاطره بزرگی که در پیش است اطلاع تحصیل کرده‌ام ولی آن خطر در این زودیها واقع نخواهد شد. خطر این است که سید لاری بنا به دعوت حکومت با استعداد کافی برای سرکوبی قوام رو به شیراز می‌آید.
سید لاری که مشهور به هرزگی است اگر موفق به آمدن شیراز بشود جای ترس دارد که به قنسولخانه روس اذیت نماید.
همکار روس من خیال دارد که بر قزاقهای مستحفظ خود بیفزاید.
ممکن است اطلاع بدهید که در صورت لزوم می‌شود از بوشهر به اینجا استعداد رساند

نمره - ۱۰۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۲ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.
خواهش دارم تلگراف مرا که متضمن تلگراف دیروز مستر بیل است ملاحظه فرمایید و من در جواب تلگراف ذیل را مخابره کرده‌ام.
خواهش دارم به حکومت اطلاع دهید که او شخصاً مسؤول خساراتی خواهد بود که از
۱- به همین گونه است در اصل. - ۴.

آمدن سید لاری به شیراز و اغتشاش شهر به اتباع انگلیس وارد آید. من به دولت ایران اصرار می‌نمایم که دستورالعمل لازمه به حکومت شیراز بدهند که حتی‌الامکان از آمدن سید لاری جلوگیری نماید. از مسیو سابلین خواهش نمودند که همین دستورالعمل را به همکار روس شما بفرستد. جمله اول تلگراف شما را برای ژنرال قنصل اعلیحضرتی فرستادم و در خصوص اعزام استعداد به بوشهر در صورت لزوم مذاکره خواهیم کرد. خوب است شما جویا بشوید که چه اندازه استعداد کافی است.

نمره - ۱۰۹

تلگراف سر بار کلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۳ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.
دولت ایران از رؤسای ملتیان دعوت نموده است که برای مذاکرات از طرف آنها نماینده فرستاده شود.
(خواهش دارم تلگراف مورخه ۱۰ ژوئیه مرا ملاحظه فرمایند.)
برای من و همکار روسم بهترین موقع مناسبی است که نفوذ خود را برای اصلاح طرفین بکار بریم.

ما به رؤسای ملتیان اطمینان دادیم که به عقیده ما هر تقاضائی که از طرف آنها بشود به شرط آنکه موافق اساس مشروطیت باشد مقبول شاه خواهد گردید در صورتی که آنها هم از طرف خود نماینده بفرستند.

نمره - ۱۱۰

تلگراف سر بار کلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۳ ج ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

طهران

از ۱۰ ماه ژوئیه تاکنون در ۱۴ میل غربی شهر جنگ شروع شده است. سردار اسعد و سپهدار از طرف ملتیان و امیر مفخم که یکی از خوانین بختیاری است با عده قلیلی از همراهان خود از طرف دولت در آن جنگ حضور دارند. از قراری که شنیدم ممکن است امتداد پیدا نماید ولی عجالتاً شدت ندارد اگرچه از جزئیات اطلاع ندارم.

نمره - ۱۱۱

تلگراف سر بار کلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۳ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

از قراری که من اطلاع حاصل کردم اوضاع حالیه شیراز این است که آصف‌الدوله برای

سرکوبی قوامیها قشقائی و سید عبدالحسین لاری را احضار نموده است. قوامیها هم اگر بخواهند می‌توانند ایل عرب اطراف را به حمایت خود احضار نمایند. اینقدر که می‌توانم پیش‌بینی نمایم این اوضاع را فقط ظل‌السلطان می‌تواند خاموش نماید. ولی برای اینکه در اوضاع عجالتاً بهبودی حاصل شود فقط اعلان حکومت ظل‌السلطان بی‌نتیجه نخواهد بود. به همین دلیل من و همکار روسم به دولت ایران اصرار می‌نماییم که اعلان حکومت ظل‌السلطان را رسماً منتشر نماید.

نمره - ۱۱۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ ج ۲-] [۱۳۲۷] از قلهک.

بتوسط تلفون که بعد سیم آن پاره و قطع شد به من اطلاع دادند که فداییها امروز صبح وارد طهران شدند و شهر را تصرف نمودند. بقدر امکان خبر دارم که در شهر نظم برقرار است ولی به ماژور استکس و مسیو چرچیل دستورالعمل دادم که به شهر رفته و معلومات تحصیل نمایند.

نمره - ۱۱۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ ج ۲-] [۱۳۲۷] از قلهک.

تعیین ظل‌السلطان به حکومت فارس رسماً اعلان شد. سردار مسعود پسر ظل‌السلطان تا ورود او به ایران نایب‌الحکومه شیراز خواهد بود. وزیر امور خارجه تلگرافاً [= تلگرافی] به ظل‌السلطان اطلاع داد که تعیین ایشان به حکومت فارس رسماً اعلان شد و سردار مسعود سریعاً از طرف او به شیراز خواهد رفت (راجع به تلگراف ۱۲ ژوئیه من).

نمره - ۱۱۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ ج ۲-] [۱۳۲۷] از قلهک.

بهارستان و محلات شمالی طهران در دست ملتیان است. قشون دولتی قزاقخانه و میدان توپخانه را که فعلاً در آن نقاط دعوا است هنوز در دست دارند. ابدأ غارت کرده نشده و برای اتباع خارجه مخاطره نیست مگر اینکه سهواً تیری بخورد. از قراری که اطلاع دارم قشون ملی خود را از دست قشون دولتی خارج نموده و بدون هیچ مقاومتی وارد طهران شدند. به مسیو سابلین خبر وحشتناکی از شهر رسید لیکن عجالتاً برای ایشان اطمینان حاصل است. از طرف رؤسای ملتیان به ما اطمینان

کامل داده شد که جان و مال اتباع خارجه محفوظ خواهد بود.

نمره - ۱۱۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ ج ۲-۱۳۲۷] از قلهک.

مستر چرچیل الان از شهر رسید و اطلاع می‌دهد که در نزدیکی توپخانه هنوز جنگ ملایمی مداومت دارد.

نقاط دیگر شهر خاموش و هر دو طرف عموماً مشغول مدافعه هستند. ملتیان محلات اروپاییها و مجلس را سنگر بسته و دولتیان قزاقخانه را که محل عمده آنها است در دست دارند و يك قوه جزئی هم در میدان توپخانه است.

من از مستر چرچیل اطلاع تحصیل کردم که سردار اسعد امیدوار است که شاه زود به بست رفته و به جنگ خاتمه داده خواهد شد.

نمره - ۱۱۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ ج ۲-۱۳۲۷] از قلهک.

شیراز

ژنرال قنصول اعلیحضرتی مقیم بوشهر ۲۵ نفر از مستحفظین خود و امیرال هم يك ماکسیم با چهار و پنج نفر در تحت فرمان يك صاحب‌منصب در صورت لزوم می‌توانند به شیراز بفرستند. کشتی جنگی موقتی در بوشهر توقف خواهد نمود. نظر به حکومت ظل‌السلطان سید لاری ممکن است صرف‌نظر از خیال آمدن شیراز نماید و در اوضاع بهبودی حاصل شود. با وجود این خیلی خوشحال خواهیم شد که اجازه اعزام این استعداد را (در صورت لزوم که امیدوارم اتفاق نیفتد) به شیراز بدهند.

نمره - ۱۱۷

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ ج ۲-۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

احتمال اغتشاش در شیراز

(تلگراف ۱۳ ژوئیه خودتان را ملاحظه نمایید).

ما از وزارت بحریه تقاضا نمودیم که به فرمانده کشتی «اسفینکس» دستورالعمل بفرستند تا هر اقدامی را که ماژور کاکس با مشورت قنصول اعلیحضرتی شیراز و شما لازم بداند بموقع اجراء بگذارند. لیکن قنصولهای مذکور نباید هیچ اقدامی را بدون دستورالعمل شما

بکنند. ما از وزارت بحریه اطلاع تحصیل کردیم که قنصل اعلیحضرتی شیراز تقاضانموده تا در صورت لزوم يك دسته با توپ ماکسیم همراه سپاهیها بیایند.

نمره - ۱۱۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۳ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۵ ج ۲-۱۳۲۷] از قلحك.

يك باطری توپ نزدیک مدرسه امریکایی گذاشته شده و قزاقهای ایرانی از این نقطه قشون را بمبارده می کنند.

نمره - ۱۱۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۳ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۵ ج ۲-۱۳۲۷] از قلحك.

قشون دولتی شروع به بمبارده شهر نمود. من و مسیو سابین می خواهیم فوراً به سلطنت آباد نزد شاه رفته و اصرار نماییم تا قدری جنگ را متارکه و با ملتیان مشغول مذاکره بشوند. در ساعت ۸ صبح مترجمین سفارتین به طهران رفتند تا با رؤسای ملتیان ملاقات کرده و آنها را وادارند که با شاه مشغول مذاکره بشوند. این اقدام بر وفق خواهش خود شاه است. از قرار معلوم جنگ اشتداد یافته و بیم آن می رود که مترجمین نتوانند به شهر داخل بشوند. دیروز شاه قول داد که شهر را بمبارده ننماید.

نمره - ۱۲۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۳ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۵ ج ۲-۱۳۲۷] از قلحك.

در تلگراف امروز صبح بمباردهمان طهران و خیال مذاکره با شاه راپورت داده شد. افتخار دارم از اظهار اینکه ملاقات ما با شاه که خیلی غمناک و اندوهگین بود موفقیت حاصل نکرد. ما از شاه استدعا کردیم که از بمبارده شهر جلوگیری نموده و اعلان متارکه بدهند تا اینکه شروع به مذاکره بشود.

شاه در جواب اظهار شکایت کرد که در موقعی که به اندازه کفایت قشون داشت و می توانست به رولوسیونرها غلبه نماید ما ممانعت نمودیم حالا که آنها در طهرانند و به عمارت او حمله ور شده اند باید محض محافظت خود هر اقدامی که از دستش برآید مضایقه ننماید. در موقعی که قشون او دچار حملات شده چگونه می تواند اعلان متارکه بدهد. این بر ما است که طرف مقابل را مجبور نماییم تا دست از جنگ کشیده و هر تقاضائی که

دارند بکنند.

ما در جواب گفتیم در تمام این مدت سعی کامل نمودیم که مابین اعلیحضرت و رعایای خودتان صلح بشود. نصیحتی که به ملتیان دادیم بدبختانه پذیرفته نشد. و حالا هم اگر بخواهیم تقاضای خلع سلاح نماییم نظر به موفقیت آنها که زیاده احتمال دارد البته قبول نخواهند کرد. در صورتی که بتوانیم به آنها اطمینان بدهیم که خیال شاه ثابت و صمیمانه است و جنگ را متارکه می‌دهد آنوقت ممکن است بتوانیم آنچه را که تاکنون موفق شده‌اند همانعت نماییم. اعلیحضرت شاه این پیشنهاد ما را قبول نکردند. در هنگام مرخصی وزیر امور خارجه را ملاقات نموده و اظهار داشتیم که تقاضای ما از ملتیان که خلع سلاح بنمایند بی‌فایده است. او از ما خواهش کرد که پیش از اینکه سردار اسعد را از نتیجه ملاقات خود مطلع سازیم منتظر نتیجه ملاقاتی که الان از شاه خواهد نمود بشویم. ما این مطلب را قبول نمودیم ولی تاکنون وزیر امور خارجه به ما اطلاع نداده است. بعلت بمبارده مسیو چرچیل و بارنوسکی نتوانستند امروز صبح داخل طهران بشوند.

نمره - ۱۲۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۶ ج ۲-۱۳۲۷] از قلعهک.

اگرچه قشون شاه دیروز هر ساعت يك مرتبه شهر را توپ می‌بستند ولی خسارت عمده وارد نیاموردند.

در شهر مقاومت قشون دولتی تقریباً از دیشب نزدیک به اتمام است. و برای تسلیم قزاقخانه مابین کولونل لیاخف و رؤسای ملتیان مذاکرات جریان دارد. به اندازه‌ای که اطلاع دارم جز اینکه اراندل يك خانه انگلیسی را غارت کردند و خسارت جزئی از بمبارده وارد آمد دیگر ضرر مالی و خطر جانی برای اتباع خارجه روی نداده است.

نمره - ۱۲۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۶ ج ۲-۱۳۲۷] از قلعهک.

شیراز

از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز مخبره شده است: بواسطه اعلان [تفویض] حکومت فارس [به] ظل‌السلطان اوضاع بهبودی یافته است. (راجع است به تلگراف ۱۳ ژوئیه من.)

نمره - ۱۲۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

کولونل لیاخف به قزاقهای ایرانی حکم داد که جنگ راهوقوف نمایند ولیکن در نزدیکی سفارت انگلیس هنوز بختیاریه‌های دولتی با فداییها مشغول دعوا هستند. تقریباً ۲۰۰ نفر ارمنی به سفارت متحصن شده‌اند و عده‌ای هم از اشخاصی که در جنگ زخم برداشته‌اند در سفارت تحت معالجه می‌باشند. تاکنون زخمی و کشته هر دو طرف بیش از ۶۰ و یا ۷۰ نفر نیست.

نمره - ۱۲۴

تلگراف مستر اوبرون به سر ادواردگری مورخه ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

شیراز

وزیر امور خارجه روس را از مضمون تلگراف ۱۱ ژوئیه طهران مطلع نمودم. دولت روسیه پیشنهاد سابق را برای ممانعت ورود سید لاری به شیراز قبول نموده و به شارژ دافر روس مقیم طهران دستورالعمل فرستاده است که احکام لازمه در این خصوص به قنصل روس در شیراز بدهد.

نمره - ۱۲۵

تلگراف سر کارترایت (سفیرکبیر انگلیس مقیم وینه) به سر ادواردگری مورخه ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از وینه.

به سفیرکبیر روس دستورالعمل فرستاده شده است که باتفاق من به ظل السلطان اطلاع دهیم که حکومت فارس به او داده شده است و او را دعوت نماییم که از راه بوشهر به محل حکومت خود برود.

سفیرکبیر روس تا مدتی که دستورالعملی هم در این خصوص برای من نرسد اقدام نخواهد کرد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۲۶

تلگراف سر ادواردگری به مستر اوبرون مورخه ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه.

اتفاق روس و انگلیس در ایران

دولت اعلیحضرتی کاملاً شاهد اعتدال و خودداری دولت روس است که قشون خود را

در قزوین نگاهداشته و همچنین از اشکالاتی که روسیه به ملاحظه موقع خود از ایران اکتساب می‌نماید کاملاً مطلع است. بهترین اثری که در این مملکت ممکن است تحصیل شود همان عدم دخالت به اوضاع دو دستۀ طهران است که آنها را به حالت طبیعی گذاشته تا دعوی خود را مستقلاً خاتمه دهند. اطوار و حرکات روسیه برای ما سهل و آسان می‌کند قصد واضح و صادقانه‌ای را که در کار کردن با هم در نظر داریم و شما می‌توانید به مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] اطمینان بدهید که حرکات ایشان تقویت می‌نماید آرزوی اتفاق ما را با ایشان.

نمره - ۱۲۷

تلگراف سربار کلی به سر ادواردگری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲-] [۱۳۲۷] از قلهاک.
هر دقیقه انتظار می‌رود که شاه مثل عیال خود که الان در سفارت روس متحصن است آنهاست بست‌نشین گردد.
۴ نفر سوار از این سفارت فرستاده شد تا در سفارت روس جزو مستحفظین شاه بشوند.

نمره - ۱۲۸

تلگراف سربار کلی به سر ادواردگری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲-] [۱۳۲۷] از قلهاک.
اعلیحضرت شاه الان به سفارت روس وارد و در آنجا متحصن گردید. متأسفانه هنوز جنگ شدیدی در طهران اشتعال دارد.
مترجمین سفارتین را به طهران فرستادیم سعی نمایند بلکه مابین قزاقها و ملتیان قرار صلح داده شود.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۲۹

تلگراف سربار کلی به سر ادواردگری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲-] [۱۳۲۷] از قلهاک.
تلگراف ذیل از بوشهر برای من مخابره شده است. امروز کارگزاران با من ملاقات نمود و از طرف انجمن اطلاع داد که مقصود انجمن در مراسله سابق درست توضیح داده نشده است. از قرار معلوم انجمن نمی‌خواهد ادارات دولتی را تصرف نماید بلکه مقصود آنها این است که در این موقع که اوضاع غیر معلوم و مختل است عایدات گمرکی به طهران فرستاده نشود.
دو طریق انجمن پیشنهاد می‌نماید. اول اینکه سی هزار تومان از عایدات گمرک هر ماه

به ژنرال قنسول اعلیحضرتی پرداخته شود. دوم، تا آنوقتی که دولت مشروطه برقرار و استحکام کامل در اوضاع حاصل نشده است عایدات گمرک بوشهر (البته بندرعباس و لنگه نیز داخل است) به بانک شاهنشاهی پرداخته شود. من به مازور کاکس اجازه دادم که شق دوم را قبول نماید و در صورتی که پول در بانک گذاشته می شود بیخود برداشته نشود.

نمره - ۱۳۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

مسیو سابلین به من اطلاع داد که شاه تلگراف ذیل را به تزار امپراطور روس مخابره کرده است.

بروفق نصیحت دولتین مشروطه را برقرار نموده لیکن حرکت آنارشویست‌گری از اسلامبول، کربلا، تبریز، طهران مملکت را به هرج و مرج انداخته است و به این جهت مجبور است که تقاضای حمایت از بیرق دولت قوی شوکت آن اعلیحضرت نماید. و او مطمئن از همراهی آن اعلیحضرت درباره خود و خانواده و مملکت خویش بوده و منتظر نصایح همراهی آن اعلیحضرت درباره خود و خانواده و مملکت خویش بوده و منتظر نصایح ملاطفت کارانه آن اعلیحضرت همایونی می باشد.

نمره - ۱۳۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

(راجع به تلگراف ۱۵ ژوئیه من در خصوص مذاکرات تسلیم بریگاد قزاق)

از بیانات سردار اسعد درست معلوم نمی شد که بریگاد قزاق را با صاحب منصبان روسی آن نگاه خواهد داشت یا ترتیب دیگری در نظر دارد.

همکار روسم از من خواهش کرد که با او همراهی نموده و خواهش نمایم تا دو مرتبه صاحب منصبان روسی را در خدمت نگاه دارند. من خواهش فوق را قبول و سردار اسعد قول ذیل را به مستر چرچیل و بارنوسکی داد.

ما امضاکنندگان ذیل که موقتاً رئیس ملت و دولت ایران می باشیم بموجب همین ورقه اظهار می داریم که بریگاد قزاق موقتاً مثل سابق در تحت فرمان کولونل لیاخف خواهد بود مشروط براینکه او خود را در تمام امور مطیع اوامر وزیر جنگ که امروز معین خواهد شد بداند.

مسیو بارنوسکی و مستر چرچیل سند فوق را نزد کولونل لیاخف برده و او را از مضمون کاغذ مطلع خواهند ساخت. سردار اسعد از کولونل لیاخف خواهش نمود که در بهارستان به ملاقات او برود. برادر سردار اسعد و مستحفظین بختیاری تا به آن نقطه به همراه لیاخف

خواهند رفت.

بمحض اینکه شاه در تحت حمایت روس و انگلیس به سفارت روس رفت فوراً سفارتین سردارها را بواسطه تلگراف مطلع نمودند.
بموجب اطلاعی که از طهران رسیده است جنگ در آنجا قریب به اتمام است اگرچه یک زدو خورد مختصری هنوز نزدیک سفارت باقی است ولی تصور می شود که آنهم به همین زودیهها خاتمه پذیرد.

نمره - ۱۳۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.
متحصنین سفارت روس تا به این ساعت مرکب از نایب السطنه امیربهادر جنگ و چند نفر از درباریها به انضمام محمدعلی و عیالش است. در ده زرگنده تقریباً ۸۰۰ نفر سرباز چادر زده اند. در این سفارت (سفارت انگلیس) سعدالدوله و مخبرالدوله متحصن شده اند.

نمره - ۱۳۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.
راجع است به تلگراف امروزی من
کولونل لیاخف بهمراهی برادر سردار اسعد و مترجمین سفارتین به بهارستان رفت و خود را در تحت اوامر سپهدار که از طرف کمیته ملتیان به وزارت جنگ منصوب شده است در آورد.

کمیته مذکور مصمم شده است که اعلان خلع محمد علی شاه را منتشر نماید. دعوا بالکلیه قطع شده و قزاق و فداییان شروع به دوستی نموده اند. من فراموش نمودم در تلگراف امروز صبح خود ذکر نمایم که ولیعهد و برادرهای او با شاه به سفارت رفته اند.

نمره - ۱۳۴

تلگراف مستر اوبرون به سر ادوارد گری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از سن پترزبورغ.
راجع به تلگراف ۱۵ ژوئیه شما

امروز صبح با مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] ملاقات کرده و تلگراف شما را که در خصوص اظهار تشکر از خودداری دولت روس در اتفاقات ایران بود برای او خواندم. تلگراف روتر که در همان وقت به جناب ایشان رسید تحسن محمد علی شاه را به سفارت

روس اشعار داشت. مسیو ایزولسکی اظهار داشت که دولت متبوعه او هیچوقت مایل به همراهی شاه نبود اگر چه درباره دولت روس بسیاری از این گمانها برده می شد و همچنین این خبر بی اندازه خیال آن جناب را راحت نمود. جناب وزیر اظهار نمودند هر دولتی که در طهران برقرار گردد و نظم را بتواند اداره نماید دولت روسیه آن را برسمیت خواهد شناخت ولی اگر دولت نتواند از عهده نظم برآید دولت روس برای حفظ منافع خود مجبور از اقدامات لازمه خواهد شد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۳۵

تلگراف سر ادواردگری به مستر اوبرون مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

دولت جدید در ایران

دولت اعلیحضرتی به همان طریقی که مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] اظهارنموده و در تلگراف امروز شما هم ذکر شده بود در خصوص شناختن دولت ایران رفتار خواهد کرد. شما خوب است این مطلب را به وزیر امور خارجه خاطر نشان نمایید و بگویید پیش از اینکه در طهران رسماً دولت مستقری را بشناسیم با ایشان مشورت خواهیم نمود.

نمره - ۱۳۶

تلگراف سر ادواردگری به سر کارترایت مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

مراجعت ظل السلطان

در خصوص مطلبی که در تلگراف ۱۵ ژوئیه خودتان یادآوری نموده اید شما مجاز هستید که باتفاق همکار روس خود مذاکره نمایید.

نمره - ۱۳۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۶ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

امروز صبح زود تلگراف ذیل از رؤسای ملتیان به سفارتین رسید. بنا بر رأیی که مجلس فوق العاده امروز در بهارستان داده اند [قرار] این است که از طرف مجلس مذکور هیئتی نزد اعلیحضرت محمد علی میرزا در خصوص اعلان تغییر سلطنت بروند.

چون اعلیحضرت بواسطه امنیت شخصی عجالاً در تحت حمایت دولتین معظمین روس و انگلیس به سفارت روس پناهنده شده است لذا ما از جناب شما خواهشمندیم که معین فرمایید فردا در چه ساعت ممکن است هیئت مذکور فوق خدمت آن اعلیحضرت شرفیاب

بشوند ما را مطلع فرمایید که خیلی ممنون خواهیم شد.
 این پیغام را همکار روس من به شاه اطلاع داد. اعلیحضرت شاه سابقاً اطلاع داشت که در جلسه دیروز بهارستان ولیعهد را به سلطنت انتخاب نموده‌اند و این مطلب هم بطور غیررسمی دیشب اعلان شد. شاه و ملکه هر دو خیلی بی‌میل از جدا شدن پسر بزرگ خود هستند ولی راضی به مفارقت پسر کوچک می‌شوند.
 شاه پس از ملاقات طولانی غمناکی به مسیو سابلین پیشنهاد نمود که ولیعهد به تخت می‌تواند جلوس نماید ولی به او اجازه داده شود که چند وقتی با مادر خود به سفر برود و اگر این ترتیب امکان‌پذیر نیست برادر کوچک‌تر او را شاه نمایند.
 اعلیحضرت شاه از نمایندگان دولتین خواهش نمود که به رؤسای ملتیان در جواب بگویند که شاه از پذیرایی هیئت معذور است و به آنها بگویند که رفتن شاه از سلطنت‌آباد به سفارت روس خود دلیل استعفای ایشان است.
 من و همکار روس من همین قسم که شاه مایل بود به رؤسای ملتیان جواب دادیم ولی ذکری از عقیده شاه در خصوص جانشین ایشان نکردیم.
 شق اول مسلم است از طرف ملتیان پذیرفته نخواهد شد و شق ثانی را ممکن است که خود ولیعهد بعد از این قبول نکند.

نمره - ۱۳۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۶ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.
 حالا دیگر طهران خاموشی گرفته و قشون ملی با قزاقها دوستی و برادری می‌کنند.

نمره - ۱۳۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.
 طهران خاموش [و] سپهدار و سردار اسعد وزیر جنگ و داخله دیروز اعلانی منتشر نمودند که مقادش این بود.
 محمد علی شاه به میل خود از سلطنت خلع شد و مجلس فوق‌العاده عالی که در ۱۶ ماه ژوئیه [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] در بهارستان منعقد گردید ولیعهد سلطان احمد میرزا را به سلطنت ایران منصوب نمود و تا انعقاد مجلس، عضدالملک رئیس ایل قاجار به نیابت سلطنت منصوب خواهد بود.

نمره - ۱۴۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

امروز ولیعهد به سلطنت آباد خواهد رفت و در آنجا از طرف هیئت مجلس عالی به شاهی پذیرفته خواهد شد. مستحفظینی که از طرف سفارتین معین شده‌اند او را تا به سلطنت آباد خواهند برد و بعد از وصول به آن نقطه دیگر در حمایت دولتین نخواهد بود و مستحفظین مراجعت خواهند کرد. هیئت مذکور عمارت دیگری برای اقامتگاه آن اعلیحضرت تعیین نهوده‌اند و خودشان اعلیحضرت شاه را به آنجا خواهند برد.

نمره - ۱۴۱

کاغذ مستر اوپرون به سر ادواردگری مورخه ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] از سن پترزبورغ.

در خصوص اعزام قشون به قزوین

آقا

افتخار داشتم که در تلگراف دوم این ماه خود مفاد صحبت خود را با وزیر امور خارجه راپورت دادم.

به‌وجب کاغذی که در صبح ماه ژوئیه از مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] رسید اطلاع داده بود که پس از صحبت من با وزیر امور خارجه هیئت وزراء مصمم شدند که یک فوج قزاق و یک فوج سرباز و یک باطری توپخانه فوراً به انزلی گسیل دارند و به آنها دستور العمل بدهند که از قزوین تجاوز نمایند مگر به حکم سفارت روس در طهران، در صورتی که مال و جان اتباع خارجه در خطر بوده باشد. در آن کاغذ جناب وزیر امور خارجه اظهار نمود که دستور العمل قطعی به صاحب‌منصبان فرمانده این قشون داده شد که از هر نوع دخالت در زدو خورد داخلی دوری جسته و هم خود را به محافظت منافع اتباع خارجه گمارند.

امضاء هیواوپرون

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۴۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

دو نفر رئیس ملت رسماً به سفارتین خلع محمدعلی و جلوس ولیعهد سلطان احمد میرزا را به سلطنت ایران اعلام نمودند. من منتظر دستور العمل شما هستم.

نمره - ۱۴۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ رجب ۱۳۲۷] از تهران.

راجع به تلگراف قبل از این تلگراف

ذیلا ترجمه مراسله‌ای است که در تلگراف سابق ذکر شد:

در صورتی که اغتشاش و بی‌نظمی ولایات تشکیلات ادارات دولتی را لازم داشته و این مطلب به تمام ایرانیان واضح و آشکار است و نظر به اهمیت موقع و اوضاع مملکت و تنفر عموم از محمد علی میرزا، ممکن نشد که حقوق و امنیت ملت بدون تغییر و تبدیل سلطنت تحصیل گردد. بنابراین، در غیاب سنا و مجلس شورا مجلس فوق‌العاده عالی در ۱۶ ماه ژوئیه در طهران در عمارت بهارستان منعقد گردید و اعضاء این مجلس که مرکب از رؤسای مجاهدین و علماء و شاهزادگان و اعیان و اشراف و عده‌ای از وکلاء سابق است به اکثریت آراء به خلع محمد علی میرزا مصمم شدند. و بموجب مواد ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی اعلیحضرت سلطان احمد شاه را به سلطنت معین و نیابت سلطنت هم موقتاً به عضدالملک واگذار شد تا پس از افتتاح پارلمان بموجب ماده ۳۸ قانون اساسی ترتیب قطعی در خصوص نیابت سلطنت داده شود. لهذا ما بموجب این کاغذ رسمی خلع محمد علی میرزا و جلوس سلطان احمد میرزا را به سلطنت ایران رسماً به شما اعلان می‌داریم.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۴۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ رجب ۱۳۲۷] از قلعهک.

بموجب راپورتهایی که از قنصل اعلیحضرتی مقیم شیراز رسیده است هرج و مرج شدید در اوضاع جریان دارد.

با وجود تعیین ظل‌السلطان باز حاکم سابق دخیل امورات است و دلیلی که برای این اقدام خود اقامه می‌نماید این است دولتی که ظل‌السلطان را به حکومت فارس منصوب کرد دیگر متصدی امور نیست. مستربیل تلگرافاً [=تلگرافی] راپورت داده که سیدعبدالحسین لاری از قرار اخبار واصله مشغول خرید اسلحه است.

در صورتی که دولت حاضره حکومت ظل‌السلطان را تصدیق نکرده و حاکم سابق را تلگرافاً [=تلگرافی] به طهران احضار ننماید مجبوراً باید که استعداد فردا از بوشهر فرستاده شود.

قنصل روس با مستربیل هم عقیده می‌باشند.

دیروز اوضاع شیراز را که مستربیل در تلگراف خود شرح داده بود به وزیر داخله خاطر نشان نمودم ولی نتوانستم که او را وادار نمایم تا حکومت ظل‌السلطان را تصدیق نماید. وزیر داخله گفت می‌خواهم علاءالدوله را در عوض حکومت آذربایجان به فارس اعزام دارم.

امروز دو مرتبه باتفاق همکار روسم در این خصوص مذاکرات لازمه نمودیم و به وزیر داخله اطلاع دادیم که قنسولهای مقیم شیراز ما حکومت ظل السلطان را بهتر می دانند. بعلاوه اصرار نمودیم که بهای حال باید حاکم سابق را احضار نمایید.

بروفق پیشنهاد مائور کاکس مشغول اقدامات هستیم که دولت ایران توسط قنسولخانه اعلیحضرتی سید عبدالحسین لاری را تهدید و از پیش رفتن او جلوگیری بکند. و همچنین به علماء تلگراف نمایند که ایشان او را از این خیال منصرف سازند.

به سردار اسعد اطلاع دادم که فردا از حرکت قشون دست نگاه خواهم داشت تا اقدامات دولت را برای حفظ انتظام و بسط آسایش ملاحظه نمایم.

نمره - ۱۴۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

خیلی خوب است که محمد علی میرزا هرچه زودتر از این مملکت خارج گردد. تزار (امپراطور روس) در جواب تلگراف محمد علی میرزا اظهار داشته که چون او به سفارت امپراطوری پناه برده است به شارژ دافر روس دستورالعمل لازمه داده شد که حمایت از او نبوده و احترامات موافق مقام را بجا بیاورد. پیغامهای زیاد و قول مساعدت از ولایات برای او می رسد. مادامی که او در طهران اقامت نماید بدون شبهه تحریکات زیاد در دور و اطراف آن خواهد شد.

بدو محمد علی میرزا اظهار می کرد که به کریمه خواهد رفت ولی حالا از این مملکت میل حرکت ندارد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۴۶

تلگراف مستر اوبرون به سر ادواردگری مورخه ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ رجب ۱۳۳۷] از سن پترزبورغ.

دیشب مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] از اوضاع تبریز صحبت می کرد و اظهار می داشت که اوضاع تبریز خیلی خراب است.

به من اطلاع داد که به شارژدافر روسیه مقیم طهران دستورالعمل داده شده که لزوم اعزام حکومت و قشون کافی برای آن نقطه را به دولت ایران خاطر نشان نماید. بعلاوه در آن دستورالعمل به مسیو سابلین اظهار شده تا به دولت ایران یادآوری نماید که اگر دولت ایران اقدام لازم در بسط اساس آسایش ننماید عاقبت دولت روسیه مجبور خواهد شد که اقدامات لازمه در استقرار نظم کرده باشد. در جواب سؤال من که چه اتفاق تازه ای در تبریز باعث این اقدام شده، مسیو ایزولسکی اظهار داشت که ستارخان حکومت خود را اعلان کرده و فداییان به اسم پلیس از اهالی وجوهای می گیرند و جماعتی مردم را برضد

حضور قشون روس در تبریز تهییج می‌نمایند. بعلاوه، بنا به اظهارات مسیو ایزولسکی نقطهٔ مخاطرهٔ دیگری هم موجود است و آن اردبیل می‌باشد که شاهشونها تمام اطراف آن را چاییده‌اند.

نمره - ۱۴۷

تلگراف مسیو اوبرون به سر ادواردگری مورخهٔ ۱۹ ژوئیهٔ ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ رجب ۱۳۲۷] از سن پترزبورغ.

راجع به تلگراف امروزی من

در ضمن صحبتی که امروز با مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] داشتیم جناب ایشان اظهار نمودند که سفیر کبیر عثمانی به آنها اطلاع داده که در خصوص ستارخان و باقرخان باب عالی به ژنرال قنسول دولت عثمانی مقیم تبریز دستورالعمل فرستاده و مفاد آن این است که صلاح در خارج شدن ستارخان و باقرخان از ایران است ولی در صورتی که آنها مایل به خروج نباشند دیگر ژنرال قنسولگری عثمانی از آنها سلب حمایت کرده و اجازهٔ تحصن را نیز نخواهد داد. این مطلب خیلی اسباب خرسندی مسیو ایزولسکی شده بود، مسیو ایزولسکی اظهار نمود که نظر به اوضاع تبریز اعزام حکومت با قشون کافی برای برقراری نظم خیلی لازم است و نیز گفتند تا مدتی که نظم در آنجا برقرار نشود قشون روس نمی‌تواند تبریز را تخلیه نماید.

نمره - ۱۴۸

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخهٔ ۱۹ ژوئیهٔ ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ رجب ۱۳۲۷] از وزارت خارجهٔ لندن.

شاه جدید ایران

همین که برای مسیو سابلین از دولت متبوعهٔ او دستورالعمل رسید شما می‌توانید شاه جدید را برسمیت بشناسید.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۴۹

تلگراف سر ادواردگری به مستر اوبرون مورخهٔ ۱۹ ژوئیهٔ ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ رجب ۱۳۲۷] از وزارت خارجهٔ لندن.

کنت بنکاندروف از اینکه در موقع تغییر حکومت ایران دخالت در طهران لازم نگردید خیلی خوشحال و آسوده‌خاطر است. من اظهار نمودم که من هم با حسیات ایشان شرکت می‌نمایم و به عقیدهٔ من این مسئله در این مملکت و هم در ایران از اعتدال و خودداری دولت روسیه آثار خوبی بخشیده است. من به کنت بنکاندورف گفتم که از روابط دوستی

مابین دولت جدید ایران و صاحب‌منصبان روسی (که در خدمت شاه هستند) خیلی خوشوقت هستیم و امیدوارم که هیچ اشکالی که مخل منافع روس باشد در تغییر حکومت حاصل نگردد. در خصوص تبریز من به آن جناب گفتم که به ایشان همراهی کرده و به دولت جدید ایران فشار خواهم آورد که علاءالدوله و یا یک حاکم لایقی را بدون تعویق به حکومت آنجا معین نمایند.

نمره - ۱۵۰

تلگراف سربار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

من تلگراف ذیل را به قنصل اعلی حضرتی مقیم شیراز مخابره کردم: دولت جدید ایران مایل است حاکم حالیه را موقتاً نگاه داشته و حکومت ظل السلطان را نیز تصدیق نمی‌نماید. دولت ایران به سید عبدالحسین لاری احکام تلگرافی فرستاده که بطرف شیراز حرکت ننماید و به علماء هم اصرار نمودند که بر وفق همین احکام دستورالعمل برای سید بفرستند. دولت ایران تا اندازه‌ای مطمئن است که با این اقدامات نظم را برقرار خواهد کرد. من منتظر راپورت ثانوی شما خواهم شد تا حکم اعزام استعداد را بدهم. به دولت ایران اصرار نمودم که فوراً به آصف‌الدوله حکم بشود تا قشون ایلاتی را که جمع کرده متفرق نماید.

نمره - ۱۵۱

تلگراف سربار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

فوج امیر بهادر جنگ که دولت جدید می‌خواهد آنها را اخراج نماید در نزدیکی سفارت روس متحصن شده‌اند.

نمره - ۱۵۲

تلگراف سربار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

نظر به اینکه دولت حاضره تعیین ظل السلطان را به حکومت فارس تصدیق نمی‌نماید به عقیده من و همکار روسم خوب است که او عجالتاً به ایران مراجعت ننماید.

نمره - ۱۵۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

تلگراف ۱۹ ژوئیه از سن پترزبورغ

ترتیب جدید این است که مخبر السلطنه به حکومت آذربایجان منصوب گردید و در آنجا خیلی محل توجه عموم خواهد شد.

نمره - ۱۵۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

تلگراف ذیل امروز از قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز مخابره شده:

«عقیده من و همکار روسم این است که اگر آصف الدوله معزول نشود باید فوراً استعداد فرستاده شود. خواهش می‌کنم اگر ممکن است از بقای [= ابقاء] آن مانع بشوید. دلایل مشروحه برای این عقیده خودمان فرستاده خواهد شد».

من مجدداً اصرار به دولت ایران خواهم نمود که حاکم حالیه را فوراً عزل نماید. اگر تا امشب دولت تقاضای مرا قبول نکرد حکم فرستادن استعداد از بوشهر را خواهم داد.

نمره - ۱۵۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

من با مسیو سابلین در این مسئله موافق هستیم که در موقع حرکت شاه سابق سه نفر مستحفظ از سفارت روس و سه نفر هم از این سفارت با عده‌ای قزاق ایرانی از طرف دولت ایران تا قزوین همراه او بروند و از قزوین به آنطرف قشون روس همراه خواهد بود. این ترتیب را شارژ دافر روسیه به دولت متبوعه خود تلگراف خواهد نمود. ممکن است که اگر صاحب‌منصب روسی و یا یک نفر از اجزای سفارتین تا قزوین همراه شاه نباشند به ترتیب دیگر راضی نشود.

می‌ترسم بواسطه مسائل راجعه به تعویق حقوق شاه و جواهرات دولتی حرکت او قدری طول بکشد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۵۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر بارکلی مورخه ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ رجب ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

اقدامات شما در این اغتشاش حالیه ایران مورد رضایت و تصویب نام من است. در اینجا حرکات همکار روس شما که با یک طرز صادقانه با شما همراهی نموده خیلی اسباب تمجید است.

نمره - ۱۵۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۳ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

ناصرالملك وزير امور خارجه، مستوفى الممالك وزير ماليه، فرمانفرما وزير عدليه، صمصام السلطنه حاكم اصفهان، مخبر السلطنه فرمانفرمای تبریز گردیدند.

نمره - ۱۵۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۳ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

امروز تلگراف ذیل را در شیراز به مستر بیل مخابره کردم: در عوض حاکم سابق که احضار شده علاءالدوله به حکومت شیراز منصوب گردید. دستورالعمل سختی به او داده شد که فوراً به نایب الحکومه خود احکام لازمه داده تا هر نوع اقدامی که برای برقراری نظم لازم است مجری دارد.

نمره - ۱۵۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۳ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

امروز سفارتین بموجب دستورالعمل از دولتین متبوعتین خود رسماً شناسایی سلطان احمد شاه را اعلان نمودند.

نمره - ۱۶۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۳ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

از راپورتهایی که تا به حال برای من رسیده معلوم می شود که تغییر سلطنت در ولایات اثر خوب بخشیده است. تلگرافخانه قم راپورت می دهد که به صمصام السلطنه دستورالعمل داده شد که در راه قم و اصفهان مستحفظ بگذارد. از همان منبع به من خبر رسید که دستورالعمل دیگری هم برای محافظت راه قم و طهران به ایل بیگی که در قم است فرستاده شده.

نمره - ۱۶۱

تلگراف سر ادواردگری به سر کارترایت مورخه ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۳ رجب ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.
خوب است به ظل السلطان اطلاع دهید که دولت جدید تعیین حکومت شما را تصدیق نمی نماید و به اینجهت عجالتاً عزیمت شما را به ایران صلاح نمی دانم.

نمره - ۱۶۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۴ رجب ۱۳۲۷] از قلعهك.

راجع به تلگراف ۲۰ ژوئیه من

جواهرات سلطنتی علت عمده تعویق حرکت محمد علی میرزا است.
گمان می شود که محمد علی جواهرهای مذکور را با اسبابهای شخصی خود به سفارت برده باشد و تا اطمینان نکند که مواجب کافی در حق او برقرار خواهند نمود البته جواهرات را تسلیم نخواهد کرد. اگر این جواهرات از این مملکت خارج بشود دیگر جمع آوری آنها ممکن نخواهد شد.
من و همکار روسم دولت ایران را نصیحت نمودیم که به محمد علی میرزا پیشنهادی بنمایند. دولت ایران هر چند که مایل است بهر اندازه ای که امکان دارد محمد علی میرزا را زودتر از ایران خارج نماید ولی طبعاً هم میل دارند که جواهرات سلطنتی محفوظ بماند.

نمره - ۱۶۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۴ رجب ۱۳۲۷] از قلعهك.

بر وفق دستورالعمل سن پترزبورغ همکار روس من دوطغرا مراسله به من ارائه داد یکی راجع به هیجان اهالی تبریز در ضد روسها و دیگری راجع به اغتشاش شاهسونها در اطراف اردبیل.

مراسله ثانوی در شکل يك اخطاریه ای بود که مفاد آن این است: اگر دولت ایران برای جلوگیری از عسایر و استقرار انتظام در اردبیل اقدامات لازمه فوری ننماید دولت روسیه مجبور خواهد شد که برای حفظ منافع خود اقدامات لازمه را بنماید. من پیشنهاد مسیو سابلین را در خصوص رفع هیجان بر ضد روسها و اعزام حاکم لایق با استعداد کافی به آذربایجان و حفظ انتظام اردبیل تصدیق و همراهی نمودم.

نمره - ۱۶۴

تلگراف سر کارترایت به سر ادواردگری مورخه ۲۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۵ رجب ۱۳۲۷] از وینه.

مطالب نیل به تلگراف ۲۱ این ماه شما راجع است:

باتفاق سفیرکبیر روس امروز ما ملاقاتی از ظل السلطان نمودیم و نصیحت کردیم که خوب است عجلتاً از وینه حرکت ننماید به دلیل اینکه دولت جدید ایران حکومت فارس او را تصویب ننموده است. شاهزاده خواهش نمود که به او اجازه داده شود یا به طهران که در آنجا سفارتین می‌توانند ناظر حرکات او بوده باشند رفته و یا در اصفهان به منزل خود مراجعت نماید و باز اظهار نمود که عزیمت من به طهران برای زیارت سلطان جدید است و به ما اطمینان داد که مقصود دیگری در نظر ندارد و ابداً مایل نیست که در کاری مداخله نماید، حتی در نیابت سلطنت. ما سعی نمودیم که او را تا چندی به اقامت اروپا وادار نماییم لیکن از قرار معلوم مصمم شده است که به همین زودیها بطرف ایران رهسپار شود.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۶۵

تلگراف سربارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۴ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۸ مرداد ۱۲۸۸؛ ۶ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

از طرف دولت ایران متحدالمآلی به تمام انجمنهای ولایتی فرستاده شده که مفاد آن این است: به هر وسیله ممکن می‌شود به هیجان عموم بر ضد روسها خاتمه بدهند.

نمره - ۱۶۶

تلگراف سربارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۱ مرداد ۱۲۸۸؛ ۷ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

کمیته ملتیان دیروز هیئتی نزد شاه فرستادند که از او خواهش نمایند جواهرات سلطنتی را تسلیم نموده و بعلاوه اظهار نمایند که دولت حاضر است ۲۵ هزار تومان برای او در سال مواجب معین نماید. محمد علی میرزا اظهار نمود در خصوص جواهرات حاضر است تسلیم نماید ولیکن در خصوص مواجب مطلب را به مسیو سابلین واگذار نموده است. بعد به همکار روسم شکایت نمود که مبلغ پیشنهاد شده خیلی کم است. اعلیحضرت سابق بعلاوه از این مواجب از املاک شخصی خود عایدات دارد که سالی تقریباً ۲۰ هزار

(۱) پیش از تصویب «قانون تبدیل بروج به ماههای فارسی از نوروز ۱۳۰۴ شمسی - مصوبه یازدهم فروردین ماه ۱۳۰۴ شمسی» ترتیب درستی برای شمارش روزهای ماه نبود و برخی از ماهها تا ۳۲ روز هم می‌رسید. - ۴.

لیره می‌شود.

نمره - ۱۶۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲ مرداد ۱۲۸۸؛ ۷ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

من از قنصل اعلیحضرتی مقیم شیراز اطلاع حاصل می‌نمایم که نماینده حاکم جدید را قشون ایلاتی از دارالحکومه اخراج کردند. تلگرافخانه آباده خبر داد که صولت‌الدوله با ۱۰ هزار نفر عازم شیراز شد. مستر بیل استدعای اجازه حرکت استعداد از بوشهر می‌نماید. نظر به این اتفاقات اعزام استعداد را حس نموده و دستورالعمل به مازور کاکس برای فرستادن سپاهی دادم. من دولت ایران و همکار روس خودم را از این اقدام مطلع خواهم ساخت.

نمره - ۱۶۸

تلگراف مستر اوبرون به سر ادوارد گری مورخه ۲۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳ مرداد ۱۲۸۸؛ ۸ رجب ۱۳۲۷] از پترزبورغ.
آقا

دیروز برای مذاکرات امور شیراز نزد وزیر امور خارجه رفتم. جناب وزیر به من اطلاع داد که الان خبر رسید که شاه به سفارت روس متحصن شده است. مسیو ایزولسکی که این حرکت را مطابق استعفاء یا خلع محمد علی فرض می‌نمود اظهار کرد که این خبر اسباب آسودگی خاطر او شده است. دولت روسیه هیچوقت میل همراهی محمد علی میرزا را نداشته لیکن مظنون به مساعدت بوده و اقدامات آن را با خیالات وخیم تلقی می‌کردند. در هر صورت اوضاع واضح گردید. جناب وزیر اظهار نمودند که خیال دولت روس درباره ایران و اوضاع جدید این است که اگر این اشخاص که زمام امور را در دست گرفته‌اند قابل استقرار نظم و ترتیب حکومت ثابتی باشند دولت روسیه آن دولت را خواهد شناخت لیکن اگر معلوم شد که آنها قابل این کار نیستند دولت روسیه مجبور خواهد شد تا اقداماتی که لازمه حفظ منافع دولت روسیه است اجراء نماید. من گفتم که اگر خیال دولت روسیه اینست گمان می‌کنم که با خیالات دولت اعلیحضرتی مطابق خواهد بود.

هیو اوبرون

نمره - ۱۶۹

تلگراف ماژور کاکس (ژنرال قنصل انگلیس مقیم بوشهر) به سر ادواردگری مورخه ۲۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳ مرداد ۱۲۸۸؛ ۸ رجب ۱۳۲۷] از بوشهر.

اغتشاش شیراز

یک ماکسیم با ۵۰ نفر که ترکیب آنها از این قرار است به شیراز عزیمت نمودند: ۵ سوار، ۳۶ سپاهی، یک صاحب‌منصب هندی، دو صاحب‌منصب لیوتان بحری و بری انگلیس، با ۵ نفر قشون بحری و یک جراح.

نمره - ۱۷۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۵ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۰ رجب ۱۳۲۷] از طهران.

انتخابات طهران که برای ۶ و ۷ و ۸ ماه او [= اوت] مقرر شده بر وفق قانون انتخابات جدید خواهد بود.

نمره - ۱۷۱

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۵ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۰ رجب ۱۳۲۷] از وزارت خارجه.

شما می‌توانید باتفاق همکار روس خودتان تبریکات خویش را به شاه جدید تقدیم نمایید.

نمره - ۱۷۲

تلگراف سر کارترایت به سر ادواردگری مورخه ۲۹ ژوئیه ۱۹۰۹ [۶ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۱ رجب ۱۳۲۷] از وینه.

ظل‌السلطان

ظل‌السلطان مصمم شده که فردا شب از وینه به طهران عزیمت نماید. مشارالیه برای من پیغام داده که مایل است با او ملاقات نمایم.

امروز با یکی از نایب‌های سفارت روس به ملاقات او رفتم. مشارالیه به ما اطمینان داد اقدامی که مخل روابط صالح باشد از او سر نخواهد زد. ظل‌السلطان اظهار نمود در طهران در منزل نایب‌السلطنه که از طرف مادری خویش نزدیک و دوست قدیمی او است توقف خواهد نمود و امیدوار بود که تا دو هفته دیگر وارد طهران خواهد شد.

نمره - ۱۷۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳۰ ژوئیه ۱۹۰۹ [۷ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۲ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

مفاخرالملک که در چند روز قبل از سفارتخانه خارج و مخفیانه برای مازندران عازم بود تا آن ولایت را بر ضد دولت حاضره بشوراند از طرف ملتیان دستگیر شد. او را به طهران آورده در محضر محکمه مخصوص محاکمه نمودند. بعد از آنکه چندین قتل که از جمله آنها قتل یکی از متحصنین شاهزاده عبدالعظیم بود در حق او ثابت گردید محکوم به قتل شد و امروز حکم مجازات در حق او مجری گردید. صنیع حضرت هم که سابقاً رئیس فداییان شاه بود دیروز اعدام شد.

نمره - ۱۷۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۰ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

در این هفته اخیر اقدام قطعی برای حرکت اعلیحضرت شاه سابق نشده است. دولت ایران سعی کامل دارد تا بعضی جواهرات سلطنتی را که در نزد شاه است و ادعای مالکیت آنها را می‌نماید تصرف کند. از قرار معلوم آن جواهرات خیلی گرانبها و سابقاً هم جزو جواهرات سلطنتی بوده است. من امیدوارم پس از آنکه مسئله جواهرات طی شد دیگر اسباب تعویق فراهم نیاید.

نمره - ۱۷۵

کاغذ سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۳ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.
آقا

در مراسله ۱۶ ماه گذشته اظهار نمودم پروگرام ما را که شاه قبول نمود مقدمات جلوگیری آمدن بختیاری و فداییها را از اصفهان و رشت که در يك وقتی احتمال قوی داشت فراهم کرد. برخلاف اظهارات من حوادث طوری سریعاً روی داد که در واقع همین مسئله نمونه خوبی است در اشکال اینکه انسان پیش‌بینی صحیحی در اوضاع ایران نمی‌تواند بکند. اطلاعاتی که برای من رسیده بود این بود که عده زیادی بختیاری از اصفهان به منزلهای خود مراجعت کرده‌اند و مابقی هم به همین زودیها مرخص خواهند شد. همین‌طور از قزوین. ابدأ از تهیه و حرکت آنها خبر نمی‌رسید بلکه برخلاف، مشهور بود که فداییها متفرق می‌شوند. هنوز من مراسله مذکور فوق را امضا نکرده بودم که در ۱۷ ماه گذشته از ژنرال قنسول اعلیحضرتی برای من تلگراف رسید که سردار اسعد برای خداحافظی نزد

او رفته و عازم طهران شده است. اخبار هم شیوع پیدا کرد که رئیس بختیاریها با هزار نفر سوار برای اجرای مشروطیت رو به طهران می‌آید.

به فاصله ده روز خبر رسید که سپهدار از قزوین حرکت نموده و چندان مسافتی از طهران دور نیست. عجب‌تر آنکه در چند روز قبل سپهدار قبول کرده بود که خود را از فداییها خارج کرده و برای صلح بطرف طهران بیاید در صورتی که از طرف سفارت روس امنیت او را ضمانت نمایند و مسیو سابلین هم این مسئله را قبول کرده بود.

بمجرد اینکه تلگراف از مستر گراهم رسید فوراً جواب مخابره کرده و دستورالعمل دادم که به سردار اسعد خاطرنشان نماید که برای استقرار مشروطیت اقدامات لازمه می‌شود و اقدامی را که او در نظر دارد عوض آنکه ممدکار بشود بیشتر اسباب پیچیدگی را فراهم خواهد کرد ولی قبل از اینکه این تلگراف به مستر گراهم برسد سردار اسعد حرکت کرده بود و مستر گراهم مطلب را بتوسط کاغذ به سردار اسعد رسانید.

در ۲۰ ماه وزیر امور خارجه با من ملاقات کرد و اظهار داشت که دولت در همین زودبیا امیر مفخم را که یکی از خوانین شاهپرست بختیاری است به جلو سردار اسعد من به جناب وزیر اظهار نمودم که این اقدام باعث شروع به جنگ داخلی می‌شود که اساساً محل تأسف است. بعلاوه من اقدامات لازمه برای جلوگیری از پیش آمدن سردار اسعد نمودم و اگر این اقدام مؤثر نیفتاد آنوقت سعی خواهیم کرد که اجازه بدهند تا از طرف سفارتین ژنرال قنسولهای اصفهان نزد سردار اسعد رفته و نصیحت سخت نمایند که از نمایشات خود دست بردار شود. جناب وزیر قول داد که تا چند روز دیگر عزیمت امیر مفخم را به تعویق اندازد.

در ۲۲ ماه به کاغذ مستر گراهم سردار اسعد جواب غیر مساعد فرستاد. به همین ملاحظه به مستر گراهم دستورالعمل دادم تا بنزد سردار اسعد که با ۷۰۰ نفر نزدیک قم رسیده بود رفته و به او حالی نماید که سفارتین از اقدامات شاه در خصوص اجرای مواد پروگرام پیشنهادی دولتین راضی هستند و چون سردار اسعد از این پیشنهاد سوءتفاهمی داشت لذا به مشارالیه خاطرنشان نمایند که این مواد پروگرام ابداً به استقلال ایران لطمه آور نیست بلکه نصیحت دوستانه است که برای استقرار مشروطیت به شاه پیشنهاد شده است و اخباری را که انتشار یافته که این پروگرام برضد استقلال ایران است تکذیب نماید.

در همان روز بر وفق همین تفصیل همکار روسم به ژنرال قنصل روس مقیم اصفهان دستورالعمل فرستاد. ژنرال قنصولها در ۲۶ ماه با سردار اسعد در قم مذاکرات نمودند. سردار اسعد در جواب اظهار نموده بود که این مشروطه بازیچه اطفال است چرا که سعدالدوله هنوز وزیر و امیر بهادر جنگ نزد شاه و مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف است و قول داده بود که تا ۲۸ ماه چند فقره تقاضا که با سایر ملتیان مشغول ترتیبات آن می‌باشند به ژنرال قنصولها داده خواهد شد. خوب است که در خصوص مخبرالدوله ذکری بشود. در موقعی که کابینه جدید تشکیل شد بموجب پیشنهاد خصوصی سفارتین مخبرالدوله که سابقاً در کابینه مرتجعین بوده دوباره در سر کار خود باقی ماند. ما می‌دانستیم که او مرتجع است ولی چون وزیر پست و تلگراف در ایران جزو کابینه محسوب

نمی‌شود و مخبرالدوله تجربیات خوبی در اداره کردن تلگرافخانه داشت لذا ما مایل بودیم که او در سر کار خود بوده باشد. پس از آنکه نتیجه ملاقات ژنرال قنسولها با سردار اسعد به ما معلوم شد دوباره به آنها دستورالعمل دادیم که به سردار اسعد تفصیل مطالب سابقه را که به آنها دستورالعمل داده شده بود تکرار نمایند و بعلاوه اهمیت موقع را در مد نظر او آورده و اظهار دارند که اگر سردار اسعد به نصایح ما اعتنا ننماید خود را دچار مسئولیت مهمی خواهد کرد.

به ژنرال قنسولها گفته شد تا به سردار اسعد اطلاع بدهند که آنها تا ظهر ۲۹ منتظر تقاضای او خواهند شد.

سردار اسعد نظر بمذاکره با سایر ولایات وقت خواسته و ما گمان می‌کردیم که نگاهداری ژنرال قنسولها در قم برای این کار مناسب نخواهد بود چون ما تا یک اندازه مطلع بودیم که این تقاضاها را به دولت ایران فرستاده‌اند و از منبع دیگر هم ممکن بود که به ما خبر برسد. لذا به ژنرال قنسولها دستورالعمل فرستاده شد که به سردار اسعد اطلاع دهند که دیگر ایشان مطلبی ندارند و در ۲۹ ماه از قم بطرف اصفهان حرکت کردند. در این ضمن خبر رسید تقریباً ۹۰۰ نفر فدایی تا ۴۵ میلی طهران آمده‌اند.

عدم موفقیت ژنرال قنسولها و این اقدام رولوسیونرها از قزوین خیلی موقع شاه را وخیم نشان می‌داد و اضطراب فوق‌العاده به درباریان روی آورده بود. در پایتخت باستثناء ۸۰۰ الی ۹۰۰ نفر قزاق ایرانی قشون دیگر نیست که محل اعتماد باشند.

برای اینکه کار شاه زیادت زار و از این بدتر بشود نفاق بختیارها از میان رفت و مابین ایل‌یگی و صمصام‌السلطنه ایلخانی صلح برقرار شد.

امیر مخم که همراه شاه است هیچ احتمال داده نمی‌شود که بتواند عده زیادی را با خود همراه نماید. اشکال زیاد آن است که تمام وزراء باستثناء سعدالدوله همگی در یک حال غریبی هستند. سعدالدوله در ۲۵ ماه استعفاء داد بعد از او تمام وزراء از کار کنار گرفتند هر چند که شاه حکم کرد تا موقتاً وزراء متصدی امور بشوند. فقط از میان آنها سعدالدوله به ملاحظه جرئت مشغول کار خود بود و سایرین بهیچوجه در اموری که رایحه مسئولیت داشته [باشد] مداخله نمی‌کردند.

در این موقع باریک شاه مرا با همکار روسم به سلطنت آباد احضار نمود و چون در تلگراف ۳ این ماه تفصیل این ملاقات را کاملاً اطلاع داده‌ام دیگر زیادت زار از این لازم نیست که بگویم شاه از ما تقاضای نصیحت کرد و ما اظهار کردیم که تعویق شاه در اجرای نصایح ما که مکرر در زمستان گذشته پیشنهاد شده بود باعث این گرفتاریهای حاضر شده است. ما سعی نمودیم از سردار اسعد ممانعت نماییم ولی بدبختانه موفقیت حاصل نکردیم. حالا دیگر نمی‌دانیم که چه نصیحتی به آن اعلیحضرت کرده باشیم. ما حاضریم که در موقع لزوم اگر اتفاق بیفتد نفوذ خود را برای اصلاح بکار بریم. این ملاقات آثار غمناکی را در من و در مسیو ساپلین آشکار ساخت.

روز بعد تلگراف دوم ژویه شما در خصوص پیشنهاد به سفیر کبیر روس که از طرف

سفارتین به سپهدار و سردار اسعد گفته شود که «فقط راهی که می‌تواند از دخالت خارجی جلوگیری نماید همانا عبارت از استقرار نظم است تا به مشروطه جدید وقت داده شود که ببینیم چگونه کارها را اداره می‌نماید» رسید.

نظر به مخاطرات جنگ که بی‌اندازه مترقب بود هر چند که برای مسیو سابلین دستورالعمل فرستاده بود باز قبول کرد که دو نفر نماینده از طرف سفارتین برای اطلاع مطالب فوق نزد سپهدار و سردار اسعد فرستاده شود. بهمین مقصود صبح روز ۴ این ماه ماژور استوکس و مسیو بارنوسکی بطرف سپهدار و مستر چرچیل و رومانوسکی بطرف سردار اسعد عزیمت نمودند. ماژور استوکس و مسیو رومانوسکی در موقع جنگ مابین فداییها و قزاقها که از کرج به این طرف آمده بودند به شاه‌آباد رسیدند. قزاقها چندتیری سهواً بطرف آنها شلیک کرده بودند ولی خوشبختانه به آنها آسیبی نرسید و پس از اختتام دعوا بطرف سپهدار عازم شدند.

ماژور استوکس و مستر چرچیل راپورتی را که از ملاقات سپهدار و سردار اسعد نوشته‌اند لفاً تقدیم می‌نمایم.

چنانچه در تلگراف ۵ این ماه راپورت داده شد مذاکرات با سردار اسعد و سپهدار اثری نبخشید ولی سپهدار به ماژور استوکس و بارنوسکی صورتی از تقاضاهای خود داد (ملاحظه فرمایید یادداشت ماژور استوکس را).

این تقاضاها به نظر من و همکار روسم خیلی فوق‌العاده بود و به همین جهت به شاه اصرار نکردیم که این تقاضا در تحت پروگرام ما می‌آمد و اجرای آنها هم در این موقع بسیار لازم بود یکی راجع به بیرون کردن خائنین مثل امیر بهادر جنگ و شیخ فضل‌الله و مفاخرالملک و اشخاص دیگر و دوم راجع به عزل مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف.

در جواب ما به سپهدار اظهار نمودیم که در این دو فقره می‌توانیم به شاه اصرار نماییم ولی در صورتی که او هم به ما قول بدهد که اگر شاه قبول نمود راضی گردد. او باز همان مطلب سابق را مکرر کرد که این مشروطه بازیچه است و اظهار کرد که نظر به عهدنامه روس و انگلیس در موقعی که ملت ایران سعی دارد که حقوق خود را تحصیل کند امیدواریم که دول خارجه در این امر دخالت ننمایند.

در ۱۰ این ماه [۱۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۱ ج ۲ - ۱۳۲۷] پس از آنکه سعدالدوله اطلاع داد که از طرف دولت به دو سردار پیغام فرستاده شد و آنها را دعوت نمودند که برای مذاکرات نماینده بفرستند، ما موقع را غنیمت شمرده و به شاه اصرار نمودیم که این اشخاص منفور ملت را از دور خود متفرق نماید. اعلیحضرت شاه به ما قول مخفی داد در صورتی که از طرف سپهدار و سردار اسعد بتوسط قول کتبی داده شود که پس از آنکه شاه اینها را اخراج کرد دیگر آنها جنگ نخواهند کرد و از قشون خود خلع سلاح خواهند نمود اشخاص مذکور را اخراج می‌نماید.

بعد از شنیدن این مطلب ما فوراً به سردارها (که قشون آنها در این موقع در شهریار بهم ملحق شده بودند) پیغام فرستاده و به آنها اصرار نمودیم که برای مذاکره نماینده اعزام دارند و به آنها اطمینان دادیم که هر یک از تقاضاهای آنها که موافق مشروطیت باشد

از طرف شاه قبول خواهد شد.

در موقعی که این پیغام دیروز صبح به سردارها رسید جنگی که از قرار معلوم روز پیش شروع شده بود هنوز باقی بود. این جنگ مابین فداییها که عده‌شان دو هزار نفر بود با ۵۰۰ نفر قزاق و با عده‌ای از بختیاریهای امیر مخم و عده‌ای از قشون دیگر واقع شد و تا غروب طول کشید. قزاقها به فداییها حمله بردند، بعد عقب نشستند.

امروز صبح جواب پیغام ما رسید. مفادش این بود که سردارها در صورتی که به آنها حمله برده می‌شود از فرستادن نماینده معذورند و تمام راه بتوسط قشون دولتی مسدود است و تقاضا نموده بودند که دولت ایران باید نماینده بفرستد. و اظهار نموده بودند که فقط تا غروب آنها مشغول دفاع خواهند شد.

من این قضیه را با وزیر امور خارجه مذاکره نمودم ولی گمان می‌کنم عجلتاً سفارتین ابداً نمی‌توانند کاری که مثمر ثمر باشد صورت بدهند. عقیده همکار روس هم این است و مصمم شده‌ایم عجلتاً کارها را به مجرای طبیعی خود واگذار نماییم. بارکلی

ضمیمه ۱ در نمره ۱۷۵

تقریباً یک ساعت و نیم با سردار اسعد صحبت نمودیم. ما به ایشان اطلاع دادیم که به عقیده سفارتین این نمایش آنها خیلی بی‌موقع و به اساس مشروطیت مضر است.

مجموع دلایل سردار اسعد این بود که مشروطیت وجود ندارد و سفارتین خیلی گول خورده‌اند. طریق اثبات مدعیات او وجود امیر بهادر وزیر جنگ واقعی و استعفای مستوفی‌الممالک و حضور سعدالدوله و مخبرالدوله در کابینه بود.

ما به ایشان یادآوری نمودیم که اگر به نصایح سفارتین اعتنا نکنند سفارتین یقین خواهند کرد که مقصود آنها اشکال‌تراشی در اوضاع است و شخصاً او را مسئول نتایج خواهند دانست.

سردار اسعد جداً پروتست کرده و اظهار داشت که او هیچ مقصودی جز استقرار مشروطیت واقعی (پرای این لفظ توضیح نداد) ندارد و گفت چنانچه در اصفهان جنگ نکردم با کسی نیز دعوا ندارم و دلیل این مطلب به کاشان رفتن او است با وجود اینکه عده زیادی در آن نقطه با او همراه بودند و مابقی هم بیک اشاره همراه می‌شدند.

به او اصرار شد که ضدیت با سفارتین را ترك و آهسته به منزل خود مراجعت نماید. او جواب داد بدون اینکه کاری را انجام دهد از مراجعت به منزل خود معذور است. سردار اسعد اظهار نمود پس از آنکه بعضی از تقاضاهای او قبول شود برای مراجعت حاضر است. از آن تقاضاها فقط دو فقره را عجلتاً می‌توانست ذکر کند:

- ۱) اخراج امیر بهادر جنگ و پنج شش نفر دیگر از مستبدین معروف طهران.
- ۲) به وکلای جدید مجلس امنیت داده شود. (چونکه یقین داشت و کلاء دیگر جرئت اجتماع ندارند).

بقیه تقاضاها را عجلتاً نمی‌تواند اظهار نماید تا اینکه با کمیته‌ای که برای امروز به قم احضار کرده مشورت نماید.

تا این موقع غیر از يك نفر هنوز سایر اعضای کمیته در قم حاضر نشده‌اند. سردار اسعد قول داد که ۲۸ ماه ژون سایر تقاضاهای خود را کتباً پیشنهاد خواهد کرد. ما از ایشان سؤال کردیم که اگر تقاضاهای ایشان قبول نشود چه می‌کنند. در جواب چند بیت از اشعار فردوسی خواند که مفاد آن مطابق است با مثل انگلیسی که می‌گوید «فتح یا وست‌منسترابی»^۱.

ما خاطر نشان نمودیم در عوض اینکه این نمایشات ایشان اسباب دوام مشروطیت گردد مورث تعویق آن خواهد شد.

سردار اسعد جواب داد نتیجه این اقدام از دو صورت خارج نیست یا مشروطه واقعی برقرار خواهد گردید یا اسباب دخالت مستقیم خارجه فراهم خواهد آمد. بهتر این است یکی از این دو نتیجه حاصل شود. دلیل دیگر برای صلح این است که حکم کرده است تا دیگر استعداد از اصفهان نفرستند.

سردار اسعد یکوقتی در ضمن صحبت خود اظهار کرد که او حاضر است مدتی در قم یا در جای دیگر توقف نماید تا مجلس منعقد شود. با وجود اینکه اطمینان داشت که به این ترتیب حالیه هیچوقت مجلس منعقد نخواهد شد. مکرر اظهار کرد که هیچوقت نمی‌خواهد با سفارتین ضدیت نماید و خیلی ممنون خواهد شد اگر سفارتین بتوانند تقاضاهای او را تحصیل نمایند. این تقاضاهای شخصی او نیست بلکه راجع به تبریز و مشهد و رشت و سایر نقاط ایران است که او از طرف آنها نماینده است. سردار اسعد اظهار نمود که مقصود شخصی ندارد و باز تکرار نمود دلیل دیگر برای فقدان مشروطیت وجود استبداد در طهران است. امروز برای او خبر رسید که شاه املاک او را در بختیاری به امیر مخم بخشیده است. امضاء گراهم یوگویا و اولنسکی مذاکرات متحدالمال که از طرف سفارتین روس و انگلیس در ۴ ماه ژوئیه سال ۱۹۰۹ با سپهدار شده است:

من و مسیو بارنوسکی روز ۴ ماه ژوئیه سه ساعت بعد از ظهر وارد کرج شدیم. چون صبح آن روز بتوسط تلفون برای ملاقات از سپهدار درخواست وقت نموده بودیم، بمحض ورود به کرج سپهدار ما را نزد خود پذیرفت. مسیو بارنوسکی به سپهدار اطلاع داد که نمایندگان دولتین مقیم طهران با يك پیغامی که نتیجه مذاکرات لندن و پترزبورغ است ما را نزد شما فرستاده‌اند. من هم اظهار داشتم که مستر چرچیل و رومانوسکی با يك چنین پیغامی نزد سردار اسعد رفته‌اند.

سپهدار اظهار نمود الان از سردار اسعد که در رباط کریم است برای من کاغذ رسید. بعد مسیو بارنوسکی ترجمه دستورالعملی [را] که به ما داده بودند به فارسی برای سپهدار قرائت نمود. سپهدار بدقت گوش داد. بعد از اینکه مسیو بارنوسکی دستورالعمل فوق را

۱) Victory or West Minester Abbey : این کلمات را امیران مشهور انگلیسی، نلسن، در جنگ ترافلکار سروده است یعنی یافتن یا مردن به افتخار و دفن در وست منسترابی. زیرا وست منسترابی جایی است در لندن که مردان مشهور انگلیسی به‌منحارج دولت در آنجا دفن شده‌اند.

تمام خواند، سپهدار ورقه را از او گرفته و شخصاً قرائت نمود و پیش خود نگاه داشت. پس از آنکه سپهدار دستورالعمل را ملاحظه نمود از شاه شروع به شکایت کرد و اظهار داشت ابدأ نمی‌شود به شاه اطمینان نمود. هر قولی که داده آنقدر در اجرای آن طول می‌دهد که مثل نکردن محسوب می‌شود و در دور خود خائنین و مالاها را جمع نموده و نصایح این چند نفر را به اراده سایر ایرانیان برتری می‌دهد. وزیرای شاه ابدأ جواب تلگرافات ما را نمی‌دهند و بیش از ده تلگراف مخابره شده و به هیچ‌یک از آنها جواب نرسیده است. بعضی از وزراء خائن‌اند (ولی اسم نبرد) وزراء کمیته ملتیان را در طهران برسمیت نشناختند (این مطلب راجع است به کمیته ملتیان که در طهران تشکیل یافته بود؛ در ابتدا سعدالدوله آنها را برسمیت می‌پذیرفت ولی بعد اعتنا نکرد). سپهدار بعد اظهار نمود که می‌خواهد با سایر رؤسای ملتیان در این خصوص مذاکرات لازمه نماید و برای همین مقصود از نزد ما خارج شد.

یک ساعت و نیم بعد مراجعت نمود، اظهار کرد ملتیان خیلی متشکر از مساعی دولتین معظمین که در واقع دو دولت عمده روی زمین‌اند و برای اصلاح مبذول می‌دارند هستند. بعد از ما سؤال نمود که آیا شاه از فرستادن شماها نزد من خبر دارد یا خیر. من جواب دادم یقین ندارم ولی گمان می‌کنم که اطلاع ندارد. مسیو بارنوسکی گفت گمان می‌کنم که از آمدن ما شاه خبر نداشته باشد. سپهدار پرسید که مقصود از لفظ برقراری نظم چیست و اظهار نمود که حرکات قشون او همیشه از روی نظم بوده و خواهد بود. قشون ملتی برای مقصودی آمده‌اند که هنوز بعمل نیامده. او و سردار اسعد از حرکات قشون خود ضمانت نموده و می‌نمایند. اگر سفارتین ترتیبی بدهند که او با سردار اسعد هر کدام با ۱۵۰ نفر آدم در شهر یا در یکی از باغات دور شهر آمده آنوقت با مشورت سایر ولایات ترتیب اساسی برای استقرار مشروطیت خواهند داد.

من از سپهدار پرسیدم مقصود شما از استقرار مشروطیت چیست؟ در جواب اظهار کرد بعضی چیزها است که ملتیان مایلند تا آنها را معمول دارند. من گفتم اگر شما آن مطالب را به ما بگویید ممکن است که سفارتین آن مطالب را به نظر شاه رسانیده و در قبولی آنها اصرار نمایند و در آن صورت سفارتین ضمانت اجرای آنها را خواهند کرد.

سپهدار چند فقره از آنها را اظهار کرد و ما خواهش نمودیم که این مطالب را روی کاغذ بیاورد. سپهدار دوباره از شاه بنای شکایت آغاز نمود و اظهار کرد از آنوقتی که مشروطیت بر پا شده شاه متصلاً سعی بوده که مشروطه را بر هم زند. و حوادث سال گذشته را بما خاطر نشان نمود. من گفتم از گذشته نباید شکوه کرد، خوب است آنها را همینطور گذشته محسوب دارید. در همین ایام شاه نصایح دوستانه دولتین را قبول نموده و اغلب مواد پروگرام ما را بموقع اجرا گذارده بقیه را هم اجراء خواهد کرد. قانون انتخابات حاضر تمام مقدمات انتخابات مجلس مهیا است. مسیو بارنوسکی اظهار کرد که مجلس خیلی اهمیت دارد وقتی که برسمیت منعقد گردید آنزمان می‌توانید تمام وزراء را تغییر بدهید. سپهدار دو مرتبه مطلبی را که سابقاً گفته بود تکرار نمود: «مقصود ملتیان

هنوز بعمل نیامده است.» بعد سپهدار برای نوشتن تقاضاها از نزد ما خارج شد و به فاصله یک ساعت با یک ورقه‌ای که در آن ۸ ماده از تقاضاهای خود نوشته بود وارد شد. برای اینکه ابدأ جای سوء تفاهم باقی نماند ما خواهش کردیم که آن تقاضاها را برای ما بخواند و اونقاضاها را قرائت نمود. من سؤال کردم اشخاصی که اخراج آنها را تقاضا کرده‌اید کیان‌اند؟ سپهدار از روی ورقه دیگری که در دست داشت اسامی ذیل را قرائت کرد: امیر بهادر، شیخ فضل‌الله، مفاخرالملک، مقتدر نظام، صنیع حضرت، ملا محمد آملی.

ما اظهار کردیم که این تقاضاها را به سفارت خواهیم برد و بعد جواب می‌دهیم که آیا ممکن است نمایندگان آنها را به نظر شاه رسانیده و درخواست قبول نمایند یا خیر. سپهدار تقاضای جواب فوری نمود ولی ما گفتیم به احتمال اینکه شاید در آنها مذاکره بعمل آید خوب است تا سه روز منتظر باشید. سپهدار گفت توقف قشون هر روز مبلغ کلی خسارت به ملتیان وارد می‌آورد ولی تا ظهر سه‌شنبه منتظر خواهیم شد و ما وقت را قبول کردیم. سپهدار سؤال نمود که آیا می‌توانید قول بدهید که در این چند روزه اقدامات نظامی بر ضد ما نخواهد شد؟ ما جواب دادیم که نمی‌توانیم چنین قولی را بدهیم ولی اگر به شما حمله کردند البته می‌توانید که جنگ کنید و ما خارج شدیم.

از آنوقتی که وارد قشون ملتیان شدیم در نهایت احترام با ما رفتار کردند. هر سربازی که به ما می‌رسید احترامات لازمه نظامی را بجا می‌آورد. من ابدأ آثار یأس از شکست صبح در میان آنها مشاهده نکردم و از چند نفر آنها سؤال کردم جواب دادند شکست نبوده بلکه بدون هیچ خسارت دعوی پیشقراول بوده است. وقتی که در مراجعت به طهران به شاه‌آباد رسیدیم در آنجا به «کاپیتن پریبینیزوف» فرمانده قزاقهای ایرانی اطلاع دادیم که سپهدار تا ظهر سه‌شنبه اقدام نظامی نخواهد کرد.

امضاء ماژور استوکس، آتاشه‌میلیتر، طهران

ضمیمه ۳ در نمره ۱۷۵

ترجمه تقاضاهای ملتیان

(۱) سپهدار و سردار اسعد هر کدام با ۱۵۰ نفر مجاهد مسلح، در صورت ضمانت کافی، برای مذاکره در مسائل ذیل به طهران خواهند آمد و پس از آنکه از اجرای این تقاضاها اطمینان تحصیل کردند مجاهدین را به منازل خود عودت خواهند داد.

(۲) قشون دول همجوار خاک ایران را تخلیه نمایند.

(۳) تا موقع انعقاد مجلس انجمنهای ایالتی و ولایتی وزراء را معین نمایند و بعد موافق قانون رفتار شود.

(۴) خائنین و اشخاصی که مردم از آنها سلب اطمینان کرده‌اند نفی بلد شوند.

(۵) تاکنون اشخاصی که جزو قشون نبودند و بتازگی به آنها اسلحه داده‌اند کلیتاً خلع اسلحه شوند.

(۶) وزیر جنگ مسؤل تمام قشون و قورخانه مملکت خواهد بود.

(۷) اداره تلگرافخانه از مخبرالدوله گرفته شود.

(۱) بهمین گونه است در اصل و ضمیمه نمره ۲ وجود ندارد. - ۴.

۸) تعیین حکام مشروطه باید به تصویب انجمن ایالتی آن محل باشد.

ضمیمه ۴ در نمره ۱۷۵

یادداشت در خصوص مذاکرات مستر چرچیل و مسیو رومانوسکی با سردار اسعد در ۳ ماه ژوئیه سال ۱۹۰۹ [۱۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۴ ج ۲ - ۱۳۲۷] مسیو رومانوسکی و من یک ساعت و نیم بعد از ظهر در همراهی دو نفر قزاق روسی و دو سوار هندی و دو غلام سفارتین از قلعه حرکت نمودیم. ساعت ۷ به حسن آباد که در ۳۶ میلی طهران در راه قم و طهران واقع است رسیدیم. در آنجا به امیر مفخم و یک نفر صاحب منصب قزاق ایرانی که با ۲۰۰ نفر قشون بودند ملاقات نمودیم. وقتی که ما بدیدن امیر مفخم رفتیم اظهار کرد سردار اسعد در نقطه‌ای است مابین حسن آباد و رباط کریم و می‌خواهم به دیدنش رفته ملاقات دوستانه نمایم. قرار بر این بود که هر کدام از این خوانین با ۵ نفر سوار از اردوگاه خود به آن نقطه ملاقات بروند. امیر مفخم قبول کرد که در معیت او به ملاقات سردار اسعد برویم و مال سواری برای ما و همراهان ما دادند. وقتی که سردار اسعد وارد شد ما بتهایی او را ملاقات نمودیم. من آن کاغذی را که مأمور رسانیدن آن بودم برای سردار اسعد خواندم. سردار اسعد تا آخر گوش داد و آنوقت به من اطلاع داده‌اند که این مشروطه که شاه داده است مشروطه صحیح نیست و ابداً خیال ندارد که این قول خود را به موقع اجراء بگذارد. چه ضمانتی داده می‌شود که شاه قولهایی که حالا می‌دهد به موقع اجراء خواهد گذاشت.

من گفتم به ما اجازه داده شده است که اگر مسئله ضمانت پیش آید به شما بگوییم که سفارتین حاضرند تا ضمانت لازمه را تحصیل نمایند. سردار اسعد جواب داد مخصوصاً چیزی را که مایل نیستیم عبارت از ضمانت خارجه است. او بهیچوجه به ضمانت خارجه مایل نیست. من فوراً به ایشان اطمینان دادم که چنین «گارانتی» را ابداً ما در نظر نداریم و حاضریم تا از شاه ضمانت لازمه را تحصیل نماییم. سردار اسعد اظهار نمود در این صورت مطلب خیلی توفیر دارد و او مایل است که به این ترتیب قبول نماید. سردار اسعد چون ظاهراً مایل نبود که در این مطلب مذاکره شود لذا مسئله را تغییر داده و باز تکرار نمود که بموجب راپورتهای واصله از ولایات مردم بکلی از شاه سلب اطمینان نموده و به قول او اعتماد ندارند و به همین ملاحظه گمان می‌شود که برای مجلس و کیل انتخاب نخواهند کرد. من گفتم اقدامات نظامی که از طرف شما و سپهدار شده در نظر ما علت این هیجان است و از قرار معلوم اقدامات طهران را به شما بد القاء کرده‌اند. ما می‌توانیم به شما اطمینان بدهیم که سعدالدوله و کمیته‌ای که برای ترتیب قانون انتخابات تشکیل شده بود بخوبی از عهده کار برآمده و پیش از آنکه شما و سپهدار بطرف طهران حرکت نمایید جای امیدواری بود که مشروطه صحیحی برقرار شود.

سردار اسعد جواب داد تا وقتی که مفسدین اطراف شاه را گرفته‌اند هیچ ممکن نیست به شاه اطمینان نمود آیا امیر بهادر جنگ باز هم رئیس کل قشون نیست؟ من گفتم یکی از مواد پروگرام انگلیس و روس این است که امیر بهادر از کار خارج شود. این مسئله و سایر مطالب دیگر را شاه قبول و اجراء کرده است. مخصوصاً من شخصاً از سعدالدوله

که واقعاً برای منافع ایران خدمت می‌کند پرسیدیم که آیا برای اجرای کارها حضور امیر بهادر مانع است یا خیر؟ او جواب داد که او دیگر در نزد شاه نفوذی ندارد و قدرتی هم در دست او نیست و هر هوقعی که بخواهد از طرف او اقدامی بشود فوراً به سفارتین خبر خواهد داد. پس در اینصورت دلیلی ندارد که خروج او را اصرار نماییم. مشارالیه فقط فرمانده سیلاخوریها است و بکلی در نزد شاه بی‌نفوذ است. بعد سردار اسعد اظهار داشت که من به خیال جنگ نیامده‌ام بلکه مقصودم این است که مشروطیت را درست برقرار نمایم و اگر جنگی واقع بشود ابدأ برای من تقصیری نخواهد بود؛ بهیچوجه به پیغامهای من از شاه جواب نمی‌رسد. يك دسته دور شاه را گرفته‌اند و نمی‌گذارند که اخبار صحیح به او برسد. نزدیک طهران آمده‌ام برای اینکه بتوانم مستقیماً با شاه مذاکره نمایم و عده زیادی همراه دارم و ایلات فارس هم تماماً با من هستند.

ما اظهار نمودیم که از ترجمه فارسی پیغام خود سوادى نزد شما می‌گذاریم و به طهران مراجعت می‌کنیم. وقتی که در ساعت يك خواستیم خارج شویم سردار اسعد با يك طرز مغزدار معنی‌بخش گفت: «Au revoir á Téhéran» (خدا حافظ؛ ملاقات در طهران)

امضاء چرچیل

ضمیمه ۵ در نمره ۱۷۵

دستورالعملی که به ماژور استوکس و مستر چرچیل داده شده بود شما سعی کامل خواهید نمود تا سردار اسعد و سپهدار را ملاقات کرده و به آنها بگویید فقط چیزی که می‌تواند از دخالت خارجه جلوگیری نماید همانا استقرار نظم و دادن فرصت است به مشروطه‌ای که تازه بر قرار شده. شما به آنها اظهار نمایید که پیشنهاد دولتین متحابتین در ۲۲ آوریل به شاه و از اقدامات شاه در خصوص اجرای آن پیشنهاد برای آنها سوء تفاهم پیدا شده است. شما به آنها بگویید که این پیشنهاد به شاه برای استقرار مشروطیت در شکل نصیحت دوستانه‌ای که برای نیل به این مقصود اینک بعضی اقدامات شده که اغلب آن اقدامات را شاه بعمل آورده است. بدون دخالت دولت کمیته ملتیان قانون انتخابات را بطور آزادی ترتیب داده و به امضاء شاه هم رسیده است. از طرف وزرائی که متهم به استبداد هستند هیچ ضدیتی در مقابل این اقدامات پیشنهادی ظاهر نشده است. اگر سردار اسعد و سپهدار درخواست ضمانت نمایند باید ضمانتی را که می‌خواهند، بگویند تا ما سعی کامل نموده و آنها را تحصیل نماییم.

امضا بارکلی، مورخه ۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۷]

نمره - ۱۷۶

مراسله سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

افتخار دارم که مجملی از حوادث چهار هفته گذشته ایران، بطور معمول، لفاً برای شما بفرستم.

ضمیمه در نمره ۱۷۶

تبریز

در نوزدهم ژون [۲۹ خرداد؛ ۳۰ ج ۱] قسمتی از قشون روس مرکب از يك باطری توپ هوتزر و دو دسته پیاده بطرف روسیه مراجعت کردند. در ۲۰ ماه ژون بقیه قشون اردوی خود را از نزدیکی رودخانه آجی به باغ شاه حرکت دادند.

در ۲۸ ماه ژون [۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] به ژنرال قنصول روس حکم رسید که دیگر عجالاً قشون را خارج نمایند. شهر سکونت دارد و اتفاق تازه‌ای روی نداده. ستارخان و باقرخان هنوز در ژنرال قنصولگری عثمانی هستند و به همین زودیها با ژنرال قنصول عثمانی خارج خواهند شد و دولت روسیه ضمانت خواهد کرد که به آنها اذیتی نرساند و آنها در خارجه توقف خواهند کرد تا اینکه نظم در ایران برقرار شود. چون شاهسونها که با رحیمخان قراچه‌داغی مشغول دعوا هستند به باسمنج آمده‌اند لذا در ۷ ماه ژویه [۱۶ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] ۱۵۰ نفر قزاق روسی به باسمنج فرستاده شدند. این قشون پس از چند روز به تبریز مراجعت کردند ولی ۶۰ نفر برای کسب اخبار در آنجا گذاشتند.

اجلال‌الملک، کفیل حکومت، مکرر خیال استعفا نموده ولی تا حاکم جدید وارد نشود استعفای او را قبول نخواهند کرد.

فرمانفرمای جدید علاءالدوله در اوایل ژویه از اروپا وارد طهران شد لیکن تاکنون خبری از حرکت او بسمت تبریز نرسیده است.

رشت

در ۲۸ ماه ژون [۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] برای قشون ملتیان در قزوین از رشت استعداد حرکت کرد. در ۸ ماه ژویه [۱۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] قشون روس وارد انزلی شد و در ۱۰ ماه بطرف قزوین حرکت نمودند. قشونی که وارد خواهند شد مرکب از ۵۰۰ نفر قزاق و ۴ عراده توپ و هزار نفر پیاده است. در مدت حرکت قشون ملتیان رو به طهران راه تردد رشت و طهران بهیچوجه بسته نشده و پست هم مرتباً بدون تعویق وارد و خارج می‌شود.

مشهد

در اواخر ماه مه در موقعی که اغتشاش شروع شد ژنرال قنصول روس بتوسط یکی از علماء معروف پیغام سختی به انجمن فرستاد و علاوه از آن پیغام کاغذی هم که به آن اندازه سخت نبود به انجمن نوشت. برای همین پروتست بازارها بسته شد و مردم به کارگزاری حمله کردند.

در ۷ ماه ژون [۱۷ خرداد ۱۲۸۸؛ ۱۸ ج ۱ - ۱۳۲۷] چندین قتل روی داد که منجمله

راجع به بیگربیگی بود. بیگربیگی یکی از قاتلین را کشت و بعداً برای آن قاتل احترامات فوق‌العاده بعمل آوردند و تمام اعضاء انجمن حضور داشتند. یکی از دوستان ایرانی ماژور سایکس به او گفت احتمال قوی داده می‌شود که سوء قصدی از طرف تبعه «پرنس دابیژا» نسبت به او اتفاق بیفتد که بشدت از او تنفر دارند. تمام اشخاص مهم به ارك پناهنده شده و یا به دهات اطراف فرار کرده‌اند. ۲۰ نفر را صورت نویسی کرده و برای اعدام آنها سعی کامل نمودند و در واقع زمان ترور شیوع یافته بود.

در دو موقع ۶ و ۸ ژون [۱۶ و ۱۸ خرداد؛ ۱۷ و ۱۹ ج ۱] چون تیر زیادی در شهر در می‌رفت، لذا در قنسولگری انگلیس سنگربندی شد. پرنس دابیژا و اجزاء او جرئت اینکه از ارك خارج بشوند نداشتند و مکرر به او اخطار شد که مواظب خود باشد. چون ورود رکن‌الدوله احتمال تأخیر داشت و در صورت ورود او هم بیشتر آناارشیستها هیجان خواهند کرد لذا قنسولها تفصیل اوضاع را تلگرافاً [= تلگرافی] به سفارتین اطلاع دادند. پرنس دابیژا تقاضای فرستادن استعداد نمود، چون اوضاع خیلی مغشوش بود و هیچ امید بهبودی نمی‌رفت مگر اینکه بزنان در سر طعمه دعوا نمایند. ماژور سایکس موافقت نمود که يك همچو اقدامی لازم است.

اغتشاش همینطور مداومت یافت و در ۱۶ ژون [۲۶ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۱ - ۱۳۲۷] وقتی که رکن‌الدوله وارد شد خود را بکلی بی‌اقتدار و دست‌بسته مشاهده نمود. شهر و تلگرافخانه هنوز در دست متمرذین بود. ماژور سایکس از رکن‌الدوله ملاقات کرده و او را خیلی وحشتزده دید. ماژور مشارالیه راپورت داد که در ماه ژون دو دسته از رولوسیوترها که عده هر يك مابین ۵۰ الی ۶۰ نفر بود از تبریز وارد مشهد شدند. انجمن مشغول جمع‌آوری مجاهد بود. در ۱۸ ماه ژون پرنس دابیژا مراسله به فرمانفرما نوشته و تقاضاهای ذیل را نمود:

(۱) تخلیه نمودن مجاهدین تلگرافخانه را و تسلیم کردن اسلحه خود.

(۲) دستگیر کردن قاتلین رئیس خدام و بیگربیگی.

در آخر مراسله از همراهی قنسولخانه‌ها در این خصوص با حکومت قول داده شد. در ۹ ماه ژون این مراسله به انجمن ارسال گردید. انجمن مراسله مزبوره را پاره کرده و فحش زیادی به فرمانفرما و هم به پرنس دابیژا دادند. يك دسته از ارادل در چند هفته گذشته در ارك توقف نموده آنجا را مرکز خود برای حمله به شهر قرار دادند.

در ۲۲ ماه ژون از محله سراب مستبدین آنجا در تحت فرمان شجاع‌التولیه حمله به مجاهدین آوردند. از قراری که می‌گویند حکومت شجاع‌التولیه را تحریک به این اقدام نموده است. این اقدام اسباب شد که تمام محله ارك را غارت کردند.

در ۲۴ ماه ژون [۳ تیر، ۵ ج ۲] تیر زیادی انداخته شد. در شب آن روز پرنس دابیژا خواست قراول به بانك روس بفرستد ولی ارادل رفتن آنها را مانع شدند. يك توپ ماکسیم فرستاده شد و شروع به شلیک نمود. کسی کشته نگردید و فوراً راه عبور قراول

باز شد. غارت و آتش زدن خانه‌ها بیشتر گردیده و از طرف انجمن استدعای کمک به ماژور سایکس شد. مشارالیه انجمن را نصیحت نمود که با حکومت صلح نمایند.

در ۲۵ ژون [۴ تیر ۶ ج ۲] ملتیان طهران تلگرافی به انجمن کرده و به آنها نصیحت نمودند که اقدامی نکنند که مستمسک شکایت بشود. این تلگراف اثر خوبی بخشید؛ مذاکرات شروع شده و قرار بر این گرفت که انجمن خلع سلاح نمایند و در عوض رؤسای ارادل نیز خارج بشوند. در این ضمن ارادل حمله به تلگرافخانه بردند ولی عقب نشسته و دو نفر از آنها کشته شدند.

در ۲۶ ژون [۵ تیر؛ ۷ ج ۲] ایالت در تحت حمایت روس و انگلیس درآمد. در ۳ ماه ژویه [۱۲ تیر؛ ۱۴ ج ۲] ایالت و پرنس داییزا و دو نفر از اعضاء مهم انجمن در قنصلخانه انگلیس مجلس کردند. قرار بر این شد که خلع سلاح بشود. و مابین حکومت و انجمن صلح داده شد. حکومت دومرتبه شروع به کار نمود مشروط بر اینکه انجمن این قرارداد را تصویب نماید. از آنوقت تا به حال شهر خاموش است.

در ۱۰ ماه ژویه [۱۹ تیر؛ ۲۱ ج ۲] ماژور سایکس تلگراف نمود که انجمن و فرمانفرما متفقاً مشغول برقراری صلح و انتظام هستند. فقط ۲۰ نفر قراول انجمن مسلح است و اطمینان از طرفین حاصل گردیده است.

سیستان

حسام الدوله در روز ۲۱ ماه مه اشخاص معروف بیرجند را دعوت کرده و اعلان شاه را قرائت نمود.

به وکلاء سابق انجمن گفته شد تا موقع انتخاب جدید آنها نماینده انجمن خواهند بود. انجمن ایالتی مشهد انتخابات جدید را قبول نکرده لذا همان وکلای قدیم سر جای خود باقی هستند.

انجمن ایالتی مشهد به حسام الدوله اطلاع داد که مسؤل مالیاتهایی که بتوسط او جمع شده است خود او خواهد بود و این مطلب اسباب نگرانی او را فراهم نموده است.

اصفهان

شهر رویهمرفته آرام است اگر چه در چند موقع ایلات برخلاف نظم رفتار کرده‌اند.

سلطان آباد

در اول ماه ژویه کفیل ویس قنصلگری اعلیحضرتی راپورت داد که در ایالت عراق بی‌نظمی متصل رو به ازدیاد است و دزدی همه روزه اتفاق می‌افتد. الوار گاو و گوسفند اغلب دهات را چاپیده‌اند و چندین ده را نیز غارت کرده‌اند. رعایا جرئت ندارند تا از خانه‌های خود خارج بشوند. راهها در کمال ناامنی [است] و بهمین زودیها بکلی مسدود خواهد شد.

بمجرد اینکه بختیاریها به قم رسیدند انجمن محلی در اینجا دایر شد. مکرر از طرف

انجمن به حکومت اخطار شد که قبل از حرکت از سلطان‌آباد حساب مالیاتی را که جمع نموده است بدهد. اکثر اعضای انجمن از آخوندهای متعصب و اشخاص رذیل تشکیل شده است. رئیس علماء بختیاریه را به سلطان‌آباد دعوت نمود.

یزد

چندین سرقت در طرق و شوارع یزد راپورت داده شد. در راه کرمان دستجات ایل غرب در دو نقطه که عده‌شان ۲۰۰ نفرند مشغول غارت کاروان هستند. عده زیادی شتر دزدیده شد صاحبان شترها خواسته‌اند یک پولی مایه گذاشته و شترهای خود را پس بگیرند. بالاخره نتیجه این شد که پولها را اعراب گرفته و شترها را هم پس نداده‌اند. خسروخان نامی چندی قبل سعی نمود که از طرف تفت یزد را بچابد. از قراری که می‌گویند دوه مرتبه مصمم چپاول شد ولی اهالی تفت با او همراهی نکردند. سوارهای حاکم نائین چندی قبل بطرف طهران فرار نمودند و در عرض راه تمام دهات را چاپیده‌اند. زردشتی که زخم خورده و سابقاً راپورت داده شده بود رو به بهبودی گذاشته است. دزدی و با زور از پارسها پول گرفتن کمافی‌السابق باقی است و شکایت پارسها به مأمورین محلی ابداً نتیجه‌ای نمی‌بخشد.

کرمان

نظام‌السلطنه هنوز از طهران بطرف کرمان حرکت نکرده است. بشیر خاقان که در اوائل ماه ژون به نایب‌الحکومگی منصوب شد هرچه قدرت داشت برای اداره کردن امور صرف کرده و کوتاهی نمی‌نمود ولیکن چون مالیات وصول نمی‌شود لذا به مأمورین دولتی هواجب نمی‌رسد.

سربازهایی که در قنسولخانه‌ها و خانه‌های اتباع خارجه قراول بودند تماماً فرار کرده‌اند. خود کرمان آرام است و دلیل هم این است که تمام اهالی معتبر ترك مخاصمت گفته و متحداً در ضد اغتشاش و چپاول مقاومت نهوده‌اند. در خارج شهر همه جا دزدی شیوع دارد و اگر کسی مقاومت نماید حتماً کشته خواهد شد.

در رفسنجان پس از آنکه رفعت‌الدوله حاکم به اعراب دزد حمله برد و موفقیت حاصل نمود غفلتاً از شهر فرار نمود و شهر را به خطرات عظیم واگذار کرد. بلوچها مشغول غارت نرمشیر [= فرماشیر] اند و تا ۱۰ ماه ژون ۱۸ نفر کشته شده. قطعاً میریند را گرفته و در چند میلی کرمان دهی را غارت کرده‌اند. سه چهار نفر از دهاتیها نیز کشته شده‌اند. ایل افشار در هیان خود به چند قسمت مخالف تقسیم شده‌اند ولی قنسول اعلیحضرتی گمان می‌کند که آنها برای غارت و چپاول کرمان متفق خواهند شد. تلگرافی در ۱۸ ژویه از قنسول اعلیحضرتی رسید مشعر براینکه بلوچها خیال دارند که در همین زودیها بطرف بم و کرمان حرکت نمایند.

کرمانشاهان

در ۱۳ ماه ژون ظهیرالدوله وارد شد و مشغول حکومت گردید.

شیراز

در اوائل ماه ژون اتفاق عمده همان جنگ قوامیها با حکومت بود. نظر به این اتفاق نزاع قوامیها با عطاءالدوله قطع شده و در خصوص عزل او مذاکره هم در میان نیست. نصرالدوله در ۳۱ ماه مه وارد شد و ادعا می‌نمود که در چند فرسخی شهر عده زیادی از قشقائی به او شبیخون زده‌اند ولی با یک خسارت فوق‌العاده آنها را عقب نشانده. در ۲۵ ماه ژون قوام‌الملک به مستر بیل اطلاع داد که اگر ظل‌السلطان به حکومت منصوب گردد پس از ورود او به شیراز خود قوام یا برادرش با اطمینان خاطر بطرف اروپا عزیمت خواهند نمود.

در اوایل ماه ژویه اوضاع خیلی هولناک گردید چونکه صولت‌الدوله و سید عبدالحسین لاری را حکومت فقط برای سرکوبی قوامیها به شیراز دعوت کرده بود. به عقیده قنصولها حفظ و استقرار نظم به عزل حکومت بود ولی اشکال در پیدا کردن شخص مناسبی است برای حکومت.

بالاخره سفیر انگلیس و شارژ دافر روس تعیین ظل‌السلطان را قرار داده‌اند هرچند که خود او هنوز در اروپا است ولی حکومت ظل‌السلطان به اندازه‌ای در اوضاع بهبودی حاصل کرده و گمان می‌شود که از مخاطره عظیم جلوگیری شده است.

بنادر فارس

بوشهر

در ۴ ماه ژویه ژنرال قسول اعلیحضرتی راپورت داده که رؤسای علماء نجف برای ملتیان بنادر فارس و جنوب ایران مشغول اقدامات می‌باشند.

در ۵ ماه ژویه انجمن محلی برای مائور کاکس کاغذی نوشته و در آن کاغذ اعلان نموده بود که نظر به حوادث نقاط مختلفه ایران انجمن مصمم است که تمام ادارات دولتی را بانضمام گمرک در تحت تصرف خود بگیرد و عایدات گمرکی را هم به نام ملت در بانک شاهنشاهی خواهد گذاشت. بعلاوه انجمن قول داده بود که بعد از ارائه اسناد کلیه وجوهات اصل و فرع مطالبات استقراضی که باید از عایدات گمرکی پرداخته شود کارسازی خواهد داشت. از قرار معلوم این اقدام انجمن بر وفق دستورالعمل نجف و تبریز است و مقصود اصلی فقط ممانعت از وصول عایدات گمرکی است به دست شاه. مائور کاکس جواب داده که به عقیده شخصی من این اقدام انجمن تا یک اندازه تدروی است چونکه ابدآ احتمال اغتشاش و ضدیت از طرف مستبدین در بنادر محسوس نیست و احتمال دارد منتج نتیجه‌ای بشود که رفع آن مقصود عمده دولت انگلیس بوده باشد. این جواب بطریق غیررسمی بوده تا اینکه در اینخصوص از سفارت انگلیس دستورالعمل لازمه برسد. سفارت اعلیحضرتی جواب فوق را تصدیق نمود. بعلاوه به مائور کاکس دستورالعمل داد که در موقع به

انجمن اطلاع بدهد که پس از استقرار مشروطیت آمدن بختیاریها و قشون قزوین به طهران باعث این اغتشاشات شده است.

بندر عباس

اوضاع ناگواری که در این ایام در این نقطه شیوع داشت در ماه مه رو به بهبودی گذاشت به جهت آنکه سید عبدالحسین لاری در نقطه دیگر سرگرم بود و شهر را تهدید نمی نمود فقط در بندرعباس به عاملهای خود احکام عدیده صادر می کرد که برای او اسلحه خریده و به لار حمل نمایند.

حکومت بنادر مصمم شده بود که ۲۰۰ نفر سرباز برای محافظت شهر اعزام دارد ولی نایب الحکومه عجلتاً وجود آنها را لازم ندیده و جواب رد داد.

لنگه

نظر به اینکه سید عبدالحسین در لار از نصرالدوله دفاع می کند لذا آدمهای خود را از حوالی لنگه خارج نموده است و از آنوقت تاکنون این نقطه آرام است. چون نایب الحکومه حضور حاجی علی لاری را مخمل نظم و رفاهیت عموم دید به این جهت او را از شهر خارج نمود.

ماژور استوکس، آتاشه میلیتر

نمره - ۱۷۷

کاغذ مستر اوپرون به سر اندواردگری مورخه ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۵ امرداد ۱۲۸۸؛ ۱۰ رجب ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

آقا

در این مدت ده روزه چندین مرتبه وزیر امور خارجه در خصوص اوضاع تبریز با من صحبت کرده است.

در ۱۸ این ماه جناب وزیر به من اطلاع داد که اوضاع تبریز خیلی خراب است و در طهران به شارژ دافر روس دستورالعمل داده شده که به دولت ایران لزوم و قوریست فرستادن حاکم را با عده قشون کافی برای انتظام آذربایجان خاطر نشان نماید والا در صورت عدم اقدام دولت روس مجبور خواهد شد که برای حفظ منافع خود مستقلاً اقدامات لازمه نماید. من سؤال کردم علت این اقدامات چیست و چه حادثه ای اتفاق افتاده است. مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] جواب داد که ستارخان اعلان کرده که حکومت آذربایجان به او واگذار شده است و دولت روسیه این مطلب را بهیچوجه نخواهد پذیرفت و بعلاوه بتوسط فداییها که به لباس پلیس متلبس هستند از اهالی جبرآپول گرفته می شود و همچنین مردم را به هیجان و بر ضد حضور قشون روس تحریک می کنند.

وزیر امور خارجه به من فهماند که اگر دولت ایران عاجز شود که فوراً نظم و قانون را برقرار دارد دولت روسیه مجبور خواهد شد که اقدامات لازمه بعمل آورد. روز بعد در همین خصوص جناب وزیر دومتبه با من صحبت نمودند ولی این دفعه اوضاع آنجا آنقدر در نظرشان مهم جلوه نمی کرد. سفیر کبیر عثمانی به ایشان اطلاع داده بود که دستورالعمل به ژنرال قنسول عثمانی مقیم تبریز داده شده که به ستارخان و باقرخان اعلام دارد که بهتر آن است آنها از تبریز خارج بشوند و اگر آنها مایل به خروج نباشند دیگر به آنها اجازه توقف در قنسولگری داده نخواهد شد.

مسیو سزانوف، کفیل وزارت امور خارجه دیروز به من گفت که من از حرکت مخبرالسلطنه حاکم جدید بطرف تبریز بی خبرم و هنوز به من اطلاع داده نشده است و خبر بدی نیز در این چند روز اخیر برای من نرسیده است. مسیو ایزولسکی مکرراً به من گفت که نظر به حرکات شاهسونها احتمال خطرات بزرگی در اردبیل داده می شود.

امضا هیو اوبرون

نمره - ۱۷۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۳ اوت ۱۹۰۹ [۱۱ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۶ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

همکار روسم مطابق دستورالعمل دولت متبوعه خود در خصوص اغتشاش شاهسونها دومتبه اخطار سخت به دولت ایران خواهد نمود و در تلگراف ۲۲ ژویه راپورت آن را داده ام.

سفارت روس مراسله به دولت ایران فرستاده و در آن مراسله به دولت ایران اخطار می نماید که اگر تا مدت دو روز دیگر یک نفر حاکم لایق و کاردان بهمراهی یک عده قشون کافی به اردبیل اعزام ندارد خود دولت روس مجبور است که یک دسته قشون به آن نقطه گسیل دارد. در خصوص اعزام حکومت و قشون من با مسیو سابلین مساعدت می نمایم.

نمره - ۱۷۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۳ اوت ۱۹۰۹ [۱۱ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۶ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

من خیلی مایوسم که مسئله جواهرات سلطنتی ما بین دولت ایران و شاه ختم شود مگر اینکه به هر دو طرف ما فشار سختی بیاوریم. من و همکار روسم ترتیبی را پیشنهاد نموده و هر دو طرف را به قبول آن اصرار می نمایم و آن ترتیب این است که دولت ایران موجب محمد علی میرزا را تا پنجاه هزار تومان اضافه نماید و آنوقت او هم جواهرات را تسلیم دولت ایران کند.

نمره - ۱۸۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۳ اوت ۱۹۰۹ [۱۱ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۶ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

اداره تلگرافخانه به من اطلاع داد استعدادی که از بوشهر اعزام شده بود دیروز به شیراز وارد شد. در دوازده میلی شهر صولت الدوله با قشونی که عده آنها اقلاً دوهزار نفر است اردو زده‌اند. من به قنصل اعلیحضرتی دستورالعمل دادم که سعی نموده و از پیش آمدن صولت الدوله جلوگیری نماید. صولت الدوله قبول نموده است که تا سه روز دیگر شهر را تصرف ننماید. صولت الدوله اصرار دارد که به حکومت علاءالدوله تغییر داده بشود. من این مطلب را به نظر دولت ایران خواهم رسانید.

نمره - ۱۸۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۴ اوت ۱۹۰۹ [۱۲ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۷ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

راجع است به تلگراف سوم ماه اوت من شارژ دافر روس به من اظهار کرد که دولت ایران به او قول داده که تا امشب مراسله‌ای به سفارت خواهد فرستاد که در آن مراسله حرکت حکومت مقتدری با یک عده قشون را برای اردبیل اعلان خواهد داشت.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۸۲

تلگراف مستر اویرن به سر ادوارد گری مورخه ۴ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۲ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۷ رجب ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

کفیل وزارت امور خارجه به من اطلاع داد که برای اعزام قشون بسمت اردبیل تهیه دیده نشده است و این مسئله هم آنقدر فوریت ندارد. کاری که تاکنون شده این است که اساساً مصمم شده‌ایم اگر دولت ایران از استقرار انتظام اردبیل عجز بهم رساند دولت روسیه اردویی به آن نقطه خواهد فرستاد. این مسئله تا سه چهار روز دیگر دوباره در تحت مذاکره خواهد آمد. (تلگراف سوم ماه اوت سر بارکلی را ملاحظه فرمایید)

نمره - ۱۸۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۵ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۳ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۸ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

نتیجه مذاکرات مابین سفارتین و شاه سابق و نماینده کمیته ملتیان این شد که پروتوکل ذیل از طرف کفیل وزارت امور خارجه و بعضی از اعضای کمیته و مترجمین سفارتین

به امضاء رسید:

ماده اول: بعد از رسیدگی در حضور نمایندگان سفارتین باید تمام جواهرات سلطنتی که در نزد اعلیحضرت است تسلیم نماید.

ماده دوم: باید اعلیحضرت تمام اسناد راجعه به جواهرات سلطنتی که گرو گذاشته شده به دولت ایران تسلیم نموده و اگر دولت ایران خواست آنها را می‌تواند از گرو خارج نماید.

ماده سوم: دولت ایران سالی ۷۵ هزار تومان به آن اعلیحضرت خواهد داد و نصف آن مبلغ در اول سال بتوسط بانک روسی کارسازی خواهد شد.

ماده چهارم: دولت ایران صورتی از جواهرات مفقوده نزد سفارتین خواهد فرستاد. سفارتین تمام اطلاعات ممکنه را از شاه تحصیل نموده در صورتی که نزد اعلیحضرت یا همراهان او بوده باشد سعی کامل خواهند نمود که آنها را پس بگیرند.

ماده پنجم: اگر اعلیحضرت بعد از سیم ماه اوت هر جواهری را بفروشد قیمت آن جواهر از مواجب سالیانه آن اعلیحضرت کسر خواهد شد.

ماده ششم: اعلیحضرت باید قبل از ۱۷ ماه اوت از طهران حرکت نماید.

مفاد ماده اول دیروز بعمل آمد و از فشار بسیار شاه سابق مقدار زیادی از جواهرات را که تاکنون ادعای مالکیت شخصی می‌نمود تسلیم کرد.

نمره - ۱۸۴

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۵ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۳ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۸ رجب ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

در ضمن صحبت با وزیر امور خارجه روسیه من گفتم که توقف زیاد قشون روس را در ایران خیلی بد می‌دانم چونکه مداومت توقف آنها سبب از دیاد هیجان بر ضد روسها خواهد گردید.

مسیو ایزولسکی جواب داد من و فرمانفرمای قفقاز هر دو خیلی مایلیم که هرچه زودتر ممکن بشود قشون را از ایران خارج نمایند. ولی در خصوص قشون تبریز تا مدتی که حاکم مقتدری ضمانت امنیت آنجا را ننماید خیلی مشکل است که قشون خارج بشود. در خصوص قشون قزوین هم اظهار نمودند که اوضاع در طهران طوری غیر معلوم است که خروج آنها عجلتاً امکان پذیر نیست.

وزیر امور خارجه اظهار نمود یکی از حرکاتی که بدی اوضاع حاضر را نشان می‌دهد این است که يك نفر قفقازی روسی را که مرتکب خیانت‌های بیشمار است رئیس پلیس طهران کرده‌اند. من گفتم دولت روسیه باید تعیین نماید که چه اقدامی باید از طرف دولت ایران در شمال بشود که بتواند اسباب اطمینان دولت روسیه را فراهم آورده و قشون خود را خارج نماید. آنوقت ما هم اتفاق در اصرار به دولت ایران در اجرای آن اقدامات خواهیم کرد.

نمره - ۱۸۵

تلگراف مستر اوبرن به سر ادواردگری مورخه ۶ اوت ۱۹۰۹ [۱۴ امرداد ۱۲۸۸؛ ۱۹ رجب ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

حرکت شاه سابق از طهران

(خواهش دارم که به تلگراف دیروز طهران مراجعه فرمایید):

من امروز عصر با مسیو سزانوف صحبت داشتم. جناب ایشان اظهار نمودند که دولت امپراطوری خیلی مایل است که محمد علی فوراً از طهران حرکت نماید ولی می‌ترسد که بعد از حرکت محمد علی مجلس قرارداد خود را در خصوص مواجب او نکول نماید و همچنین اظهار نمودند که امضای مجلس برای این قرارداد لازم است. بعلاوه شاه سابق مبلغی زیاد به بانک روسی در طهران مقروض است. این مطلب هم اسباب اشکال خواهد شد. مسیو سزانوف گفتند این مسائل را باید با وزیر مالیه مذاکره نمایم.

نمره - ۱۸۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۷ اوت ۱۹۰۹ [۱۵ امرداد ۱۲۸۸؛ ۲۰ رجب ۱۳۲۷] از طهران.
در پنجم این ماه ظل‌السلطان از رشت بطرف طهران حرکت کرد.

نمره - ۱۸۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۸ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۶ امرداد ۱۲۸۸؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۷] از قلعهک.

دولت ایران عین‌الدوله را به حکومت شیراز منصوب نموده است. ممکن است قسمتی از مستحفظین قنصلگری خارج بشوند بدون آنکه از رفتن آنها احتمال خطری داده شود. من اجازه به حرکت قسمتی از قشون داده‌ام و امیدوارم بعد از ورود حاکم جدید بقیه نیز بتوانند خارج بشوند. (به تلگراف سوم ماه اوت من راجع است.)

نمره - ۱۸۸

کاغذ مائورکاکس ژنرال قنصل دولت انگلیس در بنادر فارس به سر ادواردگری مورخه ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] از بوشهر.
آقا

افتخار دارم یادداشتی که ویس قنصل اعلیحضرتی راجع به حالت حالیه راههای تجارتی که در تحت منطقه مأموریت من است ترتیب داده و مخصوصاً راه بوشهر به شیراز را

به ملاحظه شما برسانم. من می‌دانم که دولت اعلیحضرتی از مراتب ناامنی تمام راههای عمده جنوب ایران بواسطه اغتشاش و هرج و مرج که در این سه سال اخیر شیوع پیدا نموده کاملاً آگاه است.

اوضاع پایتخت به درجه‌ای رسیده است که ممکن است شروع به يك اقدام قطعی به صورت اتفاق با حکومت مرکزی به هر شکل ممکن باشد برای برقراری نظم و دادن مساعده برای اجرای اصلاحات از طرف ما بشود. امیدوارم در این موقع فرستادن این یادداشت در خصوص اوضاع تجارتنی بی‌مناسبت نباشد.

امضاء
کاکس، رزیدان انگلیس در خلیج فارس و ژنرال قنصل اعلیحضرتی
مقیم فارس

ضمیمه در نمره ۱۸۸

یادداشت راجع به اغتشاش تجارت در جنوب ایران:

اوضاع کنونی جنوب ایران زیاده از حد اسباب ضرر و خسارت منافع انگلیس است و این مطلب مخصوصاً در فارس بیشتر حکمفرما است. نتیجه جنگ دو ساله مابین قشقائی و لر و ایل عرب در نزدیکی شیراز و راههایی که به این شهر می‌آید این است که اولاً حمل مال التجاره از شیراز به نقاطی که همیشه از شیراز خریداری متاع می‌نمایند غیر ممکن شده، ثانیاً نظر به همین معنی مال التجاره زیاد در خود شیراز جمع شده است. شیراز مانند بوشهر چندین سال است که تجارت آنجا کلیتاً با پول انگلیسیها دوام دارد و در این زمان اغتشاش می‌بایست که پول داده بشود و برای تحصیل پول تجار ناچارند که مال التجاره را به قیمت نازل فروخته و از آنطرف هم تمام تجارتخانه‌های انگلیس اشکالات زیاد در تحصیل مطالبات خود دارند و اگر هم وجهی از آن مطالبات دریافت نمایند. غالباً نصف یا کمتر از نصف است. بعلاوه، اغتشاش و ناامنی اطراف شیراز و راههای اصفهان، بدی زراعت و اشکالات سیاسی بیشتر موقع تجارت جنوب ایران را دچار اشکالات نموده است.

مداومت اوضاع به این شکل در مدت دو سال بیشتر از تجار ایرانی را ورشکست کرده و ابداً امید بهبودی برده نمی‌شود. در رسیدگی بسیاری از «بانکروت» های بوشهر که من حضور داشتم معلوم شد تا چه اندازه خسارت به تجارتخانه انگلیس وارد شده و چطور سرمایه‌های انگلیس از دست رفته است.

يك تجارتخانه انگلیس که بیش از ۵۰ سال در بصره و بوشهر برقرار بود شعبه بوشهر خود را می‌خواهد ببندد (داود ساسون و کمپانی). از قراری که اطلاع حاصل نموده‌ام فقط اداره بوشهر او زیاده از ۵۰ هزار لیره مطالبات لاوصول دارد. و در يك موقعی این تجارتخانه خیال داشت که اگر اقدامی برای امنیت راه نشود بکلی از ایران قطع تجارت نماید. «ویکسون و کمپانی» در بوشهر مطالبات زیاد دارند و اوضاع آنها در اصفهان هم خیلی بد است. «لیوینگستون زیتون و کمپانی» تجارتخانه جدید است که تا به حال مبالغ زیادی متضرر شده‌اند. «گری پول و کمپانی» دیگر مال التجاره وارد نمی‌نماید و فقط عامل

حمل و نقل کشتیها است. در این سه ماه اخیر مالالتجاره خیلی کم وارد شده است. واردات منچستر - بوشهر از سال ۱۹۰۸ الی ۱۹۰۹ از ۹۳۷، ۴۳۹ لیره به ۳۱۸، ۳۷۵ لیره تخفیف یافته است.

سال ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۰ خیلی بدتر خواهد بود و فقط در سه ماه اول ۱،۵۸۵ لیره وارد شده است.

مسئله‌ای که تمام کارها بسته به وجود او است عبارت است از امنیت راههای کاروان و اهمیت این مطلب را تمام مآه‌ورین خاطرنشان کرده‌اند - حتی در موقعی که ایالت فارس نسبتاً منظم‌تر بوده است تا چه رسد به این موقع. اعلان مشروطیت و شروع به مقدمات آن خود بخود تغییری در اوضاع نخواهد داد و ابدأ در امنیت راه بوشهر و شیراز و بندر عباس و کرمان بهبودی حاصل نخواهد شد. چندین سال طول دارد تا فارس را به حالت امنیت و آسایش برگردانند (پول گرفتن بتوسط خوانین در راهها). رؤسای محلی در مسافت ۱۸۰ میلی راه بوشهر به شیراز از حکومت فارس مستقل شده‌اند و متصل با یکدیگر مشغول جنگ هستند و همه هفته راهها را مسدود نموده مشغول چپاول‌اند. با وجود قرارداد محقق سال ۱۹۰۳ که دولت ایران کرده است برخلاف ماده ۴، ایالات مسلح پول راهداری می‌گیرند و مبلغ آن همه روزه در تزیید است (صورتی از این راهداری ملفوف است). در دم دروازه بوشهر مبلغ یک قران بتوسط کلانتر گرفته می‌شود.

در ۱۹۰۷ ما پروتست کردیم. حکومت محلی در جواب اظهار نمود که به من دخلی ندارد و وزیر مالیه این پول را جزء عایدات محسوب می‌دارد و باید حکومت این پول را جمع‌آوری نماید. اگر دولت ایران این پول را منظور ندارد آنوقت جلوگیری خواهد کرد در تمام راهها کاروان را اذیت می‌نمایند.

این ایام در تمام راپورتهای تجارتی گفته شده که بواسطه زحمت و کثرت دزدی تمام تجار مهم انگلیس در ایران راه شیفت را ترك کرده‌اند ولی خان انگالی قاطرچیها را مجبور می‌کند که از راه شیفت و دالکی عبور نمایند. چندی قبل بواسطه رشوه زیادی از حاکم اجازه گرفته که کاروان باید فقط از این راه تردد نمایند. در همین ایام خان بعلاوه راهداری مبلغ ۵۰ تومان از کاروانی که مرکب از ۷۰ قاطر بود در نزدیکی بوشهر پول گرفت.

اوضاع راه معمولی

راه سلطانی که از برازجان و دالکی و کازرون می‌گذرد و سالها است که محل عبور بوده در این دو ماه اخیر بواسطه نزاع مابین خان کمارج و دالکی و خان برازجان مسدود شده است. از قرار راپورت نزاع در سر راه کاروان بوده و خیلی جنگ سخت کرده‌اند. مخاطرات اوضاع حالیه از شلیک کردن به کفیل ژنرال قسولگری روس در معیت قزاق بخوبی آشکار می‌شود. تلگرافخانه کنار تخت [= کنار تخته] مرکز جنگ بوده است.

در ۱۹۰۸ اغتشاش قدری هم بالا گرفته و در بین کمارج و کازرون شروع گردید. در ۱۹۰۷ نزاع در میان ایل قشقائی و کازرون و شیراز بود و چندین مرتبه پست بسرقت رفت. این راه معمولی طوری بسته شده که تجار ایرانی شیراز در این ایام اخیر سعی دارند

که با ایلخانی قشقائی قراری بدهند که کاروان از راه فیروزآباد عبور نماید. راه فیروزآباد از خاک دشتستان و تنگستان که مردمان بسیار وحشی دارد می‌گذرد. بواسطه نبودن سیم تلگراف در این راه و احتمال دزدی بدون امکان تحصیل غرامت با اشکالات زیاد از قبیل فقدان اسباب حمل و آذوقه و سایر چیزهای دیگر اسباب این می‌شود که تجار انگلیسی اطمینان نمی‌کنند که مالالتجاره خود را از این راه عبور دهند.

فقدان وسیله حمل و نقل

اشکال نازه، فقدان قاطر برای حمل مالالتجاره است. دزدها و مستحفظین راه به اندازه‌ای قاطرچیها را در این دو سال اخیر صده زده‌اند که عدده زیادی از آنها بکلی این راه را ترك کرده و در راه یزد و رشت مشغول کار شده‌اند و نتیجه این شده که در موقعی که نسبتاً راهها امن می‌شود تجار نمی‌توانند وسایل نقلیه تحصیل نمایند در صورتی که سال «۱۹۰۵»، ۵،۰۰۰ الی ۷،۰۰۰ قاطر همیشه در راه مشغول حمل بودند. حالا در ۱۹۰۹ از قرار راپورت تجار حمل و نقل انگلیس و رئیس قاطرچیهای ایرانی فقط ۲،۰۰۰ الی ۳،۰۰۰ قاطر مشغول می‌باشند.

تقریباً هزار و پانصد قاطر از شیراز راه بوشهر را ترك کرده و در راه رشت و کرمانشاهان (که در منطقه نفوذ انگلیس نیست) مشغول حمل و نقل می‌باشند. در ماه مارس الی ماه ژون ۱۹۰۹، هیچ کاروان بزرگ از شیراز به بوشهر نیامده است و اگر هم آمده باشد از راه فیروزآباد آمده بود.

قیمت حمل و نقل

قیمت حمل و نقل به اندازه‌ای بالا گرفته که زحمت فوق‌العاده برای تجارت تولید کرده است.

جدول ذیل ترقی قیمت حمل و نقل را از آن موقعی که شروع به اغتشاش شده نشان می‌دهد

جدول ترقی قیمت حمل و نقل برای ۷۳۷ پوند انگلیسی در مسافت

۱۸۵ میل (به قران)

www.adabestanekave.com

سال ۱۹۰۰		۹۰ ، ۸۰ ، ۶۰
“ ۱۹۰۱		۹۵ - ۸۰ ، ۸۰ - ۱۰۰ ، ۱۰۰ ، ۱۱۰
“ ۱۹۰۲		۸۰
“ ۱۹۰۴		۸۰ - ۹۰
“ ۱۹۰۵		۸۵ - ۹۵ - ۷۵ - ۹۵ - ۱۱۰
۱۹۰۶	-۷	۱۵۰ - ۲۲۰ - ۱۴۰ - ۱۵۰
“ ۱۹۰۷	-۸	۱۶۰ - ۱۲۰ - ۹۰ - ۱۴۰
“ ۱۹۰۸	-۹	۱۴۰ - ۱۶۰ - ۱۷۰ - ۲۲۰
“ ۱۹۰۹	-۱۰	۲۰۰ - ۲۵۰ - ۳۰۰

به عبارت آخری از یک لیره و ۹ شیلینگ^۱ به ۵ لیره و ۳ شیلینگ قیمت حمل و نقل ترقی کرده است.

(۱) در اصل همه جا شلیک آمده است. - ۴.

کمپانیهای بیمه

دلیل دیگری که خرابی تجارت در راه شیراز را نشان می‌دهد تزايد نرخ کمپانیهای انگلیس است. سابقاً اغلب کمپانیهای بیمه از منچستر به شیراز مالالتجاره مقوم به صد لیبره را به ۱۵ شیلینگ قبول می‌کردند. در سال ۱۹۰۷ قیمت به سی شیلینگ رسیده و در ۱۹۰۸ بواسطه دزدی زیاد قیمت از ۴۰ شیلینگ تجاوز نمود و خیلی کم کمپانی قبول می‌کرد. در اوائل ۱۹۰۹ کمپانی ابدأ از انگلستان مالالتجاره شیراز را قبول نمی‌کرد و مانند اوقات جنگ ۵ الی ۱۰ لیبره برای هر صد لیبره مطالبه می‌نمودند. نتیجه این است که خسارت دزدی نه به کمپانیها و نه به مشتریهای ایرانی وارد آمده بلکه تماماً به تجار انگلیسی وارد می‌شود.

تأدیة خسارت اموال مسروقه در راهها

تا سال ۱۹۰۶ حکومت فارس مکرر غرامت اموال مسروقه را می‌داد لیکن در این ۱۸ ماه اخیر ادعای خسارت برای مالالتجاره انگلیس که در راه بوشهر و شیراز بسرقت رفته و قیمت آن ۳،۸۱۰ تومان است از طرف دولت ایران نه رسیدگی و نه پرداخته می‌شود.

امید برقراری نظم

به اندازه‌ای بی‌نظمی در راه بوشهر و شیراز حکمفرما است که امکان ندارد هیچ حاکمی آنقدر نفوذ و قوه داشته باشد که بتواند نظم را در آن سامان برقرار نماید. ایرانیهایی که در این راه مشغول تجارت هستند فقط به مأمورین انگلیس امیدوارند و گمان نمی‌کنند که هیچ‌کس آنقدر قدرت داشته باشد که راهها را امن نموده و این مالیاتهای غیرقانونی را رفع نماید.

از دو سه نفر تجار معتبر بوشهر، من جمله سیدی است که در چند روز قبل به من گفت که به عقیده او اوضاع بدتر خواهد شد و بغیر از اینکه نتیجه وخیم پلثیکی هم خواهد داشت تجارت ایرانی را هم خراب و نتیجتاً خسارت به سرمایه انگلیس وارد خواهد نمود. بی‌نظمی راهها اسباب این شده است که عایدات گمرکی به اندازه‌ای کم شده است که بهیچ وجه برای پرداخت تنزیل استقراض انگلیس و بانک شاهنشاهی کفایت ندارد.

امضاء
چیک

جدول وجوهاتی که تفنگچیها و اشخاص متفرقه دیگر از مال التجاره راه بوشهر و کازرون می گیرند

ماه ژون ۱۹۰۷	ماه ژون ۱۹۰۹	شاهی قرآن	شاهی قرآن	شاهی قرآن	شاهی قرآن
برای يك قاطر بوشهر دم دروازه	۱	۱۸	—	—	—
بیرون دروازه	—	—	—	—	—
چغاوك [= چغاوك]	—	—	—	—	—
برای يك رأس قاطر	۱	۱	۱	۱	۱۰
برای ۲۵ رأس قاطر	۱۰	۴	۲	۲	۱۰
برای ۲۵ رأس قاطر	۵	—	۳	۳	۱۰
برای ۲۵ رأس قاطر	۲	—	۲	۲	۱۰
برای يك رأس قاطر	۱	—	۳	۳	۱۰
برای ۲۵ رأس قاطر	۱۰	—	۴	۴	۱۰
تل برازجان	—	—	—	—	—
جاتا [جطوط؟]	—	—	—	—	—
قراول خانه	—	—	—	—	—
آب گنده	—	—	—	—	—
دالکی	—	—	—	—	—
برج نماز گاه	—	—	—	—	—
پل دالکی	—	—	—	—	—
دریاقلی	—	—	—	—	—
کتل ملو	—	—	—	—	—
پوند قند حمل می کند	—	—	—	—	—

ماه ژون ۱۹۰۷

ماه ژون ۱۹۰۹

شاهی قران

شاهی قران

برای يك رأس قاطر بانکی	—	۱۰	برای يك رأس قاطر	۱	۵
کنار تخته	—	—	برای ۲۵ قاطر که ۷	۳	—
			پوند قند حمل می کند		
جعفر جن	—	—	برای يك رأس قاطر	۲	۵
تخت کی	—	—	برای يك رأس قاطر	—	۲
چرون [چروم]	—	—	برای يك رأس قاطر	۳	۸
کنل کمارج	—	—	برای يك رأس قاطر	۳	۱۵
تنگ ترکان	—	—	برای يك رأس قاطر	۳	۸
کاروانسرا	—	—	برای يك رأس قاطر	۲	۴
دریس	—	—	برای يك رأس قاطر	۲	۱۸
قهو مخانه	—	—	برای يك رأس قاطر	۲	۱۰
کازرون	—	—	برای يك رأس قاطر	۲	۱۱
			برای يك رأس قاطر	۱۴	۳
			برای يك رأس قاطر	۶۷	۱۰

تقریباً ۱۵ قران برای يك رأس قاطر گرفته می‌شود. جدول فوق نشان می‌دهد که از سال ۱۹۰۷ تا سال ۱۹۰۹ برای يك رأس قاطر مبلغ یازده قران و سه شاهی ترقی کرده است و همچنین راهداری و مالیاتهای غیرقانونی را که تا کازرون گرفته می‌شود ارائه می‌نماید. طریقه دیگری که در سر راهها طایفه دزدان با صاحبان املاک برای خود اتخاذ کرده‌اند اینست برای قاطرچپها اجازه نمی‌دهند تا از جای دیگر حمل علوفه نمایند بلکه مجبورند که از ارباب دهات به قیمت گران خریداری نمایند.

تفصیل عهدنامه‌ای که دولت ایران بسته و هر روز بواسطه مالیاتهای غیرقانونی از آن عهدنامه تخلف می‌ورزند از اینقرار است:

(۱) ماده ۴ فرمان اعلیحضرت شاه مورخه ۲۸ فوریه ۱۹۰۹ که بموجب آن ماده تمام مالیاتهای داخلی از قبیل مالیات خانات - راهداری، میدانداری، قپانداری و نظیر این قسم مالیاتها - بکلی ممنوع است.

(۲) ماده ۳ قوانین گمرکی.

(۳) ماده ۴ عهدنامه تجارتي ۱۹۰۳ انگلیس و ایران که به موجب آن دولت ایران تعهد کرده که مالیاتهای راهداری را موقوف نموده و من بعد هم از مالیات‌بندی سر راهها ممانعت نماید.

امضاء چیک

نمره - ۱۸۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۹ اوت ۱۹۰۹ [۱۷ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف ذیل را کفیل ژنرال قسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من مخبره کرده است: «از ژنرال قسول روس اطلاع پیدا کردم که یکی از خویشان خان ماکو در بایزید به ویس قسولگری روس پناهنده شده و می‌خواهد خوانین ماکو را به حمایت روسیه وارد نماید تا از حملات ملتیان که منظور دارند فراغت تحصیل نمایند.

مسیو سابلین از دولت متبوعه خود اجازه خواسته تا بهمراهی من به دولت ایران اصرار نمایم که اعلان عفو عمومی را منتشر نماید تا به این ترتیب اقدامات اغتشاش کارانه ملتیان مثل این که می‌خواهند به خان ماکو حمله نمایند رفع شده و دیگر سفارتین خصوصاً سفارت روس تا به این اندازه از حمایت خواستن مستبدین دچار زحمت نباشند. من گاه‌لا با این پیشنهاد مسیو سابلین موافق هستم و گمان می‌کنم که خوب است این عفو عمومی بطوری که در پروگرام پیشنهادی ما به محمد علی میرزا بود انجام گیرد.

نمره - ۱۹۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۹ اوت ۱۹۰۹ [۱۷ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

دولت ایران مابین رشت و طهران در منجیل حرکت ظل السلطان را توقیف کرده است. پسر ظل السلطان بتوسط يك مراسله از من خواهش نموده است که در این امر دخالت نمایم ولی من هیچ اقدامی را قبول نکردم.

نمره - ۱۹۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۰ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۸ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۳ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

حکومت فارس

در تلگراف هشتم این ماه تعیین حکومت عین الدوله را راپورت دادم. حالا از قرار معلوم دولت ایران بنا به رأی تقی زاده که بتازگی از تبریز وارد شده است خیال تغییر آن را در نظر دارد. بدبختانه نتیجه این سلب اطمینان این شده که اوضاع شیراز دوباره قدری مغشوش شده است.

من به دولت ایران اصرار می نمایم که بدون تأخیر حکومت مقتدری را تعیین نمایند ولی اگر همان حکومت عین الدوله تصویب شود بهتر خواهد بود.

نمره - ۱۹۲

تلگراف سر ادواردگری به مستر اوبرن، از وزارت خارجه لندن. در خصوص پیشنهادی که در تلگراف ۹ ماه اوت از طهران شده بود عقیده دولت روس را تحصیل نمایید.

به کفیل وزارت خارجه اطلاع بدهید که اگر دولت روسیه به نمایندگی مقیم طهران خود بهمینطور دستورالعمل بدهد دولت اعلیحضرتی به سر بارکلی دستورالعمل خواهد داد که به دولت ایران اصرار نماید که پیشنهاد عفو عمومی را به موقع اجراء بگذارند. به نظر من این پیشنهاد خیلی مفید باشد.

نمره - ۱۹۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۱ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۹ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

ملتیان ظل السلطان را به رشت عودت دادند و در آنجا توقیف نمودند. دو مرتبه پسر

ظل‌السلطان از من درخواست دخالت نموده و اظهار داشت که دولت می‌خواهد وجوه نقدیه از او جبراً بگیرد. اگر چه به عقیده من ظل‌السلطان در صورتی که برخلاف نصایح ما عمل نمود قانوناً نمی‌تواند از ما تقاضای حمایت نماید ولی با وجود این خیال دارم به دولت ایران اطلاع بدهم که خوب است بگذارند ظل‌السلطان سالمأ از ایران برگردد. در موقع ارسال این نوشته خیال دارم که از همکار روسم استمداد نمایم.

نمره - ۱۹۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۰ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۵ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

همانطوری که در تلگراف ۱۰ این ماه خود پیش‌بینی کرده بودم دولت ایران حکومت فارس را تغییر داد و در عوض عین‌الدوله سهام‌الدوله را که تاکنون به حکومت‌های جزو منصوب می‌شد به جای او معین نمود.

علاماتی مقارن ورود تقی‌زاده ظهور کرده است: من جمله در جای اینکه حکومتها را به اشخاص تجربه‌دیده قدیم بدهند، می‌خواهند اشخاصی را سر کار بیاورند که دخیل حکمرانی سابق نبودند و امیدوارند که به این ترتیب می‌توانند از رشوه‌گیری حکام که از قدیم‌الایام در ایران حکمفرما بوده جلوگیری نمایند.

نمره - ۱۹۵

تلگراف مستر اوبرن به سر ادواردگری مورخه ۱۲ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۰ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۵ رجب ۱۳۲۷] از سن پترزبورغ.

کفیل وزارت امور خارجه به من اطلاع داد که امیدوار است تا فردا امپراطور اقامت شاه مخلوع را در کیف تصویب نماید. دولت روسیه متحمل مخارج آن اعلیحضرت خواهد شد. کشتی حاضر خواهد بود تا او را به پتروسکی حرکت بدهد و به مسیو سابلین به مضمون فوق دستورالعمل داده شده است.

نمره - ۱۹۶

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۳۱ ماه اوت ۱۹۰۹ [۸ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

شما می‌توانید با معیت همکار روس خودتان تحصیل عفو عوهی نمایید.

نمره - ۱۹۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۴ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۲ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

(خواهش دارم تلگراف ۱۲ ماه اوت مستر اوبرن را ملاحظه فرمایید.) ما به دولت ایران اعلان خواهیم کرد که اعلیحضرت شاه سابق در ۱۸ ماه حرکت خواهد کرد و درخواست می‌نمایم که تهیه حمل و نقل را آماده نمایند.

نمره - ۱۹۸

مراسله سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

(راجع است به مراسله مورخه ۱۷ ماه ژون) افتخار دارم که لفا ترجمه قانون انتخابات جدید را که به تاریخ اول ژوئیه [۱۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۲ ج ۲ - ۱۳۲۷] منتشر شده است تقدیم دارد.

ضمیمه در نمره ۱۹۸

قانون انتخابات

مقدمه

چون برحسب اقتضات وقت پاره‌ای از مواد نظامنامه انتخابات اعضاء مجلس شورای ملی لازم‌التغییر دیده شد بموجب امر اعلیحضرت شاهنشاهی جمعی از خیرخواهان ملت باتفاق اعضاء مجلس شورای مملکتی کمیونی مرکب از ۲۰ نفر به اکثریت آراء تشکیل دادند که نظامنامه جدیدی ترتیب دهند. چون در قانون اساسی به چهار ماده راجع به امر انتخابات اشاره شده بود و تغییر آن مواد با اصول مزبور مخالفت می‌نمود محض رفع این محذور کمیون مزبور مواد مهمه نظامنامه را که تنظیم کرده بود [به] آراء خیراندیشان ممالک مهمه ایران عرضه داشت. مراکز مهمه مملکت در این باب حق نظر خودشان را به مرکز آذربایجان تفویض نمودند. عقلای آن مرکز عمده تغییر مواد اربعه را تصویب و ملاحظات خود را در مواد مهمه دیگر پیشنهاد کردند. علیهذا با رعایت ملاحظات مرکز آذربایجان این نظامنامه تحریر و تنظیم شد در تحت این ملاحظه که مجلس شورای ملی بعد از آنکه بمبارکی افتتاح یافت به موجب اختیاری که در قوانین اساسی برای او مقرر است در استقرار یا جرح و تعدیل هر يك از مواد نظامنامه آنچه صلاح داند منظور فرماید.

فصل اول

عده نمایندگان ملت و تقسیم آن به ایالات و ولایات

ماده ۱) عده نمایندگان ملت برای مجلس شورای ملی در ممالک ایران ۱۲۰ نفر

تعیین می‌شود.

ماده ۲) تقسیم نمایندگان ملت نسبت به جمعیت تخمینی ولایات و اهمیت محلی از قرار شرح جدولی است که به آخر نظامنامه منضم شده است.

ماده ۳) چون بواسطه فقدان اسباب لازمه محل انتخابات فقط در شهرهای بزرگ و کوچک خواهد بود لهذا از غالب بلوکات و ایلات که حاکم نشین آنها شهریت ندارد در این نظامنامه اسم برده نشده. لیکن اهالی بلوک و ایلات هر ولایت با داشتن شرایط مقرر می‌توانند در یکی از شهرهای آن ولایت حاضر شده به انتخابات شراکت نمایند.

فصل دوم

شرایط انتخاب کنندگان

ماده ۴) انتخاب کنندگان اشخاصی خواهند بود که دارای شرایط ذیل باشند:

- ۱) تبعه ایران باشند.
- ۲) لااقل ۲۰ سال داشته باشند.
- ۳) معروفیت محلی داشته اگر بومی یا متوطن آن محل نباشند لااقل ۶ ماه قبل از انتخاب در محل انتخاب یا توابع آن سکنا داشته باشند.
- ۴) لااقل دارای ۲۵۰ تومان علاقه ملک یا ده تومان مالیات بده باشند یا ۵۰ تومان عایدی سالیانه داشته و یا تحصیل کرده باشند.
- ماده ۵) اشخاصی که از حق انتخاب نمودن مطلقاً محروم‌اند:
 - ۱) نسوان.
 - ۲) اشخاص خارج از رشد و آنهایی که در تحت قیمومت شرعی هستند.
 - ۳) تبعه خارجه.
 - ۴) اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع‌الشرایط به ثبوت رسیده باشد.
 - ۵) اشخاصی که کمتر از ۲۰ سال داشته باشند.
 - ۶) ورشکستگان بتقصیر.
 - ۷) مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده‌اند و معروفین به ارتکاب قتل و سرقت و غیره که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده باشند.

۸) اهل نظام بیری و بحری که مشغول خدمت‌اند.

ماده ۶) اشخاصی که بشرط از انتخاب نمودن محروم‌اند:

- ۱) حکام و معاونین حکام در قلمرو مأموریت خود.
- ۲) مستخدمین نظمی و ضبطیه در محل خدمت.

فصل سوم

شرایط انتخاب شوندگان

ماده ۷) انتخاب شوندگان باید دارای صفات و مقامات ذیل باشند:

- ۱) متدین به دین حضرت محمد بن عبدالله (ص) باشند مگر نمایندگان ملل مسیحی و زردشتی و یهود که آنها هم باید در دین خود ثابت العقیده باشند.
- ۲) تبعه ایران باشند.
- ۳) لا اقل خط و سواد فارسی باندازه کافی داشته باشند.
- ۴) معروفیت محلی داشته باشند.
- ۵) در امور مملکتی با بصیرت باشند.
- ۶) معروف به امانت و درستکاری باشند.
- ۷) سن آنها کمتر از ۳۰ و زیاده از ۷۰ سال نباشد.
- ماده ۸) اشخاصی که از انتخاب شدن محروم اند:
 - ۱) شاهزادگان بلا فصل، یعنی ابناء و اخوان و اعمام پادشاه.
 - ۲) نسوان.
 - ۳) تبعه خارجه.
 - ۴) اهل نظام بری و بحری که مشغول خدمت اند.
 - ۵) اشخاصی که مشغول خدمات دولتی هستند مگر اینکه برای مدت نمایندگی از شغل استعفاء دهند.
 - ۶) ورشکستگان بتقصیر.
 - ۷) مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده اند و معروفین به ارتکاب قتل و سرقت و غیره که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده باشند.
 - ۸) کسانی که سنشان از ۳۰ کمتر و از ۷۰ بیشتر باشد.
 - ۹) اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع شرایط به ثبوت رسیده باشد و یا متظاهر به فسق باشند.

فصل چهارم

در تشکیل انجمن نظارت

- ماده ۹) در هر مرکز انتخاب هیئتی به اسم انجمن نظارت موقتاً تشکیل می شود که مراقب و مسؤل صحت انتخابات خواهد بود.
- ماده ۱۰) انجمن نظارت در محلهایی که انجمن ایالتی یا ولایتی موافق قانون برقرار است مرکب خواهد بود از ۳ نفر از اعضاء انجمن ایالتی یا ولایتی و چهار نفر از محترمین محل در تحت ریاست حاکم. این چهار نفر محترمین را انجمن ایالتی یا ولایتی به تصویب حاکم از غیر اعضاء خود معین خواهد کرد.
- ماده ۱۱) در محلهایی که انجمن ایالتی یا ولایتی موافق قانون هنوز تشکیل نیافته انجمن نظارت مرکب [است] از علماء معروف محل و یک نفر از شاهزادگان و دو نفر از معتبرین تجار (در هر جا که یکی از اشخاص مذکوره نباشد بعوض او از اعیان یا تجار معین می شود).

ماده ۱۲) در شهرهای بزرگ به جهت دادن تعرفه، انجمن نظارت می‌تواند در هر محله شعبه جداگانه تشکیل نماید مرکب از کدخدا و ۵ نفر از معتمدین محل.
 ماده ۱۳) انجمن نظارت از میان اعضاء خود يك يا دو نفر منشی انتخاب می‌نماید.
 ماده ۱۴) انجمن نظارت يك هفته بعد از انجام انتخابات متفرق می‌شود.

فصل پنجم طریقه انتخاب

ماده ۱۵) انتخاب در کلیه ممالک ایران بطرز دو درجه خواهد بود.
 توضیح اول: مراد از انتخاب دو درجه آن است که ابتداء در محله‌های يك شهر یا در شهرهای يك حوزه انتخابیه عدّه معینی را انتخاب می‌نمایند که منتخب نامیده می‌شوند و بعد این انتخاب شدگان درجه اول در مرکز حوزه انتخاب جمع شده از میان خود عدّه مطلوبه را ثانیاً انتخاب می‌کنند و این انتخاب شدگان درجه ثانی نماینده خوانده می‌شوند.
 توضیح دوم: مراد از حوزه انتخابیه آن قسمتی از مملکت است که موافق تقسیم نظامنامه يك یا چند نفر را مشترکاً انتخاب کرده مستقیماً به عضویت مجلس شورای ملی می‌فرستند اعم از اینکه آن قسمت در تحت يك یا چند حکومت باشد مرکز حوزه آن نقطه است که انتخاب درجه ثانی حوزه در آنجا واقع می‌شود.
 ماده ۱۶) انتخاب درجه اول و ثانی کلیتاً به طرز انتخاب جمعی خواهد بود مگر در محلهایی که موافق تقسیم نظامنامه بیش از يك نفر حق انتخاب ندارند. در این صورت به انتخاب فردی عمل می‌شود.
 توضیح: مراد از انتخاب جمعی آن است [که] هر يك از انتخاب‌کنندگان در ورقه رأی به عدّه مجموع انتخاب‌شوندگان آن محل اسامی اشخاص [را] می‌نویسند. مراد از انتخاب فردی آن است [که] هر يك از انتخاب‌کنندگان در ورقه رأی اسم يك شخص را می‌نویسند.
 ماده ۱۷) انتخاب درجه اول به اکثریت نسبی و انتخاب درجه ثانی به اکثریت تام خواهد بود.
 توضیح: مراد از اکثریت تام آن است که بیشتر از نصف رأی‌دهندگان درباره کسی رأی داده باشند.
 ماده ۱۸) در انتخاب درجه اول اشخاصی که نسبت به عدّه کلیه انتخاب‌کنندگان حوزه انتخابیه اکثریت تام حاصل کنند مستغنی از انتخاب درجه ثانی بوده بسمت عضویت مجلس شورای ملی قبول می‌شوند.
 ماده ۱۹) در انتخاب درجه ثانی اگر دفعه اول و دوم درباره کسی اکثریت تام حاصل نشد دفعه سیم همان شخص به اکثریت نسبی منتخب خواهد بود.
 ماده ۲۰) در صورت تساوی آراء بین دو یا چند نفر هرگاه انتخاب يك نفر از آنها محل حاجت باشد آن يك نفر به حکم قرعه معین می‌شود.

ماده ۲۱) در انتخاب درجه اول عدّه انتخاب‌شوندگان هر حوزه انتخابیه سه مقابل‌عدّه نمایندگان خواهد بود که برای آن حوزه در ماده دوم معین شده است.

ماده ۲۲) در حوزه انتخابیه طهران انتخاب درجه اول از ۵ محله که هر یک در تحت ریاست یک کدخدا است بعمل خواهد آمد موافق تقسیمی که انجمن نظارت معین خواهد کرد.

ماده ۲۳) در حوزه انتخابیه ایالات و ولایات انتخاب درجه اول در تمام شهرهای آن حوزه به اکثریت نسبی بعمل خواهد آمد. بعد این منتخبین درجه اول در موعدی که انجمن نظارت مرکزی معین می‌کند در مرکز حوزه حاضر شده مجتعماً از میان خودشان به عدّه‌ای که در ماده دوم به جهت آن حوزه تصریح شده است به اکثریت تام نماینده انتخاب خواهند کرد.

ماده ۲۴) پنج ایل عمده شاهسون، آذربایجان، بختیاری، قشقائی، ایلات خمه فارس، و ترکمان موافق تقسیم نظامنامه هر کدام یک نماینده مستقیماً به عضویت مجلس شورای ملی می‌فرستند. طرز انتخاب ایالات هم دو درجه است لیکن عدّه منتخبین درجه اول هر ایل و مرکز انتخاب درجه ثانی را وزارت داخله معین خواهد کرد. در این مورد انتخاب درجه ثانی به حکم قرعه خواهد بود.

ماده ۲۵) در صورتی که انتخاب‌شدگان شهرهای جزو در موعدی که انجمن نظارت مرکزی برای حضور آنها معین کرده در مرکز آن حوزه حاضر نشوند برای آن دوره حق انتخاب از آنها ساقط است و همان عدّه‌ای که در سر موعده حاضر شده‌اند نمایندگان آن حوزه را از میان خودشان انتخاب خواهند کرد.

ماده ۲۶) هر یک از انتخاب‌کنندگان زیاده بر یک مرتبه حق رأی دادن ندارند مگر در صورتی که تجدید انتخاب لازم شود.

ماده ۲۷) در درجه اول انتخاب‌کنندگان مجبور نیستند که حتماً از ساکنین محل خود انتخاب کنند.

فصل ششم

دادن تعرفه برای تشخیص انتخاب‌کنندگان

ماده ۲۸) انجمن نظارت اعلانی مرتب نموده بمناسبت اهمیت محل از ۵ الی ۱۵ روز قبل از موعده انتخاب اشاعه می‌دهد.

ماده ۲۹) اعلان مذکور مطالب ذیل را دارا خواهد بود:

- ۱) شرایط انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان.
- ۲) محل و اوقاتی را^۲ که انجمن نظارت یا شعب آن ورقه تعرفه خواهد داد.
- ۳) مکان و زمانی که انجمن نظارت برای اخذ رأی حاضر خواهد بود.
- ۴) عدّه نمایندگان را^۳ که صاحبان تعرفه باید منتخب نمایند.

(۱) بهمین گونه است در اصل ولی گویا از ۵ الی ۱۵ روز درست باشد. - ۴

(۳۰۲) بهمین گونه است در اصل. - ۴

ماده ۳۰) اشخاصی که شرایط انتخاب کردن را دارا هستند اگر در ظرف مدتی که انجمن نظارت به جهت گرفتن تعرفه معین نموده است تعرفه نگیرند حق انتخاب برای آن دوره از آنها ساقط است.

ماده ۳۱) تعرفه‌ای که به انتخاب‌کنندگان داده می‌شود محتوی فقرات ذیل خواهد بود:

(۱) نمره و تاریخ.

(۲) اسم دارنده تعرفه و اسم پدر او.

(۳) شغل و منزل.

(۴) زمان و مکانی که دارنده تعرفه باید حاضر شده رأی خود را بدهد.

(۵) ساعت افتتاح و اختتام مجلس انتخاب.

(۶) مهر یا امضای اعضای انجمن نظارت.

ماده ۳۲) انجمن نظارت یا شعب آن تمام تعرفه‌هایی را که می‌دهد به ترتیب نمره در کتابچه مخصوص ثبت خواهد نمود.

فصل هفتم

در اخذ و استخراج آراء و تعیین انتخاب‌شدگان

ماده ۳۳) بمناسبت اهمیت محل مدت اخذ رأی از يك الى سه روز خواهد بود به تعیین انجمن نظارت.

ماده ۳۴) پس از انقضاء موعدی که انجمن نظارت برای اخذ رأی معین می‌کند دیگر ورقه رأی از کسی قبول نخواهد شد.

ماده ۳۵) دادن رأی باید مخفی باشد و از این جهت باید دارنده تعرفه قبل از دخول به مجلس انتخاب اسم يك یا چند نفر منتخبین خود را مطابق عده‌ای که اعلان شده است روی کاغذ سفید بی نشان نوشته لوله کرده با خود داشته باشد.

ماده ۳۶) پس از حضور اعضای انجمن نظارت و افتتاح مجلس انتخاب در ساعتی که اعلان شده قبل از شروع به گرفتن ورقه رأی رئیس انجمن نظارت جعبه‌ای را که برای ضبط اوراق رأی معین شده است در حضور اعضاء انجمن و حاضرین از انتخاب‌کنندگان باز نموده خالی بودن آن را می‌نماید.

ماده ۳۷) هر يك از دارندگان ورقه تعرفه پس از ورود به مجلس انتخاب در کمال آرامی تعرفه و ورقه رأی خود را به یکی از اعضاء که برای این کار معین شده می‌دهد.

ماده ۳۸) گیرنده تعرفه نمره تعرفه را به صوت بلند می‌گوید تا منشی انجمن نمره را در کتابچه ثبت تعرفه پیدا کرده نشان کند. پس از نشان کردن نمره گیرنده تعرفه آن را ابطال نموده به صاحبش رد می‌نماید و ورقه رأی او را بدون نگاه کردن در جعبه انتخاب می‌اندازد. صاحبان تعرفه با احتیاط مواردی که تجدید انتخاب لازم شود تعرفه باطله خودشان را محفوظ خواهند داشت.

ماده ۳۹) انتخاب‌کنندگان پس از دادن ورقه رأی و پس گرفتن تعرفه باطله در صورت تنگی جای و اختلال نظم و ترتیب انتخاب به امر رئیس از مجلس انتخاب خارج خواهند

شد.

ماده ۴۰) در محلهایی که انتخاب در يك روز تمام نمی‌شود در ختام مجلس آن روز تمام اعضاء با احتیاطات لازمه درب جعبه را مهر کرده روز بعد همان اعضاء آن را باز می‌کنند.

ماده ۴۱) بعد از اعلان انجام انتخاب رئیس انجمن جعبه انتخاب را در حضور اعضاء و حاضرین انتخاب‌کنندگان خالی نموده امر به استخراج آراء می‌نماید.

ماده ۴۲) یکی از اعضاء اوراق انتخاب را شمرده عدّه آن را با عدّه رأی‌دهندگان که تعرفه آنها در کتابچه ثبت تعرفه نشان شده است تطبیق می‌کنند در صورت زیادی اوراق رأی به عدّه اوراق زایده از کلیه برداشته شده باطل می‌شود و نتیجه در صورت مجلس نوشته می‌شود.

ماده ۴۳) اوراق انتخاب را یکی از اعضاء به صوت بلند يك يك خوانده به يك نفر دیگر از اعضاء می‌دهد و سه نفر دیگر از اعضاء اسامی را به ترتیبی که خوانده می‌شود در ورقه بزرگی می‌نویسند.

ماده ۴۴) هرگاه در اوراق انتخاب زیاد یا کمتر از عدّه معینه اسامی نوشته باشند نقصی در امر انتخاب حاصل نخواهد شد. در صورت اول آن عدّه اسامی که زیاد نوشته شده از آخر ورقه خوانده نخواهد شد.

ماده ۴۵) از اوراق رأی آنچه سفید یا لایقرء باشد یا آنکه صحیحاً معرفی انتخاب شده را نکند یا امضای انتخاب‌کننده را داشته باشد یا بیش از يك ورق باشد محسوب نخواهد شد ولی عیناً ضمیمه صورت مجلس می‌شود.

ماده ۴۶) بلافاصله بعد از شماره و استخراج آراء رئیس نتیجه را به صورت بلند اعلان می‌نماید و اوراق انتخاب را معدوم می‌کند. باستثناء آنهایی که در ماده قبل ذکر شده که ضمیمه صورت مجلس می‌شود.

ماده ۴۷) صورت مجلس انتخابات را منشی در سه نسخه تحریر نموده به امضای انجمن نظارت می‌رساند، يك نسخه به حکومت، نسخه دیگر بتوسط حکومت به مجلس شورای ملی و نسخه ثالث با کتابچه ثبت اوراق تعرفه به انجمن ایالتی یا ولایتی مرکز حوزه فرستاده می‌شود.

ماده ۴۸) اشخاصی که ورقه تعرفه ندارند حق دخول به مجلس انتخاب ندارند.

ماده ۴۹) دخول در محوطه انتخاب با داشتن اسلحه اکیداً ممنوع است.

ماده ۵۰) اسامی انتخاب شدگان درجه اول و دوم بعد از اتمام انتخابات از طرف حاکم محل در روزنامه اعلان می‌شود.

ماده ۵۱) انتخاب شدگان در شهرهای جزو باید به امضای انجمن نظارت آن محل اعتبارنامه در دست داشته باشند و به انجمن نظارت مرکزی ارائه بدهند و همچنین نمایندگان که در مرکز حوزه انتخابیه برای عضویت مجلس شورای ملی منتخب می‌شوند باید به امضای انجمن نظارت مرکزی اعتبارنامه در دست داشته تسلیم دفتر مجلس شورای ملی نمایند.

فصل هشتم

در شکایات راجعه به انتخابات

- ماده ۵۲) اگر از انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهگان کسی حین انتخاب شکایت یا ایرادی راجع به انتخابات داشته باشد مانع از انجام انتخاب نخواهد شد ولی شرح آن شکایت باید در صورت مجلس درج شود.
- ماده ۵۳) شکایات و ایرادات راجعه به انتخابات باید در ظرف یک هفته بعد از ختم انتخابات به انجمن نظارت اظهار شود تا انجمن رسیدگی نموده حکم بدهد و نتیجه را ضمیمه صورت مجلس انتخاب نمایند.
- ماده ۵۴) متشکیان از انتخابات اگر از حکم انجمن نظارت راضی نباشند می توانند پس از افتتاح مجلس شورای ملی شکایت خود را در ظرف ماه اول به مجلس شورای ملی اظهار نمایند و حکم مجلس شورای ملی قاطع خواهد بود.
- شکایات راجعه به انتخاباتی که بعد از افتتاح مجلس شورای ملی بعمل می آید باید در ظرف ماه اول بعد از وقوع آن انتخابات به مجلس شورای ملی برسد.
- ماده ۵۵) هرگاه یکی از منتخبین یا نمایندگان بوسیله تطمیع یا تهدید انتخاب شود پس از ثبوت به انجمن نظارت یا مجلس شورای ملی انتخاب آن منتخب یا نماینده علاوه بر مجازاتی که قانون درباره او معین خواهد کرد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.
- ماده ۵۶) حق اعتراض بر انتخابات را اشخاصی دارند که حق انتخاب کردن داشته باشند.

فصل نهم

در مواد مختلفه

- ماده ۵۷) همینکه نصف بعلاوه یک نفر از نمایندگان ملت که ۶۱ نفر باشد در طهران حاضر شدند مجلس افتتاح می یابد و رأی آنها به اکثریت مناط اعتبار و اجراء است.
- ماده ۵۸) ابتدای دوره انتخابیه دوساله از روزی است که مجلس شورای ملی افتتاح می شود.
- ماده ۵۹) پس از انقضای مدت دو سال باید نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و مردم مختارند هر یک از منتخبین سابق را که بخواهند دوباره انتخاب نمایند.
- ماده ۶۰) مقرری اعضای مجلس شورای ملی موقوف به تشخیص و تصویب مجلس است.
- ماده ۶۱) مخارج مسافرت انتخاب شدگان درجه اول و دوم را ذهاباً و ایاباً حکومت هر محل به اطلاع انجمن نظارت از قرار فرسخی ۵ قران اداء خواهد کرد بعلاوه ۵ تومان مخارج توقف ۵ روزه در مرکز حوزه.
- ماده ۶۲) هرگاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی استعفاء یا فوت نماید و بیش از سه ماه به انقضاء دوره باقی باشد مجلس شورای ملی یک نفر به جای او به اکثریت تام انتخاب خواهد کرد.
- ماده ۶۳) در طهران ده روز بعد از توشیح این نظامنامه به دست خط همایونی و در

ولایات روز بعد از وصول نظامنامه، انجمن نظارت به انتخابات خواهد کرد.
 روز پنجشنبه ۱۲ شهر جمادی الاخر تخاقوی ثیل ۱۳۲۷- [۱۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ ژوئیه ۱۹۰۹]
 امضاء اعضا کمیسیون تحریر نظامنامه انتخابات
 فرمانفرما مشیرالدوله مؤتمن‌الملک مستوفی‌الممالک صنایع‌الدوله معین‌
 الدوله مهندس‌الممالک مستشارالدوله حاج سید نصرالله اسدالله میرزا
 حسینقلی‌خان نواب مستشارالسلطان مخبر‌الملک کاشف‌السلطنه نظم‌الدوله
 امین‌دربار.

www.adabestanekave.com

حوزه انتخابیه	مرکز حوزه	عده نمایندگان	عده منتخبین	محل انتخاب	عده انتخاب شوندهگان
انتخابیه	حوزه	درجه اول	درجه اول	درجه اول	درجه اول در هر محل
				محلته دولت	
	تهران و توابع	تهران	۱۵	محلته سنگلج و شهرنو	موافق تعیین
			۴۵	محلته عودلاجان	انجمن نظارت
				محلته بازار و چالمیدان	
				شهر تبریز	۲۶
				ارومیه	۵
				خوی	۴
				دیلمقان	۱
				ماکو	۱
				مراغه	۲
				بناب	۱
				میان دواب	۱
				ساوجبلاغ	۲
	تبریز	تبریز	۱۹	دهخوارقان	۱
			۵۷	مرند	۱
				اهر	۲
				اردبیل	۴
				مشکین	۱
				آستارا	۱
				خالخال	۱
				سراب	۱
				میانیج	۱
				صاین قلعه	۱
شاهسون	به تعیین	۱	به تعیین	به تعیین	به تعیین
آذربایجان	وزارت داخله	وزارت داخله	وزارت داخله	وزارت داخله	وزارت داخله

آذربایجان

حوزه انتخابیه مرکز حوزه نمایندگان عدّه منتخبین محل انتخاب عدّه انتخاب شونده‌گان
درجه اول درجه اول درجه اول درجه اول درجه اول درجه اول

۱۲	شهر مشهد					
۳	قوچان					
۲	بجنورد					
۱	دره جز					
۱	جام و باخزر [= باخرز]					
۳	نیشابور	۳۳	۱۱	مشهد مقدس	۷۰	سیستان و قاینات
۴	سبزوار					
۱	خاف					
۱	ترشیز					
۳	ترت حیدری					
۱	تون					
۱	طیس					
۱	نصرت آباد و سیستان	۳	۱	بیرجند		
۲	بیرجند					
۱۰	شهر شیراز					
۲	کازرون					
۳	بهبهان					
۱	تبریز					
۱	آباده					
۳	لار	۲۴	۸	شیراز	۳۶	
۱	فسا					
۱	جهرم					
۱	گله دار					
۱	دارابگرد					

قشقای به تعیین وزارت داخله به تعیین وزارت داخله

ایلات خمس ایضاً وزارت داخله ایضاً وزارت داخله ایضاً ایضاً

حوزه انتخابیه	مرکز حوزه	عده نمایندگان	عده منتخبین	محل انتخاب	عده انتخاب شوندگان
بنادر و جزایر	بوشهر	۲	۶	بوشهر	۲
				بندر عباس	۱
				بندر خمیر و جزائر	۱
				بندر لنگه	۱
				بraz جاندشتیدشتستان [=بraz جان - دشتستان]	۱
کرمان	کرمان	۵	۱۵	شهر کرمان	۸
				رفسنجان	۲
				سعیدآباد سیرجان	۱
				خبیص	۱
				راور	۱
				زرنند	۱
				اقطاع و افشا	۱
				بم	۲
بلوچستان	بم	۱	۳	بلوچستان	۱
				شهر استرآباد	۳
ترکمان	به تعیین وزارت داخله	۱	به تعیین وزارت داخله	شهر استرآباد	۳
				شهر اصفهان	۵
اصفهان	شهر اصفهان	۳	۹	اصفهان	۱
				قمشه	۱
				نجفآباد	۱
				قمپایه	۱
				اردستان	۱
بختیاری	به تعیین وزارت داخله	۱	به تعیین وزارت داخله	به تعیین وزارت داخله	۱
				به تعیین وزارت داخله	۱

حوزه انتخابیه	مرکز حوزه	عده نمایندگان	عده منتخبین	محل انتخاب درجه اول	عده انتخاب شوندهگان درجه اول در هر محل
بروجرد	بروجرد	۲	۶	بروجرد	۶
خمسه و طارم	زنجان	۲	۶	زنجان ابهر طارم	۴ ۱ ۱
ساوه و زرنند	ساوه	۱	۳	ساوه زرنند	۲ ۱
سمنان دامغان	سمنان	۱	۳	سمنان دامغان	۲ ۱
شاهرود و بسطام	شاهرود	۱	۳	شاهرود بسطام	۲ ۱
عراق	سلطان آباد	۲	۶	سلطان آباد آشتیان تفرش	۴ ۱ ۱
عربستان	شوشتر	۳	۹	شوشتر دزفول محمره و عشایر بندر ناصری	۲ ۳ ۳ ۱
فیروزکوه و دماوند	دماوند	۱	۳	فیروزکوه دماوند	۱ ۲
قزوین	قزوین	۲	۶	قزوین طارم سفلی خرقان طالقان	۳ ۱ ۱ ۱
قم	قم	۱	۳	شهر قم	۳

حوزه انتخابیه مرکز حوزه نمایندگان عدّه منتخبین محل انتخاب عدّه انتخاب شوندگان
 درجه اول در هر محل درجه اول

www.adabestanekave.com

حوزه انتخابیه	مرکز حوزه	عدّه منتخبین	محل انتخاب	عدّه انتخاب شوندگان
کاشان، نطنز، جوشقان	کاشان	۲	کاشان جوشقان نطنز	۴
کردستان	سندج	۳	سندج سقز و بانه اوراهان مریوان	۴
کرمانشاهان	کرمانشاه	۳	کرمانشاه سنقر کنگاور	۶
گروس	بیجار	۱	بیجار	۳
گیلان	گیلپایگان	۲	گیلپایگان خوانسار کمره [البلوک] محلات و سایر	۲
گیلان و طوالش	رشت	۵	رشت انزلی لاهیجان رودبار و دیلمان لنگرود فومن گرگانرود طالش بولاب	۸

حوزه انتخابیه مرکز حوزه نمایندگان عدّه منتخبین محل انتخاب عدّه انتخاب شوندهگان درجه اول درجه اول درجه اول در هر محل

لرستان	خرم آباد	۲	۶	خرم آباد و پشت کوه	۶
کازندران و تنکابن و سوادکوه	ساری	۴	۱۲	ساری بارفروش آمل و تنکابن سوادکوه اشرف مشهدسر بلده نور	۲ ۳ ۳ ۱ ۱ ۱ ۱
همدان اسدآباد	دولت آباد	۲	۶	دولت آباد نهایند تویسرکان	۳ ۲ ۱
همدان اسدآباد	همدان	۲	۶	همدان اسدآباد	۵ ۱
یزد و توابع	یزد	۳	۹	یزد نائین شهر بابک اردکان عقدا	۴ ۲ ۱ ۱ ۱
متنوعه ملک	ارامنه کلدانی زردشتی کلیمی	۱ ۱ ۱ ۱			

جناب سعدالدوله رئیس الوزراء نظامنامه انتخابات مبعوثین که بر حسب اراده علیه ما در کمسیون مخصوص ترتیب داده شده و مشتمل بر ۶۳ ماده می باشد صحیح است فوراً بدهید به طبع رسانده و منتشر نمایید. وزیر داخله نیز بلافاصله در صدد تهیه لوازم انتخابات در طهران و ولایات باشد.

محمدعلی شاه قاجار
۱۲ جمادی الاخر ۱۳۲۷

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۹۹

مراسلهٔ سربارکلی به سر ادواردگری مورخهٔ ۲۲ ژوئیهٔ ۱۹۰۹ [۳۱ تیر ۱۲۸۸؛ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک
آقا

در اتمام مراسلهٔ ۱۲ این ماه خود افتخار دارم از راپورت اینکه قشون ملتیان در ساعت ۶ صبح ۱۳ ماه [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ج ۲ - ۱۳۲۷] وارد طهران شدند. یادداشت‌ملفوف مستر چرچیل وقایع و اتفاقات ورود و جنگ بعد از ورود قشون ملی را متضمن است.

بعد از اینکه بتوسط تلفون این واقعه به من اطلاع داده شد من ماژور استوکس و مسیو چرچیل را به شهر فرستادم. مأموریت اولی آن بود که نظارت در ورود متحصنین نماید و مأموریت شخص ثانی آنکه از اتفاقات اطلاع حاصل نموده راپورت آنها را برای من بفرستد. به هر دو نفر گفته شد اگر ممکن بشود نزد سپهدار و سردار اسعد رفته و لزوم نگاهداری نظم را به آنها خاطر نشان نمایند.

چیزی که بتوسط تلفون پیش از قطع سیم آن به من رسید اطلاع می‌داد که ملتیان شهر را تصرف نموده و نظم بخوبی برقرار است. بعد معلوم شد که این مطلب صحیح نبوده فقط قسمتی از شهر در تصرف آنها است و در نقاط دیگر شهر جنگ در کوجه‌ها شدت دارد.

چندی بعد مسیو چرچیل و مسیو اورنو را که مسیو سابلین به شهر فرستاده بود راپورت دادند که سپهدار و سردار اسعد اطمینان کاملی از بابت امنیت متعلقات اتباع خارجه که در تصرف ملتیان است به آنها داده‌اند. در تمام مدت جنگ البته خطر خوردن تیرهست ولی آنقدری که من اطلاع دارم فقط یک نفر خارجه آنهم اطریشی تیر خورده و زخم او هم خیلی جزئی بوده است.

ملتیان ابدآ غارت نمی‌کردند ولی سوارهای غیرمنظم شاه یک خانهٔ انگلیسی را بکلی غارت کردند و فقط همین سوارها بودند که مرتکب چپاول می‌شدند.

به این ترتیب اطمینانی که از طرف رؤسای ملتیان به نمایندگان سفارتین داده شده بود بموقع ثبوت رسید. بعد از اینکه جنگ در شهر شروع شد راپورت به من رسید که شاه خیال توپ بستن طهران را دارد. مسیو سابلین و من متفق شدیم که متحداً در این خصوص به شاه پروتست نماییم. من سوادی از مضمون آن پروتست نوشتم و بعد باتفاق پاکنویس نمودیم. در این ضمن اطمینان خصوصی از طرف شاه به همکار روس من داده شد که شهر را به توپ نخواهد بست. لیکن در صبح زود فردای آن روز ما صدای توپ را از طرف قصر قجر شنیدیم و معلوم شد که شاه نقض قول کرده است.

چند ساعت بعد اعلیحضرت شاه پیغام به ما فرستاد که خیال داشته است قبل از توپ

بستن به شهر ۲۴ ساعت به اتباع خارجه وقت بدهد برای اینکه از شهر خارج بشوند ولی چون رولوسیونرها به عمارت او حمله آوردند لهذا مجبور شد که فوراً شروع به بمباردها نماید.

من و همکار روس من فوراً به سلطنت آباد رفته و استدعا از شاه نمودیم که دست نگاه داشته و اعلان متارکه بدهد تا اینکه شروع به مذاکرات شود. در جواب شاه شروع به شکایت نمود از اینکه ما مکرر دست او را بسته و نگذاشتیم که به رولوسیونرها حمله بیاورد. آنها حالا به طهران وارد شدند و حمله به عمارت او می آورند و گفت آیا شما در این موقع هم می گوئید که من آنچه از دستم برمی آید نکنم؟ و بالاخره شاه اظهار نمود که او فقط در صورتی اعلان متارکه خواهد داد که رولوسیونرها ترك اسلحه نمایند. جز برای خلاصی تبریز ما در موقع دیگر ممانعت از شاه ننمودیم که اقدامی برای دفع رولوسیونرها بنماید ولی من مباحثه در این مطلب را لازم نمی دانستم و فقط به شاه خاطر نشان نمودم که کار سفارتین از وقتی که او مشروطه را برقرار ساخته جز صلح دادن طرفین نبوده است. بدبختانه رولوسیونرها نصیحت ما را قبول ننموده اند. حالا باید که رفع غائله بشود و به عقیده ما فقط امیدواری همان اعلان متارکه از طرف آن اعلیحضرت است. شاه گفت این ممکن نیست چون او نمی تواند با قشون خود که اتصالاً دچار حملات هستند مذاکره نماید.

در اینصورت ناچار باید اول رولوسیونرها ترك سلاح نمایند. ما جواب دادیم بی فایده است انتظار اینکه فاتح راضی به این اقدام شود ولی اگر آن اعلیحضرت اعلان متارکه برای مذاکرات بدهد ما گمان می کنیم که بتوانیم این پیغام را هم به قشون دولتی و هم به رولوسیونرها برسانیم. شاه ابدأ قبول این مطلب ننموده و دومرتبه اظهار داشت که رولوسیونرها باید اول تسلیم بشوند.

در موقع خارج شدن از سلطنت آباد ما سعدالدوله را ملاقات نمودیم و بعد از اینکه او از حاصل نشدن نتیجه از این ملاقات اطلاع یافت از ما خواهش نمود که نتیجه این ملاقات را به سپهدار و سردار اسعد اطلاع ندهیم تا اینکه او اعلیحضرت شاه را ملاقات نماید.

مستر چرچیل و مسیو بارنوسکی که از صبح زود آن روز بنا به خواهش شاه بطرف شهر رفته بودند تا شاید بتوانند ملتیان را وادار به مذاکره نمایند مجبور شدند بواسطه جنگ سختی که در این موقع در کار بود مراجعت کنند.

نتیجه ملاقات سعدالدوله با شاه این شد که تشکیل یک هیئتی برای مذاکره با ملتیان داده شود ولی اشکال اول این بود که بعضی از اعضاء قبول این مأموریت رانمی نمودند. بعد از اینکه بالاخره این هیئت تشکیل یافت بدو نتوانستند که داخل شهر شوند. دو روز بعد وقتی آنها نتوانستند داخل شهر بشوند که شاه به سفارت روس متحصن گردیده و کولونل لیاخف تسلیم شده بود.

چند ساعت بعد از ملاقات ما با شاه اخبار شیوع پیدا نمود که کولونل لیاخف که مشغول دفاع قزاقخانه بود نمی تواند بیش از این دفاع از آنجا نماید. همکار روس من امیدوار

بود که قبل از اینکه کولونل لیاخف تسلیم بشود شاه متحصن گردد که در آن صورت مأموریت کولونل لیاخف به این عمل تمام شده و پیش از آنکه او مجبور تسلیم واقعی گردد بتواند با رؤسای ملتیان قراری در کار خود بدهد. و در واقع وقتی که من مسیو سابلین را در عصر ملاقات نمودم گمان می‌کرد که شاه در همین شب متحصن خواهد شد. مشارالیه به من گفت که او مسیو اورنو را برای گفتگوی در تسلیم کولونل لیاخف نزد سرداران فرستاده است. مسیو اورنو به بهارستان که مرکز ملتیان بود رفت و خواهش از سرداران نمود که از حمله به قزاقخانه دست نگاه دارند و از آنها سؤال نمود که در صورتی که قزاق و صاحب‌منصبان آنها ترك اسلحه نمایند در حق آنها چه رفتار خواهد شد. آیا اجازه داده خواهد شد که باز هم در خدمت دولت آینده ایران باشند؟ و آیا رؤسای ملتیان می‌توانند تا آن اندازه که ممکن است ضمانت امنیت آنها را بنمایند؟ به این سؤالات سرداران جواب دادند که ملتیان همیشه مشغول دفاع از خود بودند و بعد از اینکه صاحب‌منصبان و تائبین بریگاد قزاق اسلحه خود را تسلیم بنمایند دیگر برای ملتیان لازم نخواهد بود که دفاع از خود نمایند. قزاقها آزاد خواهند بود یا به منزلهای خود بروند و یا اینکه در قزاقخانه بمانند و بعلاوه سرداران اظهار نمودند که دولت مشروطه قشون منظم را لازم خواهد داشت و باین جهت قزاقها را نگاه خواهند داشت و مثل سابقه واجب به آنها داده خواهد شد و بعد از اینکه اسلحه خود را تسلیم نمودند تا آنقدری که ممکن است امنیت آنها حمایت می‌شود. مسیو اورنو با این جواب به زرگنده مراجعت نمود ولی بواسطه بمباردمان از قصر قجر نتوانست روز بعد که ۱۵ بود برای اتمام مذاکرات به طهران برود و جنگ در قسمتی از نقاط شهر مداومت داشت.

مسیو سابلین از این ترتیبی که ملتیان نسبت به بریگاد قزاق اظهار داشته بودند راضی نشده ما قرار دادیم مستر چرچیل و بارنوسکی در صبح زود فردای آن روز که ۱۶ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] باشد خود را هرطور است به بهارستان رسانیده و سعی نمایند که قول کتبی صحیحی تحصیل نمایند.

مقارن با حرکت آنها شاه با خانواده خود و عده‌ای از اتباع او که نایب‌السلطنه، امیر بهادر جنگ، مفاخر الملك، مجلل‌السلطنه داخل آنها بودند به سفارت روس متحصن شدند. ما فوراً سپهدار و سردار اسعد را از این مطلب بتوسط تلگراف مطلع ساخته و سعی نمودیم که این فقره هر قدر بیشتر ممکن است انتشار یابد. در این موقع مأموریت کولونل لیاخف دیگر تمام شد و می‌توانست با افتخار تسلیم شود.

مسیو چرچیل و بارنوسکی موفق شدند که خود را به بهارستان رسانیده و از رؤسای ملتیان يك سند کتبی تحصیل نمایند که صاحب‌منصبان روسی و بریگاد قزاق عجالاً مثل سابق در تحت فرمان وزیر جنگ مشغول خدمت به دولت جدید باشند.

مستر چرچیل و بارنوسکی کولونل لیاخف را از این نوشته مطلع ساخته و از او تقاضا نمودند که به بانك شاهنشاهی رفته يك نفر از رؤسای بختیاری به آن نقطه فرستاده خواهد شد که او را همراهی تا بهارستان نماید. بانك برای این کار نقطه مناسبی بود به جهت آنکه مابین محل دو دسته مخالف واقع شده بود.

کولونل لیاخف با مستحفظین قزاق به بانک رفت و بعد از اینکه یوسف خان، برادر سردار اسعد هم به آن نقطه وارد گردید کولونل لیاخف با او در یک کالسکه نشسته به همراهی بختیاری و فداییها و دو ترجمان سفارتین به بهارستان رفته خود و بریگاد قزاق را به خدمت دولت جدید واگذار نمود.

این مطلب قابل ذکر است که در تمام طول راه تا بهارستان مردم فریاد تمجید به او می نمودند. تا مدتی در بعضی نقاط شهر تیر انداخته می شد ولی تا شب شهر کاملاً خاموش گردید.

مجلسی از رؤسای ملتیان که اسم آن را مجلس عالی فوق العاده گذارده بودند عصر در بهارستان تشکیل یافت. این مجلس مصمم اعلان خلع محمد علی و تعیین ولیعهد سلطان احمد شاه به جانشینی او و نیابت سلطنت عضدالملک بطور موقتی گردید. همین مجلس سپهدار را به وزارت جنگ و سردار اسعد را به وزارت داخله منصوب نمود و بعلاوه یک کمیته ۲۵ نفری از ملتیان مهم [مهم؟] برای راهنمایی وزراء انتخاب شدند.

اعلان تغییر سلطنت فوراً منتشر نگردید به جهت اینکه کمیته مایل بود که بدو محمد علی را بتوسط یک هیئتی از این تغییر مطلع سازد. خیال کمیته در فرستادن این هیئت برای فردای آن روز بود و در صبح فردای آن روز سپهدار و سردار اسعد تلگرافی به سفارتین فرستاده و از خیال کمیته اطلاع دادند و از ما خواهش کردند که اطلاع از محمد علی میرزا حاصل نماییم که چه وقت هیئت مذکوره را خواهد پذیرفت. همکار روس من این پیغام را به شاه سابق اظهار نمود شاه جواب داد که رفتن من از سلطنت آباد استعفاء است و به این جهت برای من لازم است که پذیرایی از هیئت نمایم. ما این جواب را به رؤسای ملتیان تلگراف نمودیم.

هر چند که در تلگراف سرداران اسم جانشین شاه برده نشده بود ولی محمد علی اطلاع داشت که ولیعهد انتخاب شده است.

یک صورت خیلی رقت انگیزی ظاهر شد وقتی که اعلیحضرت به همکار روس من اظهار نمود که نخواهد گذاشت پسر محبوب او از پدر و مادر خود جدا شود و تا یک مدتی واقعاً همچو به نظر می آمد که او در این خصوص ایستادگی خواهد کرد.

مادر ولیعهد که گاه گاهی بنزدیک در پیدا می شد از غصه بکلی از خود رفته بود. بالاخره شاه از مسیو سابلین تقاضا نمود که یکی از این دو قسم را با رؤسای ملتیان قرار بگذارد. (۱) اینکه اگر ولیعهد را به تخت خواهند نشانید اجازه به او داده شود چند وقتی با مادر خود مسافرت نماید.

(۲) اینکه اگر ممکن می شود پسر دوم را به شاهی انتخاب نمایند.

مسیو سابلین از نزد آن اعلیحضرت خارج شد و بطوری به شاه معلوم نمود که او سعی خواهد کرد رضایت کمیته را به یکی از دو شق تحصیل نماید. ولی بعد از آنکه ما این مطلب را با هم مذاکره کردیم تصور نمودیم که این اقدام اسباب خطر برای سلسله قاجاریه خواهد بود و دلیل بیم ما آن بود که بواسطه تردید محمد علی میرزا در اینکه پسر بزرگ خود را اجازه قبول پادشاهی دهد ممکن است ملتیان موقعی بدست آورده دیگری را برای

این مقام پیدا کنند.

ما حس نمودیم که مسافرت ولیعهد را ابداً قبول نخواهند کرد به جهت اینکه ما اطلاع داشتیم که ملتیان سعی هستند این طفل را از نزد اشخاصی که فعلاً در اطراف او می‌باشند خارج کنند و ترتیب ثانی را چنانچه ملتیان هم قبول نمایند ممکن است خود ولیعهد بعدها از اقدام پدر خود متأسف شده و در آنصورت شاید در چندین سال دیگر به ادعای تاج و تخت خود برخیزد.

باین جهت ما مصمم شدیم که این پیشنهادهای محمد علی را مطرح مذاکره قرار ندهیم و زود معلوم گردید که ما خوب شد این اقدام را نکردیم به جهت اینکه شاه چندی نگذشت که به مسیو سابلین اطلاع داد که بهیچوجه در این خصوص اقدامی ننماید که احتمال خطر برای سلسله قاجاریه خواهد بود.

اعلان تغییر سلطنت در عصر آن روز انتشار یافت و اطلاع رسمی در روز بعد که ۱۸ ماه ژویه [۲۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] باشد به سفارتین داده شد. سوادى از هر دو اعلان لفاً فرستاده شد، ملاحظه خواهید نمود که در مراسله سفارت نوشته شده است که محمد علی خلع گردید در صورتی که در اعلان اظهار شده است که محمد علی به میل خود استعفاء کرد.

در همان روز که ۱۸ ماه باشد شاه کوچک از سفارت روس خارج شد و با همراهی مستحفظین سفارتین به سلطنت آباد حرکت نمود و در آنجا پذیرائی از هیئت مجلس عالی نموده و به او رسماً اعلان شد که به مقام شاهی رسیده است. وقایع این مجلس رسمی را که به قلم ماژور استوکس نگاشته شده در صورتی که شخصاً حضور داشته است لفاً ارسال می‌دارم.

سه روز بعد که ۲۱ ماه باشد همکار روس من و من رسماً به وزارت خارجه اطلاع دادیم که دولتین سلطان احمد را به شاهی ایران خواهند شناخت.

پیش از اتمام این مراسله من مایلم که اظهار رضایت خود را از خدماتی که ماژور استوکس و مستر چرچیل و ماژور اوکونر (قنصل اعلیحضرتی مقیم سیستان که در این موقع در طهران بود و خود را برای خدمات حاضر نمود) در این اغتشاش اخیر کرده‌اند بنمایم. هر سه این اشخاص کارهای خیلی مفید در شهر نمودند در صورتی که خطر زیادی محتمل بود. همچنین من مایلم که ذکرى از خدمات دکتر اسکات (اجزاء کمپانی هند و اروپا) بنمایم. بواسطه واقع شدن خانه او در محلی که متصل تیر به آنجا انداخته می‌شد، به سفارت آمده و در آنجا خدمت خوبی به زخم خوردگان که به سفارت آورده بودند نمود. من اجازه به دکتر نلیکان ندادم که به کمک دکتر اسکات برود زیرا که دخول به سفارت خیلی خطرناک بود و من مایل نبودم که کسی بی‌فایده مورد خطر واقع گردد. بهمین جهت دکتر اسکات بتهایی کار می‌نمود. بالاخره من مایلم که تذکری از عقل و آرامی اتباع انگلیس بنمایم در صورتی که چندین خانه اتباع انگلیس در معركة جنگ واقع شده بود و خسارت فوق‌العاده به آنها وارد آمد مع ذلك در این مدت سه روز جنگ يك خبر موجب نگرانی از اتباع

انگلیس به من راپورت داده نشد.

امضاء بارکلی

www.adabestanekave.com

ضمیمه ۱ در نمره ۱۹۹

یادداشت مستر چرچیل مورخه ۱۶ ماه ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] در ۹ ماه ژوئیه [۱۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۰ ج ۲ - ۱۳۲۷] سپهدار با ۱۰،۰۰۰ نفر تمام از کرج بطرف جنوب شرقی که رباط کریم باشد حرکت نمود. در آن نقطه سردار اسعد را که با ۱،۲۰۰ نفر بختیاری اردو زده بود ملاقات کرد. امیر مفخم که یکی از رؤسای بختیاریهای طرفدار شاه بود با ۲۰۰ نفر در همان موقع برای مصاف سپهدار پیش آمد. صبح زود روز بعد قشون مختلط سپهدار که مرکب از قفقازی و ایرانی بود (من اینها را بواسطه نبودن اسم بهتری فدایی می نامم) با بختیاریهای امیر مفخم مصاف شده بودند و گمان کردند که ایشان بختیاریهای سردار اسعد هستند. این بختیاریهای دولتی که بیرق قرمز ملتیان را همراه داشتند سعی نمودند که فداییها را گول زده و آنها را مجبور به خلع سلاح نمایند ولی این خدعه آنها فوراً معلوم گردید. جنگ سختی در گرفت و دولتیان عقب نشستند. در عصر همان روز سردار اسعد به آن نقطه وارد گردید. فداییان گمان کردند که آنها همان بختیاریهای دولتی هستند و شروع به تیر انداختن بطرف آنها نمودند ۵ نفر از آنها را مقتول و عده زیادی را هم مجروح کردند. اشتباه زود معلوم گردید و دو قشون ملی در بادامک ملاقات نموده و در روز ۱۱ و ۱۲ [۲۰ و ۲۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۲ و ۲۳ ج ۲ - ۱۳۲۷] ایشان با حملات پی در پی قشون دولتی را که مرکب بود از ۴۰۰ نفر قزاق در تحت فرمان کاپیتن زیپولسکی با عدهای از سوارهای غیرمنظم شاه و بختیاریهای دولتین و چندین عراده توپ پس نشانند و با وجود شلیک توپ سختی که از طرف دولتیها به ایشان می شد نقاط خود را بخوبی نگاه داشتند. در شب ۱۲ ماه ژوئیه [۲۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۳ ج ۲ - ۱۳۲۷] تمام قشون ملی را مابین قزاقها و سوارهای شاه که در شاه آباد و احمد آباد و یافت آباد گذاشته شده بودند گذاشتند و توانستند که بی خبر قشون دولتی عبور نمایند و در ساعت ۶ صبح ۱۳ ماه ژوئیه [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ ج ۲ - ۱۳۲۷] تمام قشون ملی از دروازه یوسف آباد که در شمال شهر واقع است وارد طهران شدند.

آنها به ردیف سه نفری از سفارت انگلیس گذشتند و بعد به سه دسته قسمت شده و بطرف بهارستان رفته بدون هیچ مصادمه به آنجا رسیدند. از سربازانی که در قراولخانهها بودند بی اشکال خلع سلاح نمودند اگرچه در قراولخانه روبروی سفارت انگلیس سه نفر کشته شدند.

سربازانی که قراول میدان توپخانه بودند تیر بطرف دسته فداییان که از سفارت انگلیس بطرف میدان می رفتند انداختند و دروازه های میدان را هم فوراً بستند. بختیاریها سه دروازه شمالی و سه دروازه غربی شهر را تصرف نمودند ولی سه دروازه شرقی شهر در دست قزاقها ماند.

در صبح همان روز کاپیتن زیپولسکی با ۴۰۰ نفر قزاق از یکی از دروازه‌ها داخل شهر شد و خود را به کولونل لیاخف که در تمام این مدت در قزاقخانه با ۴۰۰ نفر قزاق بود ملحق ساخت. مابقی قزاقها که ۳۰۰ نفر بودند در تحت ریاست کاپیتن پربینوزف در سلطنت آباد پیش شاه بودند.

بعلاوه قزاقها ۲،۰۰۰ نفر قشون دیگر که در تحت ریاست امیر بهادر بود ابداً داخل جنگ نشده و نزد شاه بودند.

در تمام مدت این سه روز جنگ ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ [۲۲ و ۲۳ و ۲۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] قزاقها در قزاقخانه مشغول دفاع بودند و ۳۰۰ نفر قشون غیرمنظم شاه میدان توپخانه را در دست داشتند و قشون عمده سپهدار و سردار اسعد مابقی شهر را متصرف بودند و مرکز آنها در بهارستان بود. در صورتی که یک دسته فداییان از جان گذشته مندرجاً هرچه ممکن بود نزدیک قزاقخانه آمده و هوزر خود را با اثر زیاد بکار می‌بردند و در شب هم بمب می‌انداختند.

در ۱۴ ماه شاه اظهار نمود که خیال دارد با تمام قوای خود حمله به شهر بیاورد و اگر موفقیت حاصل نکرد متحصن به سفارت روس خواهد گردید. این حمله مبدل به شکست شد به این شکل که کاپیتن پربینوزف از تپه‌های قصر قجر محله بهارستان را بتوپ بست و با کمک توپ عده‌ای از سوارهای غیرمنظم شاه یورش به دروازه دوشان تپه آوردند ولی بختیاربها طوری مدخل دروازه را حفظ کردند که سوارهای شاه با کمال بی‌نظمی فرار نمودند در صورتی که بمباردهان هم ابداً اثری نبخشید. در همان مواقع کولونل لیاخف سعی نمود که بهارستان را به توپ ببندد ولی درجه‌بندی توپچیان بایستی خیلی ناصحیح بوده باشد که چندین گلوله در بالای بانک شاهنشاهی ترکید و یک گلوله اطاقی را که من در آن بودم سوراخ کرده داخل شد بدون آنکه خرابی زیادی وارد آورد.

من شب را در بانک شاهنشاهی بسر بردم و از روی تجربه دانستم که بمب‌انداختن فداییها در شب هنگامی که آنها بنزدیک نقاط دولتیان رفته و بمب می‌انداختند چگونه طرف مقابل را مرعوب و ضایع می‌ساخت.

جنگ سختی در نزدیکی خانه مستر باکر واقع شد (که خسارت فوق‌العاده بواسطه گلوله‌های توپ به آنجا رسید) در این حمله فداییها خانه‌ها را تصرف کرده بودند و به نزدیکی قزاقخانه حمله می‌آوردند.

برای کسی که در طهران بود و اوضاع را مشاهده می‌نمود خوب واضح می‌گردید که برای قشون شاه اگرچه ممکن بود بواسطه زد و خورد مختصر جنگ را طولانی نمایند ولی غیرممکن بود که ملتیان را از نقاط خود خارج سازند در صورتی که عده کثیری از طرفداران شهری هم به ملتیان ملحق شده بودند ولی صاحب‌منصبان ایرانی باز هم به شاه اطمینان می‌دادند که فتح با او خواهد بود و بهمین جهت روز بعد که ۱۵ باشد سوارهای شاه مجدداً سعی نمودند که هجوم به دروازه‌ها بیاورند اما قزاقها فقط مشغول دفاع بودند. هر حمله‌ای دولتیان می‌نمودند فداییان آنان را با خسارت فوق‌العاده پس می‌نشانند.

در همان روز عده‌ای از بختیاربهای دولتی خواستند خود را به یک خانه‌ای که نزدیک

سفارت انگلیس بود برسانند. جنگ سختی مابین آنها و فداییها در گرفت. رئیس غلامهای سفارتی که در دم درب معمولی سفارت ایستاده بود تیری به رانش خورد ولی خوشبختانه زخم خطرناک نیست و رو به بهبودی است.

تقریباً ۱۵۰ نفر از ارامنه که در این محله سکنا دارند چون خود را در معرض خطر دیدند به سفارت متحصن شدند.

ماژور استوکس و ماژور اوکونر (قنصل اعلیحضرتی هقیم سیستان که از راه طهران می‌خواست به ماهوریت خود برود) ماهور نظم در سفارت شده بودند. دکتر اسکات و مستر باکالی با عیال و اطفال خود به سفارت آمده بودند چون خانه‌های ایشان در محل دعوا واقع شده بود و برای آنها تا یک اندازه احتمال خطر می‌رفت.

مقتولین و مجروحین این نقطه شهر زیاد بودند و مجروحین را متصل به سفارت می‌آوردند و دکتر اسکات مریضخانه موقتی در سفارت ترتیب داده بود. من در ۱۵ ماه به آنجا رفته و در آنوقت ۱۰ نفر تحت معالجه بودند ولی روز بعد عده ایشان به ۱۵ نفر رسید و بعضی از آنها هم در این بین مردند. زخم بعضی از آنها خیلی سخت بود و من می‌توانم بگویم آن طرز شایسته‌ای که دکتر اسکات به این مجروحین رسیدگی می‌کرد و بتهایی هر قدر برای او ممکن بود درد و الم آن بیچارگان را تخفیف می‌داد زیاده از حد قابل تمجید است.

در ۱۵ ماه چند گلوله توپ بیرون باغ سفارت ترکید و یکی از آنها در خود باغ افتاد ولی نترکید. خسارت به عمارت سفارتی وارد نیامده است. در ۱۶ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] شاه به سفارت روس متحصن شد و جنگ خاتمه پذیرفت.

من مایلم این مطلب را اظهار دارم که در تمام مدت این سه روز جنگ عموم اتباع انگلیس در طهران آرامی فوق‌العاده‌ای از خود بروز دادند. اجزاعبانک شاهنشاهی و اداره تلگرافخانه هند و اروپا و همچنین کمپانی هند و اروپا تمام در شهر بودند و اغلب آنها مثل همیشه به اداره خود می‌رفتند. با وجودی که در آن محلات جنگ بود ولی من از هیچکدام آنها یک کلمه شکایت نشنیدم.

خبرنگاران جراید مستر فریزر مخبر «تایمز» و ملونی مخبر «رویتر» در تمام این مدت در شهر بودند حتی در سنگرها هم رفته و جنگ را تماشا می‌کردند. من می‌توانم این عقیده ثابت خود را اظهار دارم که در هیچ وقت هیچ خارجه‌ای در موقع خطر واقع نگردیده است بغیر از امکان خوردن تیر هوائی که آنهم با احتیاط معموله خوف مخاطره نبود.

فداییها و بختیاریها احترام فوق‌العاده از خارجه می‌نمایند. وقتی که من از بانک به سفارت می‌رفتم یک طرف راه را دولتیان و یک طرف آن را ملتیان در دست داشتند و ابدأ احتمال خطر برای من نمی‌رفت. در سه موقع که من به بهارستان رفتم خیلی سلوک محترمانه از طرف ملتیان مشاهده نمودم. جمعیتی که در درب مجلس جمع شده بودند همیشه «هورا» برای غلام و سوارهای سفارت می‌کشیدند.

ضمیمه ۲ در نمره ۱۹۹

اعلام‌نامه

چون اوضاع مملکت ایران نشان می‌دهد که استقرار نظم و امنیت مملکت و برقراری حقوق و اطمینان قلوب ملت بدون تغییر سلطنت ممکن نبود و چون شاه سابق از تنفر ملت نسبت به خود کاملاً آگاه بود به این جهت در سفارت روس در تحت حمایت انگلیس و روس متحصن گردیده و به میل خود از تاج و تخت ایران استعفاء نموده است.

لهذا در نبودن سنا و مجلس شورای ملی نظر به لزوم موقع مجلس فوق‌العاده عالی در جمعه ۲۷ جمادی‌الآخره ۱۳۲۷ (۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹) [۲۵ تیر ۱۲۸۸] در عمارت بهارستان طهران تشکیل یافت. اعلیحضرت همایونی (سلطان احمد میرزا) ولیعهد ایران به شاهنشاهی ایران انتخاب گردیده است.

عجالتاً نیابت سلطنت به جناب عضد‌الملک واگذار شده تا اینکه بعد از افتتاح پارلمان به موجب ماده ۳۸ قانون مشروطه راجع به نیابت سلطنت و برحسب مقتضیات وقت ترتیب قطعی داده شود.

امضاء سپه‌دار اعظم وزیر جنگ

علیقلی وزیر داخله

www.adabestanekave.com

ضمیمه ۳ در نمره ۱۹۹

اخطار رسمی از طرف دولت ایران

چون اغتشاش ایران و بی‌نظمی ولایات محتاج به تشکیل ادارات دولت بود و در این عقیده تمام ایرانیان متفق بودند و نظر به مقتضیات زمان و اوضاع مملکت و تنفر مردم از محمد علی میرزا ممکن نبود که حقوق و امنیت ملت را بدون تغییر سلطنت تحصیل نمود باین جهت در نبودن سنا و مجلس شورا یک مجلس فوق‌العاده عالی در ۱۶ ماه ژوئیه [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] در بهارستان طهران تشکیل یافت. اعضاء این مجلس که رؤساء مجاهدین و علماء و شاهزادگان و اعیان و اشراف و عده‌ای از وکلاء سابق هستند به اکثریت آراء مصمم خلع محمد علی میرزا شدند و به موجب ماده ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی اعلیحضرت سلطان احمد میرزا را به سلطنت انتخاب و نیابت سلطنت موقتاً به عضد‌الملک داده شد. بعد از افتتاح پارلمان به موجب ماده ۳۸ قانون اساسی ترتیب قطعی راجع به نیابت سلطنت داده خواهد شد.

لهذا به موجب این مراسله رسمی به شما اطلاع از خلع محمد علی میرزا و جلوس سلطان احمد میرزا بسلطنت ایران می‌دهیم.

ضمیمه ۴ در نمره ۱۹۹

یادداشت ماژور استوکس در تفصیل پذیرایی نمودن هیئتی از طرف دولت موقتی از سلطان احمد شاه.

بعد از آنکه محمد علی به سفارت روس متحصن گردید و قبول نمود که پذیرایی نماید از هیئتی که ماهور اعلام جلوس پسر او سلطان احمد به سلطنت ایران بودند در روز ۱۷ ماه ژویه [۲۶ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] سلطان احمد به شاهی ایران اعلان گردید. در ساعت ۱۰ صبح روز ۱۸ ماه ژویه هیئتی از طرف دولت جدید در سلطنت آباد منتظر ورود سلطان احمد شاه شدند. هیئت مذکوره مرکب بود از نایب السلطنه عضدالملک و علماء و اعیان ذیل:

آقای بهبهانی (پسر سید عبدالله مجتهد)

آقای امامزاده (پسر مرحوم امام جمعه و برادر امام جمعه حالیۀ طهران)

نظام الملک

موتق الدوله (سابقاً ناظر مظفرالدین شاه بود)

علاء الدوله

علاء الملک.

سلطان احمد شاه با مستحفظین قزاق روس و سوار هندی از سفارت روس در کالسکه حرکت نمود. در کالسکه دوم هو ق الملک ناظر ولیعهد و ظل السلطان پسر عهوی محمد علی و دو نفر شاهزاده قاجار دیگر بودند. سسیو اسمیرنوف که دو سه سال است معلم شاه جدید است در کالسکه خودش همراه موکب سلطنتی بود و محض این آمده بود که به مستحفظین بگوید چه موقع مراجعت نمایند.

در ورود به سلطنت آباد مستحفظین مراجعت کردند. اعلیحضرت شاه در عمارت از کالسکه درآمده و بطرف عمارت پیاده حرکت نمود. تقریباً سی ذرع به عمارت مانده عضدالملک رئیس ایل قاجار شاه را پذیرایی کرد و با یک طرز خوش و مهربانی چند کلمه نطق نموده شاه را به دخول عمارت دعوت نمود.

رفتار شاه جوان خیلی موقرانه بود ولی در اول یک اندازه به نظر عصبانی (نرو) می آمد. این هیئت اعلیحضرت شاه را در عمارت ملاقات کردند و فقط ایرانی در آنجا اجازه دخول داشت و خطابه ذیل را برای او قرائت نمودند:

به اعلیحضرت همایونی سلطان احمد شاه خلدالله ملکه و سلطانه

چون سلطان شما والاحضرت شاهزاده محمد علی میرزا از شغل مهم سلطنت به موجب ماده ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی معاف شده اند مجلس فوق العاده که در ۲۷ جمادی الاخر (۱۶ ژویه) [۲۵ تیر] در عمارت بهارستان منعقد گردید سلطنت را به اعلیحضرت همایونی شما تفویض کرده است. اعلان در این خصوص منتشر و نیابت سلطنت هم موقتاً به جناب عضدالملک واگذار شده است تا اینکه بعد از انعقاد مجلس شورای ملی به موجب ماده ۳۸

قانون اساسی ترتیب قطعی در این خصوص داده شود. این ابلاغ را نمایندگان مجلس فوق‌العاده عالی از طرف مجلس مذکور به پایه سریر اعلیحضرت همایونی شما آورده‌اند و ما که اینجا حاضریم از طرف تمام رعایای شما تبریکات صمیمی خود را تقدیم نهوده و از خداوند درخواست می‌نماییم که سلطنت مشروطه اعلیحضرت شما با هر نوع خوشی و آسایش برای ابناء ایران زینت‌بخش گردد و ترقی و سعادت مملکت در زیر سایه عنایت شما به سر حد ازدیاد و تکمیل برسد.

این پذیرایی بسیار ساده بود و اشخاصی که حضور داشتند هیچ‌یک با لباس رسمی نبودند. رویهم‌رفته بیش از ۳۰ نفر حضور نداشتند و چنین به نظر رسید که بغیر از دو نفر علماء اشخاصی که انتخاب شده بودند و حضور بهم‌رسانیدند یا از ایل قاجار یا از درباریان بودند. سرداران ملی و رؤسای ملتیان حضور نداشتند. بعد از این مجلس شاه چند روزی در سلطنت‌آباد اقامت کرده و بعد به طهران عزیمت نمود.

نمره - ۲۰۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۷ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۵ مرداد ۱۲۸۸؛ ۳۰ رجب - ۱۳۲۷] از قلهک.

دو مطلب دیگر راجع به حرکت شاه سابق بعلاوه مطالبی که مربوط به مستمری و جواهرات سلطنتی است بتازگی روی داده است: آن دو مطلب یکی قروض شخصی شاه سابق به بانک روس است، دیگری تقصیرات و دعاوی اتباع او است. مطلب آخری در مجلسی که مابین نماینده دولتین و نمایندگان دولت ایران که در ۱۵ و ۱۶ ماه اوت منعقد گردید بالاخره تسویه شد. مطلب اول را نمایندگان دولت ایران باینطور قبول نمودند که اعلیحضرت شاه تمام املاک خود را به دولت ایران واگذار نماید و در عوض دولت ایران جزئی اضافه بر مستمری او نموده و قروض او را هم به بانک استقراضی قبول نماید. بدبختانه اشکالی روی داده است که ما مجبور به خواستن دستورالعمل از دولتین خود شده‌ایم و من و همکار روس من با نمایندگان دولت ایران قرار گذاشتیم که حرکت شاه سابق موقتاً به عهده تعویق بماند.

دولت ایران از ما تقاضا نموده است که ما قراردادی بنماییم که هرگاه به دولتین ثابت شود که شاه منفی [= مستغفی؟] مشغول تحریکات در ایران است دولت ایران از اداء مستمری او معاف باشد.

طبیعی است که دولت ایران سعی می‌نماید که جلوگیری از این قبیل احتمالات بشود ولی مسئله امر مشکلی است و من گمان نمی‌کنم که دولت روسیه این پیشنهاد را قبول بنماید زیرا اولاً ممکن است به این ترتیب مستمری شاه سابق قطع گردد و دولت روسیه مجبور به نگاهداری از او بشود. بعلاوه این مطلب ممکن است به عدم خلوص نیت روسیه تعبیر گردد.

نمره - ۲۰۱

مراسله سر ادوارد گری به سر بارکلی مورخه ۱۷ ماه اوت ۱۹۰۰ [۲۵ مرداد ۱۲۸۸: ۳۰ رجب - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.
آقا

سفیر ایران امروز از من ملاقات کرد و از احساساتی که در ایران بواسطه مداومت توقف قشون روس در مملکت و مخصوصاً در قزوین ظهور بهم رسانیده است بیان نمود و شکایت کرد که قشون روس در قزوین مورد سوء ظن واقع شده‌اند از اینکه شاید بطرف طهران حرکت کنند. و این سوء ظن بواسطه اردو زدن آنها در ۸ میلی خارج قزوین بطرف طهران است در صورتی که اگر مقصود حفظ‌الصحه باشد ممکن بود که قشون اردوی خود را در ۸ میلی از قزوین بسمت رشت قرار دهند.

من به سفیر ایران گفتم که این مسائل کاری است که باید بین دولت ایران و دولت روسیه مذاکره شود ولی همینقدر می‌توانم بگویم که وقتی مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] اینجا بود اظهار میل در خارج کردن قشون روس از قزوین می‌نمود و توضیح داد که اشکال اقدام به این کار این است که هیچ‌کس هنوز هم مطمئن از استقرار نظم ثابتی نیست و مشارالیه گمان می‌نمود که خیلی کار بدی خواهد شد بعد از آنکه قشون خارج شدند ثانیاً مجبور به عودت دادن آنها بشویم و نمی‌خواست چنین اتفاقی روی دهد. با وجود آنکه خیلی از اتباع روس در ایران اظهار خوف کرده‌اند و اصرار نمودند که قشون روس به طهران فرستاده شود ولی دولت روس اعتنائی نکرده است و خودداری آن دولت به موقع ثبوت رسیده است. باز هم در ایران بی‌نظمی بسیار است، مثلاً شکایات زیاد از ناامنی راههای جنوب و خساراتی که به تجارت انگلیس وارد می‌شود به من می‌رسد. اگر به همین قسم شکایات از شمال ایران برای روسیه برسد خیلی برای او مشکل خواهد بود که قشون خود را خارج نماید.

من به سفیر ایران گفتم که دولت متبوعه او خوب است اقدامات لازمه را با دولت روس مذاکره نماید هرچند محتمل است که دولت روسیه بعد از این اغتشاشاتی که روی داده است مایل به اقدام در این خصوص نباشد تا آنکه مسیو پاکلاوسکی [پاکلاوسکی] بعد از رسیدن بطهران راپورتی از اوضاع بدهد.

سفیر ایران اهمیت زیاد به انتظام کاملی که در طهران و قزوین برقرار است می‌داد. من گفتم که اگر اوضاع سابقه هم بطور حالیه بود هیچوقت دولت روسیه قشون نمی‌فرستاد ولی چون قشون فرستاده شده‌است و آنها هم در آن نقطه هستند دولت روسیه ملاحظه از خارج کردن آنها دارد تا آنکه مطمئن شود که اوضاع همینطور رو به بهبودی خواهد رفت.
امضاء ادوارد گری

نمره - ۲۰۲

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۱۷ ماه اوت ۱۹۰۰ [۲۵ مرداد ۱۲۸۸؛ ۳۰ رجب ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.
اگر شما ایرادی نمی بینید ایستادگی کنید که گرفتن راهداری فوراً برداشته شود (مراجعه کنید به مراسله ۱۸ ماه گذشته ژنرال قنصل اعلیحضرتی هقیم بوشهر).
من اقدامی نخواهم کرد تا اینکه اطلاعی از مذاکرات شما با ژنرال قنصل حاصل نمایم ولی اتمام این مسئله اهمیت فوق العاده دارد.

نمره - ۲۰۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۸ اوت ۱۹۰۰ [۱۶ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۷] از قلعهك.
محمد علی میرزا قبول نمی کند که املاك خود را به ترتیبی که در تلگراف سابق ذکر شد واگذار نماید. مفاد آن ترتیب مجعلا از اینقرار است:
دولت ایران قروض او را که تقریباً ۱۴۰۰۰۰۰۰ تومان از قرار فرع صد ۱۲ است به عهده خود می گیرد و مستمری او را ۹۰۰۰۰۰ تومان در سال قرار می دهد. اعلیحضرت درعوض املاك خود را که عائدی آن از ۵۰ الی صد هزار تومان تخمین شده است به دولت ایران واگذار می نماید.
از نقطه نظر مالیه این ترتیب خیلی به حال شاه سابق مفید خواهد بود و چیزی که دولت ایران را مجبور به قبول این ترتیب نمود اولاً ترس اینکه شاید شاه سابق بواسطه املاك خود تحریکات در ایران بنماید، ثانیاً احتراز از آنکه املاك به دست خارجه بیفتد. به این ترتیب منافع مشروع شاه سابق محفوظ مانده و در عوض این ضرر مالی منافع سیاسی زیادی به دولت ایران رسیده است. بانک روس هم صرفه برده است برای اینکه دولت ایران ضمانت قرضی را نموده است که رهن آن آنقدری که به نظر می آید کفایت فرع آن را نمی دانه است، و بعلاوه از زحماتی که این نوع ضمانتها حتماً دارا خواهد بود راحت شده اند.

اعلیحضرت باز هم قبول نمی کند در صورتی که ما سعی کرده و به او حالی نمودیم که این ترتیب شخصاً به حال او مفید خواهد بود.
همکار روس من و من امیدواریم که از دولتین متبوعتین خودمان برای ما دستورالعمل برسد که ما اعلیحضرت را مجبور به قبول بنماییم مسیو سابلین هم که کاملاً موافقت با این عقیده ما دارد تلگراف به پترزبورغ نموده و اجازه برای این اقدام خواسته است.
باید به اعلیحضرت یادآوری شود که حمایت متحدانه ای که به ایشان کرده شده است راجع به شخص او بوده و به این جهت ما می توانیم به او بفهمانیم که اگر باز هم این ترتیب را قبول نکند نه فقط از اضافه مستمری محروم خواهد بود بلکه اگر دولت ایران خود را مسؤل قروض او به بانک روس نماید همینطوری که دولت ایران الان هم با بعضی شرایط

مایل است اجازه به دولت ایران داده خواهد شد که املاک او را توقیف نماید بدون اینکه از طرف سفارتین پروتست بشود.

نمره - ۲۰۴

تلگراف سر ادواردگری به مستر اوپرون مورخه ۱۹ اوت ۱۹۰۰ [۲۷ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲ شعبان ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.
دولت اعلیحضرتی کاملاً شریک عقیده سر بارکلی است که در تلگراف ۱۸ ماه خود درخصوص املاک شاه سابق اشعار داشته بود.
شما خوب است این مطلب را به دولت روسیه اطلاع داده و تقاضا نمایند که به شارژ دافر خودشان اجازه بدهند متحداً مذاکره‌ای را که در جمله آخر تلگراف مذکور بود به اعلیحضرت بنمایند.

نمره - ۲۰۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۲ ماه اوت ۱۹۰۰ [۳۰ مرداد ۱۲۸۸؛ ۵ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.
فرمانفرمای جدید مخبرالسلطنه به تبریز وارد گردید.

نمره - ۲۰۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۳ ماه اوت ۱۹۰۰ [۳۱ مرداد ۱۲۸۸؛ ۶ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

تبریز

کفیل ژنرال قنصلگری اعلیحضرتی به من اطلاع داده است که ۳ دسته قشون روس که هر دسته ۸۰ نفر بودند از تبریز به قرا داغ رفته‌اند. این استعداد که رئیس اتاماژور و صاحب‌منصبان اتاماژور داخل آن هستند برای حمایت از دهاتی که اقوام رحیم‌خان غارت می‌نمایند عازم شده‌اند. احکام اکیده به صاحب‌منصبان صادر شده است که اسباب هیجان اهالی نشوند و مداخله در کارهای اداری ننمایند.

نمره - ۲۰۷

مراسله سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۲۳ ماه اوت ۱۹۰۰ [۳۱ مرداد ۱۲۸۸؛ ۶ شعبان ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

آقا

مراسلات ۱۲ و ۱۳ ماه گذشته شما که راپورت حوادث اخیراً ایران بود از زمان قبول شاه پروگرام رفورم دولتین انگلیس و روس را تا خلع او، واصل گردید. من اظهار تشکر زیاد خود را از این راپورتهایی که با دقت کامل خوانده‌ام می‌نمایم و بعلاوه رضایت خود را از اعلی مرتبه لیاقتی که شما در تمام این مدت نشان داده‌اید اظهار می‌دارم. من با امتنان از خدمات شایان آقایان مذکور در مراسله آخری شما اطلاع حاصل نمودم. چون اغلب این اشخاص مستخدم دولت هندوستان هستند من مطلب را به استحضار «ویکنت مورلی بلاک‌برن» رسانیدم. حرکات عاقلانه و اطوار مردانه اتباع انگلیس مقیم طهران در این مدت پرزحمت تأثیر زیادی به دولت اعلیحضرتی نهوده است.

امضاء ادواردگری

نمره - ۲۰۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۴ اوت ۱۹۰۰ [۱ شهریور ۱۲۸۸؛ ۷ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

املاک شاه سابق

شارژ دافر روس به من اطلاع داد که به عقیده ژنرال قنصول روس در تبریز املاک شاه سابق در آذربایجان بیش از ۴۰۰۰۰ تومان در سال عائدی ندارد و تسلیم نمودن شاه املاک خود را به شروطی که پیشنهاد شده است تسهیل در حرکت او خواهد داد به جهت اینکه ما آنوقت می‌توانیم به دولت ایران اصرار نماییم که ترك بعضی دعاوی متفرقه خود را از قبیل جواهرات، نفنگ، اسب، الاغ و زین و غیره که در صورتی که نزد مافرستاده شده درج است بنماید. ترتیب دیگر غیر از این شکل اینست که اجازه به شارژ دافر روس داده بشود که مسئله قرض بانک روس را برای بعد بگذارد تا در آن قراری داده شود.

نمره - ۲۰۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۵ ماه اوت ۱۹۰۰ [۲ شهریور ۱۲۸۸؛ ۸ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

عفو عمومی

(راجع به تلگراف ۱۳ ماه اوت شما)

در جواب یادداشت متحد سفارتین مراسله طولانی و غیرشافی از طرف دولت ایران فرستاده شده است. دولت ایران اظهار می‌دارد که اهمیت عفو عمومی بر آنها واضح است و در موقع اعلان خواهند نمود.

نمره - ۲۱۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۵ ماه اوت ۱۹۰۰ [۲ شهریور ۱۲۸۸؛ ۸ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

املاک شاه سابق

خواهش می‌کنم به تلگراف من مورخه ۲۴ ماه اوت رجوع نمایید.

تلگراف ذیل از ژنرال قنسول تبریز رسیده است:

عائدی املاک آذربایجان برحسب تسعیر غله تفاوت پیدا می‌کند. من از منبع موثقی اطلاع حاصل نموده‌ام که در موقع نظم و آسایش عائدی املاک تخمیناً ۵۰،۰۰۰ تومان است. از این ۵۰،۰۰۰ سی‌هزار تومان جنس و مابقی نقد است. ژنرال قنسول روس اینطور تلگراف می‌نماید قیمت گندم بعد از استقرار مشروطیت به نرخ معمولی برگشت نمود و عایدی شاه از این املاک فقط قسمت اربابی است.

نمره - ۲۱۱

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۲۶ اوت ۱۹۰۰ [۳ شهریور ۱۲۸۸؛ ۹ شعبان ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

شما خوب است باتفاق مسیو سابلین به دولت ایران اصرار در دادن عفو عمومی بکنید (ملاحظه نمایید تلگراف دیروز خودتان را).

نمره - ۲۱۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۷ اوت ۱۹۰۹ [۴ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

ویس قنسول اعلیحضرتی مقیم رشت تلگرافی به من نموده مشعر بر اینکه ظل‌السلطان را خلاص کرده‌اند. مشهور است که شاهزاده ۳۷۰،۰۰۰ تومان به عنوان ضمانت پرداخته است.

نمره - ۲۱۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۷ اوت ۱۹۰۹ [۴ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

مجلس عالی پسر کوچک محمد علی، محمد حسن میرزا را به ولیعهدی انتخاب نموده‌اند.

نمره - ۲۱۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۷ اوت ۱۹۰۹ [۴ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

اوضاع تبریز

اعضاء کمیته به من اطلاع دادند که ۲۰۰ نفر قزاق ایرانی و تقریباً ۱۰۰ نفر سوار دیگر در هفته آتیه برای حکومت به تبریز حرکت خواهند نمود. آنها به من اطمینان دادند که نتخواه لازمه برای فرستادن این قوه داده خواهد شد.

نمره - ۲۱۵

تلگراف مستر اوبرون به سر ادواردگری مورخه ۲۷ ماه اوت ۱۹۰۹ [۴ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

املاک شاه سابق

شارژ دافر روس راپورتی برای دولت روسیه فرستاده است مشعر بر اینکه دولت ایران حالا راضی شده است که در صورت فوت محمدعلی میرزا سالی ۲۰۰۰۰ تومان به خانواده او مستمری بدهد.

کفیل امور وزارت خارجه به مسیو سابلین تلگراف نهوده است که دولت روسیه این ترتیب پیشنهاد شده را در تسلیم املاک به دولت ایران قبول می نماید مشروط بر اینکه دولت ایران مسائل راجعه به مستمری و غیره را کتباً قبول نماید.

مسیو سزانوف به من گفت بمحض اینکه دولت ایران قول لازمه بدهد دستورالعمل به مسیو سابلین خواهد فرستاد که همانطور که سر بارکلی در تلگراف ۱۸ خود پیشنهاد نموده بود به شاه فشار بیاورد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۱۶

مراسله سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۸ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۳ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

افتخار دارم که راپورت بدهم امروز صبح در ساعت ۱۱ اعلیحضرت سلطان احمد شاه دفعه اول بود که از سفراء پذیرائی نمود.

نایب السلطنه عضد الملك رئیس محترم ایل قاجار تقریباً ۸۰ سال دارد و با يك طرز موقرانه از طرف شاه جوان ۱۳ ساله مشغول پذیرایی بود. سفیر آلمان از طرف سفرای دیگر در يك نطق مختصری تبریکات همکارانش را به حضور شاه تقدیم نمود و بعد از طرف امپراطور و دولت آلمان دو مرتبه شاه را تبریک گفت. نایب السلطنه از طرف شاه با چندین الفاظ پسندیده از اظهارات دوستانه ادای تشکرات صمیمانه نمود و به مقدم السفراء

(دوداین) اطمینان داد که مقصود بزرگ دولت شاه عبارت از دوام و تقویت روابط دوستانه‌ای است که خوشبختانه مابین دولت ایران و دول خارجه برقرار است. بعد نایب السلطنه شاه را نزد یک به یک از سفراء برده و آنها نیز اجزاء خود را به شاه معرفی نمودند و از طرف پادشاهان خود جواب احوال‌پرسی رسمی را دادند. وقتی که نوبت به من رسید موقع را غنیمت شمرده تبریکات صادقانه اعلیحضرت پادشاه و دولت اعلیحضرتی و نایب‌السلطنه هندوستان را تقدیم حضور شاه نمودم. نایب‌السلطنه در جواب از من خواهش نمود که تشکرات صمیمانه شاه را در عوض به اعلیحضرت پادشاه انگلستان تقدیم نمایم و بعلاوه نایب‌السلطنه اظهار نمود که در ۳۰ سال قبل در یکی از مسافرت‌های ناصرالدین شاه به فرنگ افتخار داشتم که با اعلیحضرت پادشاه انگلیس ملاقات کرده در حضور ملکه «ویکتوریا» معرفی شده‌ام.

بعد در اطاق دیگر دو مرتبه نایب‌السلطنه از سفراء پذیرایی نمود. باید این ملاقات و الاحضرت عضدالملک در این سن زیاد و معتاد نبودن به زندگانی رسمی و عدم معاشرت با خارجه خیلی اسباب زحمت ایشان شده باشد با وجود این با یک طرز دلربایی ممتاز و شایان دقت نظر از سفراء پذیرایی نمود.

غیبت درباریان عمده که دائماً در این قسم مجالس حضور داشتند و اسباب کلی اضمحلال سلطنت ظالمانه محمد علی را فراهم نمودند بی‌اندازه در این موقع آشکار بود. دو نفر رئیس ملت که این تغییرات کلی را به ظهور رسانیدند حضور نداشتند.

نمره - ۲۱۷

مراسله سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۰ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۸ مرداد ۱۳۸۸؛ ۲۳ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.
آقا

پس از آنکه ملتیان طهران را تصرف نمودند در واقع زمام دولت به دست کمیته ۲۵ نفری افتاده است که برای راهنمایی وزراء ایشان را مجلس عالی انتخاب نموده است. کابینه تشکیل شده ولی هیچ‌یک از وزراء بدون مشورت کمیته نمی‌تواند در امری اقدام نماید. این کمیته روی هم رفته خوب از عهده اداره امور برآمده است. پس از اختتام جنگ فوراً نظم را برقرار نمودند و تا به حال بغیر از حرکات قشون شاه که متفرق شده‌اند و در بعضی از نقاط اسباب اغتشاش را فراهم می‌نمایند کسی در مقام اغتشاش نیست و نظم برقرار است.

وقت انعقاد مجلس هنوز تعیین نشده ولی کمیته لزوم انعقاد فوری مجلس را بخوبی حس کرده و انتخابات بر وفق قانون جدید در جریان است.

در عموم ولایات تغییر دولت از طرف اهالی بخوبی پذیرفته شده است. عجلتاً دولت نظر به تضییق مالیه نمی‌تواند برای رفع اغتشاش بعضی نقاط اقدامات مجدانه نماید ولی بواسطه بعضی تدابیر در شهرهای عمده ایالات اشخاصی را که احتمال

فساد و اغتشاش درباره آنها می‌رفت ساکت نموده و در بعضی مواقع خطرات بزرگ قریب‌الوقوع را به همین ترتیب رفع کرده است.

تعیین حکام ولایات برای دولت مسئله مشکلی شده است و جهت اشکال این است که در میان اشخاص لایق بندرت کسانی پیدا می‌شوند که عاری از دزدی و تقلب بوده و به درستی و جدیت خدمت نمایند.

عجالتاً آراء به دو طریق تقسیم شده است. بعضیها مایلند که اشخاص قدیم باتجربه را دومرتبه انتخاب نموده و بعضی دیگر گمان می‌کنند اشخاص جدید که سابقاً در کارهای عمده دولتی نبوده معین شوند. اشخاصی که دارای عقیده اول‌اند دلیل و برهانی که اقامه می‌نمایند این است که تا چندین سال دیگر نظم ولایات را فقط بتوسط نفوذ شخصی می‌توان نگاهداری کرد و اشخاصی که سابقاً متصدی امور مهمه بودند البته نفوذشان زیادتر از کسان جدید خواهد بود و کسانی که دارای عقیده ثانوی هستند می‌گویند که بتوسط اشخاص جدید عادات بد را از قبیل رشوه‌گیری و چیزهای دیگر آسانتر می‌شود رفع کرد و نظر به این اختلاف آراء تعیین حکومت فارس هنوز تعویق افتاده است.

پس از آنکه معلوم شد که قشائیه‌ها علاءالدوله را نمی‌پذیرند عین‌الدوله را به حکومت فارس تعیین نمودند. لیکن پس از ورود، تقی‌زاده نفوذ خود را فوراً بکار برده و اظهار نمود که عین‌الدوله مجسمه اوضاع سابق است که ما می‌خواهیم آن را اصلاح نماییم.

حکومت تبریز هم به همین اشکالات دچار است و ملتیان اصرار دارند که مخبرالسلطنه را تعیین نمایند هر چند که همکار روس من اظهار عدم رضایت از تعیین او نموده و من هم با او همراهی نمودم ملتیان همان اعتراض که به عین‌الدوله می‌نمایند در حق علاءالدوله هم دارند. ولی در این موقع صلاح دولت ایران این بود که برخلاف میل روسیه حرکت ننموده علاءالدوله را به حکومت می‌فرستاد.

دولت ایران در مسئله تعیین حکام به عقیده من بطور عاقلانه رفتار نکرده است. هر چند مسائل دیگر هم هست که اسباب عیبجویی شده است از آنجمله بزور پول گرفتن از بعض مستبدین است که سابقاً متصدی امور بودند و اعدام شیخ فضل‌الله و اشخاص دیگر. من صحیحاً اطلاع ندارم که از کسی جبراً پول گرفته باشند ولی بالفرض هم اگر این مطلب صحیح باشد بطریقی که این اشخاص پولها را جمع نموده‌اند این اقدام در حق آنها ظلم نیست بعلاوه اینکه دولت در اینموقع ابدأ عائدی ندارد.

نظر به اغتشاش ولایات چیزی از مالیات وصول نمی‌شود و تا مدتی هم نخواهد شد و در واقع بیشتر از مالیات امساله تاکنون خرج شده است و سایر منابع عایدات هم در رهن است.

درابتداء دولت ۲۰،۰۰۰ تومان باشکال زیاد از تجار داخله قرض کرد و تا به حال آن پول تمام شده است.

دو هفته قبل یکی از اعضای مهم کمیته به من اظهار نمود که دولت به یکی از این دو اقدام مصمم شده است: اولی توجیه اجباری و دومی استقرار از بانک. مشارالیه اظهار

(۱) توجیه - در اینجا به معنی پول (وجه) گرفتن آمده است. - م.

نمود که برای هر دو این اقدام ممکن است اعتراض بشود. اقدام اول اثر بد خواهد بخشید و وسیله به دست مفسدین خواهد افتاد و اقدام ثانی برخلاف قانون است برای اینکه بدون تصویب مجلس نمی‌توان عقد استقراض را بست.

از قرار معلوم بعد از این ملاقات دولت مصمم شده است که بطریق اول رفتار نماید و باین ترتیب تا یک مدتی می‌توانند امور دولت را اداره نمایند ولی اغلب اشخاصی که مستحق پول گرفتن می‌باشند در تحت حمایت خارجه هستند و گمان می‌کنم که پیش از انعقاد مجلس دولت مجبور بشود که استقراض نماید.

اشخاصی که اعدام شده‌اند عبارت از مفاخر الملك، صنیع حضرت، میرهاشم، شیخ فضل‌الله، و آجودانباشی است. اشخاص فوق در محکمه مخصوص که حالا منحل شده است محاکمه شدند و هرچند راپورت محاکمه آنها که چاپ شده بود کافی نبود لیکن انسان می‌تواند اطمینان نماید که به استثناء آجودانباشی که تقصیر او فقط عبارت از این بود که در بمباردهان مجلس سال گذشته او اول شخصی بوده که شلیک کرده است سایر اشخاص دیگر مستحق رحم نبوده‌اند.

مفاخر الملك، صنیع حضرت، میرهاشم، تماماً متهم به قتل بودند. شیخ فضل‌الله مرتکب این جنایت نشده بود ولی یکی از دشمنان بزرگ مشروطیت بود و هرچند که راپورت محاکمه او چاپ نشد ولی گمان می‌شود که برای استقرار محمد علی میرزاشغول تحریکات بوده است. مخاطرات چنین تحریک پرواضح است. شیخ فضل‌الله برای مملکت خود خطر بزرگی بود خوب شد که ایران او را از میان برداشت.

امضاء بارکلی

نمره - ۲۱۸

مراسله سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۰ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۵ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.
آقا

افتخار دارم که سوادى از مراسله کفیل ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم تبریز راجع به عقیده عموم بعد از بهم خوردن دولت شاه سابق و تأثیرات این خبر در اوضاع تبریز را لفاً برای شما ارسال دارم.

بارکلی

ضمیمه در نمره ۲۱۸

مراسله مستر اسمارت کفیل ژنرال قنسولگری تبریز به سر بارکلی مورخه ۲۵ ژوئیه [۲۰ مرداد ۱۲۸۸؛ ۷ رجب ۱۳۲۷] از تبریز.
آقا

استعفاء محمد علی شاه از طرف عموم طبقات مردم در کمال خوشوقتی پذیرفته شد.

چون مردم آنقدر منتظر و مسلوب‌الاطمینان بودند که ابداً امید صلح باقی نبود. در ۲۲ ماه ژویه اجلال‌الملک کفیل حکومت، مهمانی رسمی به افتخار جلوس سلطان احمد شاه داد و از آن روز به بعد شب و روز مردم مشغول خوشحالی و چراغانی و آتشبازی هستند.

ستارخان و باقرخان که باتفاق محمد علی بیگ ژنرال قنصل سابق عثمانی برای تهیه بیرون رفتن از تبریز از ژنرال قنصلگری عثمانی خارج شده بودند بعد از این واقعه خیالات خود را تغییر داده‌اند.

محمد علی بیگ در ۲۲ این ماه بتنهائی حرکت کرد. ستارخان و باقرخان عجلتاً در خانه‌های خود ساکت نشسته و از قرار معلوم خیال خارج شدن ندارند. تمام محترمین ملت به خروج ایشان مایل هستند. خیلی خوب است به یک بهانه و ترتیبی آنان را خارج نمایند. در تبریز عدّه زیادی از ملتیان معتقد هستند که اگر ستارخان و باقرخان بیرون بروند می‌توانند جلوگیری از اراذل که بیشتر آنها فداییهای مسلح هستند بکنند.

عجلتاً بر ضد روسها هیچانی نیست و احتمال هم نمی‌رود که این مخالفت عمومیت پیدا نماید مگر اینکه قشون روس پس از ورود حکومت با استعداد کافی شهر را تخلیه نکنند.

انجمن که در اوائل این ماه انتخاب شده، با کفیل حکومت، شهر را بطور نفاق اداره می‌نمایند ولی حضور قشون روس عجلتاً کافی است که از اغتشاش جلوگیری نماید. تعیین مخبرالسلطنه به حکومت رضای خاطر عموم را تحصیل کرده است چونکه معروف به کفایت و تجدیدپوری است. ظاهراً مخبرالسلطنه از برلن از راه جلفا مستقیماً به تبریز خواهد آمد و امید است که استعداد کافی از طهران برای او فرستاده شود. البته بدون استعداد نمی‌تواند از فداییهای تبریز جلوگیری کرده و نظم را در ایالت برقرار نماید. اوضاع ایالت خیلی ناگوار است. باستثناء راه جلفا تمام راهها ناامن و شاهسونها تمام عرض راه طهران را از میانه تا حاجی‌آقا چاپیده و اطراف اردبیل را غارت کرده‌اند. محمد قلی‌خان که یکی از رؤسای شاهسون و قاچاقچی معروفی است از طرف سپهدار به حکومت اردبیل منصوب گشت و با ایل خود وارد شهر گشته و خیال چپاول داشته است. عدّه زیادی از مردم با رشیدالملک حاکم سابق که از طرف محمدعلی میرزا منصوب بود به قنصلخانه روس متحصن شدند و شهر را به تصرف قلی‌خان دادند ولی ورود صد نفر قزاق روسی عجلتاً از اغتشاش جلوگیری کرده است.

مابین رحیم‌خان و شاهسونها درقراداغ مختصر جنگی روی داد ولی صلح در میان ایشان برقرار گردید.

اسمارت

نمره - ۲۱۹

مراسله سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۰ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۵ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

افتخار دارم سوادى از پروتوکل که در تلگراف پنجم ماه اوت ذکر کرده بودم برای شما بفرستم.

لازم نیست شما را زحمت داده تمام مذاکرات را که نتیجه آن امضاء این پروتوکل ما است برای شما بنویسم. همینقدر کافی است که در اوایل مذاکرات من و همکار روسم حتی الامکان خود را کنار کشیده و کار را به عهده نماینده ایران و نماینده شاه سابق واگذار کردیم که خودشان ترتیب بدهند.

پس از آنکه مذاکرات آنان ابدأ منتج نتیجهای نشد آنوقت ما دخالت نمودیم. اهمیت خارج شدن فوری محمدعلی میرزا بر هیچ کس پوشیده نیست و به همین ملاحظه به طرفین اصرار کردیم که ترتیب فوری داده شود.

قسمتی از جواهرات سلطنتی را شاه سابق با اسباب شخصی خود به سفارت روس برده و جز اینکه جواهرات مذکور را جبراً از شاه بگیریم چاره دیگر نبود مگر اینکه به دولت ایران اصرار نماییم که مواجب او را زیادتراً نمایند. پولی که دولت ایران بدو پیشنهاد کرده بود عبارت از مبلغ ۲۵۰۰۰ تومان است. این پول با وجود فقر ایران کم است و بالاخره نتیجه این می شود که شاه سابق قهراً محتاج روسیه شده و دولت روسیه هم قبلاً قول همراهی داده بود.

در جواب نصایح ما کمیته قبول نمود که در صورت قبول پروتوکل مواجب شاهرا [تا] ۷۵۰۰۰ تومان اضافه نماید. از آنطرف شاه سابق به اصرار ما تسلیم شده و چندین جعبه که قسمتی از جواهرات سلطنتی در آن بود برای تفتیش به دولت ایران واگذار نمود. هنوز نتیجه به ما گفته نشده ولی ما می ترسیم که قسمتی از این جواهرات سلطنتی را گرو گذاشته یا فروخته باشد. در این صورت نمایندگان مجبور خواهند شد توضیحات و اسناد جواهرات گروی را از شاه مطالبه نمایند.

من امیدوارم که دولت ایران چون مایل به حرکت فوری شاه سابق است چندان سختگیری نکرده در انجام ترتیبات تأخیر ننمایند.

پیش از اینکه پروتوکل را امضاء نماییم اصرار خواهیم نمود که وزرای ایران آن را بدو امضاء نمایند و برای نیل به این مقصود رفتن محمدعلی را به عنوان گرو نگاه خواهیم داشت. چونکه اگر وزرا این پروتوکل را امضاء نمایند آنوقت مشکل است که مجلس این ترتیب را بهم بزند.

مسائل دیگر هم هست که باید ترتیبی به آنها داده بشود از قبیل ادعای شاه سابق از نرسیدن حقوق سالهای گذشته خود و مطالبات بانکها از شاه سابق.

ادعای شاه سابق برای نرسیدن حقوق او در زمانی که بطور استبداد سلطنت می نمود از طرف دولت ایران قبول نخواهد شد.

از قراری که می‌گویند شاه سابق ۳ کرور تومان به بانک روسی و ۱۵۰ هزار تومان هم به بانک شاهنشاهی مقروض است. در مقابل مطالبات اولی املاک شخصی خود را گرو گذاشته و طلب دومی چون در زمان انعقاد مجلس گذشته بوده است لذا در جزء قروض دولتی محسوب خواهد گردید.

در صورتی که مجلس طلب بانک شاهنشاهی را قبول ننمود ناچار مبلغ فوق را از هواجب سالانه شاه کسر خواهند کرد.

بار کلی

ضمیمه در نمره ۲۱۹

پروتوکل مورخه ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۹ (۳۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۳ رجب ۱۳۲۷).

نظر به فوریت حرکت محمد علی میرزا، شاه سابق ایران که در این موقع در تحت حمایت روس و انگلیس است نمایندگان دولت ایران و نمایندگان سفارتین موافقت می‌نمایند که پروتوکل ذیل را ترتیب بدهند:

این پروتوکل منوط به تصویب دولت ایران از یک طرف و دونفر نمایندگان دولتین از طرف دیگر است.

ماده ۱) محمد علی میرزا تمام جواهرات و اشیاء دیگر سلطنتی که هنوز هم در تصرف او است به دولت ایران رد خواهد کرد. جواهراتی که باید به دولت ایران رد بشود پس از رسیدگی در حضور نمایندگان دولتین معلوم خواهد شد.

ماده ۲) محمد علی میرزا تمام اسناد راجعه به جواهرات سلطنتی که در بانکها یا محل‌های دیگر رهن گذارده و در مقابل پول گرفته است آنها را به دولت ایران رد خواهد کرد. دولت ایران می‌تواند به میل خود آن جواهرات را پول داده و پس بگیرد.

ماده ۳) دولت ایران برای محمد علی میرزا مستمری سالیانه که مبلغ آن ۷۵۰۰۰۰ تومان است تعیین خواهد نمود که هر شش ماه به شش ماه توسط بانک استقراضی ایران در طهران پیشکی کارسازی دارد.

ماده ۴) پس از آنکه دولت ایران از تمام جواهرات و اشیایی که به تصرف او داده شد صورتی ترتیب داده فهرست ثانوی از اشیاء مفقوده را به سفارتین ارائه خواهد داد سفارتین از محمد علی میرزا توضیحات دقیقه و تمام جزئیات ممکنه را در خصوص همین جواهرات و اشیاء مفقوده خواهند خواست و در صورتی که از آن جواهرات و اشیاء در پیش محمد علی میرزا و یا اتباع او که در سفارت روس متحصن می‌باشند پیدا بشود و یا اینکه آن توضیحات صحیح نباشد سفارتین هر چه از دستشان برآید مضایقه نخواهند کرد تا آن جواهرات و اشیاء سلطنتی را تحصیل و به دولت ایران تسلیم نمایند.

ماده ۵) هر گاه پس از تاریخ این پروتوکل در محضر سفارتین معلوم گردد که محمد علی میرزا جواهر و یا اشیاء سلطنتی را فروخته است پول آن را دولت ایران از مستمری او کسر خواهد نمود. (از تاریخ پروتوکل)^۱

(۱) بهمین گونه است در اصل.

ماده ۶) محمد علی میرزا هرچه زودتر ممکن بشود از طهران به خارجه حرکت خواهد کرد ولی زیاده از ۱۵ روز بعد از تاریخ پروتوکل دیگر در طهران اقامت نخواهد نمود. تحریراً در زرگنده بتاريخ سوم ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۱ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۶ رجب ۱۳۲۷]

اعضاء مجلس فوق العاده

وثوق الدوله

حسینقلی

دکتر ابراهیم

دکتر حکیم الملک

اسدالله

مشار السلطنه کفیل وزارت امور خارجه

موثق الدوله وزیر دربار

چرچیل

بارنوسکی

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۲۰

مراسله سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۳ اوت ۱۹۰۹ [۲۱ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۶ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

افتخار دارم که لفاً مجملی از حوادث چهار هفته اخیر را بطور معمول تقدیم نمایم. بارکلی

ضمیمه در نمره ۲۲۰

حوادث اخیر از ۱۹ ژون الی ۶ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۹ خرداد تا ۱۴ مرداد ۱۲۸۸؛ ۳۰ ج ۱ تا ۱۹ رجب ۱۳۲۷]

طهران

کابینه سعدالدوله از ترس خبر ورود قشون ملی اصفهان و قزوین در ۲۴ ماه ژون [۳ تیر؛ ۵ ج ۲] استعفاء نمودند ولی نظر به حکم شاه که موقتاً مشغول باشند عجالاً در سر کار خود هستند.

سفارتین مترجمین خود را نزد وزراء فرستادند که مابین آنها اتفاق را پایدار نمایند چونکه فرمانفرما مخصوصاً بطور دیوانگی رفتار می نمود.

ژنرال قنسولهای روس و انگلیس مقیم اصفهان در ۲۶ ماه [۵ تیر، ۷ ج ۲] به قم وارد شدند تا سردار اسعد را وادارند که از پیش آمدن خود صرف نظر نماید. ولی حوادث متعاقبه نشان داد که اقدامات آنها منتج نتیجه نشده است. در ۲۸ ماه قشون سپهدار که مرکب از مجاهدین قفقازی و ایرانی رشت و قزوین بود به ینگه امام که در ۴۵ میلی مسافت طهران

واقع است رسیدند. چهار روز قبل هم يك اردوی قزاق در تحت فرمان کاپیتان زاپولسکی به کرج فرستاده شده است.

در اول ماه ژوئیه [۱۰ تیر؛ ۱۲ ج ۲] سردار اسعد از قم حرکت نمود و این حرکت اسباب تعجب عموم گردید برای آنکه گمان می شد اخطار شدید سفارتین او را از حرکت باز خواهد داشت.

در طهران بازارها بسته و عموم به خارج شهر حرکت می نمودند. روز بعد نمایندگان روس و انگلیس ملاقات حزن آمیزی در سلطنت آباد از شاه نمودند و به آن اعلیحضرت اظهار داشتند که اگر نصاب دولتین را زودتر قبول می کردید کار به اینجا نمی کشید با وجود این سعی کامل خواهند نمود که این بحران به صلح و مسالمت خاتمه پذیرد.

در ۳ و ۴ ماه ژوئیه [۱۲ و ۱۳ تیر؛ ۱۴ و ۱۵ ج ۲] اتفاق مهمی روی داد: سردار اسعد به رباط کریم وارد گردید و به قزاقها فرمان دادند که از کرج عقب نشینند و بمحض اینکه قزاقها از کرج عقب کشیدند فوراً سپهدار آن نقطه را تصرف نمود. نظر به اینکه قشون ملی سریعاً به نزدیک پایتخت رسیدند نمایندگان مصمم شدند که مطابق دستورالعمل دولتین خود بنزد دو نفر رئیس نماینده اعزام دارند. لذا مستر چرچیل و رومانوسکی نزد سردار اسعد و ماژور استوکس و بارانوسکی به پیش سپهدار فرستاده شد.

ساعت يك بعد از ظهر روز چهارم ماه ژوئیه [۱۳ تیر؛ ۱۵ ج ۲] نمایندگان حرکت کردند ولی آنهاييکه نزد سپهدار می رفتند در شاه آباد که در پانزده میلی شهر واقع است (و محلی است که قزاقها در آن نقطه اردو زده اند) دیدند که دسته ای از قشون سپهدار به قزاقها حمله ورند و در این بین قزاقها چند تیری بطرف نمایندگان شلیک کردند. این بود که مجبور شدند از حرکت دست کشیده توقف نمایند.

از قرار معلوم این زد و خورد فقط عبارت از يك نزاع پیشقراولی بوده. قزاقها محل خود را نگاه داشته و خسارت کلی به ملتیان وارد آوردند و يك عراده توپ هم تصرف کردند.

نمایندگان پیغام خود را به سردار اسعد و سپهدار اظهار کردند ولی ثمری نبخشید.

در ۶ ماه ژوئیه [۱۵ تیر؛ ۱۷ ج ۲] سفارت روس به دولت ایران اطلاع داد که قشون روس به قزوین وارد خواهند شد نه برای اینکه در این نزاع داخلی دخالت کرده بلکه محافظت اتباع روس و خارجه را به عهده خواهند گرفت.

در ۹ ماه ژوئیه [۱۸ تیر؛ ۲۰ ج ۲] سپهدار با هزار نفر از کرج بطرف رباط کریم حرکت نمود. این قشون از سمت قزاقها که در شاه آباد بودند گذشته و از طرف جنوب شرقی به رباط کریم که سردار اسعد با هزار و دویست نفر بختیاری در آن نقطه بود وارد شدند. با وجود اینکه امیر مخم اقدامات خادعانه برای حمله به قشون سپهدار نموده بود این دو دسته قشون ملتیان متحداً تا سه روز در آن محل مشغول دفاع بودند. با وجود اینکه بمبارده سستی از طرف قشون دولتی به آنها می شد در شب ۱۲ ماه ژوئیه [۲۰ تیر؛ ۲۲ ج ۲] تمام قشون ملتی از میان قزاقها و سایر قشون دولتی بدون اینکه آنها خبردار شوند گذشته و در ساعت ۶ صبح روز ۱۳ ماه ژوئیه [۲۲ تیر؛ ۲۴ ج ۲] از دروازه یوسف آباد داخل طهران شده و از مقابل سفارت انگلیس گذشته و به سه قسمت منقسم و بدون هیچ مانعتی به بهارستان رسیدند.

سربازهایی را که مستحفظ قراولخانه‌ها بودند بدون هیچ اشکالی خلع سلاح نمودند، اگرچه در قراولخانه روبروی سفارت انگلیس دو سه نفر مقتول و مجروح شدند. سربازهایی که در میدان توپخانه بودند به دسته‌ای از قشون ملتیان که از خیابان علاءالدوله بطرف میدان می‌رفتند شلیک کرده و تمام درهای میدان را بستند. بختیارپها فوراً سه دروازه شمالی و سه دروازه شرقی شهر را متصرف شدند ولی سه دروازه غربی در تصرف قزاقها ماند. در صبح همان روز کاپیتن زاپولسکی با ۴۰۰ نفر قزاق از یکی از آن دروازه‌ها داخل شهر شده و خود را به کولونل لیاخف که با ۴۰۰ نفر قزاق در قزاقخانه بود ملحق نمود. بقیه قزاقها که ۳۰۰ نفر بودند محض محافظت شاه به سلطنت‌آباد رفتند. بعلاوه این قزاقها دو هزار نفر قشون دیگر که در تحت فرمان امیر بهادر در سلطنت‌آباد بودند ابداً دخیل جنگ نشدند.

در تمام مدت ۳ روز جنگ که ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ ژویه [۲۲ و ۲۳ و ۲۴ تیر؛ ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ ج ۲] باشد، قزاقها در قزاقخانه مشغول دفاع بودند و تقریباً ۵۰۰ نفر هم از قشون غیرمنظم شاه میدان مشق را متصرف بودند. قشون سپهدار و سردار اسعد بقیه نقاط شهر را متصرف [= تصرف] نموده و بهارستان را مرکز خود قرار داده بودند. عده‌ای از مجاهدین جسور بنزدیک قزاقخانه رفته و با موزر که خوب بکار می‌برند خسارت کلی بطرف مقابل وارد می‌آوردند و شبها هم بمب می‌انداختند.

در ۱۴ ماه [۲۳ تیر؛ ۲۵ ج ۲] شاه اظهار نمود که می‌خواهد باتمام قوه خود حمله آخری را به شهر کرده در صورتیکه موفقیت حاصل نگردید به سفارت روس متحصن گردد. این حمله ابداً اثری نبخشید کاپیتن پرینیزوف از تپه‌های قصر قجر بهارستان را بمبارده می‌کرد و به حمایت توپ عده‌ای از قشون به دروازه دوشان‌تپه حمله آوردند. بختیارپها دروازه را فتح کردند و دسته قشون شاه که حمله‌ور بودند بکلی متفرق شدند و از آنطرف هم بمبارده بهارستان ابداً نتیجه نبخشید. در همین موقع کلنل لیاخف سعی داشت که بهارستان را بمبارده نماید لیکن توپچیها خیلی ناقابل بودند چونکه اغلب گلوله‌ها به بانگ شاهنشاهی می‌خورد بدون اینکه خسارت زیاد وارد بیاورد.

با وجود این صاحب‌منصبان ایرانی به شاه اطمینان می‌دادند که فتح بالاخره با او خواهد بود و به این جهت روز بعد (یعنی ۱۵ ماه ژویه) [۲۴ تیر؛ ۲۶ ج ۲] باز قشون شاه به دروازه‌ها حمله کردند ولی قزاقها فقط مشغول دفاع بودند. هر دفعه که از قشون شاه حمله می‌شد با خسارت زیاد پس می‌نشستند. در همان روز عده قلیلی از بختیارپهای دولتی سعی نمودند که خود را به خانه‌ای که نزدیک سفارت انگلیس بود برسانند و به این جهت جنگ طولانی مابین آنها و فداییها در گرفت.

عده مقتولین در این سه روزه جنگ معلوم نیست ولی گمان نمی‌شود که زیاده از ۳۰۰ نفر باشند.

در ۱۶ ماه ژویه [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] شاه در تحت حفاظت مستحفظین روس و انگلیس در سفارت روس متحصن گردید و مترجمین سفارتین برای صلح مابین کولونل لیاخف و ملتیان به طهران فرستاده شدند و آنها در اقدام خود موفقیت تحصیل نمودند.

در همان روز مابین قزاقها و بختیاریهها صلح برقرار گردید و روز بعد شهر به حالت معمولی خود عودت کرد.

در ۱۷ ماه [۲۶ تیر؛ ۲۸ ج ۲] مجلس عالی خلع محمد علی و انتخاب سلطنت و تعیین ولیعهد سلطان احمد شاه را اعلان نمود. عضدالملک موقتاً به نیابت سلطنت منصوب و کابینه ذیل را عجالاً تا افتتاح مجلس شورای ملی تعیین نمودند:

- ۱) وزیر جنگ سپهدار
- ۲) وزیر داخله سردار اسعد
- ۳) وزیر امور خارجه ناصرالملک
- ۴) وزیر مالیه مستوفی‌الممالک
- ۵) وزیر عدلیه فرمانفرما
- ۶) وزیر علوم صنیع‌الدوله
- ۷) وزیر دربار موثق‌الدوله
- ۸) وزیر پست و تلگراف سردار منصور.

تلگرافی به ناصرالملک مخابره شده و او را به مراجعت ایران برای اشتغال به کار خود دعوت نمودند. در غیاب ناصرالملک کفالت وزارت امور خارجه را رسماً به عهده مشارالسلطنه معاون وزارت خارجه واگذار نموده و سفارت‌خانه‌ها را هم از این مطلب مطلع ساختند. چندین انتخابات خوبی هم صورت گرفت از قبیل انتخاب رئیس معروف رولوسیونرهای قفقاز موسوم به پیرم به ریاست پلیس. علاءالدوله که چند روز قبل وارد طهران شده بود به حکومت فارس معین گردید. مخبرالسلطنه که در موقع بهاردمان مجلس در ماه ژون (۱۹۰۸) حاکم آذربایجان بود در این موقع دومرتبه به حکومت آن ایالت منصوب و تلگرافی به او مخابره نمودند که مستقیماً از اروپا به تبریز عازم گردد. حکومت اصفهان صمصام‌السلطنه تصدیق شد.

سعدالدوله و مخبرالدوله به سفارت انگلیس متحصن شدند لیکن پس از تحصیل اطمینان که کسی با آنها کاری ندارد از سفارت خارج گردیدند ولی سعدالدوله بعد از آن خود را در تحت حمایت روسیه در آورده است. دولت موقتی رسماً تغییر سلطنت را به سفارتخانه‌ها اعلان نمود.

سفارتین روس و انگلیس شناسایی خود را در خصوص سلطان احمد شاه رسماً اظهار کردند. سفارتخانه‌های دیگر نیز به همین منوال عمل نمودند.

در ۲۱ و ۲۲ ماه ژویه [۳۰ و ۳۱ تیر؛ ۳ و ۴ رجب] شهر را چراغانی و روزنامه‌ها دوباره شروع به انتشار گردید.

در ۲۶ ماه ژویه [۳ امرداد؛ ۱۲۸۸؛ ۸ رجب ۱۳۲۷] مفاخرالملک را که یکی از مستبدین معروف بود دستگیر و دو روز بعد از محاکمه در محضر محکمه مخصوص در باغ شاه تیربارانش کردند. در همان محکمه سه نفر دیگر از مستبدین معروف را که عبارت از صنیع حضرت، رئیس ارادل مسلح که محمدعلی جمع کرده بود و شیخ فضل‌الله بود محاکمه و در

محضر عام در میدان توپخانه بدار آویختند^۱.

چند نفر دیگر هم دستگیر شدند که در میان آنها حاجی مجدالدوله و امیر نظام وزیر مالیة سابق بود.

در این ضمن کمیته ملتیان که حسینقلی خان نواب روح آن است، از طرف دولت برای تصرف جواهرات و سایر اشیاء متعلق به دولت اقدام نمودند که محمدعلی میرزا آنها را همراه خود به سفارت روس برده بود. قسمت زیادی از آن جواهرات را بی زحمت از محمدعلی میرزا پس گرفتند ولی او میخواست که قسمت دیگر از جواهرات را نزد خود نگاه دارد. کمیته پیشنهاد نمود که مبلغ ۵۰۰۰ لیره موجب سالیانه به محمدعلی میرزا خواهد داد ولی بعد از مذاکرات طولانی که سفارتین نمودند در ۳ ماه اوت پروتکل امضاء گردید که بموجب آن سالی پانزده هزار لیره به محمدعلی میرزا داده خواهد شد و باید در مقابل این، او هم تمام جواهرات سلطنتی را تسلیم داده و در ۱۷ ماه اوت از طهران حرکت نماید. در ۴ ماه اوت محمدعلی میرزا بقیة جواهرات سلطنتی را تسلیم دولت نمود. در ۳۱ ماه ژوئیه اعلیحضرت سلطان احمد شاه با همراهی عضدالملک نایب السلطنه که از طرف آن اعلیحضرت سیزده ساله نطق می کرد از سفراء اولین دفعه پذیرایی را نمودند. در ۴ ماه اوت کنل لیاخف از طهران به روسیه حرکت کرد.

اغلب از اتباع مستبد محمدعلی همراه وی به سفارت روس آمدند که در میان آنان امیر بهادر و نایب السلطنه هم هست.

عدهای سیلاخوری در زمینهای اطراف سفارت چادر زده بودند، با اشکال آنها را خارج کردند و برخی از آنان در خیال غارت دهات اطراف بودند و بدین جهت عدهای بختیاری برای متفرق ساختن آنها از شهر فرستاده شدند.

اوضاع معمولة شهر برقرار و انتخاب پانزده نفر وکیل طهران موافق قانون انتخابات جدید در جریان است.

در ۵ ماه اوت ظل السلطان به رشت وارد شد و بطرف طهران عزیمت نمود ولی در منجیل از طرف دولت توقیف گردید.

در ۶ ماه اوت تقی زاده وارد طهران شد.

چرچیل

۶ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۴ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۹ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

تبریز

مخبر السلطنه که به حکومت آذربایجان منصوب شده است هنوز وارد تبریز نگشته. انجمن مایل است صمد خان را که یکی از رؤسای ایلات و از سردارهای شاهی است از حکومت مراغه معزول نماید. چونکه صمدخان حاکم خوب و مراغه فقط نقطه آرامی است در آذربایجان لذا سفارتین نصیحت نمودند که او را در مأموریت خود باقی گذارند.

(۱) بهمین گونه است در اصل و از نفر سوم بدار آویختگان نام برده نشده است. — م.

اردبیل

در اوایل ماه اوت دولت روسیه به دولت ایران اطلاع داد که اگر تا چهارم ماه اوت يك حاکم مقتدر با استعداد کافی به اردبیل اعزام نشود برای استقرار نظم دولت روسیه مجبور است که آن نقطه را با قشون خود منظم نماید. لهذا در دوم ماه «اوت»، فاتح السلطنه به حکومت اردبیل منصوب و از تبریز به منطقه مأموریت خود عازم گردید.

رشت

در نهم ماه ژویه [۱۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۰ ج ۲ - ۱۳۲۷] عدد کشتی روسیه به انزلی وارد و قشون خود را پیاده کرد. در دهم همین ماه سه عدد کشتی دیگر قشون وارد نمود. در دهم ماه، ۶۲۵ نفر قزاق از رشت به قزوین حرکت و مجاهدین مسلح ترك اسلحه نمودند. در ۱۳ ماه، هزار نفر پیاده با چهار عراده توپ از انزلی به رشت عازم شدند و در ۱۶ ماه به قزوین رسیدند: در نوزدهم ماه، سه کشتی دیگر که حامل آذوقه بودند به انزلی وارد شدند. به فاصله يك روز آذوقه‌ها را بتوسط ۱۵۹ نفر ضابط از کشتیها خارج کردند. در ۳ ماه اوت [۱۱ مرداد؛ ۱۶ رجب] ۵۰ نفر سرباز روسی وارد انزلی و به ویس قنسول اعلی حضرتی اطلاع داده شد که باز دستجات کوچک وارد خواهند شد. اتفاقات طهران اسباب خوشوقتی عموم اهالی رشت را فراهم نمود. در ۳ ماه اوت تقی‌زاده که از تبریز می‌آمد از رشت گذشته و بطرف طهران حرکت کرد.

استراباد

خبر استعفاء محمدعلی میرزا با مسرت فوق‌العاده شنیده شد. شهر را سده شب چراغانی کردند و توپ انداختند.

اصفهان

چون بختیارها زیاده از حد مرتکب انواع و اقسام شرارت می‌شدند لذا ژنرال قنسولهای روس و انگلیس یادداشت سختی به کارگزار فرستادند. نتیجه اقدام این شد که رئیس نظمیه معزول و غریب‌خان به جای او منصوب گردید. این شخص سعی کامل نمود که نظم را برقرار نماید صمصام السلطنه هم برای نیل به همین مقصود اقدامات لازمه نموده است.

صمصام السلطنه اعلانی منتشر نمود که هر بختیاری از اهالی جبراً پول بگیرد یا اینکه زنها را اذیت نماید مجازات سخت خواهد دید و بهوجب اعلان بیگری که منتشر نمود تیراندازی در شهر را بکلی غدغن کرده است و اگر کسی در شهر تیراندازی نماید خانه او را خراب خواهند کرد. نظر به این اقدامات اصفهان آرام است.

ورود قشون ملتیان به طهران بتوسط شلیک توپ در ۱۳ ماه ژویه [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ ج ۲ - ۱۳۲۷] اعلان گردید و دو شب بازارها را چراغان نمودند.

در ۱۶ ماه [۲۵ تیر؛ ۲۷ ج ۲] خبر تحسن شاه به سفارت روس در اصفهان منتشر گردید

و در ۱۸ ماه [۲۷ تیر؛ ۲۹ ج ۲] تعیین صمصام‌السلطنه به حکومت اصفهان اعلان شد. چند روز بعد آقا نورالله را مجبور کردند که از ریاست انجمن استعفاء بدهد. مابین مالاها و صمصام‌السلطنه نقار زیادی جریان دارد.

در ۲۰ ماه ژویه [۲۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ رجب ۱۳۲۷] جلوس سلطان احمد شاه بتوسط شلیک توپ اعلان شد. در اصفهان و جلفا چراغانی بود و در آن شب خوانین مهمان رئیس روحانیان آرامنه بودند.

مستر گراهم راپورت می‌دهد که حوادث طهران تأثیرات زیادی در عموم اهالی اصفهان نکرده است. اکثر مردم که عبارت از تربیت‌شدگان و تجار محلی هستند مایل مشروطیت ولی عده زیادی نیز در ضد مشروطیت می‌باشند و این اشخاص مرکب از علماء و مأمورین دولتی هستند. علماء از بیم آنکه نفوذ آنان کاسته گردد و مأمورین دولتی از این می‌ترسند که راه مداخل آنها مسدود شود.

چند هفته بود که راه طهران و اصفهان بسیار ناامن بود و از قرار معلوم قشون دولتی و ملتی هر دو شریک دزدی بودند ولی پس از آنکه سردار اسعد وزیر داخله شد فوراً حکم کرد که بختیاریها تمام راهها را محافظت نمایند و نتیجه این شد که در ۲۴ ماه ژویه بنا به راپورت راهها امن و از دزدی محفوظ بود.

به‌وجوب راپورت، راه اهواز خیلی ناامن است و دو کاروان بزرگ را دزدان به یغما برده‌اند.

انتخابات مجلس شورای ملی در ۲۹ ماه ژویه [۶ امرداد؛ ۱۱ رجب] شروع و باید تا ۱۲ ماه تمام شود.

یزد

در ماه ژویه راه یزد امنیت تحصیل نکرد. باز در راهها دزدیهای زیاد کرده می‌شود. ورود پست بسیار غیرمرتب و در شهر و اطراف یهودیها و پارسیها متصل در تحت فشار و آزار مسلمانها هستند.

طرز جدید استبداد یزد عبارت از این است که دوشیزگان پارسی را جبراً داخل دین اسلام نمایند. سه چهار فقره چنین قضیه اتفاق افتاد و نتیجه این شد که مدرسه دختران پارسی بسته شده و دیگر جرئت ندارند که از منازل خود بیرون بیایند. بدبختانه پارسیهای این نقطه در مسئله انتخاب رئیس روحانی در میان خود نیز نفاق دارند. رئیس سابق فوت شده و الان نزاع در این است که کدام یک از پسران او در جای پدر بنشینند. عدل‌الدوله که از حکومت استعفاء داده بود دومرتبه به حکومت منصوب گردید.

کرمان

ابتدا آثار بهبودی اوضاع در این ماه آخر مشهود نیست. حکومت نظام‌السلطنه از طرف دولت جدید تصدیق شد ولی هنوز از طهران به کرمان حرکت نکرده است.

کرمانشاهان

بواسطه نزاع مابین علماء، اهالی کرمانشاهان به دو قسمت تقسیم شده‌اند. ریاست یک دسته از اینها با سید کمال‌الدین است که یکی از علماء طهران و اغلب اشخاص مهم شهر با او همراه هستند و دشنه دیگر در تحت ریاست معین‌الرعیایا است که علماء محلی نیز مخفیانه با او همراهی دارند. در ۱۴ ماه ژویه مابین دو دسته جنگ شروع شد. ظهیر-الملك که رئیس قشون سید کمال است معین‌الرعیایا را شکست داد. روز ۱۵، صبح، معین‌الرعیایا با ۲ نفر دیگر به زمینهای قنسولگری انگلیس بدون اجازه کاپیتان کراسل (قنسول انگلیس) متحصن شدند. نظر به اینکه ممکن است بعد از این هم اینطور اتفاقات روی بدهد کاپیتان کراسل حکم کرد که هیچکس را به قنسولخانه راه ندهند. ولی چون زمین قنسولخانه باز است لذا ابدأ ممکن نیست که در شب از دخول کسی ممانعت نمود. کاپیتان کراسل از حکومت خواهش نمود که برای اتباع انگلیس مستحفظ فرستاده شود. حاکم جواب داد که این اقدام برای من ممکن نیست چونکه ابدأ قدرتی نمانده و ظهیرالملك قورخانه را تصرف کرده است. کاپیتان کراسل بعد از ملاقات از متحصنین بی‌میلی خود را از اقامت آنها ظاهر نمود ولی آنان خارج شدن را قبول نکردند و اظهار داشتند که بمجرد خروج کشته خواهیم شد. کاپیتان کراسل کاغذی به حکومت نوشته و اطلاع داد که این اشخاص به قنسولخانه متحصن شدند و خواهش نمود که ترتیبی برای حرکت اینها داده شود. کارگزار از طرف حکومت نزد کاپیتان کراسل آمد و کاپیتان از اقامت این اشخاص در قنسولخانه پرتست نمود و از کارگزار درخواست کرد که ترتیب فوری برای خارج شدن این اشخاص بدهد و باز اظهار کرد که مکرر برای قراول نزد حاکم فرستاده و حکومت امتناع ورزیده است. کاپیتان کراسل به کارگزار اظهار کرد که هیچ وقت مایل نیستم که در امور محلی که ابدأ رابطه به منافع ما ندارد دخالت کرده باشم.

کارگزار از بی‌اقتداری حاکم اظهار تأسف کرده و پس از ملاقاتی از متحصنین قبول کرد که از ظهیرالملك ملاقات کرده و به او اطلاع بدهد در صورتی که از اعدام متحصنین صرف‌نظر نمایند آنان حاضرند که از شهر خارج بشوند. در این بین ظهیرالملك از بلوای شهر استفاده کرده خانه معین‌الرعیایا را آتش زده و چندین خانه‌های دیگر را نیز غارت نمود. در شب آن روز ظهیرالملك پیغام فرستاد که متحصنین باید بدون هیچ شرطی تسلیم بشوند تا آنها را زنجیر کرده و بعد از محاکمه به مجازات برسند و اظهار نموده بود که از جمله تقصیرات معین‌الرعیایا یکی این است که به نظر علی خان و پسر داود خان کلهر که بر ضد پدر خودش هست کاغذ نوشته و هر دو آنها را به امداد خود دعوت نموده است. معین‌الرعیایا این مطلب را تکذیب کرد و در همان وقت به هر دو آنها کاغذی نوشت و خواهش نمود که از برای مساعدت و امداد به کرمانشاهان بیایند. با پیغام ظهیر-الملك جمعیت زیادی نیز آمده بودند و اظهار می‌کردند که مقصود آنان اخراج متحصنین است و در صورت لزوم عنفاً آنها را بیرون خواهند کرد. چون معلوم بود در صورت بیرون رفتن متحصنین فوراً کشته خواهند شد کاپیتان کراسل

اظهار نموده بود تا اطمینان داده نشود که به متحصنین اذیتی نخواهد رسید به آنها اجازه بیرون رفتن را نخواهد داد. در ۱۶ ماه [۲۵ تیر؛ ۲۷ ج ۲] حکومت به کاپیتن کراسل کاغذی نوشته و در آن مراسم اظهارنموده بود که از حکومت استعفاء داده است. اگرچه به مشارالیه اصرار شد که در این خیال خود دقت نظری نماید ولی بهیچوجه او خیال خود را تغییر نداد و به منشی قنسولگری اظهار نموده بود تا وقتی که از طهران استعداد فرستاده نشود و تا مدتی که ظهیرالملک در سر نزاع شخصی خود سرباز و تفنگ دولتی را بکار می برد ابدأ متصدی امور حکومتی نخواهد گردید. روز ۱۷ [۲۶ تیر؛ ۲۸ ج ۲] طرف صبح، داود خان رئیس ایل کلهر با ۲۰۰ سوار برای کمک ظهیرالملک وارد شد. از قرار راپورت، داود خان اظهار کرده بود که اگر معین‌الرعا یا بدون هیچ شرط تسلیم نشود شهر را غارت خواهد نمود. در همان روز خبر استعفاءی محمد علی میرزا رسید و این مطلب خیال عموم را به خود متوجه ساخت.

در شب آن روز منشی قنسولگری از داود خان ملاقات نمود و اوضاع را به او حالی کرد و نتیجه این شد که در آن شب حادثه رخ نداد و شهر آرام ماند. در ۱۸ ماه [۲۷ تیر؛ ۲۹ ج ۲] ظهیرالملک با اتباع خود از داودخان ملاقات نمود و به او اظهار داشت که سوارهای، خود را مرخص کرده و فقط ۳۰ نفر همراه خود نگاه دارد. داود خان این پیشنهاد را قبول نموده و به سپهدار تلگراف کرد که باید معین‌الرعا یا بدون هیچ شرطی تسلیم شود. در ۲۹ ماه [۶ امرداد؛ ۱۱ رجب] یکی از متحصنین قنسولخانه بیرون رفت. حکومت دومرتبه استعفا داد و در ۳۰ ماه دوباره مشغول حکومت گردید. در ۳ ماه اوت [۱۱ امرداد؛ ۱۶ رجب] سایر متحصنین به میل خود از قنسولخانه خارج شدند. در ۵ ماه اوت [۱۳ مرداد؛ ۱۸ رجب] نماینده وزارت خارجه ایران در خصوص نگاهداری متحصنین در قنسولخانه به وزیرمختار انگلیس در طهران پرتست نمود و به او جواب داده شد که دیگر آنان در قنسولخانه نیستند.

وزیر مختار اعلیحضرتی موقع را غنیمت شمرده از حرکات حکومت و داود خان و ظهیرالملک پرتست خیلی سخت نمود و اظهار داشت که بهیچوجه امکان پذیر نبود که او بگذارد متحصنین جز به میل خود از قنسولخانه خارج بشوند چرا که معلوم بود قطاع‌الطریق و وحشیها مانند ظهیرالملک در پی اعدام آنها هستند.

از حوادث طهران آثار کمی در کرمانشاهان تظاهر نموده شهر مشغول اورداخلی خود بوده است. عجالاً کالسکه از همدان به قزوین راه افتاده و مسافرت ۴۸ ساعت طول می کشد. تقریباً ۱۰ ماه ژویه [۱۹ تیر؛ ۲۱ ج ۲] حاکم قصرشیرین تلگرافاً [=تلگرافی] به حکومت کرمانشاهان اطلاع داد که آقا ملا احمد یزدی از طرف رئیس روحانی کربلا به آن نقطه وارد شده و با نایب‌السلطنه عموی شاه مشغول مخابرات تلگرافی است و مقصود علماء این است که از خیالات شاه کسب اطلاع نمایند. آقا احمد اظهار نموده بود که اگر مشروطه طلبها موفقیت تحصیل نمایند رئیس روحانی کربلا خود به ایران آمده و زمام امور را در دست خواهد گرفت.

همدان

در این مدت ساکت بوده ظاهراً برای اعزام دستجات برای کمک ملتیان که روبه طهران می‌روند تهیه دیده می‌شود ولی اگر استعدادی هم فرستاده شده باشد خیلی کم بوده است.

شیراز

در ۱۱ ماه ژوئیه [۲۰ تیر؛ ۲۲ ج ۲] آصف‌الدوله به قنصلخانه‌های انگلیس و روس اطلاع داد نظربه اینکه بهیچوجه مایل خونریزی‌نیستم لذا از حکومت فارس استعفا داده‌ام. در ۱۲ ماه [۲۱ تیر؛ ۲۳ ج ۲] کلیه قشون شیراز در دو قنصلگری متحصن و از نرسیدن مواجب اظهار شکایت نمودند در صورتیکه حکومت مرتباً به قشقایبها پول می‌رساند. ایل عرب پیغام داده بودند در هر موقعی که قوام‌الملک حکم بدهد آنها حاضرند که به شیراز حمله‌ور شوند. در ۱۳ ماه [۲۳ تیر؛ ۲۴ ج ۲] خبر رسید که سید عبدالحسین لاری با شیخ زکریا و ۴۰۰ نفر دیگر در نزدیکی داراب هستند. قنصلها پیغام سفارتین را به آصف‌الدوله مذاکره نموده و از او درخواست کردند که به سید لاری و صولت‌الدوله حکم قطعی صادر نماید که ابداً بطرف شیراز حرکت ننمایند. آصف‌الدوله اظهار کرده بود که او در شرف حرکت از شیراز است و قول داد که قشقایبها را از شهر خارج نماید.

در همان روز تعیین ظل‌السلطان به حکومت فارس اعلان و از طرف اهالی در کمال خوشوقتی پذیرفته شد. در ۱۴ ماه [۲۳ تیر؛ ۲۵ ج ۲] منشی قنصلخانه از آصف‌الدوله ملاقات نمود و مشارالیه از خبر عزل خود بی‌اطلاع بود و از استماع این خبر تعجب نمود. بدبختانه تعیین ظل‌السلطان از طرف دولت جدید تصویب نگردید. در همان روز به قنصل اعلیحضرتی راپورت رسید که سید عبدالحسین لاری در طاهرون [طاحون - طاحونه؟] در مسافت صد میلی از بندرعباس ناخوش است. عدم تصویب تعیین ظل‌السلطان و انتشار این مطلب بتوسط مشیرالملک که بهوجب اعلان رسمی تازه وزیر شده، دومرتبه هیجان را بر ضد آصف‌الدوله تحریک کرد و سید محمد به قنصلها کاغذی نوشته و اشعار می‌دارد جمعیتی که در مسجد شاه چراغ اجتماع نموده‌اند از ربنقه اطاعت او خارج و اگر میل دارند از اغتشاش جلوگیری نمایند باید آصف‌الدوله را فوراً معزول و از شهر خارج نمایند.

در ۱۷ ماه [۲۶ تیر؛ ۲۸ ج ۲] خبر تعیین عطاءالدوله به سمت نیابت حکومت موقتی تا ورود بهرام میرزا واصل گردید. قنصلها غیررسمی از او ملاقات نمودند و اصرار کردند که برای برقراری نظم اقدامات لازمه را بنمایند و او قول داده است که اقدامات مجدانه نماید.

آصف‌الدوله با وجود اظهارات سابق خودش که می‌خواست حرکت نماید در این موقع ابداً قبول این مطلب را ننموده و اظهار می‌دارد ظل‌السلطان را محمد علی میرزا تعیین کرده و حالا خود او از سلطنت مخلوع است.

اخبار شایعه شهری تعیین حکومت ظل‌السلطان را تکذیب می‌کرد و می‌گفتند تلگرافی که در این خصوص عطاءالدوله اظهار می‌کند از طرف قنصلگریها مجعول و ساختگی

است برای اینکه متحصنین قنسولگریها را ساکت نگاه دارند. در ۱۷ ماه قنسولگریها بتوسط کاغذ به عطاءالدوله اصرار نمودند که گوش به این انتشارات نداده و تا مدتی که دستورالعمل ثانوی برسد، قطع نظر از هر ترتیبی که در مرکز داده شده باشد او مسؤل نظم شیراز خواهد بود. در همان روز قاصدی از جهرم رسید و اظهار داشت سیدعبدالحسین به آن نقطه آدم فرستاده تا به هر قیمتی که ممکن است برای او فشنگ خریداری نمایند.

از سپهدار و سردار اسعد بتوسط تلگراف اعلان وزارت جنگ و داخله ایشان رسید. در ۱۸ ماه [۲۷ تیر؛ ۲۹ ج ۲] تلگرافی از سردار اسعد به صولتالدوله مخابره شد و در آن تلگراف وزیر داخله قدغن کرده بود که از محل خود بطرف شیراز حرکت نکند. در همان روز اعراب از ده بید به قوام تلگراف نموده و به او اصرار می کردند که دربیضا با قشقائیها جنگ نماید. قوام کاغذی به قنسولها نوشته که چون صولتالدوله از بیلاق خود بطرف شیراز حرکت کرده است لذا آنها هم مجبورند که اعراب را خبر نمایند. در جواب به او گفته شد خوب است قوام احتیاط را منظور داشته و اقدامی که صولتالدوله بتواند آن را دستاویز آمدن خود کند ننماید. و باز به او گوشزد شد که صولتالدوله هنوز ۸ منزل از راه سرحد دور است پس دلیلی بر اینکه خطر نزدیک است ندارد. پس قوام سؤال کرد آیا قنسولها اجازه می دهند که برای محافظت اهلاک خود که الان مشغول غارت آنها هستند از ده بید آدم اعزام دارد، به او جواب داده شد که این مسئله راجع به قنسولها نیست فقط تکلیف قنسولها این است که به قوام و صولتالدوله اخطار نمایند که هر کدام از آنها بدو به شیراز قشون وارد نمودند مسؤل خسارت جان و مال اتباع خارجه خواهند بود که از دعوای در شهر روی خواهد داد. در ۱۹ ماه [۲۸ تیر؛ ۱ رجب] تلگرافی از طرف سردار اسعد و تلگرافی از سید اسدالله از بوشهر به صولتالدوله و سید عبدالحسین لاری مخابره و به آنها اصرار شده بود که ساکت بنشینند. در ۲۰ ماه [۲۹ تیر؛ ۲ رجب] مردم به اطمینان اینکه آصفالدوله معزول شده از شاه چراغ خارج شدند. در ۲۱ ماه [۳۰ تیر؛ ۳ رجب] انتخاب علاءالدوله اعلان شد. عقیده مردم در خصوص این انتخاب مختلف است. محترمین شهر خوشحال هستند ولی اشخاصی که کارشان برپا کردن هیجان است بنای ضدیت را گذارده اند. در ۲۲ ماه [۳۱ تیر؛ ۴ رجب] هیجان بر علیه [= علیه] علاءالدوله و برله (=له) ظل السلطان شروع و بازها بسته شد.

در ۲۳ ماه [۳۲ تیر؛ ۵ رجب] صولتالدوله تلگرافی به آصفالدوله مخابره کرد مشعر براینکه نباید از شیراز حرکت نماید و الا او یعنی صولتالدوله آصفالدوله را مراجعت خواهد داد.

در ۲۴ ماه [۱ امرداد؛ ۶ رجب] آصفالدوله از شیراز حرکت و دارالحکومه را به دست قراولهای قشقائی سپرد. در ۲۵ ماه [۲ امرداد؛ ۷ رجب] از آباءه برای مستربیل تلگراف رسید که صولتالدوله با عده زیادی سوار برای شیراز حرکت نموده است و عده سواری هم به آباءه برای ممانعت از ورود علاءالدوله به شیراز فرستاده است. به همین

ملاحظه مستر بیل از وزیر مختار اعلیحضرتی خواهش نمود که برای اعزام استعداد از بوشهر اجازه بدهد و این اقدام تصویب شد.

در ۱۴ ماه [۲۳ تیر؛ ۲۵ چ ۲] قنسول روس به مستر بیل اطلاع داد [ه بود] که او برای قنسولخانه خود از اصفهان قزاق خواسته است. در همان روز قراولهای قشقائی را از دارالحکومه خارج کردند و در ۲۷ ماه ژویه [۴ مرداد؛ ۹ رجب] راپورت رسید که صولةالدوله در پنج منزلی شیراز است. قوام هم در همین موقع از شیراز بطرف اعراب عزیمت نمود.

بموجب پیشنهاد مستر بیل، مستر کرستمس که یکی از اجزاء تلگرافخانه است نزد صولةالدوله فرستاده شد که شاید از پیش آمدن او جلوگیری نماید. مستر کرستمس در ۲۹ ماه [۶ مرداد؛ ۱۱ رجب] حرکت کرد. پس از مراجعت اظهار داشت که صولةالدوله در ۱۲ میلی خارج شهر است و مایل است در اردوی خود با مستر بیل ملاقات کند. مستر بیل از صولةالدوله ملاقات کرد و در ۳ ماه [۱۱ مرداد؛ ۱۶ رجب] راپورت داد که صولةالدوله اظهار داشته که خیال حکومت ندارم. بغیر از علاءالدوله که سالها است با او خصومت دارم و شخصاً هم آدم بدی است هر کسی که حاکم بشود قبول خواهم نمود. صولةالدوله گفته بود همان روزی که حاکم دیگری تعیین بشود تمام قشقائیه را از شیراز رجعت خواهد داد و برای اینکه نیت خود را ثابت کند قول داد که تا سه روز بیگر بطرف شیراز حرکت نخواهد کرد مشروط بر این که نه قوام بطرف شیراز حرکت و نه علاءالدوله از طهران عزیمت نماید. صولةالدوله مایل بود که این مطلب به دولت ایران اشاره شود. و اظهار داشت تا جان دارد از آمدن علاءالدوله جلوگیری خواهد کرد. بموجب پیشنهاد مستر بیل صولةالدوله قبول کرد که مطلب فوق را به قنسول روس بنویسد. مستر بیل گمان می کرد که قشون صولةالدوله بیش از ۳ هزار نفر است و عدد زیادی نیز منتظر خبرند. صولةالدوله پیش از وقت اعلانی در شیراز منتشر کرده که بنا به خواهش علماء کربلاء برای اجراء نمودن قوانین مجلس و انتخابات و ترتیب انجمن و خاتمه ظلم به شیراز خواهد آمد و در آن اعلان قول داده بود که هر چه غارت بشود از عهده غرامت بر خواهد آمد و نظم را پایدار خواهد ساخت. در ۲ ماه اوت [۱۰ مرداد؛ ۱۵ رجب] برای قنسولخانه شیراز استعداد وارد شد ولی بدبختانه دو نفر از سربازان هندی از تابش آفتاب هلاک شدند.

در ۵ ماه اوت [۱۳ مرداد؛ ۱۸ رجب] پس از آنکه ۳ روز معهود به آخر رسید صولةالدوله اردوی خود را در بیرون شهر زده با دولت ایران مشغول مخابرات تلگرافی شد. در ۱۱ ماه اوت [۱۹ مرداد؛ ۲۴ رجب] راپورت داده شد که سهام الدوله به حکومت فارس معین گردید. مردم از حوادث جاریه طهران نه برای شاه تأسف خوردند و نه از اوضاع جدید خوشوقت شدند. خیالات مردم تماماً بطرف اوضاع محلی مصروف است.

خلیج فارس

بوشهر

سید مرتضی که از ۷ ماه ژویه [۱۶ تیر؛ ۱۸ ج ۲] محبوس بود در يك کشتی به بصره و از آنجا به نجف فرستاده شد. سید عبدالصاحب همراه او بود و از طرف دریابییگی و انجمن محلی کاغذی به علماء نجف نوشته شد که سید مرتضی یکی از مفسدین درجه اول است و خوب است او را در تحت نظارت نگاه داشته نگذارند که به نقاط دیگر برود. در ۲۰ ژون [۳۰ خرداد؛ ۱ ج ۲] انجمن محلی انتخاب گردید. و کلاء مرکباند از شش نفر آخوند و ۵ نفر تاجر. در ۲۳ ماه ژون [۲ تیر؛ ۴ ج ۲] بریا بیگی به موگام [مقام] که دهی است در مسافت ۵ میلی بوشهر حرکت کرد تا از آنجا بطرف تنگستان برود و همراه او ۳۰۰ نفر پیاده و توپخانه و سه عراده توپ در تحت فرمان میرپنجه با ۲۰۰ نفر تفنگچی در تحت ریاست احمد خان (که یکی از اقوام خان بندر ریگ است) و ۲۵۰ تفنگچی دیگر در تحت ریاست شیخ حسین چاه کوتائی بودند. راپورت رسید زائر قادر که یکی از طرفداران دریابییگی است ۲۵۰ نفر در اهرم برای خدمت حاضر کرده است.

دریابییگی بتوسط يك نفر قاصد به رئیس علی و حسن باکشو [بخشو] که دونفر رئیس متمرکستگستانی می باشند اولتیماتوم فرستاد. مضمون اولتیماتوم این بود رئیس علی باید دیلوار [دلووار] را به زائر قادر تسلیم نماید که در آن نقطه به ریاست گمرک منصوب و مسئول عایدات آنجا است و نیز رئیس علی و حسن باکشو لازم است تمام اموال [و] وجوهاتی را که از بوشهر بغارت برده اند مسترد سازند.

در ۲۵ ژون [۴ تیر؛ ۶ ج ۲] زائر قادر اهرم را مورد حملات خود کرده و آن نقطه را تصرف نمود و عصر همان روز دریابییگی از موکام به بوم گز [بنه گز، بنی گز] حرکت کرد.

در ۳۰ ماه ژون [۹ تیر؛ ۱۱ ج ۲] از شمشیری ده زائر قادر که دریابییگی به آنجا رفته بود خبر رسید که رئیس علی و حسن باکشو [بخشو] شکست خورده از دهات خود «دیلوار» [دلووار] و «انبارک» به کوه فرار کردند. دریابییگی دیلوار را به دست پسر زائر قادر سپرد و شخصی را نیز که موسوم به محمدباقر بود به ریاست گمرک آن نقطه منصوب کرد.

در همان روز خبر رسید که دریابییگی از حسن باکشو [بخشو] مطالبه خسارت و چیزهای دیگر کرده چون از او جوابی نرسیده ده او را (انبارک) به توپ بسته و متصرف شده و حکم کرده است که مقدار زیادی از درختهای نخل آن را که قیمت آن تقریباً دو هزار تومان بوده است برای جریمه ببرند. و نیز راپورت داده شد که در اول ماه ژویه [۱۰ تیر؛ ۱۲ ج ۲] دریابییگی نظر به اینکه رئیس علی پولی را که دریابییگی از او مطالبه می نماید قبول نکرده خیال دارد دیلوار را مورد حملات خود قرار بدهد و به «پرسپولیس» فرمان داده در همان روز حرکت و از طرف بریا به او همراهی نماید. در ۵ ماه ژویه [۱۴ تیر؛ ۱۶ ج ۲] رئیس علی دومرتبه دیلوار را متصرف شد.

بندرعباس

نظر به سرگرمی سید عبدالحسین لاری در ماه ژون، کاروان جرأت حرکت کرده و چند وقتی راه کاروان تا يك اندازه رو به کرمان امن بود.
ماژور استوکس، آتاشه میلپتر

نمره - ۲۲۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳۰ ماه اوت ۱۹۰۹ [۷ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.
راجع است به تلگراف ۲۷ ماه اوت که در آن تلگراف استخلاص ظل السلطان را راپورت داده بودم:

در همان روز تلگرافی از ویس قنصول اعلیحضرتی مقیم رشت رسید که حرکت ظل السلطان را بطرف طهران اشعار می داشت.

دیروز تلگراف علیحده برای من رسید که اظهار می داشت در خصوص حرکت ظل السلطان بطرف طهران اشکال تراشی شده است. من تلگراف خواهم نمود که در این خصوص توضیحات لازمه را برای من بفرستند.

در جواب تمام مراسلات ما که در خصوص ظل السلطان به دولت ایران فرستاده ایم بغیر از جواب شفاهی چیز دیگری به ما داده نشده. این جواب در ۱۸ ماه اوت [۲۶ مرداد؛ ۱ شعبان] به ما داده شد و مفاد آن این است به ظل السلطان اجازه داده می شود که به طرف اروپا مراجعت نماید ولی کمیته باز اصرار دارد که از مشارالیه پول بگیرد.

گمان می کنم حالا دیگر موقعی است که باید يك اندازه در این خصوص اینستادگی نماییم. به عقیده من يك یادداشت متحدالمآلی در این خصوص از سفارتین بهترین راه چاره این واقعه می باشد. گمان می کنم ظل السلطان حاضر است که يك پولی هم کارسازی دارد. این یادداشت مذکور باید از دولت ایران درخواست نماید که بدون اذیت، ظل السلطان را اجازه بدهند تا به اروپا مراجعت نماید.

نمره - ۲۲۲

تلگراف سر ادواردگری به مستر اوبرون مورخه ۳۰ ماه اوت ۱۹۰۹ [۷ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.
ظل السلطان

راجع است به تلگراف ۳۰ ماه اوت [۷ شهریور؛ ۱۳ شعبان] از طهران.
خوب است شما خیالات اعلیحضرتی را توضیح نموده و از دولت روسیه تقاضا نمایید که به نمایندگی خودشان در طهران دستورالعمل بفرستند که موافق پیشنهاد سر بارکلی متحداً مذاکره نمایند.

نمره - ۲۲۳

تلگراف مستر اوپرون [اوبرون] به سر ادواردگری مورخه ۳۱ ماه اوت ۱۹۰۹ [۸ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

ظل السلطان

(خواهش دارم که به تلگراف دیروزی خودتان رجوع فرمایید.)
امروز عصر با کفیل وزارت امور خارجه ملاقات نمودم. به من اطمینان داد که مطابق پیشنهاد سر بارکلی به شارژ دافر روس مقیم طهران تلگراف خواهد کرد.

نمره - ۲۲۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲ سپتامبر ۱۹۰۹ [۱۰ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۶ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

دولت ایران یادداشت موجب خوشنودی در خصوص متحصنین و عفو عمومی به سفارتین فرستاده است.

در این یادداشت عفو عمومی را برای مقصرین سیاسی طهران اعلان می‌دارد ولی بعضی از خائنین که عجالتاً متحصن و در آن یادداشت اسم آنها را ذکر کرده از این قاعده عفو عمومی مستثنی هستند. این استثناء در حق متحصنین سفارت روس و عثمانی است و دولت ایران عجالتاً محاکمه این اشخاص را به عهده تعویق انداخته تا از ایران خارج بشوند در غیاب ایشان هر جرمی که از محکمه در حق آنها ثابت گردید هرگاه دوباره به ایران مراجعت کردند، جزای آن به موقع اجراء گذارده خواهد شد.

در ضمن همین مراسله دولت ایران درخواست می‌نماید که این اشخاص به فوریت حرکت نمایند و از سفارتهای مذکوره خواهش می‌نماید که به آن اشخاص مزبوره یادآوری نمایند که در صورت مراجعت آنها به ایران دیگر سفارت از آنها حمایت نخواهد کرد.

نمره - ۲۲۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۹ سپتامبر ۱۹۰۹ [۱۷ شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۳ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

امروز عصر در ساعت ۴ شاه سابق با اتباع خود از سفارت روس به انزلی حرکت کرد. ۱۲۰ نفر قزاق ایرانی در تحت فرمان يك نفر صاحب‌منصب روسی تا قزوین همراه او خواهند رفت و از آن نقطه قزاق روسی جای آنان را خواهد گرفت. همراه شاه سابق عده‌ای از اجزاء سفارتین با سه سوار هندی و سه نفر قزاق روسی خواهند بود.

نمره - ۲۲۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ سپتامبر ۱۹۰۹ [۲۰ شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۶ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.
تلگراف ذیل مورخه ۱۱ سپتامبر [۱۹ شهریور؛ ۲۵ شعبان] از کفیل ژنرال قنصلگری
اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من مخابره شده است:
ستارخان مأمور اردبیل شد و از تبریز حرکت کرد. پیش از حرکت، ستارخان به
توسط پول سعی کرده بود که اهالی نمایشی داده نگذارند مشارالیه به اردبیل فرستاده شود
ولی حکومت اعتناء نکرده و در حکم خود ثابت ماند. حکومت برای موفقیت به این فقره
محل تمجید است.

نمره - ۲۲۷

مراسله از اداره هندوستان به وزارت امور خارجه انگلیس مورخه ۱۱ سپتامبر ۱۹۰۹ [۱۹
شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۵ شعبان ۱۳۲۷]
آقا

مأمورم اطلاع بدهم مراسله شما که حاوی سواد مراسله سر بارکلی مورخه [۲۳ ماه ژویه
۲۳ تیر؛ ۵ رجب] مشعر به اظهار خدمات بعضی از اجزاء سفارت اعلیحضرتی طهران و آقایان دیگر
که در مدت انقلاب طهران تا خلع شاه سابق به ظهور رسیده بود واصل گردید.
در جواب من باید بگویم که لورد [لرد] مورلی از حکومت هندوستان خواهش نمود
که از طرف دولت اعلیحضرتی اظهار رضایت از خدمات مژور [ماژور] استوکس و ماژور او کونار
[اوکانر] کرده شود. بعلاوه به من گفته شده که سوادى از مراسله رئیس اداره تلگرافخانه
هند و اروپا راجع به رفتار اجزاء اداره مذکوره در موقع همان انقلاب برای شما بفرستم.
لورد مورلی خیلی خوشحال خواهد شد که بتصویب سر ادواردگری به مستر گرک
اجازه داده شود که از طرف دولت اعلیحضرتی به هر ترتیبی که صلاح بداند از اجزاء تشکر
بنماید. لورد مورلی نیز پیشنهاد می نماید به همان طوری که در خصوص ماژور استوکس
اظهار شد از دکتر اسکات هم اظهار رضایت نمایند.

کولن گامبل

ضمیمه در نمره - ۲۲۷

کاغذ مدیر کل اداره تلگرافخانه هندو اروپا مورخه ۲۶ ماه اوت ۱۹۰۹ [۳ شهریور
۱۲۸۸؛ ۹ شعبان ۱۳۲۷].

در ۱۸ ماه ژویه [۲۷ تیر؛ ۲۹ ج ۲] وزیر مختار انگلیس مقیم طهران مراسله ذیل را
به عنوان مستر باکر فرستاده است:

نظر بکثرت اشتغال نتوانستم زودتر اظهار رضایت از رشادت و آرامی و معقولیتی که
اتباع انگلیس در این اوضاع ناگوار هفته گذشته نشان داده اند کرده باشم. من از شما

تمنی می‌نمایم که لطف فرموده این پیغام مرا به اجزاء خود برسانید و همچنین اظهار تشکرات مرا از رفتار آنان بنمایید. مسافت مابین مرکز تلگرافخانه و اداره تلگرافخانه که در میدان توپخانه واقع است، زیاده از یک میل است.

دولتی‌ها میدان توپخانه را متصرف بودند و خیابانهای اطراف در دست ملتیان بود. در مدت ۴ روز که از ۱۳ الی ۱۶ ماه ژویه [۲۲ تا ۲۵ تیر؛ ۲۴ تا ۲۷ ج ۲] باشد، متصل تیر زیادی مابین این دو دسته رد و بدل می‌شد. با وجود این تمام تلگرافچیها به سر موقع در اداره تلگرافخانه در سر کار خود حاضر می‌شدند اگرچه مخاطرات زیاد برای آنها در این تردد متصور بود. اداره تلگرافخانه نمی‌توانست که تلگرافات واصله را به محل خود برساند. ولی تلگرافاتی که از سفرای انگلیس و روس از قلهک برای سپهدار و سردار اسعد مخابره می‌شد به مرکز تلگرافخانه تلفون می‌کردند و از آنجا به توسط اجزاء انگلیس به صاحبانش می‌رسانیدند چون که فراشهای ایرانی جرأت بیرون رفتن را نداشتند.

در موقعی که سیم تلفون قلهک پاره شده بود هیچ ایرانی جرأت نمی‌کرد که برای تعمیر سیم بیرون برود تا اینکه یکی از اجزاء انگلیس را همراه خود می‌برد. در واقع رفتار تمام اجزاء در این اوضاع ناگوار بسیار خوب بود. من حس می‌نمایم که اگر وزیر هندوستان از رفتار اجزاء تلگرافخانه طهران اظهار تشکر نماید باعث تشویق زیادی از اجزاء طهران خصوصاً و اجزاء ایران عموماً خواهد گردید.

به همین ملاحظه من درخواست اجازه می‌نمایم که از طرف دولت به اجزاء اطلاع بدهم که از آرامی و رشادت اجزاء به طوری که راپورت داده شد دولت اظهار رضایت کرده، خصوصاً از اینکه ماه ژویه در هنگام جنگ اجزاء کار خود را بطور معمول انجام داده‌اند.

امضاء
گرک

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۲۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۳ ماه سپتامبر ۱۹۰۹ [۲۱ شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۷ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

یک کمیسیون ۴۰ نفری قائم مقام کمیته‌ای که تازگی اسم «هیئت مدیره» = Directeur را به خود گذاشته بودند گردیده است. کمیسیون جدید مرکب است از همان اجزاء کمیته. از این به بعد اشخاص دیگر به کار وزراء دخالت نخواهند کرد. علت این تغییر از قراری که می‌گویند رفتن محمد علی میرزا است که اوضاع به حال طبیعی خود برگشته است.

نمره - ۲۲۹

کاغذ وزارت خارجه انگلیس به اداره هندوستان مورخه ۱۶ سپتامبر ۱۹۰۹ [۲۴ شهریور ۱۲۸۸؛ ۳۰ شعبان ۱۳۲۷]

آقا

مأمورم از طرف سر ادواردگری رسید کاغذ مورخه ۱۱ این ماه را در خصوص خدمات بعضی از آقایان که در مدت اغتشاش طهران به موقع ظهور رسیده بود اعلام دارم و جواباً اطلاع بدهم که سر ادواردگری با پیشنهاد ویکونت مورلی کاملاً همراه و مدیر کل تلگرافخانه مجاز است که مطالب پیشنهادی خود را از طرف دولت اعلیحضرتی به عموم اجزاء اعلان داشته و همچنانکه اظهار تشکر از مازور استوکس و مستر اوکونر [اوکانر] شده از دکتر اسکات هم بشود.

کامیل [گامبل؟]

نمره - ۲۳۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۹ [۱ مهر ۱۲۸۸؛ ۸ رمضان ۱۳۲۷] از قلهک
سفیر تازه روسیه امروز صبح وارد طهران گردید. مایلم که موقع را غنیمت شمرده و یادآوری نمایم که چه اندازه خوشحال بودم که در مدت اغتشاش مثل مسیو سابلین همکاری داشتیم. همراهی صادقانه و مساعدت او اسباب تشکر دائمی من خواهد بود.

نمره - ۲۳۱

مراسله سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۹ سپتامبر ۱۹۰۹ [۱۷ شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۳ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.
آقا

در این چهار هفته گذشته مرکز مهم اغتشاش فقط کرمان است و دستجات بزرگ دزدان عرب آن مملکت را غارت می نمایند و در اطراف سلطان آباد به طوری که در راپورت ماه گذشته اطلاع داده شد الوار در دزدی خود باقی هستند.
در شمال مابین قراولهای قنصلگری روس در ارومیه با عده ای از اکراد در قریه نزدیک ارومی جنگ شده و همچنین مابین عده ای از قشون روس در تبریز و دسته ای از فداییهای محلی در نزدیکی مرند نزاع است. بغیر از این نقاط مذکوره در جاهای دیگر اغتشاش مهمی اتفاق نیفتاده هرچند که بی نظمی راههای جنوب و مخصوصاً راه بوشهر و اصفهان تا آباده و راه کرمان به یزد شیوع دارد ولی راپورت اغتشاش شهرهای عمده و ولایات نرسیده و در پایتخت هم نظم کامل برقرار است. دولت هنوز در دست کمیته ای است که اسم خود را «هیئت مدیره = Directeur» نامیده و سردار اسعد وزیر داخله و سپهدار وزیر جنگ هم داخل هیئت مدیره شده اند و این هم برای این است که اتفاقی مابین کمیته که در واقع حکومت می کند و وزرایی که وجود آنها فقط برای اجراء نمودن احکام آن کمیته و نگاه داشتن صورت ظاهر وزارت است به عمل آید.

در یکی از نمره‌های روزنامه «تایمز» دیدم که خبرنگار آن روزنامه در پترزبورگ راپورت داده است که دواتر رسمی روسیه اوضاع ایران را تاریک مشاهده می‌نمایند و اظهار می‌دارند که هرج و مرج در چندین ایالت شیوع پیدا کرده است و تمام راهها بواسطه دزدان و قطاع‌الطریق مسدود است و تجارت هر ماهه رو بنقصان گذاشته است. من از این تلگراف چنان استنباط می‌نمایم که عقیده سن پترزبورگ این است که اوضاع ایران در این یکماهه که در تحت حکومت تازه است بدتر از آن موقعی است که به سبک قدیم بود.

من گمان نمی‌کنم که حقیقتاً بتوانند این عقیده را ثابت نمایند. تازگی ندارد که دزدها راهها را مسدود کرده‌اند. در تمام مدت اقامت من در ایران راهها همین حال را داشته اینکه از تجارت کاسته می‌شود اوضاع سابق هم به همین منوال بوده است.

گمان می‌کنم که گمرکات شمال در عوض اینکه تنزل نماید رو به ترقی نهاده است و باز گمان نمی‌کنم آن طوری که گفته شده هرج و مرج زیاد است این مسئله صحت داشته باشد. بلی در بعضی نقاط اغتشاش هست ولی این مسئله تازگی ندارد. تا اینکه به این مملکت مساعدت کافی پولی نشود سفاقت است اگر تصور شود اصلاح فوق‌العاده در امور ایران حاصل خواهد گردید ولو هر قسم حکومت متصدی امور باشد.

عجالتاً دولت بطور دست‌ودهن زندگی می‌نماید و جزئی وجهی که ممکن است تحصیل شود عبارت از همان وجوهاتی است که جبراً از مرتجعین گرفته می‌شود با مقدار خیلی کم از بابت گمرکات مالیات که منبع عمده عایدات دولتی است ممتنع‌الوصول بود و حالا هم چیزی وصول نمی‌شود. دولت خیال دارد که یک مقدار از جواهرات دولتی را گرو بگذارد ولی با این وجوهات نمی‌شود نقاط مغشوش را منظم نمود بلی کفایت مخارج یومیه دولتی را می‌نماید.

آیا این وجوهات فوق، مخارج دولتی را تا افتتاح مجلس که در اواسط ماه آتیه واقع خواهد شد کافی خواهد بود یاخیر. هنوز معلوم نیست ولی آنچه قطعی است این است که از دولتین تقاضای استقراض نخواهند کرد به جهت اینکه معلوم است یکی از شرایط استقراض نظارت در مخارج آن خواهد بود مگر اینکه بی‌اندازه احتیاج داشته باشند. در آن موقع هم هرچه زودتر یک وجه کافی کارسازی بشود بهتر خواهد بود.

بارکلی

www.adabestanekave.com

نمره ۲۳۲ -

مراسله سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۹ سپتامبر ۱۹۰۹ [۱۷ شهریور ۱۲۸۸؛
۲۳ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک
آقا

در مراسله ۱۲ ماه اوت [۲۰ مرداد؛ ۲۵ رجب] سوادى از پروتواکل ممضى به امضای
مستر چرچیل و مسیو بارن اوسکی مترجمین سفارتین و نمایندگان دولت ایران تقدیم

داشتیم. آن پروتوکل راجع بود به تسلیم جواهرات سلطنتی و قرارداد مستمری شاه سابق به مبلغ هفتاد و پنجهزار تومان و تعیین روز حرکت شاه که در ۱۷ ماه اوت مقرر شده بود و بنا به قرارداد می‌بایست که آن پروتوکل را نمایندگان دولتین و وزراء تصویب نمایند، ولی قبل از وقتی که برای حرکت محمدعلی میرزا معین شده بود پاره‌ای مسائل پیش‌آمد که در آن پروتوکل مذکور نبود و به همین ملاحظه پروتوکل به امضای اشخاص مزبوره نرسید.

اینک سوادى از پروتوکل جدید برای شما ارسال می‌دارم. این پروتوکل متضمن غالب شروط پروتوکل سابق بعلاوه بعضی مسائل دیگر است که مذاکره در آن مسائل اسباب تعویق حرکت محمدعلی میرزا را فراهم کرد. دو فقره از این مسائل باعث مذاکرات طولانی با دولت ایران گردید. البته ملتفت خواهید شد که مسائل مذکوره در خصوص قروض شاه سابق به بانک روسی و حرکت محمدعلی میرزا با اتباع مرتجعین [مرتجع] خود از ایران به طوری که در این پروتوکل مرتب شده، موافق میل دولت روس است. دولت ایران قروض شاه سابق را در عهده گرفته و مواجب او را به صد هزار تومان اضافه کرده و در عوض محمدعلی میرزا املاک خود را به دولت ایران منتقل می‌نماید.

مذاکرات جزئی در خصوص قروض شاه سابق مابین دولت روس و بانک روس و دولت ایران در جریان است و گروه این قرض گمرکات شمالی خواهد بود با فرع صدی شش در صورتی که سابقاً از قران صدی نه و صدی دوازده بود.

مرتجعینی که با محمد علی میرزا در سفارت روس متحصن بودند مجاز خواهند بود که با محمد علی میرزا حرکت نمایند مشروط براینکه متحصنین از طرف خود و کیلی تعیین نمایند که هرکس از ایشان ادعایی داشته باشد، در حضور نماینده سفارت روس محاکمه بشوند.

در خصوص محاکمهای که ممکن است درباره این اشخاص اتفاق بیفتد از قبیل گفتگوی در باب قنات و غیره در اینکه آیا حضور نماینده سفارت روس لازمست یا خیر مورد بحث و ترتیب او به عهده تعویق افتاد و قرار شد که بعدها مابین سفارت روس و دولت ایران ترتیبی داده شود.

سواد یادداشتی که در همین قضیه من و همکار روسم به دولت ایران نوشتیم لغاً ارسال شد. این چهار لفظ *Pour les affaires Passées* (برای کارهای گذشته) که در آن مراسله مذکور یادآوری شده بود باعث مذاکرات طولانی گردید. نمایندگان دولت ایران اصرار زیاد نمودند که بعد از کلمات *poursuite civile* (جلب به محاکمه) آن چهار لفظ گذارده بشود و اگر این چهار لفظ گذاشته می‌شد دیگر در محاکمات برای نماینده روس در دعاوی آتی مجال حضور باقی نمی‌ماند.

رفتار سفارت انگلیس همیشه با پناهندگان سفارت موافق بوده است با اظهارات نمایندگان ایران به این معنی که سفارت انگلیس حمایت خود را همیشه در حق متحصنین برای اعمال گذشته ایشان معمول داشته [است] نه برای امور آتی ولی مابین اشخاصی که در سفارت روس متحصن شده‌اند، کسانی هستند که در تحت حمایت روس می‌باشند در این صورت

مسئله تفاوت پیدا می‌کند و من می‌توانم بگویم تا مدتی که اشخاص مذکوره در تحت حمایت روس هستند و همکار روس من هم مایل نیست که از آنها سلب حمایت کرده باشد سفارت روس حق دخالت در امور راجعه به آنها را دارد. و به همین دلیل من با همکار روسم همراهی نمودم.

نمایندگان دولت ایران قبول نکردند که مابین این دو قسم حمایت تفاوتی بوده باشد و اظهار نمودند که درباره تمام متحصنین به یک ترتیب رفتار خواهد شد و طوری نمایندگان دولت ایران در این مطلب جدیت و ایستادگی نمودند که اگر همکار روسم این عقیده خود را پیش ببرد، گمان می‌کنم بعد از این با تمام متحصنین به همین طور رفتار خواهند کرد. به این معنی که بعد از این هم درباره آنها حمایت نموده و مابین اشخاصی که در سفارت متحصن شده‌اند و اشخاصی که در تحت حمایت هستند تفاوتی نخواهند گذاشت.

چون ما نتوانستیم در این مسئله اتفاق آراء تحصیل نماییم و بملاحظه اینکه در حرکت محمدعلی میرزا تعویق حاصل نشود مصمم شدیم که به دولت ایران یادداشتی فرستاده و تقاضا نماییم که این مسئله را عجالاً مسکوت‌عنه بگذارند.

پروتکل ملفوف را دیشب نمایندگان امضاء نمودند و باید که امروز به امضای تمام وزراء ایران برسد. تمام شرایطی که حرکت محمدعلی میرزا بسته به اجراء آنها بود به موقع اجراء گذاشته شد و امید است که تا عصر محمدعلی میرزا با اتباع مرتجعین [مرتجع] خود از سفارت روس حرکت نمایند.

بارکلی

ضمیمه ۱ در نمره ۲۳۲

(پروتوکل^۱ که در ۲۵ ماه اوت [۲ شهریور؛ ۸ شعبان] امضاء شده است.)
محض تسریع در حرکت از ایران اعلیحضرت محمد علی میرزا شاه سابق ایران که فعلاً در تحت حمایت سفارتین روس و انگلیس است وزیر مختار انگلیس و شارژدافر روس از یک طرف و وزرای دولت ایران از طرف دیگر متفقاً ترتیب پروتوکل ذیل را دادند.
آرتیکل^۲ اول اعلیحضرت محمدعلی میرزا چون اظهار نمودند که تمام جواهرات و سایر اشیاء سلطنتی که در تصرف ایشان بوده است به دولت ایران تسلیم کرده‌اند. دولت ایران بعد از ترتیب‌دادن صورتی از تمام جواهرات و اشیاء دیگری که تحویل گرفته است سیاهه‌ای از آنچه کسر است و از آنچه عوض شده است به سفارتین خواهد داد و سفارتین از محمدعلی میرزا توضیحات با دقت تحقیقی و تمام شرح و تفصیلی که ممکن باشد در اینکه جواهرات و اشیاء مذکوره چه شده است تحصیل خواهند کرد و در صورتی که بعضی از آنها در

(۱) پروتکل (پروتوکل)، Protcole - مقاله نامه سیاسی - صورت مجلسی که در -

باره امور سیاسی میان مقامات رسمی دو یا چند کشور نوشته شود. - ۴.

(۲) آرتیکل، Article - بند، ماده، موضوع، شرط، فقره. - ۴.

نزد خود اعلیحضرت یا اشخاصی که در بست سفارت روس هستند بوده یا توضیحاتی که داده اند خلاف باشد سفارتین هر چه در امکان ایشان باشد برای استرداد آن اشیاء به عمل خواهند آورد.

(۲) هرگاه در حضور محکمه‌های سفارتین معلوم شود که از تاریخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج - ۱۳۲۸] ببعده اعلیحضرت محمدعلی میرزا جواهرات و اشیاء سلطنتی را فروخته یا گرو گذاشته یا پنهان کرده است و ممکن نشود عین آن اشیاء را مسترد دارند دولت ایران قیمت آن اشیاء را از مستمری ایشان کسر خواهند نمود.

(۳) اعلیحضرت محمدعلی میرزا تمام اسنادی که دارد متعلق به جواهرات سلطنتی که در بانکها یا صرافخانه‌های دیگر که قرض می‌دهند یا در نزد اشخاص متفرقه در رهن پولی است که به ایشان داده‌اند به دولت ایران تسلیم می‌نماید و دولت ایران می‌تواند بمیل خود آن جواهرات مرهونه را از گرو بیرون بیاورد.

(۴) تمام قروض شخصی اعلیحضرت محمدعلی میرزا خواه از بانک استقراضی ایران که در اول ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۲ ج ۲ - ۱۳۲۷] باضافه منافع بالغ بر دو کرو و چهارصد و سیزده هزار و چهارصد و سی و چهار تومان و شش هزار و هفده شاهی بوده است و خواه از تبعه خارجه که پیش از ۱۶ ماه ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] استقراض شده و قبل از ۱۹ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۷ امرداد ۱۲۸۸؛ ۲ شعبان ۱۳۲۷] به وزارت امور خارجه اطلاع داده باشند و تمام آنها به ثبوت رسیده و از روی اسناد صحیح باشند، تبدیل به حساب دولت ایران خواهد گردید که مسؤل ادای آن وجوه خواهد شد. تفصیل جزئیات این تبدیل معامله بموجب اسناد مخصوصه‌ای خواهد بود که باید منتهی مدت در ۲۹ ماه اوت ۱۹۰۹ [۶ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۲ شعبان ۱۳۲۷] به امضاء برسد.

(۵) اعلیحضرت محمدعلی میرزا تمام املاک شخصی خود را که عمده آنها واقع در آذربایجان است به دولت ایران واگذار خواهد کرد و کلیه قباجات و اسناد این املاک را به دولت ایران تحویل خواهد داد و قبالة مخصوص هم در واگذاری این املاک به دولت امضاء خواهد نمود. در خصوص املاکی که در بانک استقراضی ایران رهن است بانک مزبور سندی به دولت ایران خواهد داد که تصدیق می‌نماید انتقال این املاک را به دولت. و اما در باب املاک اگر گفتگویی پیدا شود اساساً از روی دفتر دولت ایران استناد خواهد شد.

(۶) دولت ایران در حق محمدعلی میرزا و خانواده او به استثناء اعلیحضرت سلطان احمد شاه و محمد حسن میرزا ولیعهد حالیه مستمری سالیانه به مبلغ ۱۰۰۰۰۰ تومان مقرر خواهد کرد که از زمان حرکت اعلیحضرت از ایران ببعده هر سه ماه به سه ماه پیش بتوسط بانک استقراضی ایران تأدیه خواهد کرد.

(۷) در صورت فوت محمدعلی میرزا دولت ایران در حق عیال و اولاد او باستثناء اعلیحضرت سلطان احمد شاه و محمد حسن میرزا ولیعهد حالیه مبلغ ۲۵۰۰۰ تومان مستمری سالیانه برقرار خواهد کرد که در بین آنها تقسیم خواهد شد. در صورت فوت

هر يك از ایشان هم (مقرری) او بخودی خود مقطوع خواهد گردید.
 ۸) اعلیحضرت محمدعلی میرزا بعد از امضاء این پروتوکل به فاصله ۴۸ ساعت از طهران خارج شده و به خارجه عزیمت خواهد کرد.

۹) در خصوص اشخاصی که حالیه در بست سفارت روس هستند و برای اعمال پلنتیکی گذشته ایشان رعایت بست منظور می شود و از سفارت امپراطوری روسیه سیاهه اسامی آنها در یادداشت نمره ۳۴۹ بیستم شعبان (ششم سپتامبر) [۱۴ شهریور] به دولت ایران داده شده است مسلم است بدون آنکه در طهران يك و کیلی با شرایط تعهدی بگذارند، از ایران خارج نخواهند شد و در صورت جلب به محاکمه دعاوی که ممکن است در حق یکی از این اشخاص اتفاق بیفتد وکیل متقبل خواهد بود که به محکمه ایران حاضر شده و با حضور یکی از اعضاء سفارت روس از طرف موکل خود جواب بگوید.
 این شرط که باید یکی از اعضاء سفارت در محاکمه حاضر باشد، بطور استثناء است و موجب سابقه نخواهد شد.

۱۰) هر گاه یکی از این اشخاص به ایران مراجعت نماید از حقوق رعایت بستنی که سابقاً ذکر شد محروم خواهد بود و دیگر بعنوان بستنی درهیچیک از دو سفارت قبول نخواهد شد.
 ۱۱) دو نماینده دولتین بر عهده می گیرند که اعلیحضرت محمد علی میرزا را جداً متنبه نمایند برای آنکه فیما بعد از تمام تحریکات پلنتیکی برضد ایران اجتناب نماید و دولت امپراطوری روسیه همچنین از طرف خود وعده می دهد که تمام مراقبت های مؤثره را بعمل بیاورد برای اینکه امثال چنین تحریکات از طرف او واقع نشود.

هر گاه اعلیحضرت محمد علی میرزا از روسیه خارج بشود و همچنین اگر به سفارتین معلوم و محقق گردد که او در مملکت دیگری غیر از روسیه تحریکات پلنتیکی بر ضد ایران می نماید دولت ایران حق خواهد داشت که مستمری او را قطع نماید.

در سه نسخه تحریر شد زرگنده ۲۵ ماه اوت [۲ شهریور ۱۲۸۸؛ ۸ شعبان ۱۳۲۷] (۷ سپتامبر ۱۹۰۹) [۱۵ شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۱ شعبان ۱۳۲۷]^۹

بارکلی

سابلین

فرمانفرما وزیر عدلیه

سپهدار وزیر جنگ

سردار اسعد وزیر داخله

مستوفی الممالک وزیر مالیه

صنیع الدوله وزیر علوم

سردار منصور وزیر پست و تلگراف

مشار السلطنه کفیل امور وزارت خارجه.

(۱) علت بکارگرفتن دو گونه تاریخ میلادی این بوده است که تاریخ رسمی انگلیس و

روس باهم تفاوت دارد. م.

ضمیمه ۲ در نمره ۲۳۳

یادداشت متحدالمالی که در ۲۳ ماه اوت ۱۹۰۹ [۳۱ مرداد ۱۲۸۸؛ ۶ شعبان ۱۳۲۷] به دولت ایران فرستاده شده است:

نظر براینکه در آرتیکل ۹ پروتوکل در خصوص حرکت اعلیحضرت محمد علی میرزا از ایران نمایندگان دولت ایران می‌خواستند بعد از جمله «یکی از این اشخاص» عبارت «برای کارهای گذشته» را اضافه نمایند و این فقره باعث اشکال و موجب گفتگو شده بود. لذا عبارت مذکور از پروتوکل خارج شد تا بعد قراردادی در آن مابین دولت ایران و سفارت روس داده شود.

۲۳ اوت [۳۱ مرداد ۱۲۸۸؛ ۶ شعبان ۱۳۲۷] (۷ سپتامبر ۱۹۰۹):
[۱۵ شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۱ شعبان ۱۳۲۷]

نمره - ۲۳۳

مراسله سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۹ [۱۸ شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۴ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک
آقا

افتخار دارم که لفاً مجملی از حوادث چهار هفته اخیر را بطور معمول ارسال دارم.
بارکلی

ضمیمه در نمره ۲۳۳

حوادث ماهانه در ایران از ۷ ماه اوت لغایت ۸ ماه سپتامبر [۱۵ مرداد تا ۱۶ شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۰ رجب تا ۲۲ شعبان ۱۳۲۷]

طهران

پروتوکل که در ۳ ماه اوت ترتیب داده شده بود و در آن پروتوکل حرکت شاه سابق را تا ۱۷ ماه اوت معین کرده بود تصدیق نیافته و بموقع اجراء گذاشته نشد. بعد از مذاکرات طولانی در هفتم ماه سپتامبر پروتوکل دیگری ترتیب داده شد که بموجب آن پروتوکل صد هزار تومان مستمیری برای محمد علی میرزا معین گردید و بعلاوه دولت ایران تمام قروض او را که یکی از آنها ۳۰۰۰۰۰۰ لیره به بانک روسی بود به عهده خود گرفت و در عوض محمد علی میرزا تمام املاک شخصی خود را واگذار به دولت ایران نمود. مذاکره کنندگان از طرف دولت ایران اعضای مهم کمیته ملی بودند که معروف به هیئت مدیره هستند. حسینقلی خان نواب، تقی‌زاده، وثوق‌الدوله، مستشارالدوله هم از هیئت مذکوره داخل مذاکره کنندگان بودند.

انتخاب پانزده نفر نمایندگان طهران برای مجلس شورای ملی در اواسط ماه اوت به انجام رسید و اشخاص ذیل منتخب گردیدند: حاجی سید نصرالله، احتشام‌السلطنه، وثوق‌الدوله، حکیم‌الملک، صدیق حضرت، مستشارالدوله، تقی‌زاده، ذکاءالملک، صنیع‌الدوله. حسینقلی

خان نواب، اسدالله میرزا، شیخ محمد حسین یزدی، یحیی میرزا، مؤتمن‌الملک، وحیدالملک. در اول ماه سپتامبر محمد حسن میرزا برادر کوچک شاه را رسماً ولیعهد نمودند و در همان روز عفو عمومی برای تقصیرات پلنکی گذشته اعلان گردید لیکن با شرایط عدیده. وزیر اکرم که در ماه اوت حاکم طهران شده بود منفصل و بجای او معتمد خاقان برادر صدیق‌السلطنه تعیین گردید.

روزنامهٔ حبل‌المتین طهران توقیف گردید و مدیر او برای طبع بعضی مقالات تنبیه شد. فعلاً ۱۰ روزنامه در طهران طبع می‌شود و چند عدد از آنها یومیه هستند. ایران نو جدیدتر از همه است. ظاهراً دولت در دست کمیتهٔ ملی است و از قرار معلوم سپهدار وزیر جنگ روابط خوبی با آنها ندارد.

اغلب وکلایی که از طهران انتخاب شده‌اند اعضاء کمیتهٔ ملی هستند. کمیتهٔ مزبور نظم را در طهران برقرار نموده وقشون به تبریز و شیراز فرستاده است با وجود توجیحات [وجوه - پولهای] اجباری که از طبقهٔ عالی گرفته‌اند باز هم پول لازم دارند و برای یک مساعده صد هزار تومان با بانک شاهی مذاکره کرده‌اند، ضمانت این قرض جواهراتی است که به بانک کردی لیونه پاریس فرستاده خواهد شد، و قیمت آن جواهرات پانصد هزار تومان است.

بختیاریها و مجاهدین روی هم رفته بد رفتار نمی‌کنند. چند روز قبل یک مجاهد در بازار دو نفر را مقتول و یک نفر را مجروح نمود. بعد از محاکمه نظامی قاتل به مجازات رسید.

آخرین کسی که علناً اعدام شد میرهاشم بود که در اول ماه اوت [۹ امرداد ۱۲۸۸؛ ۱۴ رجب ۱۳۲۷] واقع گردید این شخص معروف به بد اخلاقی [بود] و برای شاه سابق کار می‌کرد. این مجازات در حق او خیلی به جا بود.

چرچیل منشی اول السنه شرقیه

تبریز

در ۲۲ ماه اوت [۲۰ امرداد ۱۲۸۸؛ ۵ شعبان ۱۳۲۷] مخبرالسلطنه حاکم جدید از اروپا مراجعت و از راه جلفا به تبریز وارد شد.

تقریباً در دهم ماه اوت ۲۵ نفر قزاق روسی با فداییها که یکی از مستخدمین کمپانی راه روس را مجروح و به یک دهی مابین مرند و جلفا برده بودند جنگ کردند. یک اسب از قزاقها کشته شد و ایشان سه نفر از فداییها را مقتول و ۷ نفر را مجروح ساخته و مابقی فرار کردند و مستخدم کمپانی را استخلاص دادند. این واقعه اسباب هیجانی نگردید.

رشت

شهر در آرامی برقرار است. سردار معتمد به حکومت گیلان و طالش معین گردیده است. ظل‌السلطان که برخلاف نصیحت دولتین مراجعت به ایران نموده بود در منجیل توقیف و به رشت عودت داده شد. با او بد رفتاری نشده است و می‌تواند آزادانه حرکت

نماید ولی ۲۵ نفر که اسم خود را «گارد افتخار» گذارده‌اند همیشه مواظب او هستند. از قرار مذکور ظل‌السلطان قول داده است که ۶۰۰۰۰ لیره به دولت جدید داده و بعلاوه ۱۴۰۰۰ لیره را که دو سال قبل به ملتیان قرض داده بود واگذار نماید ولی هنوز چیزی نپرداخته و مشغول مذاکره با پسران خود در طهران است. ۶ نفر نماینده گیلان برای مجلس انتخاب شده‌اند و بعضی از آنها هم به طهران وارد گردیدند.

استرآباد

در اوایل ماه اوت سالار معزز حاکم کتول از مردم مطالبه مالیات می‌کرد بعد از آنکه مردم قبول نکردند مالیات را بپردازند، سالار معزز خود را به «دقوزها» ملحق ساخته و عده‌ای از تراکمه «دی» به کتول فرستاد. آنها چندین قریه را آتش زده و مقدار زیادی گاو و گوسفند غارت نمودند. اهالی از این فقره به هیجان آمده دهات سالار معزز را چاپیدند. خود سالار معزز با عیالش به صعوبت فرار کردند و حالا در بین تراکمه مشغول جمع‌آوری استعداد است.

مذکور است که طایفه جعفربای و دی خیال دارند با دولت مشروطه طرف بشوند و می‌گویند تفنگهای جدید به گمش تپه برای فروش آورده‌اند. سپهدار سالار مکرم را به حکومت معین نموده و قول داده است که دو فوج سرباز برای او خواهد فرستاد.

مشهد

شهر و اطراف قرین آرامی است. دولت جدید رکن‌الدوله را به ابقاء حکومت تصویب نموده است ولی مشارالیه از نداشتن قوه شکایت می‌کند. انجمن محلی به او اطلاع داده است که هیچ اقدامی بدون دستورالعمل قطعی طهران نباید بکند.

تربت حیدری

خبر خلع محمد علی شاه از طرف اهالی تربت به خوبی پذیرفته شد. ضیافتی بافتخار جلوس سلطان احمد شاه داده قونسولهای روس و انگلیس را هم دعوت کرده حاضر شدند. رفعت‌الدوله وارد ترشیز گردیده و در ۱۱ ماه اوت [۱۹ مرداد؛ ۲۴ رجب] مشغول حکومت شد. در اواسط ماه اوت گفتند که شجاع‌الملک با ۳۰۰ سوار در نزدیکی «زاوه» است. مأموریت او این بود که اموال شجاع‌الملک مرحوم را که اسدالله در دولت‌آباد ضبط کرده بود تصرف نماید. اسدالله تهیه دفاع می‌نمود خبر تازه که رسیده مشعر براین است که مشارالیه کشته شده است.

سیستان

حسام‌الدوله از حکومت معزول و شوکت‌الملک دومرتبه منصوب گردیده است. تجار و اهالی معتبر بیرجند خیلی خوشوقت از واقعات طهران شدند و شهر را دو شب چراغانی

نمودند، در سیستان این اخبار تولید هیجانی نکرد.

اصفهان

شهر فوق‌العاده آرام است. رئیس جدید نظمیه لیاقت خود را ثابت می‌نماید. ولی در شهر مردم خیلی ناراضی از عدم کفایت صمصام‌السلطنه هستند. از آن طرف صمصام‌السلطنه روز بروز بیشتر از کار خود متنفر می‌شود و اظهار می‌دارد که چندین مرتبه استعفاء داده است. مشارالیه از تعیین نمودن سردار اسعد سردار جنگ را به حکومت یزد و سه نفر دیگر از خوانین را به ریاست افواج، اظهار ناراضی میکند.

سردار جنگ در ۲۲ ماه اوت [۳۰ مرداد ۱۲۸۸؛ ۵ شعبان ۱۳۲۷] وارد اصفهان شد و در ۲۸ ماه مزبور حرکت به طرف بختیاری نمود. رفتن او به یزد محل تردید است. راههای از طهران به یزد به امام‌قلی‌خان سپرده شده است. از قرار معلوم اغلب راهها خیلی امن‌تر از سابق است. راه شیراز تا آباده خوب امن است.

کاروانی که مرکب از ۷۰۰ مال بود در ۱۴ ماه اوت [۲۲ مرداد؛ ۲۷ رجب] به اصفهان رسید. از راه سلطان‌آباد خیلی شکایت داشتند. فقط سرقتی که راپورت داده شده است زدن پست‌عازم طهران بوده است که در ۲ ماه اوت در نزدیکی مورچه‌خوار اتفاق افتاده است. بواسطهٔ زدی الوار، راپورتهائی که از سلطان‌آباد می‌رسد، مشعر بر ناامنی زیاد در آن نقاط است. الوار مذکور در تحت حکومت بروجرد و عراق [= اراک] هستند. بواسطهٔ عدم استعداد، قائم‌مقام قادر به جلوگیری از آنها نیست. نواحی کزاز و فراهان و سریند را الوار تاخت و تاز نموده و از قرار معلوم به کارخانجات قالیبافی هم خسارت بسیاری وارد آمده است.

در سلطان‌آباد عدهٔ زیادی از مردم بیرق روس خریده و خیال دارند در موقع خطر در منزلهای خود نصب نمایند. بیرق روسی را در قریهٔ موسوم به جیل که متعلق به صارم‌الدوله است نصب کرده‌اند. معلوم نیست که بیرقها از طهران فرستاده شده است یا از اصفهان آورده‌اند. این ناامنی دولت جدید را منفور خواهد کرد.

یزد

تقریباً در اواسط ماه اوت عبور و مرور از یزد به نقاط دیگر مقطوع شده است. دستجات بزرگ دزد که عدهٔ آنها از ۲۰۰ الی ۶۰۰ نفر است در راهها حرکت می‌نمایند. از قرار معلوم که راپورت رسیده است این دزدان از ایل عرب فارس که سپردهٔ قوام‌الملک است می‌باشند چندین پست سرقت شده است.

در ۲۴ ماه اوت دو نفر خانم میسیونر انگلیسی که به یزد مراجعت می‌کردند. گرفتار دزدان شده و تمام دارایی آنها را غارت نمودند. بطوری که می‌گویند دزدها از ایلات فارس بودند. سفیر اعلیحضرتی از دولت ایران خواهش کرده است که اقدامات فوری برای مجازات دزدان و استرداد اموال مسروقه به عمل بیاورد.

در ۲۸ ماه اوت راپورت رسید که شهر در کمال آرامی است. انتخابات برای مجلس

شورای ملی بواسطه اقدامات بعضی ارادل شهری که مردم را تهدید به قتل نموده‌اند، اگر مداومت در انتخابات بشود در عهده تعویق افتاده است. سردار جنگ بختیاری به حکومت یزد معین گردیده است. مشارالیه در ۲۳ ماه اوت در اصفهان بود و بعد از آن به طرف بختیاری حرکت کرده است. هنوز متصدی حکومت نشده است.

کرمان

در ۱۷ ماه ژویه تلگرافی از سپهدار رسید که جلوس شاه جدید را اعلام داشته و تمام مأمورین را به کارهای خود ابقاء کرده بود. شهر را سه شب چراغانی نمودند ولی نه به حد افراط و دیوانگی. کرمانیها دوست قاجاریه نیستند ولی گمان هم نمی‌کنند که ایلات دیگر به رؤسای بختیاری تمکین نمایند.

در اواخر ماه ژویه اغتشاش جزئی در شهر روی داد که در آن اغتشاش يك نفر مقتول و يك نفر مجروح گردید. اغتشاش بواسطه نزاع فیما بین پسر مرحوم آقا باقر و نایب‌الحکومه شروع شد. نایب‌الحکومه استعفاء نموده و نصرت‌الممالک به جای او معین گردیده است. حکومت نظام‌السلطنه موقوف شده است. در ۲۰ اوت مستر رایت [از] اجزاء بانک شاهنشاهی که برخلاف مصلحت قنصل اعلیحضرتی از کرمان حرکت نموده بود در ناصریه که ۶۰ میل شرقی کرمان است دزدان او را نگاه داشتند. عده ایشان از ۶۰۰ الی ۱۰۰۰ نفر بوده است. از قرار معلوم دزدان قصد آزار مستر رایت را نداشتند بلکه مقصود آنها این بوده است که نگذارند مشارالیه حرکت دزدان را به مأمورین دولتی اطلاع دهد ولی یکی از همراهان مستر رایت بواسطه زخمی که از دزدان خورده بود مرد.

در ۲۳ ماه اوت مستر رایت خلاص شد و به مستر جیمس از اجزا تلگرافخانه هند و اروپا که به کمال آباد برای جستجوی او و تعمیر سیم تلگراف که دزدان قطع کرده بودند آمده بود ملحق گردید. این دو نفر در موقعی که دزدان به رفسنجان حمله می‌آوردند به آن شهر رسیدند. هرچند به ایشان متعرض نشدند ولی خطر خوردن تیر به آنها بود. بعد دزدان از اطراف شهر کناره گرفتند و در ۲۶ ماه اوت خبر رسید که آنها در ۱۵ میلی کمال آباد هستند. از قراری که مذکور است این دزدان از ایل بهارلوی فارس هستند. پس از آنکه سفیر اعلیحضرتی از حرکات این راهزنان به وزیر داخله شکایت کرد، وزیر داخله به قوام‌الملک حکم نمود که اقدامات فوری در جلوگیری از این دو ایل که در تحت ریاست او هستند بنماید.

از قرار راپورت قوام‌الملک با استعداد از شیراز حرکت کرده است و بعلاوه یکی از اقوام رئیس ایل را در شیراز توقیف نموده و به دزدان تلگراف کرده است که خانه‌های ایشان را خراب خواهد کرد. در اوائل ماه سپتامبر دزدان باز مشغول غارت بودند.

کرمانشاهان

ظهیرالدوله به حکومت باقی است و تا يك اندازه در مقابل ظهیرالملک بی‌قدرت است ولی دولت مرکزی به او قول همراهی داده ۳۰ نفر قزاق و ۷۰ نفر سوار دیگر برای کمک

او فرستاده شده است.

سپهدار تلگرافی به اهالی کرمانشاه نموده که ملت روس و انگلیس خیلی مساعدت برای تحصیل مشروطیت ایران نموده‌اند و نباید ضدیتی نسبت به آنها بشود و همچنین تلگراف دیگری کرده است که مختار السلطنه به ریاست قشون کرمانشاه تعیین شده است و به همین زودیها با فوج خود وارد خواهد شد. این تعیین، قوهٔ ظهیرالملک را کم خواهد کرد به جهت آنکه افواج فعلا در دست او هستند. سه نفر وکیل کرمانشاه برای مجلس شورای ملی انتخاب شده‌اند.

بنابر راپورتی که از ژنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم بغداد برای این سفارت رسیده است معلوم می‌شود که شیخ عبدالله زنجانی که یکی از علمای معروف نجف است در اوایل ماه اوت به قصر شیرین رفته و از طرف خود و ملا محمد کاظم خراسانی به ولایات تلگراف کرده است که مالیات را به شاه جدید اداء نمایند و اهتمام در آسایش مردم بجا آرند. در ۲۱ ماه اوت ملا محمد کاظم تلگرافی به یکی از علمای کرمانشاه نمود مبنی بر آنکه علماء باید سعی در جلوگیری از فساد نموده نگذارند امثال اغتشاشی که در کرمانشاه روی داده بود پیدا شود و بعلاوه نگذارند در آتیه هم نظایر آن ظهور یابد.

دو تلگراف متحدالمال به ولایات از وزیر داخله در خصوص محافظت راهها برای حکومت واصل گردید. مقصود از این تلگرافات این بود که به قراسورانها لباس مخصوص داده و حقوق آنها پرداخته شود که دیگر مسافرین را اذیت نکنند و برای مسافرین خارجه مستحفظ خوبی تهیه شود.

شیراز

شهر آرام است و منتظر سهام الدوله حاکم جدید هستند که در ۲ سپتامبر با کالسکه پستی از اصفهان حرکت کرده است. لیوتتان کراسویت که استعداد برای مستحفظین قنصلخانه آورده بود با ۵ نفر سوار به طرف بوشهر مراجعت کرد ولی بواسطهٔ تب سختی که به او عارض شده بود مجبور گردید که از دشت ارژن به شیراز مراجعت نماید. ظاهراً ایل عرب بکسی از اطاعت خارج شده‌اند. تاخت و تاز آنها به رفسنجان و یزد هم رسیده است. از ۵ الی ۲۵ ماه اوت ۱۷ مرتبه سیم تلگراف را در نزدیکی شیراز قطع نموده‌اند.

با اینکه قوام‌الملک خودش در میان ایل است ولی از قرار معلوم نمی‌تواند جلوگیری از آنها بنماید. از راپورتهای اخیره مستفاد می‌شود که مشارالیه با استعداد برای برقراری نظم حرکت نموده است. این اقدام نتیجهٔ احکام از طرف دولت مرکزی است. از قرار معلوم قشقایها آرام هستند و قنصل اعلیحضرتی راپورت می‌دهد که مسئله عمده همان اقتداری است که صولت‌الدوله مابین قشقایها پیدا کرده است، صولت‌الدوله در ۱۶ ماه اوت از شیراز به طرف آباءه برای ملاقات حکمران جدید عزیمت کرد. راه معمولی اصفهان تا آباءه بکلی بواسطهٔ دزدان مسدود شده است و مستر میدلیتن یکی از اجزاء بانک شاهنشاهی را در دامنزلی شیراز دزد زده است. مشارالیه بدون اطلاع قنصل اعلیحضرتی و بدون

همراه بردن مستحفظ از شیراز حرکت کرده بود. در این موقع سال اغلب کاروانها از راه سرحد به اصفهان حرکت می‌نمایند و این راه از قرار قاعده باز است. در ۳ ماه سپتامبر ۱۵۰ نفر قزاق ایرانی و ۱۵۰ نفر سوار دیگر در معیت حاکم فارس از طهران به طرف شیراز حرکت کردند. راپورت داده شده است که سید لاری در ۳۰ ماه ژویه لار را دومرتبه تصرف نموده است. اقدامات آتی او اسباب اضطراب شده است ولی مستر بیل گمان می‌کند که صولت‌الدوله نخواهد گذاشت مشارالیه اغتشاشی در اطراف شیراز فراهم نماید.

بوشهر

در ۱۲ ماه ژویه [۲۱ تیر؛ ۲۳ ج ۲] به بوشهر تلگراف رسید که رئیس علماء نجف خیال دارد به طرف ایران عزیمت نماید. سید اسدالله مجلسی تشکیل داده که همراهی با این مقصود بشود و اعانه پولی هم شروع شده - ۶۰۰ لیره قبول کردند بدهند. در ۱۶ ماه ۲۴۰ لیره از آن مبلغ را به اصفهان نزد رؤسای ملتیان فرستادند، و بمحض آنکه دریابییگی از تنگستان حرکت کرد رئیس علی و حسن بکشو [بخشو] دهات خود را تصرف نمودند. خیلی جای تأسف است که از طهران به دریابییگی حکم شد با ملایمت با این اشخاص رفتار شود. در ۲۹ ماه حسن بکشو با ۲۵ نفر به نزدیکی سبزآباد که تا بوشهر ۷ میل مسافت دارد برای تظلم به انجمن محلی از دست دریابییگی آمده بودند.

در ۲۱ ماه ژویه سپهدار تلگرافی به دریابییگی نمود که به خوانین و علماء و اشخاص دیگر فتح ملتیان را اعلام داشته و به آنها حکم نماید که دست از اغتشاش بردارند والا مسؤل عواقب آن خواهند بود. در همان روز تلگرافی به حکومت رسید که برای جلوس شاه جدید سه روز تعطیل را معمول دارند. این تلگراف در حضور تمام اشخاص مهم قرائت شد. بازارها بسته چراغانی و آتش‌بازی به عمل آمد. انجمن محلی هفته‌ای چند مرتبه منعقد می‌گردد. در جلسه ۲۶ ماه ژویه مسئله حرکت استعداد برای قنصلخانه شیراز و همچنین تلگرافی که از سردار اسعد و سایر اشخاص دیگر رسیده بود محل مذاکره واقع گردید. سردار اسعد در تلگراف خود اظهار می‌داشت که احکام عدیده به صولت‌الدوله و سید عبدالحسین لاری فرستاده شده است که اغتشاش فراهم نیاورند. سید اسدالله هم تلگرافی به همین مضامین به اشخاص مذکوره مخابره کرد. در ۳ ماه اوت جلسه منعقد گردید و در آن جلسه دریابییگی دو طغرا تلگرافی که از وزیر داخله برای او رسیده بود قرائت نمود. در تلگراف اول به دریابییگی حکم شده بود که ۱۲۰۰ لیره پولی که از گمرک بندرعباس و تفنگهایی که از گمرک بوشهر به سرقت برده شده است پیدا نماید و در تلگراف دوم به مشارالیه امر شده بود سیدشیر را از لنگه خارج سازد و این حکم بواسطه شکایت اداره گمرک از او بوده است. سید اسدالله از اعضاء انجمن تقاضا نمود که با دریابییگی مساعدت و همراهی نمایند تا حکم راجع به سرقت پول و تفنگ از گمرک را بموقع اجراء بیاورد و در خصوص تلگراف ثانی قرار بر این شد که شیخ علی دشتی به لنگه فرستاده شود تا تحقیق در تفصیل مطلب بنماید شاید مراتب از طرف رئیس گمرک به وزیر داخله بد فهمانده شده باشد. سید اسدالله پیشنهاد نمود که خوب است انجمن یک محکمه کوچکی

برای ترتیب دعاوی تشکیل بدهد. در این اوقات اوضاع راه بوشهر به شیراز خیلی بد است. در کنار تخته دائماً دعوای برقرار است. در این اواخر کاروان از راه فیروزآباد حرکت می‌نماید.

بندرعباس

خبر فتح ملتیان و تحصن شاه به سفارت روس در ۱۶ ماه ژوئیه به آنجا رسید. تلگرافی که این خبر را اشعار می‌داشت در خانه شیخ علی در ملاء عام قرائت گردید. در ۱۸ ماه خبر جلوس سلطان احمد شاه واصل و با کمال مسرت از طرف اهالی پذیرفته شد. به جامل این خبر که یکی از رؤسای تلگرافخانه ایران بود، در محضر عمومی خلعت با یک ساعت طلا داده شد. در ۱۷ ماه ژوئیه تمام بازارها را بسته و مجلسی از اشخاص عمده شهر تشکیل یافت.

امضاء مائور استوکس آتاشه میلپتر

نمره - ۲۳۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۷ سپتامبر ۱۹۰۹ [۴ مهر ۱۲۸۸؛ ۱۱ رمضان ۱۳۲۷] از قلهک.

ظل السلطان

ظل السلطان صد هزار تومان به اعانت بانک شاهنشاهی به دولت ایران پرداخت و با کشتی آینده از انزلی حرکت خواهد کرد.

نمره - ۲۳۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه اول اکتبر ۱۹۰۹ [۸ مهر ۱۲۸۸؛ ۱۵ رمضان ۱۳۲۷] از طهران. شاه سابق در ۳۰ ماه سپتامبر [۷ مهر ۱۲۸۸؛ ۱۴ رمضان ۱۳۲۷] از انزلی به طرف روسیه حرکت کرد.

نمره - ۲۳۶

مراسله سر ادوارد گری به سر نیکلسن مورخه ۵ اکتبر [۱۲ مهر ۱۲۸۸؛ ۱۹ رمضان ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن. آقا

کنت بنکندورف امروز نزد من آمده و اظهار داشت که برای تعطیل می‌خواهد مسافرتی نماید. من موقع را غنیمت شمرده و به او اهمیت تخفیف قشون روس را در ایران خاطر-

نشان نمودم. کنت بنکندرف گفت که اوضاع روی هم رفته آرام و اطمینان بخش نیست. حوادث و اتفاقات دائماً بروز و ظهور می نمایند. مشارالیه گمان می کرد که مشکل است تمام قشون خارج شوند. من جواب دادم که مقصود خارج شدن کلیه قشون نیست هر چند البته من خیلی خوشنود خواهم شد اگر دولت روسیه این کار را ممکن و بی خطر فرض نماید بلکه مقصود من از آنچه گفتم تخفیف در عده قشون است. بعلاوه اظهار نمودم که حاکم تبریز از قرار معلوم واقعاً آدم خوبی است و می خواهد که به اتفاق روسها کار بکند و من همیشه به دولت ایران می فهمانم که منفعت آنها در این است که با روسها خوب رفتار نمایند لیکن نگاه داشتن عده به این زیادی قشون روس در ایران به احساسات ایرانیان برمی خورد. کنت بنکندرف از من سؤال کرد که آیا ایرانیان به تازگی در این خصوص شکایتی کرده اند، من گفتم که تازگی از آنها چیزی نشنیده ام و علت هم این است که جوابهایی که من سابقاً به وزیر مختار ایران در این خصوص داده ام طوری نبوده است که او را تشویق به تجدید این مذاکره نماید. من به او گفتم که مسئله قشون کاری است که باید مابین ایران و روسیه مذاکره و تسویه شود و روسیه به تنهایی خود می تواند حکم نماید که اوضاع چه قسم اقدامی را برای حفظ منافع او لازم دارد ولی باز من به کنت بنکندرف خاطر نشان نمودم که اگر دولت ایران بتواند در موقع افتتاح مجلس به مجلس نشان بدهد. که عده زیادی از قشون روس خارج شده اند، بدون شبهه اثر خوبی به احساسات ایرانیان خواهد بخشید و این اقدام خلوص نیت روسیه را نسبت به ایران در نظر آنان ظاهر خواهد ساخت و برای آنها هم آسان خواهد نمود که حس صمیمیت و دوستی خودشان را آشکار نمایند.

من به او گفتم که این مطالب را من حالا به شما می گویم محض اینکه وقتی در سن پترزبورگ هستید به دولت روسیه اهمیتی که من به این مطلب می دهم بفهمانید. من شنیده ام که سفیر روسیه در طهران اظهار عقیده نموده است که می توان تخفیف در قشون داد. ممکن است امور از حال شروع برفتن در راه راست نماید ولی هرگاه امور به مجاری اعتدال نیفتد و اگر کنت بنکندرف نتواند در پترزبورگ آنچه را که من در این خصوص قبل از حرکت مشارالیه از لندن به او گفتم بگوید، آن وقت اهمیتی که من به این مسئله می دهم درست فهمیده نخواهد شد.

کنت بنکندرف به من اظهار نمود که دولت متبوعه او از ترتیبی که سر بارکلی با مسیو سابلین در طهران همراهی نموده است بسیار راضی است. در جواب من اظهار رضایت کامل از حرکات صادقانه مسیو سابلین نموده و گفتم که او در این موقع بسیار دشوار عقل و سیاست حقیقی را در بنای اساس اتفاق به کار برده است.

ادوارد گری

نمره - ۲۳۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۷ اکتبر ۱۹۰۹ [۱۴ مهر ۱۲۸۸؛ ۲۱
رمضان ۱۳۲۷] از طهران.

قشون روس

من گمان می‌کنم که این موقع برای اعاده قشون روس از قزوین موقع بسیار خوبی
است. راه انزلی به طهران امن است و نظم هم کاملاً در پایتخت برقرار است. در این ایام
هیجان بر ضد روسها کمتر شده است ولی استدامه قشون روس در قزوین بدون شبهه تولید
هیجان خواهد نمود. موقع خطرناکی که قشون برای جلوگیری از آن آمده بودند پیش
نیامده است و در خصوص آینده اگرچه ممکن نیست بطور حتم گفته شود که اغتشاش
روی نخواهد داد ولی موقع حالیه بقدری مغتتم برای اعاده قشون روس است و احتمال
خطر برای خارجه به عقیده من باندازه‌ای دور است که این موقع را نباید از دست داد
برای اقدامی که در صورت ظهور هیجان بر ضد روسها برای روسیه مشکل خواهد بود که
آن را به صورت خوش اجراء دارند.

نمره - ۲۳۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۰ اکتبر ۱۹۰۹ [۱۷ مهر ۱۲۸۸؛ ۲۴
رمضان ۱۳۲۷] از طهران.

قشون روس

مسیو پاکلاوسکی [پاکلوسکی] به من اطلاع می‌دهد که دولت روسیه مصمم شده است که
نصف قشون قزوین خود را مراجعت دهد.

نمره - ۲۳۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۴ اکتبر ۱۹۰۹ [۲۱ مهر ۱۲۸۸؛ ۲۸
رمضان ۱۳۲۷] از طهران.

اردبیل

کفیل ژنرال قسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز تلگراف ذیل را مخابره کرده است:
موقع اردبیل خطرناکتر شده است. رؤسای شاهسون که به ستارخان تسلیم شده بودند با
رحیم‌خان جنگ نخواهند کرد و از شهر خارج شده‌اند. ظاهراً یکی از رؤسای قوی
قراداغ موسوم به ضرغام که گمان می‌رفت با رحیم‌خان ضدیت دارد حالا با او همراهی
می‌نماید.

تلگرافی به امضای رحیم‌خان و چند نفر از رؤسای شاهسون به این عنوان «سفارت

روس اعلیحضرت محمدعلی شاه « نزد همکار روس من فرستاده‌اند که او به محمدعلی میرزا برساند. آنها در این تلگراف اظهار می‌دارند که تمکین به اوضاع حاضره نخواهند کرد و بعد از تصرف اردبیل به طرف پایتخت حرکت خواهند نمود. موعده‌ی که برای حرکت خودشان قرار داده بودند منقضی شده و آنها فقط شمال شرقی اردبیل را تصرف کرده مشغول غارت هستند. ژنرال قنسول روس قول داده است که تلگراف مذکور را پس فرستاده و جواب بدهد که آدرس تغییر کرده است.

مخبرالسلطنه مشغول تهیه برای رفع اغتشاش است و گمان می‌کند که فعلاً خطر بزرگی در پیش نیست. قوه‌ای که از طهران فرستاده شده است در سراب توقف خواهند نمود. عجالتاً در زنجان مستبدین به ریاست یکی از علما معروف آنجا راهها را مسدود و اغتشاش برپا می‌نمایند.

نمره - ۲۴۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۵ اکتبر ۱۹۰۹ [۲۲ مهر ۱۲۸۸؛ ۲۹ رمضان ۱۳۲۷] از طهران (راجع است به تلگراف ۱۴ اکتبر من) وزیر داخله به من اطلاع داد که اغتشاش در زنجان کمتر شده است و قشونی که از طهران اعزام گردیده از زنجان گذشته و به طرف تبریز رهسپار است.

نمره - ۲۴۱

مراسله سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۱۵ اکتبر ۱۹۰۹ [۲۲ مهر ۱۲۸۸؛ ۲۹ رمضان ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.
آقا

مراسله ۹ ماه گذشته شما که در آن سوادى از پروتکل امضا شده ۷ سپتامبر در خصوص تسلیم نمودن شاه سابق جواهرات سلطنتی را و فقرات دیگر که مربوط به حرکت او از خاک ایران بود واصل گردید. من امضاء نمودن شما پروتکل را، تصویب می‌کنم و این موقع را مغتنم شمرده اظهار رضایت کامل از طرزى که شما مذاکرات راجعه به این مسائل را انجام داده‌اید می‌نمایم.

ادواردگری

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۴۲

مراسله سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۱۱ اکتبر ۱۹۰۹ [۱۸ مهر ۱۲۸۸؛ ۲۵ رمضان ۱۳۲۷] از پترزبورغ.
آقا

مسیو سزانوف امروز به من اطلاع داد که امروز یا فردا روزنامه‌جات خارج شدن ۹۰۰ نفر از قشون متوقف تبریز را اعلان خواهند کرد. مشارالیه مذکور داشت که به این ترتیب نصف از قشون ساخو آنجا مراجعت می‌کنند. من به ایشان گفتم که این خبر خوشی است و امیدوارم که اثر خوب در ایران بیخشد و بعلاوه از ایشان سؤال نمودم که آیا ممکن نیست يك چنین تخفیفی هم در قشون قزوین داده شود؟ مسیو سزانوف گفتند که موقع برای تخفیف در قشون قزوین هنوز نرسیده است و ممکن نیست بتوان گفت که چه اتفاقات در همین اوقات روی خواهد داد و بعلاوه قشون روس در قزوین فقط ۱۶۰۰ الی ۱۷۰۰ نفر است. مشارالیه اظهار امیدواری کرد از اینکه اقدامی را که دولت روسیه مصمم شده است در خصوص قشون تبریز خود به عمل بیاورد موجب حصول اطمینان از خلوص نیت روسیه خواهد گردید.

مسیو سزانوف گفت الان برای من خبر رسیده است که شاهسونها دوباره شروع به غارت اطراف اردبیل کرده‌اند. آنها برای خودشان کار می‌کنند و هیچ خیال سیاسی در سر ندارند و مقصود آنها غارت است. ستارخان رفته بود که انتظام را در آن نقاط برقرار سازد ولی معلوم می‌شود نتوانسته کاری صورت دهد.

نیکلسن

۱۲ اکتبر — روزنامهٔ اخبار رسمی امروز اظهار می‌دارد که: « ۴ گروهان پیاده، نصف گروهان مهندس، يك باطری توپخانه صحرائی از تبریز اعاده خواهد شد و آن وقت در تبریز دو گروهان پیاده ۴۰۰ نفر قزاق — يك باطری توپخانه صحرائی و نصف گروهان مهندس باقی خواهند ماند. » و بعلاوه اظهار می‌دارد که مابقی قشون هم پس از آنکه دولت روسیه مطمئن گردید که امنیت و نظم دائمی برقرار خواهد بود مراجعت داده می‌شوند.

نمره — ۲۴۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخهٔ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۹ [۲۵ مهر ۱۲۸۸؛ ۳ شوال ۱۳۲۷] از طهران —
من اطلاع حاصل نمودم که دو گروهان پیاده و يك باطری توپخانه در ۱۶ ماه اکتبر از تبریز به طرف روسیه حرکت نموده‌اند.

نمره — ۲۴۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخهٔ ۲۳ اکتبر ۱۹۰۹ [۳۰ مهر ۱۲۸۸؛ ۸ شوال ۱۳۲۷] از طهران.

اردبیل

راجع به تلگراف ۱۴ اکتبر من: تلگراف ذیل از کفیل ژنرال قنولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من رسیده است: شاهسونها و قزاقها اردبیل را محاصره کرده‌اند و چند

روز است جنگ مداومت دارد. مشکل است اطلاعی از آنجا حاصل نمود به جهت اینکه سیمهای تلگراف قطع شده است ولی از قرار معلوم ستارخان سخت گرفتار است و مخبر - السلطنه حکم نهوده است که هزار نفر سوار در تحت ریاست صمدخان بدون تعویق به طرف سراب حرکت نمایند. منتظرند که ۲۰۰ نفر سوار اینانلو فردا وارد شوند. ۲۰۰ نفر قزاق ایرانی با چهار توپ امروز وارد تبریز شده‌اند بقیه قشونی که از طهران فرستاده شده است از قرار معلوم هنوز هم در زنجان هستند. حکومت زنجان مشغول قلع و قمع مستبدین آنجا است. اردویی برای خلاصی اردبیل تهیه میشود و اردوگاه در بیرون تبریز است.

نمره - ۲۴۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۴ اکتبر ۱۹۰۹ [۱ آبان ۱۲۸۸؛ ۹ شوال ۱۳۲۷] از طهران.

اردبیل

راجع به تلگراف ۲۳ اکتبر من:

مسیو پاکلاوسکی [پاکلوسکی] به من اطلاع داد که قنصل روس در اردبیل از دولت متبوعه خود تقاضای استعداد برای محافظت جان و مال اتباع روسیه نهوده است. دولت ایران سعی کامل می‌نماید که این اوضاع را تسویه کند. ۴۵۰ نفر با دو عراده توپ از طهران فرستاده شد.

نمره - ۲۴۶

مراسله سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۸ سپتامبر ۱۹۰۹ [۲۶ شهریور ۱۲۸۸؛ ۲ رمضان ۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

راجع بماده ۴ پروتوکل که در مراسله ۹ این ماه خود ارسال داشتیم افتخار دارم از راپورت اینکه مابین دولت ایران و بانک روس برای عهده گرفتن دولت ایران قروضی را که شاه سابق به بانک مذکور داشت قراردادی گذاشته شده است. این قرض که تنزیل او صدی شش است در مدت ده سال پرداخته خواهد شد. ضمانت آن عایدی گمرکات شمال است.

بارکلی

نمره ۵ - ۲۴۷

مراسله سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه اول اکتبر ۱۹۰۹ [۸ مهر ۱۲۸۸؛ ۱۵
رمضان ۱۳۲۷] از طهران.

راجع به تلگراف ۱۸ ماه اوت گذشته شما:

آقا

افتخار دارم از اظهار اینکه مراسله ۱۸ ژوئیه مازور کاکس برای من واصل گردید
ولفاً سواد یادداشتی را که به دولت ایران ارسال داشته‌ام در خصوص ناامنی راههای جنوب
و گرفتن مالیاتهای غیرقانونی بتوسط ایلات مخصوصاً در راه بوشهر به شیراز تقدیم
می‌نمایم:

چند روز قبل در همین خصوص من با سردار اسعد وزیر داخله مذاکره کردم ایشان
به من گفتند که مشغول تهیه طرحی برای ترتیب مستحفظین راهها هستند و اظهاراطمینان
نمودند که به آن ترتیب راهها امن خواهد شد و به من قول دادند که جزئیات آن طرح
را به من اطلاع دهند.

(ضمیمه در نمره ۲۴۷)

مراسله سر بارکلی به سردار اسعد مورخه ۲۳ سپتامبر ۱۹۰۹ [۳۱ شهریور ۱۲۸۸؛ ۷
رمضان ۱۳۲۷] از قلهاک.

جناباً برحسب دستورالعمل وزیر امور خارجه اعلیحضرتی من افتخار دارم که دقت
جدی دولت ایران را به اوضاع ناگوار طرق و شوارع جنوب ایران عموماً و راه فیما بین
بوشهر و شیراز خصوصاً جلب نمایم. این راه اخیر بواسطه اغتشاش و دزدی و مالیاتهای
غیرقانونی تقریباً در این اواخر برای تجارت مسدود شده است. مراجعه به استاتستیک^۱
پنجاهه اول گمرکات هذه السنه بوشهر نشان خواهد داد که این اوضاع چه نتیجه
مضری به خزانه ایران بخشیده است ولی آنچه را که به من اساساً مربوط است خسارت این
اوضاع به منافع انگلیس است و وظیفه من است به دولت ایران بجهانم که دولت انگلیس
خسارتی که [خسارتی را که] بواسطه موفق نشدن دولت ایران در برقراری امنیت راه
جنوب به تجارت انگلستان وارد می‌آید مسئله خیلی وخیم و قابل توجه برای خود می‌داند.
برعهده من است که لزوم اقدامات لازمه را در امنیت راهها بشما اصرار نمایم و مخصوصاً
تکلیف من است که در رفع مالیاتهای غیرقانونی راهها بموجب ماده چهارم عهدنامه تجارتی
۱۹۰۳ [۱۲۸۱ خ؛ ۱۳۲۰ ق] انگلیس و ایران ایستادگی کنم.

بعلاوه سرقتهایی که در مالالتجاره راه شیراز به بوشهر می‌شود لفاً صورت مالیاتهای
غیرقانونی که مابین بوشهر و کازرون گرفته می‌شود به جناب شما نشان خواهد داد که در
مسافتی که زیاده از صد میل نیست مبلغ ۱۵ قران از هر بار قاطری مأخوذ می‌گردد یا
بعبارة آخری ۱۰۰ قران برای هر طونی [تن = ۱۰۰۰ کیلو] دریافت می‌شود. بر من

است که جد نمایم برای رفع فوری این مزاحمت زیاد برخلاف قانون که عمده خسارت آن به تجارت انگلیس وارد می‌شود.

بارکلی

نمره - ۲۴۸

مراسله سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۷ اکتبر ۱۹۰۹ [۱۴ مهر ۱۲۸۸؛ ۲۱ رمضان ۱۳۲۷] از طهران
آقا

در این ۴ هفته اخیر ترتیب دولت بعضی تغییرات یافته است. در تلگراف ۱۳ سپتامبر [۲۱ شهریور؛ ۲۷ شعبان] انحلال هیئت مدیره را راپورت داده بودم. این اقدام بواسطه حرکت محمد علی از طهران بود که بعد از رفتن او اوضاع تا یک اندازه تسویه شده و دیگر وجود هیئت مزبور برای نظارت در امور لازم نبود. وزراء بعد از این مستقلاً مشاغل خود را انجام خواهند داد.

به این هیئت که تاکنون خود را هیئت مدیره می‌خواندند چند نفر اعضای جدید الحاق شده و کار این هیئت فقط صلاح‌اندیشی خواهد بود.

بعد از آنکه هیئت مدیره منفصل گردید. اعضای مهم آن از قبیل تقی‌زاده و حسین قلیخان بکلی خود را از کارهای دولتی کنار کشیده وزراء را به حال خود گذاردند. این ترتیب از پیش نرفت به جهت آنکه وزراء بواسطه نداشتن همراهی اشخاصی که بدون شبهه قسمت متنفذ مجلس را تشکیل خواهند داد مسئولیت خود را زیاد دیده و فوراً به آنها اصرار نمودند که کناره‌جویی را کنار گذارند.

وزراء در این اقدام خود یک اندازه موفقیت حاصل نمودند. هر چند اغلب اعضاء هیئت مدیره در مجلس وزراء حاضر می‌شوند، ولی از قراری که من استنباط کرده‌ام اعضاء مهم آن صورتاً و محض رفع تکلیف می‌روند و واضح است که ایشان با وزراء آن همراهی سابق را که وزراء با آن همراهی توانستند مسئولیت بعضی شروط مهمه قراردادی که برای حرکت محمد علی میرزا با سفارتین داده شد در عهده بگیرند ندارند.

در این اواخر موقع کابینه به صورت ظاهر بواسطه تعیین رئیس‌الوزراء و وزیر امور خارجه قوت یافته است. این دو شغل مدتی بود به امید آنکه ناصر‌الملک قبول خواهد کرد معطل مانده بود. ناصر‌الملک جداً قبول کاری نکرده است لهذا سپهدار رئیس‌الوزراء و علاء‌السلطنه وزیر امور خارجه منتخب شدند.

به من در این ایام اشاره نشده است که دولت از ما مساعده خواهد خواست. به طوری که اطلاع دارید ظل‌السلطان ۱۰۰۰۰۰ تومان پرداخت. این پول و مصادرات امسال آن بعلاوه وجوهی که از منابع دیگر از قبیل ضرابخانه عائد می‌شود عجالتاً اداره دولت را تا افتتاح مجلس بطور دست و دهن راه خواهد برد.

از قراری که شنیده‌ام نمایندگان که انتخاب شده و به طهران آمده‌اند عده‌شان تقریباً

۴۵ نفر است.

در این ۴ هفته اخیر اخبار ولایات به استثنای بی‌نظمی در راههای جنوب نسبتاً خوب است. خبر اغتشاش دیگر از سلطان‌آباد و کرمان که در راپورت سابق ذکر شد نرسیده است. به سلطان‌آباد قشون فرستاده شده است. قوام‌الملک به سمت حکومت به کرمان وارد گردیده [است]. کرمان مدتی بود که بواسطه نداشتن حاکم دچار صدمات شده بود. ورود قوام‌الملک از قرار معلوم مفید واقع شده است. راه از یزد به انار (=انارک؟) از قراری که راپورت رسیده خالی از دزد است. سردار جنگ یکی از خوانین بختیاری با ۴۰۰ نفر سوار بختیاری به همین زودیها به سمت حکومت وارد یزد خواهد گشت. امید است که وجود او در یزد باعث امنیت راه یزد به اصفهان بشود. از وضع آذربایجان من از مستراسمارت کفیل ژنرال قسولگری جز خوبی از مخبرالسلطنه چیز دیگری نمی‌شنوم. از قرار معلوم اوبا جدیت و تدبیر رفتار می‌نماید و وقتی که دولت روسیه بر حسب پیشنهاد خودشان در طهران عده زیادی از قشون روس را از تبریز خارج نمایند کار مخبرالسلطنه سهل‌تر خواهد گردید. همچنین راپورتهای خوب از سهام‌الدوله حاکم جدید فارس برای من می‌رسد و امیدواری می‌دهد که با اقتدار و جدیت حکومت خواهد نمود. اخبار وحشتناک از لنگه می‌رسد می‌گویند که سید لاری بستک را تصرف نموده و بندر لنگه را تهدید می‌نماید. من به دولت ایران اصرار نمودم که اقدام برای دفع او بنماید. من از جزئیات مقصود این شخص پر مزاحمت اطلاع ندارم و خود دولت هم درست از خیال او مطلع نیست ولی به عقیده مأمورین ما در جنوب ایران، شکی نیست که تا مدتی که این شخص آزاد است امنیت دائمی در آن نقاط ممکن نخواهد بود. خوشبختانه دولت اقدام برای قلع و قمع او می‌نماید. حکومت بنادر قشون برای دفاع لنگه فرستاده است و سردار اسعد به من گفت که دولت مطمئن است از اینکه او را در تحت اطاعت خود خواهد آورد. جز حرکات سید عبدالحسین لاری اغتشاش دیگری به سفارت راپورت داده نشده است. در واقع من می‌توانم بگویم که در این چند هفته اخیر از عده تلگرافات قسولگریهای اعلیحضرتی در ایران خیلی کاسته شده است و من می‌توانم اظهار دارم که به استثناء راههای جنوب اوضاع کلی مملکت بهتر از تمام اوقاتی است که من در طهران اقامت دارم.

بار کلی

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۴۹

مراسله سر بار کلی به سر ادواردگری مورخه ۱۸ اکتبر ۱۹۰۹ [۱۵ مهر ۱۲۸۸؛ ۲۲ رمضان ۱۳۲۷] از طهران.
آقا

افتخار دارم که لفاً مجملی از حوادث چهار هفته اخیر ایران را به طور مرسوم ارسال دارم.

بار کلی

ضمیمه در نمره ۲۴۹
مجمعل حوادث یکماهه در ایران
طهران

در اواخر ماه سپتامبر وزیر جنگ به ریاست وزراء و علاع السلطنه به وزارت امور خارجه انتخاب گردیدند.

مسیو پاکلاوسکی کوزیل [پاکلاوسکی کازیل] در ۲۳ سپتامبر وارد طهران شد و چند روز بعد اعتمادنامه [اعتبارنامه] خود را به سلطان احمدشاه و نایب السلطنه تقدیم داشت. محمدعلی میرزا شاه سابق در ۲۹ ماه سپتامبر از انزلی به طرف روسیه حرکت کرد.

از طرف دولت ایران چندین پیشنهاد به بانک شاهنشاهی برای گرو گذاردن بعضی از جواهرات سلطنتی شده ولی تا به حال نتیجه قطعی حاصل نگردیده است. در این ضمن دولت بهمان طریق قدیم بواسطه توجیهات [پول گرفتہای] اجباری از اشخاص متمول پولی تحصیل نموده است. ظل السلطان را مجبور نمودند بیست هزار لیره بپردازد تا به او اجازه بدهند از رشت خارج شود.

نظام السلطنه - سعدالملک - معین السلطان هر کدام ۳۰۰۰ لیره کارسازی نمودند. عین الدوله ماهی دو هزار لیره می دهد. فرمانفرما در اوایل ماه اکتبر از وزارت عدلیه استعفاء داد ولی به جای او هنوز کسی معین نشده است. نظم بواسطه اداره نظمیه در تحت ریاست مسیو بیلم بخوبی در طهران برقرار است. از ۴ هزار نفر بختیاری که به طهران آمده بودند می گویند چهارصد نفر باقی است. مابقی متدرجاً به بختیاری مراجعت کرده اند. آنهایی که در طهران هستند ظاهراً خوب در تحت اطاعتند.

عموم مردم يك اندازه ناراضی از طرز اداره کردن دولت شده اند. روزنامهجات مطلب را مطرح مذاکره قرار داده و به تازگی تنقید سختی از سپهدار و سردار اسعد کرده اند و به همین جهت يك روزنامه هم توقیف گردید.

هیئت مدیره سابق که مرکب از وکلای طهران برای مجلس شورای ملی است باز هم منعقد می شود و مذاکرات در مسائل عومی می نمایند ولی از نفوذ آنها خیلی کاسته شده است. انتخابات ولایات در جریان است و امید هست که تا پانزدهم ماه اکتبر عده کافی که عبارت از ۶۱ نفر است برای افتتاح مجلس در طهران حاضر گردند. راپورتهایی که از بغداد می رسد نشان می دهد که علماء کربلاء و نجف باز هم در امور ایران توجه و مراقبت دارند و خیال دارند چهار نفر وکیل برای نمایندگی در مجلس انتخاب کنند ولی گمان نمی رود که به این مقصود نایل گردند زیرا که اتفاق آراء در بین خود علماء نیست.

تبریز

سفیر روس مقیم طهران در اوایل ماه اکتبر به سر بارکلی اطلاع داد که به دولت متبوعه خود نصیحت نموده است که تخفیف فوق العاده به قشون روس در آذربایجان بدهند. در اواسط ماه سپتامبر ستارخان برای استقرار نظم به اردبیل فرستاده شد. ورود او اثر خوبی بخشید و راپورت داده شده است که اردبیل و اطراف آن آرام است.

رشت

در ۲۲ ماه سپتامبر شاه سابق برای رفتن به روسیه وارد رشت گردید. روز بعد به انزلی وارد شد و در ۳۰ ماه به طرف پتروسکی حرکت نمود. در ۳۰ ماه سپتامبر ویس قنصول اعلیحضرتی اطلاع حاصل نمود که حسین خان کسمائی که با ۲۵ نفر لزگی مأمور نگاهداری ظل السلطان است خیال دارد به او اذیت کند و اگر ظل السلطان قبول ننمود، ۶۰۰۰۰ لیره که دولت از او مطالبه می نماید بپردازد او را به رحمت آباد [بفرستد]. در ۱۶ ماه اکتبر بالاخره ظل السلطان قبول نمود که این وجه را بپردازد و با بانک شاهنشاهی قرار آن را داد که ۲۰ هزار لیره آن را نقداً و مابقی را چهارماهه ماهی ده هزار لیره کارسازی دارد. ظل السلطان ۲۶ ماه اکتبر از رشت حرکت نمود و اظهار داشت که از راه بادکوبه به لندن مسافرت خواهد کرد و در بهار آینده به ایران مراجعت می نماید. سعدالدوله و امام جمعه که دولت جدید حکم به تبعید آنها داده بود وقتی که به طرف اروپا عازم بودند در رشت توقیف شدند تا اینکه وکیلی برای خود معین نمایند در صورتی که ادعایی بر آنها بشود جواب دهند.

در ماه گذشته دو سرباز ملی که مرتکب قتل شده بودند در مقابل دارالحکومه بدار زده شدند.

زنجان

در ماه گذشته اوضاع باعث نگرانی شده است. بواسطه تحریک ملای مهم آخوند ملا قربانعلی، اهالی تا مدتی حاکم جدید را که دولت انتخاب نموده بود قبول نمی کردند. و به این جهت تصور می شد که اعزام قشون به آن صوب لازم خواهد شد ولی اخبار واصله جدید مشعر بر این است که اهالی تسلیم شده و معین الدوله حاکم که در راه است به طور مسالمت مشغول حکومت خواهد گردید.

مشهد

بنا به راپورت حکومتی اوضاع در خراسان متدرجاً رو به بدی است. انجمن و علماء هر دو از رکن الدوله خسته شده اند و انجمن به طهران تلگراف کرده عزل حکومت را خواسته است. گویا این نقاضا نتیجه تحریکات اشخاصی است که می خواهند عین الدوله را به حکومت آنجا انتخاب نمایند. وزیر داخله مخابرات تلگرافی با انجمن نمود و مطالبه ۲۰۰۰۰ لیره می کرد که چهار روزه بدهند. قرار بر این شد که این وجه در چهار ماه پرداخته شود. ماژور سایکس احتمال تحصیل این وجه را نمی دهد. یکی از علماء معروف موسوم به فاضل در اواخر ماه اوت تیرخورده کشته شد. می گویند انجمن سری رشت حکم اعدام او را داده است. در دره گز شخصی معروف به نام میرزا بابا مشغول چپاول و کشتار است و بموجب قول پرنس نابیژا هزار خانوار از سر حد فرار نموده به طرف ماوراء خزر رفته اند. دسته ای از دزدان لشنی دهات اطراف طبس را تاخت و تاز می نمایند. به عقیده ماژور سایکس اوضاع روی هم رفته باعث امیدواری نیست. انتخابات برای مجلس شورای

ملی در ۱۲ ماه سپتامبر تمام شد و کلاء در راه به طرف طهرانند.

تربت حیدری

خبر مردن اسدالله صحیح است. شجاع‌الملک در هفدهم ماه اوت زاوه را تصرف نمود و اسدالله در بین جنگ کشته شد. بعد شجاع‌الملک به تربت مراجعت کرد. حکومت آنجا را در دست گرفت ولی چون مصطفی میرزا به حکومت معین گردید او به طرف کاریز حرکت کرد. سپهدار تلگرافاً [تلگرافی] مشارالیه را از این فتح تحسین نموده و به او دستورالعمل داد که سالارخان را دستگیر نماید. او در جواب اظهار داشته است که این اردوکشی ۳۰۰ لیره برای او تمام شده است و از این مبلغ دیناری به او داده نشده است و تا پول به او نرسد اردوکشی مجدد نخواهد نمود. چند ماه است که طبس مرکز دزدان شده است و آنها چندین کاروان را غارت کرده‌اند. در اوایل ماه سپتامبر قوه‌ای از تربت برای دفع آنها فرستاده شده است.

سیستان

اوضاع به طور معمول است. انجمن محلی هفته‌ای سه مرتبه منعقد می‌گردد ولی خیلی کم کار از پیش می‌برند.

اصفهان

توجه عموم در انتخاب و کلاء از قرار معلوم کم شده است و نسبتاً عدّه قلیلی از مردم رأی داده‌اند. منتخبین درجه دوم هنوز معلوم نشده‌اند. اگرچه یکی دومرتبه پست را دزد زده است ولی از قرار معلوم اوضاع کلی راهها بهتر شده و به ژنرال قنصل اعلیحضرتی راپورت دزدی نرسیده است. چندین مسافر اروپایی بدون هیچ حادثه وارد اصفهان شده‌اند.

کاشان

یکی از پسرهای نایب حسین در این اواخر قسمتی از اسلحه و قورخانه دولتی را تصرف کرده و به کوه برد. یک دسته بختیاری برای تعاقب او فرستاده شده است.

یزد

شهر در آرامی است. انتخابات انجمن ایالتی تمام شده است با وجود آنکه سعی کردند بواسطه انتشار راپورتهای بی‌اصل مرتجعانه تعویق در آن حاصل شود. چندین فقره دزدی در راههای مختلفه راپورت شده است و پست خیلی غیرمنظم است. قوام‌الملک در اوایل ماه سپتامبر وارد یزد شد و بعد از چند روز اقامت به طرف کرمان حرکت نمود. ورود او اثر خوبی برای جلوگیری از دزدان محلی بخشید ولی می‌گویند همراهان او خودشان مرتکب اعمال ظالمانه شده‌اند. حرکت قوام‌الملک به طرف کرمان موقتاً راه را باز نموده است. به پارسیهایی که در دهات اطراف یزد سکنی دارند باز هم بدرقتاری می‌شود. در

اوایل ماه اکتبر جماعتی از آنها در ویس قنسلگری اعلیحضرتی متحصن شدند ولی غیر از ۶ نفر آنها مابقی خارج گردیدند.

در مدت یک هفته هفتاد و یک نفر پارسی مرد و زن و بچه از اطراف یزد از راه بوشهر به هندوستان حرکت نمودند و از ترس آنکه شاید در بندر آنها را نگاه دارند از کفیل ویس قنسلگری اعلیحضرتی خواهش کردند که نگذارد در راه به آنها صدمه بزنند. از قرار معلوم تفتیها بیش از همه به جماعات پارسی ظلم می‌نمایند. سفیر اعلیحضرتی مذاکرات سخت با وزیر داخله در خصوص بی‌نظمی اطراف یزد و ظلمی که به پارسیها می‌شود نموده است. در جواب به او اطلاع داده شده است که سردار جنگ بختیاری حاکم جدید که فعلاً در اصفهان است به همین زودیهها به طرف یزد خواهد رفت و بقدر کفایت استعداد همراه خود برای برقراری نظم خواهد برد.

کرمانشاه

در ۷ ماه سپتامبر برادر معین‌الرعا با استعداد وارد شهر شد و بعد از آنکه رفقا در شهر به او ملحق شدند مشارالیه بعضی از نقاط مهم شهر را تصرف نمود. دسته مخالف در منزل ظهیرالملک جمع شدند. بازارها بسته شد. خود معین‌الرعا هم در بیرون شهر با استعداد حاضر بود و اغلب ایلات هم با او همراه بودند.

وزیر داخله ظهیرالملک و پسر او و معین‌الرعا را به طهران احضار کرد آنها اعتنایی به آن احضار ننموده ولی چند روز بعد با هم صلح کردند. فعلاً خطر اغتشاش مرتفع شده است. خود شهر آرام و نظمیه ترتیب داده‌اند. در خارج شهر هنوز ناامنی زیاد است. حکومت قوه ندارد که احکام خود را به موقع اجراء بگذارد. کاروان بزرگ زوار در خارج شهر غارت شد. در میان غارت‌زدگان اتباع افغان و عثمانی و روس بودند. از قرار راپورت اموال منهوبه استرداد شده است ولی صحت این راپورت معلوم نیست.

کرمان

شهر آرام مانده است. در ۲۸ ماه سپتامبر قوام‌الملک با استعداد وارد شد و مشغول حکومت گردید. دزدانی که اطراف کرمان را غارت می‌نمودند ظاهراً قبل از ورود مشارالیه خارج شدند. در ناحیه نرماشیر چندین دزدی واقع شده است. در ۲۳ ماه سپتامبر کاروانی را که از کرمان به بم حرکت می‌نمود در سی میلی کرمان دزد زده و مال‌التجاره‌ای که قیمت آن ۱۲۰۰ لیره بود به سرقت برده شده است. ظاهراً ورود قوام‌الملک اثر خوبی به کلیه اوضاع بخشیده است.

شیراز

شهر قرین آرامی است هرچند که در نزدیکی شهر چندین دزدی روی داده است. صولت‌الدوله در آباه از سهام‌الدوله ملاقات نمود و حاکم با همراهی سوارهای عرب که نصرالدوله فرستاده بود از راه معمول که تا قبل از ورود او بواسطه دزدان به کلی

مسدود بود، به طرف شیراز عزیمت نمود و در اوایل ماه سپتامبر وارد شیراز شد و فوراً حکم نمود که انتخابات مجلس شورای ملی هر چه زودتر شروع شود. سهام‌الدوله دقت نظری به اوضاع راهها نموده و قشون برای بازنمودن آنها فرستاده است. در موقع ورود او ایل عرب به کلی از اطاعت خارج شده بودند و راهها باستثناء راه سرحد به اصفهان خیلی ناامن بود. دزدان در اواخر ماه سپتامبر «ایزدخواست» را محاصره کرده بودند ولی از قرار معلوم آنها از خود مدافعه کردند. راه معمول بوشهر هم مغشوش است. کاروان از راه فیروزآباد حرکت می‌کند.

خلیج فارس

بوشهر

در ماه سپتامبر وزیر داخله حکمی به حاکم خلیج فارس فرستاد که برای قلع و قمع سید عبدالحسین لاری که باز هم محل آسایش لار و نواحی خلیج است حرکت نماید. دریابییگی اقدامی ننموده و قبل از حرکت درخواست پول نمود ولی چون سید بستک را تصرف و لنگه را تهدید می‌نمود در اوایل ماه اکتبر کشتی «پرسپلیس» با قشون از بوشهر به لنگه فرستاده شد. خوب واضح است که سید به خیال نفع خود این حرکات را می‌کند به جهت اینکه هم از دولت مرکزی و هم از علماء کربلاء به او اصرار شده است که اقدام برخلاف آسایش مملکت ننماید و او ابدأ اعتناء نکرده است. وزیرمختار اعلیحضرتی اقدامات سید را به طوری که از قنصلخانه راپورت رسیده بود به دولت ایران ارسال داشته و اخطار نموده است که دولت ایران را مسؤل هر نوع خسارتی که به اتباع انگلیس وارد آید خواهد دانست. انجمن محلی باز هم منعقد می‌گردد ولیکن جلساتش قابل توجه نیست. بعد از اینکه راپورت به بوشهر رسید که به همین زودیها اجازه به سید مرتضی اهرمی داده خواهد شد که از نجف به بوشهر حرکت نماید سید اسدالله بنا بخواهش حکومت و انجمن محلی کاغذی به نجف نوشت. در آن کاغذ اظهار عدم رضایت خود را از این اقدام نمود.

امضاء مازور استوکس آتاشه میلیتر

نمره - ۲۵۰

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۲۵ اکتبر ۱۹۰۹ [۲ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۰ شوال ۱۳۲۷] از پترزبورغ.
(خواهش می‌کنم که مراجعه به تلگراف ۲۳ و ۲۴ این ماه از طهران در خصوص اغتشاش اردبیل بنمایید.)

من در خصوص اردبیل با مسیو نراتوف مذاکره نمودم. ایشان به من گفتند چونکه قشون روس نمی‌تواند زودتر از دو هفته به اردبیل برسد لهذا فایده ندارد که دولت امپراطوری قشون برای حمایت اتباع خود به آن نقطه بفرستد و به این جهت او به طهران اخطار نموده است که در صورتی که قراداغیها یا شاهسونها خسارتی به روسها وارد بیاورند

مسئولیت آن بعهدۀ دولت ایران خواهد بود. در جواب سؤال من که آیا مأمورین روس می‌توانند جلوگیری از چپاول رحیم‌خان نمایند مسیو سزانوف گفت که طبیب روسی خیلی به او اصرار نموده است که آرام باشد ولی او قبول هیچ نصیحتی را نمی‌کند. جناب ایشان گفتند خبر برای من رسیده است که نفاق مابین شاهسونها و قراداغیها افتاده و این مطلب شاید اشکالات را آسان نماید.

نمره - ۲۵۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخهٔ ۲۶ اکتبر ۱۹۰۹ [۳ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۱ شوال ۱۳۲۷] از طهران.

اوضاع شیراز

تلگراف ذیل از کفیل قنسولگری شیراز رسیده است:
تا بحال حاکم جرئت و لیاقت و استقلال خود را ثابت نموده است. نبودن هیچ‌گونه معاونت جز عدهٔ قلیلی قشون که با او است موقع او را خیلی دشوار می‌نماید.
از قراری که به من اطلاع رسیده است استعداد قزاق از اصفهان فرستاده شده است ولی در حدود فارس بواسطهٔ عدهٔ زیاد ایل «کهگیلویه» از حرکت بازمانده‌اند. بواسطهٔ همین اتفاق جزئی اعتبار حکومت که نگاهداری آن اهمیت فوق‌العاده دارد ممکن است متزلزل گردد به این جهت عقیدهٔ من آن است که اصرار به دولت ایران شود که بدون تعویق استعداد مهمی به آنجا فرستاده گردد.
این دو جمله را من برای وزیر داخله خوانده و لزوم فرستادن استعداد را هم توضیح دادم. مشارالیه به من اطلاع داد که یک فوج پیاده از اصفهان برای کمک سهام‌الدوله فرستاده خواهد شد.

نمره - ۲۵۲

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخهٔ ۲۸ اکتبر ۱۹۰۹ [۵ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۳ شوال ۱۳۲۷] از وزارت خارجهٔ لندن.
عدهٔ قشون روس در قزوین چه قدر است و چه قدر قشون در تبریز باقی است.

نمره - ۲۵۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخهٔ ۲۹ اکتبر ۱۹۰۹ [۶ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۴ شوال ۱۳۲۷] از طهران.

اوضاع اردبیل

خواهش می‌کنم که به تلگراف ۲۳ اکتبر من مراجعه نمایید. تلگراف ذیل که به تاریخ ۲۸ اکتبر است از کفیل ژنرال قنصلگری اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من رسیده است. ژنرال قنصل روس دستورالعمل به ویس قنصل خود در اردبیل فرستاده است که به رحیم‌خان اخطار نماید که دولت روسیه او را مسئول هر نوع خسارت مالی و جانی که به اتباع روس وارد بیاید خواهد دانست. یک اخطار کتبی هم به همین مضمون به رشیدالملک که با ۱۰۰ نفر قزاق ایرانی به سراب برای مذاکره با یاغیان رفته بود از طرف ژنرال قنصلگری روس داده شد که به رحیم‌خان برساند. در این اخطار اخیر همکار روس من به رحیم‌خان اطلاع داد که بعلاوه او مسئول شرارتهای شاهسونها هم خواهد بود چونکه واضح است او (رحیم‌خان) آنها را تحریک به یاغی‌گری ننموده است این تهدیدات اثر خوبی خواهد بخشید.

تقریباً ۱۵۰۰ سواره و پیاده در تحت ریاست باقرخان از تبریز حرکت نموده‌اند ولی تا مدتی که هنوز نتیجه مذاکرات معلوم نشده است آنها در آن طرف باسمنج توقف خواهند نمود.

یک استعداد ۸۰۰ نفری در مراغه حاضر است که در موقع لزوم در تحت ریاست صمدخان حرکت خواهند کرد.

در اردبیل هزار نفر در تحت ریاست ستارخان هستند. عناصر مرتجعین در قشون دولتی داخل هستند. هر چند که حکومت آذربایجان اظهار اطمینان از آنها نموده است ولی اطاعت و همراهی آنها به دولت جدید خیلی غیر محتمل است در صورتی که آنها گمان کنند که روسیه همراهی با این اغتشاش دارد. به این جهات و نظر به قوه یاغیان جنگ در این موقع خطرناک است. من از ژنرال قنصل روس مشورت نمودم که آیا ممکن است ما نفوذ خود را برای نظم و آسایش به کار ببریم؟ او قول به همراهی داد ولی ما متفق شدیم که منتظر نتیجه مذاکرات بشویم.

قشونی که از طهران فرستاده شده است تماماً وارد شده‌اند. این قشون مرکب از ۲۰۰ نفر قزاق و ۲۰۰ نفر سوار اینانلوست. مابقی قشون که گمان می‌رفت در زنجان است در آن نقطه نیستند.

نمره - ۲۵۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳۰ اکتبر ۱۹۰۹ [۷ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۵ شوال ۱۳۲۷] از طهران راجع است به تلگراف ۲۸ اکتبر شما
سفیر روس به من می‌گوید ۱۶۰۰ نفر قشون روس در قزوین‌اند (کومیسرات داخل در این عده نیست).

در تبریز از قراری که مشارالیه می‌گوید ۱۰۰۰ نفر باقی است.

نمره - ۲۵۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۱ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۹ شوال ۱۳۲۷] از طهران.

تلگراف ذیل از کفیل ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من رسیده است: خبر به تبریز رسیده است که ستارخان از اردبیل فرار کرده و با همراهی سوار کمی وارد سراب شده است. ۳ روز قبل از ویس قنسول روس در اردبیل تلگرافی برای ژنرال قنسول روس رسید که شهر بزودی به تصرف یاغیان خواهد افتاد و یکی از رؤسای مجاهدین استدعا از ویس قنسول روس نموده است که به نام انسانیت قشون روس به اردبیل احضار بشود و بعلاوه او به ویس قنسول روس گفته بود که قورخانه آنها تمام شده است و او مسئول نخواهد بود اگر اهالی از خوف به قنسولگری حمله بیاورند.

امروز ۴۲ نفر قزاق روسی با یک صاحب‌منصب بنا به خواهش قنسول روس به سراب فرستاده شد. مشارالیه تلگراف نموده بود که یاغیان شهر را تهدید می‌نمایند. گمان می‌رود که اردبیل تاکنون گرفته شده است. مأمورین محلی خیلی مأیوس‌اند. استعداد دولتی یا قابل جنگ نیستند یا آنکه متمایل به طرف مقابل‌اند.

اگر ممکن باشد باید دولت ایران اردوی قوی در تحت ریاست رئیس قابلی بدون تعویق به آنجا بفرستند. از قرار معلوم عده‌ای از قشون در بین راه هستند.

نمره - ۲۵۶

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۳ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۱ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۹ شوال ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

راجع به تلگراف امروز سر بارکلی

اوضاع اردبیل

در ملاقاتی که من امروز از مسیو ایزولسکی نمودم مشارالیه به من گفت بیم آن را دارم که دولت روسیه مجبور بفرستادن استعداد قوی به اردبیل بشود. بجهت نزدیک بودن آن شهر به سرحد روس برای روسیه مشکل است که در این اوضاع هرچ و مرج که ممکن است به طول انجامد خودداری کند. مایل نبودن ایزولسکی به اعزام چنین اردویی دلایل واضحه دارد. ولی اگر قشون فرستاده شود رحیم‌خان و اتباع او خوب قلع و قمع خواهند شد و در واقع فایده به حال ایران خواهد داشت. در صورتی هم که اندک مخالفتی برضد اوضاع حاضره در آن تصور شود، مسیو ایزولسکی گمان نمی‌کند که قشون ایران بتواند کاملاً از عهده این اغتشاش برآید.

نمره - ۲۵۶

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری مورخه ۳ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۱ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۹ شوال ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

راجع است به تلگراف امروز سر بارکلی

اوضاع اردبیل

در ملاقاتی که من امروز از مسیو ایزولسکی نمودم مشارالیه به من گفت بیم آن را دارم که دولت روسیه مجبور بفرستادن استعداد قوی به اردبیل بشود. بجهت نزدیک بودن آن شهر به سرحد روس برای روسیه مشکل است که در این اوضاع هرج و مرج که ممکن است به طول انجامد خودداری کند. مایل نبودن ایزولسکی به اعزام چنین اردویی دلایل واضحی دارد. ولی اگر قشون فرستاده شود رحیم خان و اتباع او خوب قلع و قمع خواهند شد و در واقع فایده به حال ایران خواهد داشت. در صورتی که اندک مخالفتی برضد اوضاع حاضر در آن تصور شود، مسیو ایزولسکی گمان نمی کند که قشون ایران بتواند کاملاً از عهده این اغتشاش برآید.

نمره - ۲۵۷

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری مورخه ۵ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۳ آبان ۱۲۸۸؛ ۲۱ شوال ۱۳۲۷] از پترزبورغ

روزنامه «روسیا» امروز اعلان رسمی ذیل را منتشر نمود:

بموجب خیر تازه ای که از اردبیل واصل گردیده است حکومت محلی و اعضاء انجمن و علماء به ویس قنسولگری روس متحصن شده اند و بعد از آن فوراً شاهسونها و قراداغیها شهر را تصرف نمودند. تمام بازارها و کاروانسراها و اغلب خانه ها غارت شده است. شاهسونها از ویس قنسول سه نفر از اشخاصی را که در قنسولخانه متحصن شده اند مطالبه می نمایند. بیم آن است که حمله به قنسولخانه برده شود و مستحفظین قنسولخانه که مرکب از صد نفر قزاق است نمی توانند تحمل این حمله را بیاورند. نظر به این اتفاقات یک باتالیون پیاده و دو بیست نفر قزاق - دو عراده توپ و دسته مهندس به اردبیل فرستاده شده است. یک اردوی دیگر هم در شرف حرکت به آن طرف است به جهت اینکه اگر موقع پیش آمد اقدام مجدانه در دفع این عسایر بنماید.

نمره - ۲۵۸

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری مورخه ۵ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۳ آبان ۱۲۸۸؛ ۲۱ شوال ۱۳۲۷] از پترزبورغ

اوضاع اردبیل

مسیو ایزولسکی امروز به من اطلاع داد که او بی‌اندازه نگران است از برای سلامتی قنسول و اتباع روس در اردبیل. شاهسونها تسلیم حاکم و علماء و اشخاص دیگر را که به قنسولخانه متحصن شده‌اند مطالبه می‌نمایند. ممکن نیست که نتیجه را پیش‌بینی نمود چون او مطمئن بود که قنسول تقاضای آنها را قبول نخواهد کرد. تلگراف آخری که از قنسول رسیده است به تاریخ دو روز قبل است. اگر حمله جدی به قنسولخانه بشود این صد نفر قزاق که در اردبیل هستند ابداً نخواهند توانست قنسولگری را محافظت کنند. ۶۰ کیلومتر مسافت مابین آستارا تا اردبیل است. دسته اول قشونی که به طرف اردبیل عازم شده است فردا به آستارا خواهد رسید. شاهسونها تعهداتی که در مقابل خلافهای مختلف خود از قبیل قتل یک نفر صاحب‌منصب روسی نموده بودند عمل نکرده‌اند. بعقیده من برای دولت روسیه فقط یک راه باقی است و آن هم فرستادن قشون کافی است که قلع و قمع از رحیم‌خان و اتباع او و شاهسونها بنماید.

مسیو ایزولسکی باز به عقیده سابق خود باقی بود که سعی دولت ایران برای جلوگیری از این اغتشاش بی‌فایده خواهد بود.

نمره - ۲۵۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۵ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۳ آبان ۱۲۸۸؛ ۲۱ شوال ۱۳۲۷] از طهران.

تلگراف ذیل از کفیل ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی عقیم تبریز رسیده است:

شاهسونها اردبیل را تصرف و غارت نموده‌اند. یاغیان ویس قنسولگری روس را محاصره کرده و تسلیم بعضی از متحصنین را مطالبه می‌نمایند. حاکم و اعضاء انجمن و قسمتی از اهالی در آنجا متحصن شده‌اند. ویس قنسول روس استدعای کمک فوری می‌نماید. ستارخان وارد تبریز گردید.

www.adabestanekave.com

نمره ۲۶۰

مراسله سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۳۱ اکتبر ۱۹۰۹ [۸ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۶ شوال ۱۳۲۷] از پترزبورگ

آقا

من از مسیو ایزولسکی دیروز سؤال نمودم که آیا خبر تازه‌ای از اردبیل برای او رسیده است مشارالیه جواب داد که امور در آن نقطه خیلی خراب است ولی در آنجا صد نفر قزاق هستند و امیدوار بود از اینکه آنها فقط می‌توانند جان اتباع روس را محافظت نمایند زیرا که این عدد قلیل نخواهند توانست محافظت اموال آنها را بکنند. من اظهار نمودم که دولت ایران قشون به فوریت برای رفع غائله می‌فرستد. مسیو ایزولسکی ناامید بود از

اینکه قشون ایران بتواند کاری بکند و به من اطلاع داد که او دولت ایران را مسئول هر نوع خسارت که به اتباع روس وارد بیاید خواهد دانست.

جناب ایشان اظهار نمودند کمیته‌ای که امور ایران را انجام می‌دهد اساساً مصمم شده‌اند که تقریباً تمام قشون قزوین را عودت داده فقط پنجاه الی شصت نفر قزاق به جهت قنصلخانه در آنجا بگذارند.

دستجات قزاق در رشت و انزلی گذارده خواهد شد ولی تمام اینها روی هم رفته بیش از یک فوج قزاق نخواهد بود. مابقی به روسیه مراجعت خواهند کرد. مشارالیه به مسیو پاکلاوسکی تلگراف نموده که به دولت ایران این مطلب را اطلاع داده و توضیح بدهد که این اقدام بلاشبهه خود یک نشانه از خلوص نیت دولت روسیه و آرزوی آن دولت در اینکه به هیچ وجه اشکالات برای دولت شاه فراهم نیآورد خواهد بود. در همان موقع به مسیو پاکلاوسکی گفته شد که به دولت ایران اخطار نماید که اگر در آینده اتفاقی روی دهد که دولت روسیه مجبور به فرستادن قشون شود اقداماتی که در آن وقت خواهد شد بدرجات بیشتر و جدی‌تر از این دفعه خواهد بود.

امضاء نیکلسن

۱ نوامبر ۱۹۰۹ [۹ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۷ شوال ۱۳۲۷] اعلان رسمی ذیل امروز منتشر گردید:

دولت امپراطوری صلاح چنان دیده است که در این موقع غیرلازمست اردویی که در ماه ژون گذشته به قزوین فرستاده شده بود بیش از این در آن نقطه توقف نمایند و مصمم شده است که قسمت بزرگتر آن قشون را به روسیه عودت دهد و فقط رژیمان^۱ قزاق لابیونسکی^۲ که جزء همین اردو بود در ایران باقی خواهد ماند. ۵۰ نفر از این فوج در قزوین توقف خواهد نمود برای محافظت قنصلخانه روس در آن شهر و مابقی فوج در رشت و انزلی برای تقویت مستحفظین قنصلخانه ساخلو خواهند شد. اگر اتفاقات آینده معاونت این قشون را لازم داشته باشد، دولت روسیه تعویق در اقدامات لازمه نخواهد نمود.

نمره - ۲۶۱

مراسله سر نیکلسن به سر ادوارد گری مورخه ۳ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۱ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۹ شوال ۱۳۲۷] از پترزبورغ آقا

من افتخار دارم از اینکه راپورت بدهم امروز روزنامه اخبار رسمی اعلام ذیل را انتشار داد:

(۱) رژیمان Règiment - فوج - هنگ

2) Labinsky

عناصر یاغی و طبایع سرکش ایل معروف شاهسون که در نزدیکی سرحد قفقاز سکنی دارند اغتشاش مملکت و سقوط کاهل حکومت ایران را غنیمت شمرده در این اواخر چندین مرتبه نواحی اردبیل ایران را که در مقابل قفقاز واقع است تاخت و تاز کردند. در تابستان امسال تا نزدیکی شهر اردبیل پیش رفتند و تا مدتی هم عبور و مرور قوافل تجارتنی را در راه آستارا و اردبیل و تبریز بواسطهٔ دزدی و غارت بکلی معطوع نمودند. به این سبب مقدار زیادی مالالتجاره روس که بایستی به تجارتگاه داخله ایران حمل گردد در بندر حاجی طرخان جمع شد. بواسطهٔ اقداماتی که قنسولگریهای ما در تبریز و اردبیل نمودند در آخر ماه «اوت» توانستند چندین کاروان از مالالتجاره که جمع شده بود در تحت محافظت قزاق روسی از راه مذاکره عبور دهند. در همین موقع شاهسونها شروع حرکت به طرف اوبه‌های خود کردند. لیکن در اوایل ماه اکتبر اخبار شیوع یافت که این عشایر دوباره خیال لشکرکشی به طرف اردبیل را دارند و بعلاوه این قصد تازهٔ آنها بواسطهٔ اتفاق قراداغیها به ریاست رحیم‌خان که در محاصرهٔ تبریز معروف شده بود شکل یک نوع اقدام پلنتیکی را پیدا کرد. شاهسونها و قراداغیها مخصوصاً به هواخواهی محمد علی شاه مخلوع و بر هم‌زدن مشروطهٔ ایران پیش می‌آمدند. نظر به اضطرابی که در اردبیل پیدا شده بود فرمانفرمای آذربایجان به ستارخان معروف حکم داد تا با دسته‌ای از مجاهدین بدان جا برتند و دستورالعمل به او داده شد که نظم را برقرار ساخته و جلوگیری از اجحافات مجاهدین آن ولایت که اکثر آنها از قفقاز آمده‌اند بنماید. ستارخان وقتی که وارد اردبیل شد بدو سعی کرد که قفقازیها را خلع سلاح نموده و از شهر خارج کند لکن در این فقره موفقیت حاصل نکرد و در همان وقت شاهسونها و قراداغیها نزدیک به اردبیل شده و بیرحمانه تمام دهات عرض راه را غارت می‌نمودند. اغلب مجاهدین ستارخان از او جدا شده و به تبریز مراجعت کردند. در ۱۲ اکتبر (که ۲۵ ماه فرانسه باشد) رحیم‌خان و شاهسونها داخل شهر اردبیل گردیده و مشغول جنگ با عدهٔ قلیلی از مدافعین شهر شدند. ستارخان و حاکم خود را در قلعه محفوظ داشته و شهر را به تقدیر واگذار کردند.

خبر تازه که رسیده مشعر بر این است که ستارخان به سرآب فرار کرده و شاهسونها او را محاصره نموده و تسلیم او را می‌خواهند و چون این اتفاقات به سرعت روی داد، دولت ایران امر نمود که از تبریز قشون به اردبیل فرستاده شود و ۲۰۰ نفر قزاق ایرانی با یک عرادهٔ توپ هم از بریگاد قزاق طهران اعزام گردد ولی بی‌پولی و عدم تکمیلات نظامی حرکت اردوی تبریز را به تعویق انداخت و اردوی طهران هم بواسطهٔ بعد مسافت تصور نمی‌شود که بزودی وارد اردبیل گردد. در این موقع فقط ویس قنسول روس مقیم اردبیل صد نفر قزاق و دو عراده توپ کوچک برای محافظت خود دارد و برای آنکه این عده کم برای محافظت اتباع روس متفرق نشوند ویس قنسول به تمام اتباع روس حکم داد که در یک نقطه در تحت حمایت قنسولگری جمع شده و اموال خود را در منازل خود بگذارند.

سفیر روس به دولت ایران اطلاع داد که دولت ایران مسؤل غرامت هر نوع خسارت مالی و جانی که به اتباع روس وارد شود خواهد بود.

در همین وقت کفیل ژنرال قنسولگری روس مقیم تبریز به رحیم خان اطلاع داد که

مسئولیت اتباع روس شخصاً به عهده او است. ویس قنصل روس نتوانست که اقدام مذکور فوق را به عمل بیاورد زیرا که اهالی از ترس جان فوراً خود را در خانه‌های اتباع روس پنهان کردند و نمی‌گذاشتند ایشان از منزلهای خود خارج بشوند. در این هنگام شاهسونها و قراداغیها ارك را سخت بمبارده می‌نمودند و چون قنصلخانه جنب ارك واقع است لهذا آن نقطه هم در آتش بود. نظر به این اوضاع و خطری که ویس قنصل و اتباع روس را تهدید می‌نماید دولت روس اقدامات برای فرستادن استعداد فوری از نقاط نظامی قفقاز برای قنصلگری نموده است، چرا که ورود قشون از تبریز یا قزوین به اردبیل زیادتر طول خواهد کشید. نیکلسن

نمره - ۲۶۲

مراسله سر بار کلی به سر ادواردگری مورخه ۲۵ اکتبر ۱۹۰۹ [۲ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۰ شوال ۱۳۲۷] از طهران. آقا

افتخار دارم که راپورت مستر کون کفیل ویس قنصلگری را که به سمت نمایندگی از طرف سفارت اعلیحضرتی همراه شاه سابق از طهران به انزلی رفته بود تقدیم نمایم. مسافرت بدون هیچ حادثه صورت انجام گرفت و من خوشوقتم از اظهار این مطلب که در مدت این مسافرت مناسبات مستر کون با همکار روس او و صاحب‌منصبان روس خیلی خوب بوده است.

بار کلی

ضمیمه در نمره ۲۶۲

راپورت مستر کون کفیل ویس قنصلگری. بر حسب امر و دستورالعمل وزیر مختار اعلیحضرتی من همراه شاه سابق ایران به سمت نمایندگی سفارت انگلیس از طهران تا انزلی رفتم. نماینده سفارت روس مسیو نیکراسو قنصل آتاشه سفارت بود. محمدعلی میرزا شاه سابق در ۹ سپتامبر از زرگنده به طرف انزلی حرکت کرد. ملکه سابق و اندرون همراه او بودند و مستحفظین او مرکب بودند از ۱۲۰ نفر قزاق ایرانی بسرکردگی یک صاحب‌منصب روس و سه سوار هندی از سفارت انگلیس و سه قزاق از سفارت روس. تمام این دسته در تحت فرمان کاپیتن خوبوف ادکان^۱ شاه سابق بودند. بعلاوه اتباع شخصی محمد علی میرزا اشخاص ذیل موقع را برای خارج شدن از مملکت

(۱) بهمین گونه است در اصل - شاید ادوکان = مربی باشد - م.

غنیمت شمردند: امیربهدادر جنگ برادر و برادرزاده او مجلل السلطنه، موقر السلطنه، ارشد الدوله و بارون استوواک (مصباح السلطان).

بواسطه بدی اسبهای که دولت ایران برای شاه سابق تهیه نموده بود حرکت خیلی آرام بود و در ۲۸ ماه سپتامبر وارد انزلی شدیم. در مسافرت حادثه‌ای اتفاق نیفتاد و در ۳۰ سپتامبر [۷ مهر ۱۲۸۸؛ ۱۴ رمضان ۱۳۲۷] محمد علی میرزا در کشتی نشسته به طرف روسیه عزیمت نمود. امیر بهادر و اشخاصی که با او بودند شب قبل حرکت کردند. هرچند امیر بهادر ظاهراً خوشحال بود ولی محض بی میلی شاه سابق نسبت به او رنجش خاطر حاصل نموده بود. در واقع در تمام مدت مسافرت شاه ابداً يك کلمه با او صحبت ننمود.

کون

نمره - ۲۶۳

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری مورخه ۹ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۷ آبان ۱۲۸۸؛ ۲۵ شوال ۱۳۲۷] از پترزبورغ. استعداد عازم اردبیل شده‌اند. من اطلاع حاصل نموده‌ام که اقدامی برضد شاهسونها نخواهد شد برای آنکه خسارت جانی برای روسها حاصل نشده است، هرچند که در موقع غارت ضرر مالی وارد آمده است. قشون روس نظم را در شهر برقرار خواهند کرد و اگر قشون ایران وارد گردد نخواهند گذاشت که در شهر جنگ بشود اگر چه مسیو ایزولسکی می‌گفت ممکن است در نقاط دیگر با شاهسونها جنگ نمایند. جناب وزیر به من اطلاع داد که رحیم خان به سراب وارد شده است و اظهار نموده است که با قزاقها و شاهسونها متفقاً به طرف طهران حرکت خواهد کرد.

نمره - ۲۶۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۱ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۹ آبان ۱۲۸۸؛ ۲۷ شوال ۱۳۲۷] از طهران.

غرب آذربایجان

مسیو پاکلاوسکی به من اطلاع داد که به قشون مأمور اردبیل همان دستور العمل که به قشون تبریز داده شده بود، داده شده است که در امور اداری مداخله نکرده ولی نگذارند در راه آستارا نزدی و غارت بشود و کاروانی را که احوال غارتی حمل می‌کنند توقیف نمایند. قشون در سرحد آستارا حاضر نگاه داشته خواهد شد ولی در صورت لزوم از سرحد حرکت خواهند نمود.

نمره - ۲۶۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۵ نوامبر ۱۹۰۹ [۲۳ آبان ۱۲۸۸؛ ۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۷].
شاه امروز عصر مجلس را افتتاح نمود.

نمره - ۲۶۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۷ نوامبر ۱۹۰۹ [۲۵ آبان ۱۲۸۸؛ ۳ ذی‌قعدة ۱۳۲۷] از طهران.
مسیو پاکلاوسکی تلگراف ذیل را که مفاد تلگراف ویس قنسول روس در اردبیل است برای من فرستاد:
بعد از دو روز مذاکره رحیم‌خان و اتباع او از شهر خارج شدند.
یک مجلس آداب مذهبی که در آن هم علماء و هم کشیشان ارانیه حضور داشتند برای شکرگذاری [= گزاری] از خلاصی شهر منعقد گردید و بعد هم از طرف قشون روس نمایشی داده شد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۶۷

مراسله سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۱۲ نوامبر ۱۹۰۹ [۲۰ آبان ۱۲۸۸؛ ۲۸ شوال ۱۳۲۷] از پترزبورغ.
من از مسیو ایزولسکی سؤال نمودم که آیا خبر دیگری از اردبیل برای ایشان رسیده است؟ گفتند خبر تازه که به ایشان رسیده این است که رحیم‌خان حاکم برای شهر معین کرده و حاکم هم با عده در ارك منزل کرده است. قسمت مهم قشون رحیم‌خان در اردوگاه مستحکمی نزدیک شهر اقامت دارند. رحیم‌خان از ویس قنسول روس ملاقات نموده و تقاضای خود را برای تسلیم اشخاصی که در قنسولخانه متحصن شده‌اند پس گرفته است و اظهار صداقت و با وفایی نسبت به روسیه نموده و پیشنهاد کرده است کله خوب است روسیه تمام نقاطی را که قشون او در آنجا توقف دارند تصرف نماید.
اهالی اردبیل از ورود قشون روس خوشحال شده و حالا تقاضای تبعیت روس را می‌نمایند. مسیو ایزولسکی گفت لازم به اظهار نیست که تمام خواهش و پیشنهادهای فوق رد شده است.

من سؤال نمودم که آیا رحیم‌خان در خصوص حرکت به طرف طهران اظهاری کرده است؟ جناب وزیر جواب دادند که نمی‌دانم چنین اظهاری کرده است یا نه! من گفتم از قراری که اطلاع حاصل نمودم استعداد کافی از طهران به طرف اردبیل حرکت کرده است. گفتند محتمل است جنگی واقع بشود. اگر قشون دولتی فتح کرد آن وقت معلوم خواهد گردید که دولت ایران می‌تواند بقوه خود نظم را در آن صفحه برقرار سازد

ولی اگر برخلاف، رحیم‌خان غلبه کند آن وقت به طرف طهران یا تبریز حرکت خواهد کرد و لازم است تا وقتی نتیجه این نزاع معلوم شود قشون روس در قزوین توقف نماید. مسیو ایزولسکی اظهار نمودند به‌وجب اخبار واصله به ایشان اوضاع تبریز خوش نیست. ظاهراً نفاقی مابین ستارخان و فداییهای او از یک طرف و با فرمانفرمای آذربایجان از طرف دیگر ظهور دارد و قسول روس بیم آن را دارد که ممکن است اغتشاش روی دهد.

نمره ۵ - ۲۶۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳۰ اکتبر ۱۹۰۹ [۷ آبان ۱۲۸۸؛ ۱۵ شوال ۱۳۲۷] از طهران.

بعد از راپورت آخری که در خصوص اوضاع فرستادم اغتشاش در شرق آذربایجان بروز نموده رحیم‌خان و شاهسونها اردبیل را تهدید می‌نمایند. از قراری که می‌گویند رحیم‌خان اظهار کرده است که برای محمد علی میرزا قیام نموده و این اقدامات را می‌نماید ولی سابقه او نشان می‌دهد که مقصود او غارت است و خیال سیاسی در سر ندارد. دولت ایران سعی کاهل به عمل می‌آورد که دفع این سردسته دزدان غارتگر را بکند.

مخبرالسلطنه از تبریز ۱۵۰۰ نفر استعداد برای ستارخان فرستاده است که همراه خود او ۱۰۰۰ نفر موجود است ۱۵۰۰ نفر هم از طهران اعزام شده است. این قشون اخیر خوب جنگ خواهند کرد چون مرکب است از عده‌ای قزاق ایرانی و بختیاری و ۳۰۰ نفر مجاهد (داوطلبهای ملتی که در رولوسیون [= انقلاب] با سپهدار بودند) در تحت فرمان بیرم که در واقع روح قشون سپهدار بود و بعد از آن هم در ریاست پلیس طهران کارهای بسیار خوب کرده است.

اطلاعاتی که برای من رسیده است نشان می‌دهد که به استثنای اردبیل نظم و امنیت در سایر ایالات نسبتاً خوب است.

سید عبدالحسین لاری به طهران احضار شده است و من دیگر نشنیده‌ام که بواسطه این سید لنگه مورد خطری واقع شده باشد.

ایزدخواست که سرحد مابین فارس و اصفهان است بواسطه ایل کوه کیلویه [کهگیلویه] خیلی ناامن است و بغیر از این نقطه اوضاع راههای جنوب بهبودی حاصل کرده است. راههای از یزد به اصفهان و کرمان برای کاروان باز شده است و قوافل شروع به حرکت در راه بوشهر و شیراز نموده‌اند. اگر چه من امروز صبح اطلاع حاصل نمودم که قشقاییها راه مابین کازرون و شیراز را بسته‌اند.

در طهران هیچ علایم اغتشاش نیست و راه رشت به طهران هم خوب است.

در اوایل بیان این وقایع نقاری مابین مجاهدین پیدا شده بود ۶۰ الی ۷۰ نفر از مجاهدین یک متینگی داده و شاکمی بودند که سپهدار موجب ایشان را به طور تناسب نمی‌دهد اخبار وحشتناک در این خصوص شیوع پیدا کرد ولی این حرکت مجاهدین بکلی از روی مسالمت بود و ابداً جای آن نبود که تصور اغتشاش بشود. سپهدار رئیس‌الوزراء

در یکی از این متینگها حاضر شده و ظاهراً رفع شکایت آنها را نموده است زیرا که دیگر از این قبیل نمایشها داده نشد.

اوضاع دولتی تقریباً همان طوری که چهار هفته اخیر بود باقی است ظاهراً ملتیان عمده با دولت متفق هستند چنانکه وثوق الدوله یکی از آنها داخل کابینه شده و به وزارت عدلیه بجای فرمانفرما برقرار گردیده است.

از قراری که می گویند فرمانفرما محض آن استعفاء داده است که در کابینه آتی کار بهتری پیدا کند. در هر صورت عقیده عموم آن است که بعد از افتتاح مجلس کوشش زیاد خواهد شد که وزرای حالیه را به هم بزنند.

بیش از شصت نفر وکیل می گویند در طهران حاضرند. عده ای که می شود با آن عده مجلس منعقد گردد ۶۱ نفر است ولی چون انتخاب بعضی از وکلاء ولایات که به طهران آمده اند شاید موافق قانون نشده باشد به این جهت تا دو هفته دیگر مجلس باز نخواهد شد.

همکار روس من پیشنهاد نموده است که قسمت عده قشون روس در قزوین مراجعت نمایند.

(متمم این مراسله): ۳۱ اکتبر [۱۸ آبان؛ ۱۶ شوال] بعد از نوشتن مطلب فوق همکار روس من اطلاع داد که دولت متبوعه او مصمم شده است که قسمت عده قشون قزوین را مراجعت دهد که ۶۰ نفر در قزوین و ۴۰۰ نفر الی ۵۰۰ نفر عجلتاً در رشت و انزلی باقی خواهند ماند.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۶۹

مراسله سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۴ نوامبر ۱۹۰۹ [۱۲ آبان ۱۲۸۸؛ ۲۰ شوال ۱۳۲۷] از طهران.

آقا

من افتخار دارم که لفاً مجملی از وقایع چهار هفته اخیر ایران را بطور معمول برای شما بفرستم.

بارکلی

ضمیمه در نمره ۲۶۹

مجملی از حوادث اخیر که انتهای آن ۴ نوامبر است

طهران

وثوق الدوله یکی از رؤسای ملتیان بجای فرمانفرما وزیر عدلیه شده است. این تعیین کار تازه ای است به جهت آنکه وثوق الدوله تا بحال هیچ وقت داخل وزارتت نبوده است. ناصرالملک در ۳۰ اکتبر وارد طهران شد. هیئت دولت هنوز تا افتتاح مجلس به طور

هوقتی است. کمیته که هرچند روز يك مرتبه برای مذاکرات در امور عمومی منعقد می‌گردد وزراء را در کارها کمک می‌کنند. صورت مذاکرات این کمیته در روزنامه‌ها درج می‌شود. از این مذاکرات همچو معلوم می‌شود که این کمیته به شکل يك پارلمان موقتی حرکت می‌نماید. پلتیک خارجی و داخلی مملکت در این مجالس گفتگو می‌شود. اعمال وزرا را تنقید می‌نماید و همچنین يك نظارت غیررسمی در امور دولتی دارد.

در طهران تقریباً ۶۴ نفر وکیل که این عده قدری بیش از عده کافی برای انعقاد مجلس است حاضر شده‌اند. ازقراری که می‌گویند وکالتنامه بعضی از نمایندگان ولایات صحیح نیست به این سبب مایل‌اند که عده مکفی از وکلاء حاضر بشوند تا اینکه اطمینان از عده مقررہ برای رسمیت پیدا کردن مجلس حاصل گردد. بعلاوه عمارت مجلس که در بمباردهان ۱۹۰۸ تقریباً خراب شده بود مشغول مرمت هستند و هنوز هم به هیچ وجه تمام نشده است ولی امید است که قبل از آخر ماه نوامبر مجلس منعقد گردد.

چرچیل

تبریز

۱۹ نفر از نمایندگان آذربایجان برای مجلس شوری انتخاب شده‌اند. آنها روی هم رفته اشخاص بی طرف هستند و اگر رئیس دسته آنها شخص کافی باشد خیلی مفید برای اجزای اصلاحات خواهند بود. ۵ نفر از آنها که تقی زاده و مستشارالدوله هم جزو آنها هستند اعضای مجلس سابقند. در این نوزده نفر فقط چهار نفر از ملاءهای جزو هستند و این مطلب که در واقع يك اثر مهم انتخابات است کاسته شدن نفوذ علماء را نشان می‌دهد ۱۷ نفر از این ۱۹ نفر وکیل متعلق به شهر تبریز است. جای تأسف است که نمایندگان کافی از طرف سایر شهرها و نواحی دوردست انتخاب نشده‌اند ولی این مسئله تا يك اندازه راجع بخود قانون انتخابات است. به عقیده فرمانفرمای آذربایجان طریق انتخاب مستقیم حق انتخاب را در کلیه توابع ایالت بهتر و معتدلتر به موقع اجراء می‌گذاشت. باستثنای اردبیل سایر نقاط آذربایجان خواهوش است. اغتشاش اردبیل بواسطه رحیم خان است که بعد از آنکه قشون روس اهر را تخلیه نمودند او جمعیتی فراهم کرده و شاهسونها را که بعضی از رؤسای ایشان در تحت اطاعت دولت آمده بودند تحریک به یاغیگری نمود. این دو قوه متفقاً در ۲۲ اکتبر تقریباً اردبیل را محاصره نموده و جنگ زیادی هم واقع شد.

بواسطه قطع سیمهای تلگراف وصول اخبار خیلی به تعویق افتاد.

ایالت اقدامات فوری برای تهیه استعداد و فرستادن به استخلاص ستارخان که با هزار نفر در اردبیل محصور است بعمل آورد تا در ۲۸ اکتبر باقرخان با هزار و پانصد نفر سواره و پیاده از تبریز حرکت نمود. صمدخان هم ۸۰۰ نفر در مراغه حاضر کرده است که بمحض امر حرکت نماید. ضمناً ایالت رشیدالملک را با صد نفر قزاق ایرانی برای مذاکره با یاغیان به سرآب فرستاد. ژنرال قنسول روس کاغذی به رشیدالملک داد که به رحیم خان ارائه بدهد. مدلول آن نوشته این بود که او شخصاً مسئول خسارت وارده بر جان و مال تبعه روس

خواهد بود.

مسیو میلر يك چنین دستورالعملی به ویس قنصل روس مقیم اردبیل فرستاد که به رحیم خان پیغام بدهد امید است که این مذاکرات نتیجه خوبی ببخشد.

از طهران قشونی که مرکب از ۱۶۰۰ نفر به انضمام سه عراده توپ است به ریاست مسیو پیرم رئیس پلیس بصوب اردبیل فرستاده شد.

۲۰۰ نفر قزاق ایرانی با ۴ عراده توپ از طهران و ۲۰۰ نفر سوار اینانلو از زنجان که برای فرمانفرمای آذربایجان اعزام شده بود در ۲۲ ماه اکتبر وارد تبریز شدند.

تخفیف در قشون روس متوقف در آذربایجان در ۱۷ اکتبر شروع نمود و يك باطری توپ صحرايي و ۲ گروهان پیاده از تبریز به طرف روسیه حرکت کردند.

در ۱۹ همین ماه دو گروهان پیاده و نیم گروهان ساپورا و عده ای اسب و آدم از باطری توپهای کوهستانی مراجعت کردند. در ۲۱ ماه اکتبر ژنرال اسنارسکی و اجزاء او عزیمت کردند. در ۲۳ اکتبر ژنرال قنصل روس اظهار داشت که هزار نفر در تبریز و صد نفر پیاده در ارومیه و صد قزاق در اردبیل باقی است.

قزوین

۱۶۰۰ نفر از قشون روس هنوز در قزوین است و در این ماه اخیر دستجات قشون در منازل بین راه رشت گذاشته شده است. دولت روسیه مصمم گردیده است که تمام قشون خود را غیر از ۶۰ نفر در قزوین و ۴۰۰ نفر در رشت و انزلی بقیه را خارج نماید.

رشت

آرامی برقرار است. از قراری که می گویند حکومت با انجمن محلی ضدیت دارند ولی ضدیت هنوز علنی نشده است چون عده ای قزاق ایرانی از طهران به رشت وارد شد بیشتر از مجاهدین قفقازی را مرخص نمودند.

زنجان

مذاکرات مابین دولت و ملا قربان علی تا آخر ماه اکتبر در جریان بود. بعد ترتیب خوبی داده شده و حکومت وارد زنجان گردیده و به کار خودش مشغول شد.

مشهد

این نقطه آرام مانده است. هرچند که ایالت و انجمن محلی دارای هیچ گونه اقتداری نیستند.

به موجب راپورت فقدان پول و نبودن کار در تزاید است. نظر به حکم اکیدی که از طرف وزیر داخله شده است مجاهدین محلی اسلحه خود را تسلیم و در يك مکان جمع کرده اند ولی باز هم از آنها مسلح در معابر دیده می شوند.

اصفهان

شهر و اطراف منظم است. صمصام‌السلطنه اظهار میل به دادن استعفاء نموده است. به استثنای راه شیراز در نزدیکی ایزدخواست که کوه گیلویه [کهگیلویه]ها چندین کاروان و دهات را غارت کرده‌اند سایر راهها امن است. کوه کیلویه‌ها قزاقان ایرانی را که در ۱۱ ماه اکتبر از اصفهان به طرف شیراز حرکت می‌کردند در شمال ایزدخواست نگاه داشته‌اند. استعداد بختیاری برای باز نمودن راه فرستاده شده است.

کاشان

نایب حسین هنوز آزاد است ولی استعداد برای گرفتاری او فرستاده شده است. مأمورین ایرانی در اصفهان از ژنرال قسولها خواهش نموده‌اند که اگر نایب حسین خواست به قسولگریها متحصن شود به او اجازه ندهند.

سلطان آباد

مستر استروس کفیل ویس قسولگری خبر می‌دهد که اهالی عراق [اراک] از دست بختیاربها به کلی بجان رسیده‌اند. بعد از آنکه واقعه غارت کردن حسین خان ضرغام بختیاری بلوک کزاز را به طهران خبر رسید وزیر داخله به برادر خود حاجی خسروخان حکم نمود که از بختیاری به عراق [= اراک] رفته مرتکبین را تنبیه و اموال مسروقه را به صاحبان آن مسترد سازد. حاجی خسروخان به طرف عراق [= اراک] حرکت کرد و در پانزدهم ماه اکتبر به طهران تلگراف نمود که دستورالعمل را به موقع اجراء گذاشته است. مستر استروس می‌گوید که مطلب از این قرار نیست و اظهار می‌دارد که حاجی خسروخان با حسین خان ضرغام متحد شده چند پارچه ده و ۵ ایل لر را غارت کرده و گله و گوسفند زیادی به سمت بختیاری برده‌اند.

سفیر اعلیحضرتی دقت نظر وزیر داخله را به این راپورت مستر استروس جلب نموده وزیر داخله قول داد که در این خصوص رسیدگی خواهد نمود. در سلطان آباد یک ملای مهمی است که موافق راپورت مستر استروس بختیاربها با او خیلی همراه هستند و اهالی را خیلی اذیت می‌کنند از قرار معلوم حاکم حالیه بدتر از بی‌فایده است.

یزد

در بیست و هشتم ماه سپتامبر تفتنیها يك ده پارسی موسوم به قاسم آباد را غارت نموده مرد و زن را کتک زده و بعلاوه غارت زیاد سه نفر مرد را هم با خود بردند. محبوسین را پس از صده زدن و پول گرفتن رها کردند.

در بیست و نهم ماه اهالی قاسم آباد و عده‌ای از پارسیها و تجار و غیره شهری محض شرارت تفتنیها که در این موقع دزدی و غارت و کارهای دیگر در اطراف یزد می‌کردند به ویس قسولگری انگلیس متحصن شدند. آنها تا نوزدهم ماه اکتبر در تحصن باقی بودند تا اینکه حاکم جدید سردار جنگ بختیاری وارد شده و به آنها اطمینان داد که از ایشان

حمایت کرده و نقتیها را تنبیه خواهد نمود. ورود حاکم جدید اثر خوبی به اوضاع بخشیده است. راهها باز و امن است.

کرمانشاهان

صلح مابین دو دسته بتوسط داودخان رئیس ایل کلهر داده شده است. امنیت خارج شهر را به او سپرده‌اند و کمینته از اعیان ولایت نظم داخل شهر را به عهده گرفته‌اند. چون از طهران قشون برای حکومت نرسیده است حاکم هم به دولت اطلاع داده که مسئولیت را برعهده نخواهد گرفت. اخبار نفاق در پایتخت لطمه به امور وارد آورده است و تا مدتی که کارها در مرکز به یک اساس محکمی پایدار نشود هیچ انتظار اصلاح در امور ولایتی نباید داشت.

دولت مرکزی داودخان را به ریاست ایل کلهر منصوب نموده است. مشارالیه تمام رؤسای ایل را جمع نموده و آنها را قسم داده است که همیشه با او همراه باشند. می‌گویند داودخان به آنها گفته است مالیات را ندهید و غارت هم نکنید ولی حمله به زوار و اموال تجار نیاورید.

اگر اوضاع جدید به همین حال باقی بماند و از داودخان بخواهند که امنیت را برقرار سازد مشارالیه خواهد گفت که این کار ممکن نیست مگر آنکه به رؤسا پول داده شود تا آنها پلیس مخصوص تشکیل بدهند.

اغلب از اموالی که به سرقت رفته بود و در راپورت ماه گذشته درج شده بود به صاحبان آنها مسترد ساختند.

کرمان

شهر و اطراف آرام مانده‌اند. رفعت نظام را از بم به طهران احضار نمودند ولی اهالی دکاکین را بسته و به تلگرافخانه بست رفته‌اند که نمی‌گذاریم مشارالیه حرکت کند، چونکه او آنها را از حمله بلوچ حفظ می‌نماید. رفعت نظام در ۲۸ ماه سپتامبر به طرف طهران عزیمت نمود می‌گویند که تمام رؤسای بلوچ مابین خود صلح نموده و هر یک از آنها نقاط و قلعه‌های خود را در دست دارد.

شیراز

حکمران جدید سهام‌الدوله جدیدت فوق‌العاده برای ترتیب اداره ایالت نموده است و چندین اداره با مشاغل معلومه را تشکیل داده است از قبیل عدلیه - نظمی - قشون مالیه و امور ایلاتی مشارالیه اصرار دارد که ادارات مذکوره وظایف خود را انجام دهند. نصرالدوله را تمکین محض کرده است و او را مجبور می‌نماید که در تمام کارهای رسمی با حکومت همراه باشد. نشانه اول ورود او به دار زدن یک نفر لوطی معروف نوکر نصرالدوله بود. این کار و سیاستهای دیگر اقتداری برای او حاصل نموده است.

عجالتاً تمام مخالفین او بی حرکت شده‌اند ولی حکمران دشمن زیاد مخصوصاً مابین علماء پیدا کرده است و قنسول اعلیحضرتی گمان می‌کند که اگر او بتواند خود را نگاه دارد در واقع معجزه کرده است.

حکمران جدید مبلغی از دعاوی اتباع انگلیس را تأدیه نموده و برای مابقی هم مشغول قرار و مدار است.

اوضاع عمومی را اجمالاً می‌توان این طور بیان کرد که حکمران جدید بواسطه اطمینانی که به شخص خود دارد و با جدیتی که هیچ‌امر مشکلی را صعب نمی‌شمارد تمام اشخاص را که با او طرف شده‌اند ترسانده است ولی احتمال نمی‌رود که نایب‌های او در ولایات جزو همین اثر را ببخشند و هنوز معلوم نیست که اگر ضدیتی با او بکنند بتواند مقاومت نماید مگر آنکه قوه از مراکز برای او برسد.

چیزی که معلوم نیست عقیده ایلات در حکومت جدید است.

سید عبدالحسین لاری که به طهران احضار شده است ورود او به شیراز ممکن است اسباب اغتشاش بشود.

مستر بیل گمان می‌کند که بهتر آن است که مستحفظین قنسولگری توقف خود را مداومت بدهند تا اینکه یا قشون از طهران برسد و یا فارس از خطر سید ایمن شود.

حیدرخان کهارجی از زخمی که یکی از نوکرهای او به او زده وفات یافت و اتباع او از کازرون حرکت کردند.

راه مابین کازرون و کنارتخته از قراری که راپورت رسیده خیلی ناامن است. می‌گویند این راه در دست ایل قشقایی است و آنها مشغول چپاول هستند. خیلی جای تأسف است که اغتشاش در این راه دومرتبه شیوع پیدا کرده است زیرا که کاروان به تازگی شروع به حرکت از این راه به بوشهر کرده بود.

خلیج فارس

بوشهر

انجمن محلی هفته‌ای دو سه مرتبه منعقد می‌گردد ولی ظاهراً کار مهمی از پیش نمی‌برد. به تحریک عامل سید عبدالحسین لاری انجمن به طهران تلگراف نهوده و سید را مشروطه خواه و بی‌تقصیر از یغما و سایر کارهایی که درباره او گفته شده معرفی کرده است. از مرکز جواب داده‌اند که انجمن در این خصوص مداخله نکند.

لنگه

در ۳۰ سپتامبر قنسول اعلیحضرتی مقیم بندرعباس به بوشهر تلگراف کرده است که از آژان ززیدانس لنگه برای او راپورت رسیده که سید عبدالحسین لاری بستک را تصرف نموده و اهالی لنگه خیلی در اضطرابند و عده زیادی هم از آنجا خارج شده‌اند. حکومت که در بندرعباس است به کاپیتن ری اطمینان داد که شهر محفوظ خواهد بود چون او کشتی پرسپلیس را با قشون برای حفظ شهر فرستاده است.

محمیره

فخرالملك حاکم جدید عربستان [خوزستان] در اواخر ماه سپتامبر مشغول کار خود گردید. ورود او مقارن شد با تجدید دزدی در راه شوشتر و دزفول. در این راه ایل سگوند ۷۰۰ مال بارکش و بارهای آن را غارت کرده. حاکم از قرار معلوم بدون قدرت است. دولت مرکزی از سردار ارفع خواهش نموده است که مثل سابق که حاجی سیفالدوله حاکم بود باز هم در معنی حکومت عربستان [خوزستان] را بعهده بگیرد. سردار ارفع اظهار کرده است که این تعهد را نخواهد کرد زیرا که فخرالملك بدون مشورت او به حکومت تعیین شده مسئولیت حکومت عربستان هم باید به عهده او تنها باشد. سردار ارفع نماینده خود را از شوشتر و دزفول احضار کرده است. شروع اغتشاش را مترصد باید بود.

ماژور استوکس آتاشه میلیتر

نمره - ۲۷۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۴ نوامبر ۱۹۰۹ [۲ آذر ۱۲۸۸؛ ۱۰ دی قعدة ۱۳۲۷] - از طهران

اوضاع شرق آذربایجان

راجع به تلگراف ۱۱ نوامبر من:

کفیل ژنرال قنسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز به من اطلاع می دهد که ۳۲۰۰ نفر فزون روس اردبیل را تصرف نموده و فوجی را که من راپورت داده بودم در آستارا حاضر خواهند بود، یقیناً داخل در عده مذکور فوق هستند.

نمره - ۲۷۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۵ نوامبر ۱۹۰۹ [۳ آذر ۱۲۸۸؛ ۱۱ دی قعدة ۱۳۲۷] از طهران.

مسیو پاسک ژنرال قنسول روس مقیم بوشهر و مسیو کاولوبوسکی کفیل ژنرال قنسولگری بوشهر از شیراز به بوشهر عزیمت می کردند. در دومنزلی خارج شیراز نزدیک دشت ارژن بویراحمدی که طایفه ای از ایل کوه کیلویه [کهگیلویه] هستند به آنها حمله برده چندین نفر از همراهان ایشان مجروح و یک نفر قزاق روسی مقتول شده است. مسیو پاسک با همراهان خود به خان زینان^۱ مراجعت نمودند. مستر ولات طبیب تلگرافخانه به اتفاق قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز با عده ای سوار هندی و ایرانی به کمک آنها رفته. من این اقدام مستر بیل را که همراه مستر ولات رفته است تصویب نمودم زیرا که رفتن طبیب تنها با ایرانیها برای طبیب خطر داشت.

نمره - ۲۷۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۵ نوامبر ۱۹۰۹ [۳ آذر ۱۲۸۸؛ ۱۱ ذی قعدة ۱۳۲۷] از طهران.

راجع به تلگراف ۲۵ نوامبر:

مسیو پاکلاوسکی به من اطلاع داد که چندین کاروان که بلاشک محض امنیت با مسیو پاسک همراه شده بودند دیروز صبح ۲۵۰ نفر از ایلات به آنها تاخت آورده و مقتولین علاوه بر اشخاصی که در تلگراف سابق خود ذکر کردم عبارت است از ۱۲ نفر ایرانی که يك نفر آنها رئیس مستحفظین کاروان بوده است. جنگ يك ساعت و نیم طول کشید. ایلات کاروان را غارت کردند.

نمره - ۲۷۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۷ نوامبر ۱۹۰۹ [۵ آذر ۱۲۸۸؛ ۱۳ ذی قعدة ۱۳۲۷] از طهران.

(خواهش می‌کنم رجوع به تلگراف ۱۸ ماه ژویه من نمایید)

دولت ایران به من اطلاع داد که مجلس تعیین عضدالمک را به نیابت سلطنت تصویب نمود.

نمره - ۲۷۴

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری مورخه ۲۸ نوامبر ۱۹۰۹ [۶ آذر ۱۲۸۸؛ ۱۴ ذی قعدة ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

دیروز در ضمن ملاقات، مسیو ایزولسکی در خصوص اتفاق تأسفانگیزی که در جنوب ایران روی داده است با من مذاکره نمود.

جنات وزیر اظهار داشته که در يك موقع دیگر هم همین ایلات حمله به کفیل ویس قنسل روس برده‌اند و هیچ اقدامی از طرف دولت ایران به عمل نیامد. این دفعه دولت روسیه تنبیه مرتکبین و تأدیه خسارات را حتماً مطالبه خواهد کرد و در این باب پیشنهاد به دولت ایران خواهد شد. جناب ایشان گفتند که این نوع حوادث است که مراجعت قشون روس را به تعویق می‌اندازد.

نمره - ۲۷۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۸ نوامبر ۱۹۰۹ [۶ آذر ۱۲۸۸؛ ۱۴ ذی قعدة ۱۳۲۷] از طهران.

کفیل ژنرال قسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز به من اطلاع می‌دهد که شاهسونها به

قشلاق خود در مغان و رحیم‌خان به قرارداد مراجعت نمود.

نمبره - ۲۷۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۹ نوامبر از طهران.
تلگرافی از کفیل قنولگری اعلیحضرتی مقیم شیراز برای من رسیده است که مشعر
است براغتشاش دیروز شهر.
اشرار عمارت حکومتی را چاپیده‌اند و حاکم مجبور شده است از دارالحکومه فرار
نماید.

اغتشاش موقتاً تخفیف یافته است ولی مستربیل بیم از آن دارد که مجدداً شروع بشود
و گمان نمی‌کند که حکومت بتواند اقتدار خود را پایدار نماید. در این دو هفته اخیر
هیجانی در شیراز بود ولی من از جزئیات آن اطلاعی ندارم. حاکم مکرر اظهار داشته
است که اگر قشون برای کمک او فرستاده نشود استعفاء خواهد داد و من نمی‌دانم اگر او
استعفاء کند کی بجای او منصوب خواهد شد.
من به دولت ایران فشار آورده‌ام که استعدادی به آن صوب بفرستند. می‌گویند که یک
فوج از اصفهان به طرف شیراز حرکت کرده.

نمبره - ۲۷۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳۰ نوامبر ۱۹۰۹ [۸ آذر ۱۲۸۸؛ ۱۶
ذی‌قعدة ۱۳۲۷] از طهران
مسیو پاکلاوسکی به من اطلاع می‌دهد که دولت روسیه مصمم شده که اکثر قشون خود
را از اردبیل خارج نماید.
تمام شد ترجمه ایران نمبره (۱) سال ۱۹۱۰ که متمم وقایع ایران نمبره ۲ (۱۹۰۹)
است و مشهور به کتاب آبی است. بتاریخ:
دهم شهر شعبان ۱۳۳۰ هجری مطابق ۲۶ ماه ژویه
۱۹۱۲ میلادی